شیعیان عراق

نقش و جایگاه آنان در ساختار سیاسی آینده عراق

و تأثیر آن بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

مجمع جهانی شیعه شناسی

علی نادری دوست

بسم الله الرحمن الرحیم

شیعیان عراق: نقش و جایگاه آنان در ساختار سیاسی آینده عراق

نویسنده:

علی نادری دوست

ناشر چاپی:

مجمع جهانی شیعه شناسی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شیعیان عراق: نقش و جایگاه آنان در ساختار سیاسی آینده عراق

مشخصات کتاب

سرشناسه : نادری دوست، علی

عنوان و نام پدیدآور : شیعیان عراق: نقش وجایگاه آنان در ساختار سیاسی آینده عراق و تاثیر آن بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران/ مولف علی نادری دوست؛ ویراستار سید علی سجادی بهسودی؛ [برای] مجمع جهانی شیعه شناسی.

مشخصات نشر : قم: آشیانه مهر، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۳۴۴ص.: مصور، نقشه.

شابک : ۳۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۴۹۷۶-۵-۵

یادداشت : کتابنامه: ص. ۳۰۹- ۳۴۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : شیعه -- عراق

موضوع : شیعه -- سرگذشتنامه

موضوع : ایران -- روابط خارجی -- عراق

شناسه افزوده : سجادی بهسودی، سیدعلیویراستار

شناسه افزوده : مجمع جهانی شیعه شناسی

رده بندی کنگره : BP۲۳۹ /ن۱۶ش۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۹۵۵۰۲

ص: ۱

اشاره

فهرست

۲-۴ – عوامل گرایش به آیین شیعه در میان قبیله ها و هم پیمانی ها ۶۷

ص: ۸

۳- عراق، مدخل طرح خاورمیانه بزرگ. ۱۵۲

ص: ۱۰

یمن. ۲۲۴

ص: ۱۲

ص: ۱۴

ص: ۱۵

مقدمه استاد انصاری بویراحمدی

شیعیان عراق از نظر تعداد، غنای عقیدتی و ایدئولوژیک، پویایی سیاسی، قداست و مشروعیت از اهمیت فوق العاده ای برخوردار هستند.

عراق یادگار بزرگترین حماسه های صدر اسلام با قهرمانی وصی رسول خداصلی الله علیه وآله و مرکز اصلی اولین حکومت ناب شیعی و اسلامی است، که به دست مبارک حضرت علی علیه السّلام تأسیس گردید.

کشور عراق با محوریت نجف اشرف کانون اصلی مطالعات شیعی در طی قرون و اعصار متمادی بوده و موطن اصلی و مرکزی جهان تشیع به حساب می آمده است.

امّا متأسفانه، با حمایت سلاطین و حکام جور، از اقلیت سنی و تعصبات شدید جاهلانه مذهبی علیه تشیع، منطقه دارای تحولات و تغییرات عمدهای گردید. با تغییر توازن منطقه ای و برتری اقلیت سنی، شیعه در انزوای کامل قرار گرفت. کشتار و شکنجه، غارت و تبعید محدودیت و مظلومیت، تبعیض گسترده

ص: ۱۷

و فراگیر علیه شیعیان آغاز گردید.

بـا انواع تبعیضـهای مـذهبی، فرهنگی، سیاسـی، اقتصـادی، قـانونی و .... ضایع شـدن حقوق فردی و اجتماعی این اکثریت زجر کشیده و طرد شده به اوج رسید.

در این بین شیعیان هرگز دست از مبارزه و استقامت برنداشتند.

با وجود همه فشارها، اختناقها، سختگیری ها و مصائب فراوان به ویژه در دوره آخر حاکمیت صدام، شیعیان همچنان پرشور در انجام اعمال مذهبی و راسختر و استوارتر به مبارزه خود ادامه میدادند.

حاکمـان عراق هیچگاه حقی برای مشارکت شـیعیان در امور سیاسـی کشور خود قائل نشدنـد، تا اینکه رسـتاخیز عمومی شـیعه عراق در صحنه سیاسی و امور سرنوشت ساز خویش آغاز گردید.

تشیع به عنوان مکتبی فرجام گرا، انقلابی، ظلم ستیز با سیستم ایدئولوژیک و جهان بینی الاهی می تواند به سرعت منشأ آثار و پیامدهای فراوان اجتماعی و سیاسی گردیده و در نهایت شیعیان را نجات دهد.

نتیجه این رستاخیز بزرگ، اضمحلال رژیم سفاک و خون آشام بعث صدام، بشارت آینده ای نوین و با عظمت برای عراقیان و گـذار قـدرت از اقلیت بعث نامشـروع، به اکثریت شـیعه گردید. شـگفت انگیزترین رویداد این گذار، نقش کلیدی و مرجعیت شیعه در مشـروعیت و قـداست بخشـی روزافزون به اکـثریت شـیعیان بوده است. همچنین رهـبری و مشـارکت جـدی علمـا، در حمایت و هدایت

مبارزه گسترده و دامنه دار شیعیان طی دهها سال، صبوری و یکپارچگی آنان در مقابله با فتنه ها و مصائب پیشروی، ساختار نیرومند سازمانی و نظامی گروه ها و حزب های با تجربه شیعی، تسلط جمعیتی و نظامی آنان بر پایتخت و شهرهای بزرگ و مهم عراق، از جمله مهمترین عوامل تأثیرگذار در گذار قدرت از اقلیت به اکثریت شیعه در کشور عراق بوده است.

امریکا و همراهان اشغالگر با پیش بینی تاریخ این گذار قدرت به شیعیان، با حمله و اشغال عراق در تسریع روند اجرائی آن تأثیرگذار بوده اند.

البته هدف اصلی اشغالگران به یغما بردن دفاین و خزائن، منابع طبیعی و ثروتهای ملی، استثمار و نابودی نیروی انسانی، ترویج فساد و انحطاط اخلاقی، دستیابی به منابع عظیم انرژی از جمله نفت، تسلط بر مناطق حساس سوق الجیشی و در نهایت جلوگیری از استقرار کامل حکومت شیعی بوده است.

به همین دلیل عامل اصلی بیثباتی، نا امنی، فرار مغزها، سرمایه ها، تفرقه مذهبی، توهین و تعرض به مقدسات و عامل همه فتنه ها همین اشغالگران ظاهر الصلاح بودهاند.

مقبولیت کنونی شیعیان در ابعاد اجتماعی و نظام سیاسی وارد مرحله جدیدی گردیده و عدم پذیرش این مهم برای اشغالگران و سرسپردگان منطقه ای آنان محسوس و مشهود است. لذا ضروری است شیعیان تمام همت خود را در حفظ هویت جامعه شیعی به کار گرفته و در راه احیاء و استقرار کامل اسلام ناب

محمدی صلی الله علیه وآله از هیچ کوششی فرو گذار نباشند.

ضرورت آن است که، کشور عراق یکپارچه و مستقل بوده و همه گروهها، اعم از شیعه، سنی، کرد، ترکمن و ... در انسجام اسلامی و اتحاد ملّی مشارکت جدی و فعال داشته باشند.

گرچه با شبهه افکنی های مزورانه داخلی و خارجی، تهمتهای ناروایی که فاقد اصالت، تقریر برهان و نظم منطقی است، به شیعیان مظلوم نسبت میدهند، به دنبال این نسبتهای دروغین گروهی از سنیهای عوام و خوش باور و یا مغرض و متعصب تحت تأثیر قرار گرفته و بر علیه شیعه معاندت و دشمنی نموده و از این طریق خسارات جبران ناپذیری اعم از جانی و مالی و معنوی به بار آورده اند.

اما به حکم آیات الاهی {انما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم}(۱) و { و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا}(۲) وظیفه شرعی و قانونی همگان است، در جلوگیری از تفرقه، برادر کشی و ایجاد وحدت مسلمین تلاش نمایند؛ که در واقع اتحاد درمان اصلی تمام فتنه ها، فسادها، جدال های بیهوده و تعصبات جاهلانه است.

به امید روزی که با دلایل ساطع و براهین قاطع حقیقت ناب مذهب بزرگ اسلام ظاهر و فراگیر گردیده و همه امت اسلام با پیروی کامل از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله

۱- الحجرات / ۱۰.

۲- آل عمران / ۱۰۳.

و اهل بیت اطهرش علیه السّلام به سعادت و رستگاری جاودان در دنیا و آخرت نائل آیند.

این کتاب وزین (شیعیان عراق) با تراوش خامه قلم اندیشمند ارجمند، محقق توانا، کارشناس ارشد علوم سیاسی، جناب آقای علی نادری دوست تألیف و به رشته تحریر در آمده است.

این محقق برجسته با پژوهش گسترده و فراگیر و استقراء و تتبع در موضوعات مرتبط، به صورت منطقی و متخصصانه به تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته است.

ایشان جوانب مختلف و رویدادهای مهم را مورد بررسی دقیق قرار داده و به شکل واسلوب ابتکاری به این تألیف بزرگ دست یافته است. بخش های متعددی از این اثر علمی گران سنگ را مورد مطالعه قرار دادم که به حق بهره برداری و استفاده از آن را برای عموم به ویژه اهل علم و تحقیق مفید می دانم.

جزاه الله عن الاسلام اجراً، کثر الله امثالهم، و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

مدیر مجمع جهانی شیعه شناسی

انصاری بویراحمدی

ص: ۲۱

پیشگفتار

با سرنگونی رژیم صدام در آوریل ۲۰۰۳، عراق به دوران نوینی گام نهاد که مهمترین ویژگی آن، به قدرت رسیدن شیعیان در این کشور است. این تحول، افزون بر تغییرات گسترده داخلی، تاثیرات منطقه ای بسیاری با خود به همراه داشته و در آینده نیز خواهد داشت. در سطح داخلی، بیشترینه (اکثریت) شیعه، برای نخستین بار در تاریخ این سرزمین به جایگاه واقعی و شایسته خود در قدرت دست یافتهاند و به همراه کمترینه (اقلیت) کرد، رهبری سیاسی کشور را به دست گرفتهاند؛ و در سطح خارجی، توازن منطقه ای سنتی با برتری همیشگی سنیها فرو پاشید و عرب های شیعه از انزوا و تنهایی تاریخی خود بیرون آمدند.

پرسش اصلی این پژوهش آن است که نقش شیعیان در ساختار سیاسی آینده عراق چه میباشد و تاثیر آن بر امنیت و منافع ملی ایران چیست؟

و فرضیه این پژوهش مطرح می سازد که شیعیان نقش اساسی در آینده سیاسی عراق خواهند داشت و این تحول برخی تاثیرات مثبت و منفی بر امنیت و منافع ملی ایران خواهد داشت.

این پژوهش از یک کلیات، سه فصل و یک نتیجه گیری تشکیل شده است. در بخش کلیات،به کلیات پژوهش از جمله طرح مسئله وچکیده و ارزیابی برخی منابع در زمینه این پژوهش پرداخته شده است.

ص: ۲۳

فصل نخست، به تاریخ شیعه و ارتباط آن با عراق و روند گروش (گرایش) قبیله های عرب به شیعه گری و وضعیت شیعیان عراق در دوران عثمانی، اشغال انگلیس، حکومت پادشاهی و سرانجام دوران جمهوری و سیاست این حکومت ها در برابر شیعیان می پردازد. در فصل دوم، گروهها و جریانهای شیعه در عراق امروز و همچنین عوامل قدرت یابی شیعیان در عراق نوین و تحکیم آن در آینده بررسی میشود. فصل سوم، نخست به جایگاه جغرافیایی - سیاسی و جمعیتی شیعه در منطقه (ژیوپلیتیک شیعه) میپردازد و سپس تاثیرات منطقهای تحولات عراق و به قدرت رسیدن شیعیان در آن با تاکید بر همسایگان و به ویژه ایران بررسی می شود؛ و سرانجام در بخش نتیجه گیری، به جمع بندی این پژوهش و بررسی روند اثبات فرضیه آن پرداخته می شود و با توجه به روند کنونی تحولات عراق و عواملی چون پیاده سازی «طرح خاورمیانه بزرگ» در منطقه از سوی ایالات متحده، بافت جمعیتی عراق با بیشترینه شیعه، قانون اساسی نوین عراق و تاکید آن بر دموکراسی و نظام پارلمانی، و سرانجام نقش مرجعیت شیعه در رهبری و ایجاد یک پارچگی جامعه شیعه عراق (که دیگر گروه های مذهبی و نژادی عراق از وجود چنین نهادی محرومند)، نتیجه گیری می شود که شیعیان عراق به مسیر بی بازگشتی گام نهاده اند و در ساختار سیاسی آینده این کشور اگر دارای نقش مسلط نباشند، دست کم یکی از پایه های اساسی آن به شمار خواهند رفت. از سوی دیگر، این تحولات، پیامدهای مهمی در تغییر موازنه قدرت در منطقه و همسایگان عراق خواهد داشت.

کشور عراق که با قراداد سایکس- پیکو میان فرانسه و انگلیس - پیروزان جنگ جهانی نخست- بر سر تقسیم سرزمین های خاورمیانه عربی امپراتوری

شکست خورده عثمانی شکل گرفت، از همان آغاز از درد ساختگی بودن رنج می برد. این کشور از پیوند ناهمگون سه ایالت پیشین عثمانی یعنی موصل (شمال- کردنشین)، بغداد (مرکز - عرب سنی نشین) و بصره (جنوب - عرب شیعه نشین) و بر پایه نیازهای سیاست خارجی انگلستان پدید آمد. ساختگی بودن از همان نخستین سالهای شکل گیری این کشور (۱۹۲۰) در همه جنبه ها و امور آن آغاز و تا به امروز نیز به چشم میخورد. در واقع، اگر در خوش بینانه ترین حالت، مردم این سه ایالت را به خاطر رهایی از سلطه ترکان عثمانی و چشیدن مزه استقلال برای نخستین بار، خواهان تشکیل این کشور بدانیم، نیت انگلستان از ایجاد چنین کشوری را نمیتوان نادیده گرفت. انگلستان - به عنوان یکی از کشورهای پیروز جنگ جهانی نخست — برای برقراری توازن قدرت در منطقه و جلوگیری از قدرتگیری و سلطه ایران (به ویژه در جنوب شیعه نشین و شمال کردنشین)، به تشکیل کشور عراق اقدام کرد. در واقع ترس چهارصد ساله عثمانی از نفوذ و سلطه ایران بر میان رودان (بین النهرین) و شهرهای مقدس عراق، به جانشینان آنها یعنی انگلیسی ها منتقل شد و انگلیسیها در ادامه سیاست خود برای استقرار نظم انگلیسی در منطقه، به ایجاد این کشور و مهمتر از آن حاکم کردن کمترینه (اقلیت) ۲۰ درسدی عرب سنی بر بیشترینه (اکثریت) ۶۰ درصدی عرب شیعه و ۲۰ درصدی کرد اقدام کرد. این دو اقدام انگلستان، بهترین دلیل و عامل رخدادها و سیاست و حکومت هشتاد ساله کشور عراق است و درطول این هشتاد سال تاکنون پیوند میان این سه بخش بیگانه از هم - ایجاد هویت ملی و مسئله انزوا و محرومیت بیشترینه شیعه - مهمترین معضل و چالش حکومت های عراق، چه پادشاهی و چه جمهوری بوده است و پیامدهای آن بارها به کشورهای

همسایه و منطقه نیز کشیده شده است.

رخداد ۱۱ سپتامبر و درپی آن حمله ایالات متحده به عراق و سرنگونی رژیم بعثی در آوریل ۲۰۰۳، دو محور نظم انگلیسی حاکم بر این کشور یعنی یکپارچگی میان این سه استان پیشین عثمانی و فرمان روایی کمترینه عرب سنی را به چالش کشید. تثبیت خود مختاری در شمال عراق و جدی شدن اجرای آن در جنوب کشور و همچنین تشکیل دولتهای انتقالی، موقت و دائم عراق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ با بیشترینه اعضای شیعه و رهبری و تسلط شیعیان در پارلمان در نظام نوین پارلمانی عراق، همه و همه بیانگر و نشان دهنده تغییر نظم و سیستم پیشین حاکم بر این کشور است.

در این میان اگر چه سرنگونی رژیم صدام و اشغال عراق به دست نیروهای بیگانه به رهبری ایالات متحده مهمترین عامل بیرونی و سرآغاز این گزار قدرت از عربهای سنی به شیعیان به شمار میآید ولی پیش زمینه ها و عوامل درونی بسیار مهمی در این گذار و تثبیت قدرت شیعیان در ساختار سیاسی کنونی و آینده عراق تاثیر گذار و تعیین کننده است؛ اکثریت داشتن شیعیان در ساختار جمعیتی عراق (۶۰ درصد)، قانون اساسی نوین عراق و تاکید آن بر نظام پارلمانی و حکومت اکثریت، نقش کلیدی مرجعیت شیعه در ایجاد یک پارچگی میان شیعیان، ساختار نیرومند سازمانی و نظامی گروه ها و حزبهای با تجربه شیعه و تسلط جمعیتی و نظامی آنان بر پایتخت و شهرهای بزرگ و مهم عراق و .... از جمله مهمترین عوامل تاثیرگذار درونی این گزار قدرت در عراق به شمار می روند.

این نوشتار به بررسی گذشته، اکنون و آینده شیعیان عراق و به ویژه به

جایگاه آینـده آنان در ساختار قـدرت کشور عراق می پردازد. این پژوهش همچنین بر آن است تا پیامـدهای این دگرگونی را بر کشورهـای منطقه و به ویژه جمعیت شـیعه این کشورهـا و از جمله پیامـدهای مثبت و منفی آن را بر منافع و امنیت ملی ایران بررسی کند. بر این اساس یکی از هدف های مهم این پژوهش بررسی سیاست ها و جهت گیریهای سیاست خارجی کشورمان در رابطه با عراق و شیعیان این کشور به شمار می رود.

ایـن نوشـتار در آغـاز، پیشـینه و جایگـاه شـیعیان عراق در دوره هـای تـاریخی فرمـان روایی عثمـانی (۱۹۱۴ – ۱۵۳۳)، اشغال انگلستان (۱۹۲۱ – ۱۹۱۴)، پادشاهی عراق (۱۹۵۸ – ۱۹۲۱) و سرانجام حکومت جمهوری انقلابی (۲۰۰۳ – ۱۹۵۸) و سیاست هر کدام در برابر شـیعیان و دلایل تاریخی و سیاسـی محرومیت شـیعیان از قدرت را مورد بررسـی قرار میدهد؛ سپس به بررسی گروه ها و جریان های گوناگون شـیعه در عراق امروز و عوامل تثبیت قدرت آنان در ساختار سیاسـی آینده عراق می پردازد و سرانجـام بـا نگـاهی به ژیوپلیتیک شـیعه به پیامـدهای عراق شـیعه بر منطقه و پیامـدهای مثبت و منفی آن بر منافع و امنیت ملی کشور جمهوری اسلامی ایران خواهد پرداخت و در پایان نتیجه نوشتار خواهد آمد.

در نگـارش این نوشـتار از منـابع کتابخـانه ای و کتـاب هـا و مقاله های فارسـی و انگلیسـی و همچنین گفت و گو (مصاحبه) با اسـتادان و کارشـناسان امور خاورمیـانه، عراق و شـیعیان، اسـتفاده شـده است. همچنین روزنـامه هـا، مجله هـا و ویژه نـامه های مطبوعات و تا انـدازه ای بسـیار سایت های خبری و تحلیلی ویژه این موضوع از دیگر منابع مورد اسـتفاده در گردآوری مطالب این نوشتار بوده است.

در پایان به جاست از راهنمایی ها و یاری همه استادان و بزرگانی که در

نگـارش این نوشـتار بنـده را یـاری نموده انـد به ویژه اسـتاد گرامی دکتر کیهـان برزگر که در رونـد نگارش از راهنمایی های سودمنـد ایشان بهره مند بوده ام، و همچنین دکتر محمد کاظم سـجاد پور و دکتر امیر محمد حاجی یوسـفی و اساتید دانشـکده روابط بین الملل ومدیر محترم مجمع جهانی شیعه شناسی استاد انصاری بویراحمدی سپاس گزاری کنم.

علی نادری دوست

ص: ۲۸

کلیات پژوهش

۱– طرح مسئله:

کشور عراق که بـا قراداد سـایکس- پیکو میـان فرانسه و انگلیس - پیروزان جنـگ جهـانی نخست- بر سـر تقسـیم سـرزمینهای خاورمیانه عربی امپراتوری شـکست خورده عثمانی شـکل گرفت، از همان آغاز از درد ساختگی بودن رنج می برد. این کشور از پیوند نامتناسب سه ایالت پیشین عثمانی یعنی موصل (شمال- کردنشین)، بغداد (مرکز - عرب سنی نشین) و بصره (جنوب - عرب شـیعه نشین) و بر پایه نیازهای سیاست خارجی انگلستان پدید آمد. ساختگی بودن از همان نخستین سالهای شکل گیری این کشور (۱۹۲۰) در همه جنبه هـا و امـور آن به چشم می خـورد و تـا به امروز نیز به چشم می خورد. در واقع، اگر درخوش بینـانه ترین حـالت، مردم این سه ایـالت را به خـاطر رهـایی از سـلطه ترکـان عثمانی و چشـیدن مزه اسـتقلال برای نخستین بار، خواهان تشـکیل این کشور بدانیم، نیت انگلسـتان از ایجاد چنین کشوری را نمی توان نادیده گرفت. انگلسـتان- به عنوان یکی از کشورهای پیروز جنگ جهانی نخست – برای برقراری توازن قدرت درمنطقه و جلوگیری از قدرت گیری و سـلطه ایران (به ویژه در جنوب شیعه نشین و

شمال کردنشـین)، به تشـکیل کشور عراق اقدام کرد. در واقع ترس چهارصد ساله عثمانی از نفوذ و سـلطه ایران بر میان رودان (بین النهرین) و

ص: ۲۹

شهرهای مقدس عراق، به جانشینان آنها یعنی انگلیسی ها منتقل شد و انگلیسی ها در ادامه سیاست خود برای استقرار نظم انگلیسی در منطقه، به ایجاد این کشور و مهمتر از آن حاکم کردن کمترینه (اقلیت) ۲۰ درصدی عرب سنی بر بیشترینه (اکثریت) ۶۰ درصدی عرب شیعه و ۲۰ درصدی کرد اقدام کرد. این دو اقدام انگلستان، بهترین دلیل و عامل رخدادها و سیاست و حکومت هشتاد ساله کشور عراق می باشد و در طول این هشتاد سال تاکنون پیوند میان این سه بخش بیگانه از هم، ایجاد هویت ملی و مسئله انزوا و محرومیت بیشترینه شیعه، مهمترین معضل و چالش حکومت های عراق، چه پادشاهی و چه جمهوری بوده است و پیامدهای آن بارها به کشورهای همسایه و منطقه نیز کشیده شده است.

رخداد ۱۱ سپتامبر، مهمترین چالش در برابر این نظم و ثبات بوده و نقطه پایانی بر سردرگمی در سیاست خاورمیانه ای ایالات متحده پس از پایان جنگ سرد در ۱۹۹۲ م به شمار آید.

«طرح آمریکایی خاورمیانه بزرگ» در واقع پس از حدود یک صده درپی جایگزینی نظم آمریکایی به جای نظم انگلیسی است. محور و مرکز این طرح نه افغانستان- که در سال ۲۰۰۱اشغال شد- بلکه عراق بود که در سال ۲۰۰۳ به اشغال نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده درآمد. اشغال عراق در آوریل ۲۰۰۳، دو محور نظم انگلیسی حاکم بر این کشور یعنی یکپارچگی میان این سه استان پیشین عثمانی و فرمان روایی کمترینه عرب سنی را به چالش کشید. تثبیت خود مختاری در شمال عراق و جدی شدن اجرای آن در جنوب کشور و همچنین تشکیل دولتهای انتقالی، موقت و دائم عراق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ با بیشترینه اعضای شیعه و رهبری و تسلط شیعیان در پارلمان در نظام نوین

پارلمانی عراق، همه و همه بیانگر و تایید کننده اهتمام ایالات متحده بر تغییر نظم و سیستم پیشین حاکم بر این کشور است. به جرات می توان ادعا کرد، بدون دخالت ایالات متحده در راستای اجرای طرح خاورمیانه بزرگ در منطقه، نظم پیشین انگلیسی حاکم بر منطقه و تک تک کشورهای آن برای سالها و دهه های آینده ادامه می یافت. در واقع اکنون نیز درصورت کناره گیری آمریکا از اجرای ادامه این طرح، به جز عراق که بر مسیر بی بازگشتی گام نهاده است، نظم پیشین در دیگر کشورهای منطقه ادامه خواهد یافت.

تاکید ایالات متحده بر مردم سالاری، حقوق بشر، آزادی بیان و... در این طرح (نگاه کنید به فصل دوم)، مهمترین عامل و دلیل به قدرت رسیدن شیعیان پس از چندین صده در میان رودان و پس از ۸۰ سال در کشور عراق بوده است. در غیر این صورت صدام می توانست با یک ژنرال دیگر بعثی، با یک کودتا توسط افسران بعثی و یا به هر شکل غیر دموکراتیک دیگر جایگزین شود. از سوی دیگر، جمعیت در حال افزایش و جوان عراق، دارا بودن سومین ذخایر نفت جهان پس از عربستان سعودی و ایران، جایگاه این کشور به عنوان مرز میان خاورمیانه عربی و غیر عربی و خاورمیانه شیعه و سنی، دارابودن منابع آبی پایدار (دجله و فرات) بر خلاف دیگر کشورهای خاورمیانه و توانایی تولید بیش از ۸ میلیون بشکه نفت خام در روز و...، این کشور را به عنوان محور، مرکز و الگوی طرح خاورمیانه بزرگ ایالات متحده درآورده است. در واقع از دیدگاه ایالات متحده، مردم سالاری نوپای عراق باید به عنوان الگو و نمونه در میان کشورهای منطقه مطرح شود، و بزرگترین سود برنده و پیروز این تصمیم حیثیتی ایالات متحده، شیعیان عراق و دیگرکشورهای منطقه به ویژه بحرین، عربستان و کویت هستند. از سوی

دیگر، بیشترینه بودن جمعیتی شیعیان (۶۰ درصد)، نقش کلیدی مرجعیت در ایجاد یکپارچگی میان جمعیت شیعیان، ساختار نیرومند سازمانی و نظامی گروه ها و حزب های با تجربه و پیشینه دار شیعه (و البته کرد) و تسلط جمعیتی و نظامی آنان بر پایتخت و شهرهای بزرگ و مهم عراق و... .همگی دلالت بر بی بازگشت بودن روند کنونی دگرگونیها و رخدادهای عراق دارد.

۲- انگیزه و علت انتخاب موضوع:

انگیزه ، نخست انجام این پژوهش ، سودمندی آن برای منافع ملی ایران است. طولانی ترین مرز مشترک ایران با کشور عراق است و تحولات این کشور بر منافع و امنیت ملی ایران تاثیر مستقیم می گذارد؛ به ویژه با توجه به اینکه در تاریخ ۸۰ ساله پیدایش عراق، به جز اتحاد جماهیر شوروی - که برای همه کشورهای جهان تهدید به شمار میآمد - این کشور بزرگترین خطر و تهدید برای امنیت و منافع ملی ایران به شمار میآمد و همیشه بر زرخیزترین، ثروتمندترین و راهبردی ترین منطقه ایران (استان نفت خیز خوزستان) چشم طمع و ادعای سرزمینی داشت و سختترین جنگ میان ایران و همسایگانش را پس از نزدیک به ۲۰۰ سال (۱۸۲۸ جنگ دوم ایران و روس و قرارداد ترکمان چای) بر ایران تحمیل کرد؛ انگیزه دوم، ارایه ابزارهای صحیح تجزیه و تحلیل به دستاندر کاران سیاست خارجی ایران است که با توجه به مورد نخست، اهمیت مسئله عراق بر آنان روشن است؛ و سومین دلیل انتخاب این موضوع، علاقه شخصی به موضوع و کشور عراق به ویژه شیعیان و کردهای این کشور به عنوان بخشی از حوزه تمدنی و فرهنگی کشور و فلات پهناور ایران است.

ص: ۳۲

۳– چکیده و ارزیابی آثار علمی موجود در زمینه پژوهش:

با توجه به تازه بودن مسئله نقش شیعیان در ساختار قدرت عراق که تا پیش از آوریل ۲۰۰۳ و سرنگونی صدام حسین، به جز اندک پژوهش گران غربی، کمتر کسی به آن می پرداخت، نگارنده تا اندازه بسیار برای مطالب و اطلاعات کلیدی از منابع انگلیسی شامل کتاب ها، مقاله ها و به ویژه سایت های انگلیسی بهره برده است. در واقع آثار (کتاب ومقاله) پارسی سودمند در این زمینه به اندک نوشته ها و برگردان های چند ماه گذشته محدود می باشد. برخی از این منابع مورد استفاده در زیر بررسی می شود:

۱- Yitzhak Nakash, "The Shi'is of Iraq", New Jersey: Princeton, Princeton University Press, ۱۹۹۴.

این کتاب از کتابهای مهم و مرجع در زمینه تاریخ، چگونگی پیدایش، آیین ها، اعمال مذهبی، شهرهای مقدس، مرجعیت و غیره است. نویسنده این کتاب آقای اسحاق نقاش (ایساک ناکاش) از کارشناسان امور عراق به ویژه شیعیان عراق و منطقه در آمریکا است. آقای ناکاش در این کتاب به بررسی دقیق تاریخچه پیدایش شیعیان عراق در صدههای هجده و نوزده پرداخته و علل ناکامی آنها در دستیابی به قدرت در آغاز استقلال عراق در صده بیست را شرح میدهد. همچنین آیین ها، اعمال مذهبی، شهرهای مقدس، موقوفه ها، مرجعیت و منابع مالی آن و... از دیگر موضوعاتی است که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است.

ص: ۳۳

۲- Charles Tripp, “A History of Iraq”, Cambridge: Cambridge University Press, ۲۰۰۲.

این کتاب به بررسی موشکافانه تاریخ عراق در صده بیستم میپردازد. چالز تریپ نویسنده کتاب، از کارشناسان برجسته عراق است و در این کتاب تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه عراق از جمله شیعیان و کردها را در صده بیستم مورد کاوش قرار میدهد. بررسی اپوزیسیون شیعه وکرد در صده بیستم از بخش های سودمند کتاب برای بررسی حزب ها و مخالفان سیاسی شیعه است

۳- Faleh A. Jaber, “The Shi'ite Movement in Iraq”, London: Saqi Books, ۲۰۰۳.

این کتاب منبع ارزشمندی برای بررسی جنبش شیعیان عراق از آغاز (دهه ۱۹۵۰) تا کنون است فالح عبدالجابر، نویسنده کتاب، از کارشناسان برجسته امور عراق و خاورمیانه در دانشگاه لندن است و پیشتر نیز کتاب های سودمندی درباره عراق و خاورمیانه به نگارش درآورده است. این کتاب اطلاعات ارزشمندی درباره پیدایش، تحولات و برنامه های جنبش ها و حزب های شیعه به ویژه جماعت العلما، حزب الدعوه، مجلس اعلا ارائه میدهد و دیدگاه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنان به ویژه نوع نظام سیاسی مورد نظر آنان را به دقت بررسی میکند. همچنین بررسی آیین ها و نهادهای شیعه به ویژه مرجعیت و منابع درآمدی آن و در پایان ارتباط و همکاری میان گروه های شیعه و ایالات متحده در سرنگونی صدام و دیدگاه های هر کدام درباره آینده عراق از دیگر بخش های این کتاب است.

ص: ۳۴

Michael Knights, “Operation Iraqi Freedom and The New Iraq”, Washington - ۴
.Institute for Near East Policy, ۲۰۰۴

این کتاب به بررسی تحولات و رخدادهای عراق پس از آپریل ۲۰۰۳ میپردازد و به آینده عراق نظر دارد و مشتمل بر ۸۰ مقاله از برجسته ترین کارشناسان امور عراق، شیعیان و خاورمیانه همچون پاتریک کلاوسون، ایساک ناکاش، کنت پولاک، دنیس راس، جاناتان شانزر، ناصرهادیان، برهم صالح و... است. این کتاب از ۷ بخش تشکیل شده که عبارتند از: پیشینه های تاریخی، عملیات آزاد سازی عراق، ایستادگی سنیها، مخالفان شیعه، سیاست امنیتی ائتلاف در دوران پس از جنگ، سیاست و اقتصاد در دوران پس از صدام و سرانجام دخالت های منطقه ای در عراق پس از صدام.

از آنجا که نویسندگان برجسته ای در این کتاب مقاله ارائه کرده اند، مطالب این کتاب دارای تنوع و ارزش بالایی بوده و به خوبی عراق پس از صدام و آینده آن را مورد بررسی قرار می دهد.

۵- گراهام فولر، ورند رحیم فرانکه، "شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده"، برگردان خدیجه تبریزی، قم: انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۴ .

این کتاب از مهمترین کتابها و نوشته ها در زمینه شیعیان عرب از جمله شیعیان عراق است که خوش بختانه به زبان پارسی برگردان شده است. نویسندگان این کتاب به ویژه آقای گراهام فولر از کارشناسان عراق و خاورمیانه و از شیعه شناسان برجسته وزارت خارجه ایالات متحده به شمار می رود. این کتاب با وجودی که در ۱۹۹۹ نوشته شده است اما مطالب آن به گونه ای است که گویی نویسندگان آن از اشغال عراق و به قدرت رسیدن شیعیان در (۲۰۰۳) آگاه بوده اند.

ص: ۳۵

از این رو، این کتاب منبع ارزشمندی برای بررسی آینده شیعیان عرب به ویژه عراق است.

۶- فب مار، "تاریخ نوین عراق"، برگردان محمد عباس پور، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۰ .

این کتاب در ده فصل به بررسی تاریخ عراق به ویژه در صده بیستم می پردازد. نویسنده کتاب از کارشناسان برجسته امور عراق در وزارت خارجه ایالات متحده است؛ در هر فصل، در گفتارهایی نیز به بررسی وضعیت سیاسی- اقتصادی و اجتماعی شیعیان در پایان دوره عثمانی، در دوره اشغال انگلیس، دوره پادشاهی و سرانجام دوره جمهوری می پردازد.

۷- فرانسوا توال، "ژیوپلیتیک شیعه"، برگردان علی رضا قاسم آقا، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان نور، ۱۳۷۹.

در این کتاب، نویسنده به بررسی جایگاه جغرافیایی، جمعیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شیعیان در منطقه می پردازد. این کتاب از اندک کتاب های پارسی در این زمینه است و اطلاعات سودمندی از منابع فرانسوی در اختیار خواننده می گزارد.

از پژوهش های انجام شده در مورد عراق جدید در میان دیدگاه های داخلی نیز می توان به کارهای زیر اشاره کرد:

۸- Kayhan Barzegar, “The Roots of Iranian Foreign Policy in the New Iraq”, Middle East Policy, Vol. XII, No. ۲, Summer ۲۰۰۵.

نگارنده این مقاله، از استادان دانشگاه و از کارشناسان امور خاورمیانه و عراق در ایران است. این مقاله به بررسی ریشه های سیاست خارجی ایران در عراق

ص: ۳۶

جدید می پردازد. در این مقاله، چالش های امنیتی عراق جدید برای ایران (تهدید یا فرصت)، گروه گرایی در عراق و سیاست ایران در برابر این گروه ها، ترتیبات امنیتی منطقه ای، حضور ایالات متحده در منطقه، نقش ایران در عراق (همکاری یا عدم همکاری) و ... مورد بررسی قرار می گیرد.

۹- Kayhan Barzegar, “The New Iraqi Challenge To Iran”, Heartland, No. ۱۰, ۲۰۰۴ .

نگارنده در این مقاله، مسایل عراق جدید و چالش های آن برای منافع ملی ایران را باتوجه به دیدگاه های داخلی و گروه های سیاسی و هویت های مختلف مورد بررسی قرار میدهد.

۱۰- کیهان برزگر، "تهدیدهای امنیتی ایران در عراق جدید"، مجموعه مقاله های پانزدهمین همایش خلیج فارس، تابستان ۱۳۸۴ .

این مقاله از زوایای امنیتی چالش های موجود امنیتی عراق جدید و تحولات ناشی از رقابت های داخلی گروه های سیاسی را برای امنیت ملی ایران مورد بررسی قرار می دهد.

۱۱- حسین سیف زاده، "عراق؛ ساختارها و فرایند گرایشهای سیاسی"، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹ .

این کتاب به بررسی فرهنگ سیاسی مردم عراق، سیاست های رژیم بعث و گرایش های گوناگون گروه های مخالف رژیم پیشین این کشور می پردازد.

۱۲- محمد رضا جلیلی، "امیدها و تردیدهای ایرانیان پس از صدام"، برگردان حسین سپهر، مجله راهبرد، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۳۷ .

نویسنده در این مقاله به بررسی پیامدهای عراق نوین بر منطقه و امنیت و

منافع ملی ایران می پردازد و سودها و زیان های آن را برای ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

۴- نوآوری پژوهش:

این پژوهش به بررسی ویژه نقش شیعیان در ساختار آینده قدرت سیاسی عراق و تاثیرات آن بر کشورهای منطقه و به ویژه بر جایگاه شیعیان در منطقه می پردازد. با توجه به نو بودن موضوع و اینکه در سه سال گذشته (۲۰۰۶ - ۲۰۰۳)، عراق در برزخ و دوره گزار بوده است، این پژوهش می تواند نوعی نوآور در بررسی آینده عراق و دوران ثبات این کشور به شمار آید.

۵- پرسش اصلی:

با یادآوری این پیشینه به پرسش اصلی این پژوهش می پردازیم:

جایگاه شیعیان در ساختار قدرت آینده عراق با توجه به تحولات جدید به ویژه انتخابات عمومی چیست؟

۶- پرسشهای فرعی:

الف- پیدایش شیعیان عراق (میان رودان) بر چه عواملی استوار بود؟

ب- دلایل تاریخی و سیاسی محرومیت شیعیان از ساختار قدرت در تاریخ ۸ دهه ای کشور عراق چه بوده است؟

ج- نیروی حزبی و سازمانی شیعیان عراق و گروه بندی ها و طیفه ای آنان چگونه است؟

د- عراق شیعه چه تاثیری بر کشورهای همسایه و منطقه دارد؟

ه- عراق شیعه چه چالش ها و فرصت هایی برای منافع و امنیت ملی ایران به همراه می آورد؟

۷- انگاره (فرضیه):

رخدادهای سیاسی در عراق جدید منجر به افزایش نقش و نفوذ شیعیان در ساختار آینده سیاسی قدرت در عراق خواهد شد و این امر تاثیرات مثبت بر روابط ایران با عراق خواهد گذاشت.

۸- هدف از نگارش پژوهش:

هدف از نگارش این پژوهش، بررسی گذشته، اکنون و آینده عراق بوده و به ویژه به جایگاه آینده آنان در ساختار قدرت کشور عراق میپردازد. این پژوهش همچنین بر آن است تا پیامدهای این دگرگونی را بر کشورهای منطقه و به ویژه جمعیت شیعه این کشورها و از جمله پیامدهای مثبت و منفی آن را بر منافع و امنیت ملی ایران بررسی کند. بر این اساس یکی از هدف های مهم این پژوهش بررسی سیاست ها و جهت گیری های سیاست خارجی کشور ایران در رابطه با عراق و شیعیان این کشور است.

۹- روش پژوهش:

برای انجام این پژوهش از روش کتابخانه ای با بهره گیری از کتابها و مقاله های موجود و همچنین گفت و گو (مصاحبه) با استادان و کارشناسان امور

خاورمیانه، عراق و شیعیان، استفاده شده و از شیوه تحلیل محتوا برای تجزیه و تحلیل داده های مرتبط با عوامل تاثیرگذار بر نقش شیعیان در آینده ساختار سیاسی عراق بهره برده شده است. از این رو، روش این پژوهش توصیفی- تحلیلی است. در انجام این پژوهش از کتابها و مقاله های فارسی، انگلیسی و اندکی عربی، روزنامه ها، مجله ها و ویژه نامه های مطبوعات و تا اندازه ای بسیار از سایت های خبری و تحلیلی ویژه این موضوع استفاده شده است.

۱۰- سازمان دهی پژوهش:

این پژوهش از یک کلیات، سه فصل و سرانجام نتیجه گیری تشکیل شده است. در بخش کلیات، به مسایلی از جمله طرح مسئله، روش پژوهش و بررسی و ارزیابی نوشته های موجود در زمینه پژوهش پرداخته شده است.

فصل نخست به بررسی پیشینه تاریخی و پیدایش شیعیان عراق می پردازد. فصل دوم، گروه ها وجریان های سیاسی و مذهبی شیعه در عراق امروز و همچنین عوامل برتری شیعیان در آینده ساختار سیاسی عراق را مورد بررسی قرار می دهد. درفصل سوم، ژئوپلیتیک و جایگاه جغرافیایی- سیاسی شیعیان در منطقه و تاثیر عراق شیعه بر شیعیان وکشورهای منطقه و سرانجام پیامدهای (مثبت و منفی) تحولات عراق بر منافع و امنیت ملی ایران بررسی می شود.

فصل اول: تاریخ شیعیان عراق

اشاره

ص: ۴۱

گفتار نخست: شیعیان عراق از آغاز پیدایش تا پایان فرمان روایی عثمانی (۱۹۱۴)

الف– پیدایش شیعه

تقسیم پیروان اسلام اندکی پس از درگذشت پیامبر (ص)، از یک ستیز سیاسی بر سر برگزیدن جانشین (خلیفه) او سرچشمه می گرفت. سنی ها که بیشتری نه بودند، همه جانشینان را جدای از شیوه برگزیدنشان، جانشین پیامبر به شمار می آوردند؛ و شیعیان که کمترینه بودند، از جانشین چهارم، «علی» علیه السّلام پشتیبانی می کردند و بر این باور بودند که رهبری پیروان اسلام از آغاز شایسته او بوده و تنها او و فرزندان او جانشینان قانونی پیامبر هستند.

واژه «شیعه» به معنای پیرو است و چون نخستین پیشوا و رهبر شیعیان پس از پیامبر اسلام، علی علیه السّلام است، از این رو این گروه را به آنها منتسب می نمایند و در سراسر جهان آنان را با نام شیعه علی (پیرو علی علیه السّلام)، می شناسند.

«شیعیان دوازده امامی» نیز از آن روی به این نام خوانده می شوند که به دوازده پیشوای شیعه باور دارند. این پیشوایان جامعه شیعه را تا غیبت پیشوای آخر در پایان صده نهم (میلادی) راهبری کردند.

البته این گروه جعفری» نیز نامیده می شوند؛ چرا که ششمین پیشوای آنان، «جعفر صادق» که دانشمند بزرگی بود، سنت ها و آموزه های بنیادین شیعه را پی ریزی کرد.

ص: ۴۳

با تدوین آموزه های شیعی در گذر زمان، شیعیان به این امر معتقد شدند که فرزندان خاصی از علی علیه السّلام مورد عنایت الهی قرار گرفته و پیشوایان بر حق مسلمانان در امور مادی و معنوی هستند. از این روی، در نگاه شیعیان، اموی ها و خلیفه های بعدی غاصب بوده و هیچ مشروعیتی برای حکومت نداشته اند. در واقع، شیعه، در آغاز به عنوان یک گروه سیاسی پدید آمد و آرام آرام یک جنبش زیر زمینی ناسازگار گردید و سرانجام به شکل یک گروه دینی برجسته درآمد. این گروه بسیاری از ویژگی های یک کمترینه ستمدیده و زجر کشیده همچون جدایی از گروه بزرگتر، ستمدیدگی و نابرابری و نیاز بسیار به یک پارچگی و پیوستگی را پیدا کرد؛ و این ویژگیها تا به امروز همراه این گروه بوده است.(۱)

ب- عراق و آیین شیعه

اسلام شیعه، از آغاز پیدایش، به گونه ای تنگاتنگ و نزدیک با عراق که جایگاه چندین رخداد سرنوشت ساز تاریخ شیعه بود، پیوند داشت.

شهر «کوفه» پایگاه فرمان روایی علی علیه السّلام جانشین (خلیفه) چهارم و پیشوای نخست شیعه، بود؛ و آنها در سال ۶۶۱ م در نماز گاهی در این شهر به شهادت رسید.

حسین پسر علی علیه السّلام، که خواهان جانشینی بود نیز به همراه یارانش در

۱- - فب مار، "تاریخ نوین عراق"، برگردان محمد عباس پور، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۲۷-۲۶ - همچنین بنگرید به: - گراهام فولر، رند رحیم فرانکه، "شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده"، برگردان خدیجه تبریزی، قم: انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۴، صص ۴۲-۴۱ و ۹۸. - "تشیع و تاریخچه آن"، مجمع جهانی شیعه شناسی، www.shiastudies.com.

نبردی که در دشت «کربلا» در سال ۶۸۰ م رخ داد، به شهادت رسید. همچنین، بسیاری از دوازده پیشوای شیعه دست کم بخشی از زندگی خود را در عراق گذراندند و چهار شهر زیارتی بسیار مقدس شیعه؛ نجف، کربلا، کاظمین و سامرا در عراق جای دارد. از همان مرحلههای نخستین تاریخ اسلامی، بسیاری از تکاپوهای آموزشی شیعه در پایگاه هایی همچون کوفه، حله، بغداد، نجف و کربلا- انجام میشد. همچنین، بسیاری از جنبش های شیعه از شهرهای جنوب عراق آغاز شده و فراگیر شدند. شیعه آرام آرام در این شهرها چنان پایگاه استواری برای خود برپا کرد که سنیها دیگر نتوانستند آنان را از این پایگاه ها بیرون برانند. و سرانجام، عراق همچنین روزگاری گستره فرمان روایی دودمان های شیعه به ویژه آل بویه (۱۰۵۵– ۹۴۵) بود. در نگاه کلی، شیعیان عراق همچون دیگر شیعیان عرب، از آغاز جمعیتی رانده شده و شورشی به شمار می آمدند. آنان سال ها زیر سلطه خلیفه های سنی اموی، عباسی و عثمانی قرار داشتند و بارها باکشتارهای گستردهای رو به رو شدند و از انجام هرگونه کارها و آیینهای دینی محروم بودند.

تا پیش از صده شانزدهم (قدرت یابی صفویان شیعه در ایران و عثمانی سنی در آناتولی)، شیعیان میان رودان (بین النهرین– جنوب عراق کنونی) گروه های پراکنده، گوشه گیر و ستم دیده ای بودند که هر آن آماده سرکوب و کشتاری تازه بودند و تنها به خاطر جایگاه مرزی سرزمین میان رودان در جهان عرب سنی و مرکزیت آن در منطقه که به دست به دست شدن پیاپی این سرزمین میان دولتها و کشور گشایان گوناگون (آل بویه مازندرانی، سلجوقیان ترک، ایلخانیان مغول، تیموریان ازبک و آق قویونلوها و قره قویون لوهای ترکمن) می انجامید، توانستند

ص: ۴۵

– در این آشوب ها – به زندگی خود ادامه دهند. با آغاز صده شانزدهم و آغاز رقابت میان صفویان شیعه و عثمانیان سنی بر سر این سرزمین مرزی، جایگاه، قدرت، نفوذ، جمعیت و قلمرو شیعیان میان رودان دچار دگرگونی ها و تحولات سرنوشت ساز و مهمی شد که پیامدهای آن در صده بیستم به شکل بیشترینه شدن جمعیتی و مبارزه جدی برای دست یابی به حکومت خود را نشان داد.

شیعیان بیشتر در بخشهای جنوبی و میانی سرزمین کنونی عراق زندگی می کنند. سرشماری سال ۱۹۱۹ بریتانیا شمار شیعیان را ۰۰۰/۵۰۰ / ۱ از میان ۰۰۰/ ۸۵۰/۲ تن برآورد کرد، که نزدیک به ۵۳ درصد از جمعیت آن روز عراق بود. این آمار در سال ۱۹۳۲، ۵۳۲ / ۶۱۲/ ۱ تن از میان ۰۷۷ / ۸۵۷ /۲ عراقی و نزدیک به ۵۶ درصد جمعیت بود. بخش بزرگی از شیعیان عراق عرب هستند، پارسیان (ایرانیان) نزدیک به ۵ درصد و هندیان کمتر از ۱ درصد از شیعیان را در سرشماری سال ۱۹۱۹ تشکیل می دادند؛ و البته شمار آنان تا کنون کاهش یافته است. همچنین، شیعیان عراق – به جز شمار اندکی – همچون شیعیان ایران، شیعه دوازده امامی هستند.(۱) بخش های سازنده جامعه شیعه، و همچنین سرنوشت و جایگاه آیین شیعه در عراق در آستانه پیدایش حکومت پادشاهی(۱۹۲۱)، بیشتر پیامد تعامل میان روندها و رخدادهای بزرگ و برجسته، میان شهرها و قبیله های جنوب عراق از میانه صده هحدهم بود و این تعامل آغاز فرایند شکل گیری جامعه شیعه در جنوب عراق را مشخص می کرد.

۱- - Yitzhak Nakash, “The Shi’is of Iraq,” New Jersey, Princeton: Princeton University Press, ۱۹۹۴. p. ۱۳.

ج – امپراتوری عثمانی و شیعیان عراق (۱۹۱۴ – ۱۵۳۳م)

۱– عراق در دست عثمانی

بیش از پنج صده پس از فروپاشی دولت عباسیان در ۱۲۵۸م عراق از داشتن یک دولت کم و بیش نیرومند – که بتواند سامانه های آبیاری گسترده پیشین را بازسازی و

هم پیمانیه ای(۱) قبیله ای عرب را که این سرزمین را مورد تاخت و تاز و تصاحب قرار می دادند، سرکوب کند – بی بهره بود. به گفته متز(۲) و همچنین سایمونز(۳) پس از دوران گذار تازش مغول و افول فاطمیان مصر، دو امپراطوری عثمانی و ایران به تدریج جایگزین خلافت یک پارچه اسلامی شدند. عثمانی های سنی، نیمه باختری خلافت اسلامی را به دست آوردند و صفویان شیعه نیمه خاوری را از آن خود کردند و سرزمین کنونی عراق (میان رودان در جنوب، جزیره و کردستان در شمال) مرز میان دو امپراتوری شد. از این رو، تکوین و پیدایش عراق میان صده های شانزدهم و بیستم با دو ویژگی برجسته و بنیادی شناخته می شود: نخست، فرآیند آرام و طولانی چیرگی عثمانی، فرمان روایی آن و اسکان جمعیت قبیله ای؛ دوم، جایگاه کشور، به ویژه شهرهای زیارتی، به عنوان یک نقطه تماس فرهنگی- دینی میان امپراتوری عثمانی سنی و صفویان شیعه و سپس قاجار در ایران.

بنابراین، از آنجا که بافت شیعی بصره و نجف و سنی شمال عراق، نیروی گریز از مرکز را میان دو امپراتوری شیعی و سنی ایران و عثمانی ایجاد کرده بود و

ص: ۴۷

۱– Confederations–

۲– Metz–

۳– Simons–

هم عثمانی ها و هم ایرانیان خواستار کنترل عراق- به عنوان کشوری که منابع و منافعی را در خود داشت-

بودند، این سرزمین به نبردگاه گستردهای میان آن دو تبدیل شد.(۱)

پیدایش ایران شیعه صفوی در ۱۵۰۱ م همزمان بود با استوار سازی امپراتوری عثمانی سنی و کوششهای بعدی سلیم یکم (۱۵۲۰— ۱۵۱۲) و سلیمان یکم (۱۵۶۶- ۱۵۲۰) برای استقرار دولتشان به عنوان امپراتوری جهانی؛ و این، واقعیت نوینی را در عراق که نبردگاه میان دو هماورد شده بود، پدید آورد. با وقوع درگیری ها در صده های شانزدهم و دهم میان عثمانیان و صفویان، یعنی سلطان عثمانی و شاه صفوی که هر کدام خود را حاکم مطلق دنیای اسلام می دانستند و به همین دلیل از درگیری میان آنان به جنگ شیعه و سنی یاد می شد. در واقع، ایرانیان مسلمان، از آغاز تا صده پانزدهم میلادی، سنی بوده اند و زمانی که صفویان روی کار آمدند، به آیین شیعه گرویدند. ایران به دنبال پذیرفتن آیین شیعه اثری ژرف در زندگی اجتماعی عراق گذاشت. پیوندهای پایدار پایگاه های اندیشه و دانش شیعه دو کشور ایران و عراق با یکدیگر باعث استواری تاثیر ایران در عراق و عراق در ایران شد. و این آمیختگی اندیشه های شیعه میان دو کشور، به پیدایش پدیدهای تازه در شیوه اندیشه دینی عراق انجامید و رهبری دینی به دست ایرانیان ویا کسانی که ایرانی تبار بودند، افتاد.(۲)

۱- - حسین سیف زاده، "عراق؛ ساختارها و فرایند گرایش های سیاسی"، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، صص ۴۱- ۴۰ ؛ و همچنین: -Ibid, p. ۱۴.

۲- - عبدالله فهد النفیسی، "نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق"، برگردان کاظم چایچیان، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۴، ص ۳۳.

اگر چه عراق در پی اشغال بغداد در پایان سال ۱۵۳۳ م بخشی از خاک عثمانی شد، فرمان روایی عثمانی در عراق تا صده نوزدهم (۱۸۳۱)، به خاطر دوری عراق از مرکز قدرت در استامبول و فشارهای ایران بر این کشور- که دو دوره اشغال در ۱۵۳۳- ۱۵۰۸ و ۱۶۳۸-۱۶۲۲ را به همراه داشت - بیشتر نمادین ناقص بود. این فشارها با این ادعای صفویان (۱۷۲۲- ۱۵۰۱)، و جانشین بعدی آنان، قاجاریان (۱۹۲۵-۱۷۹۴)، تقویت میشد که شاه باید یگانه پشتیبان خواسته ها و منافع شیعیان در عراق - سرزمینی که شهرهای زیارتی نجف، کربلا، کاظمین و سامرا را در خود داشت - باشد. تا هنگام پیدایش پادشاهی عراق در سال ۱۹۲۱م، رقابت عثمانی- ایرانی برای کنترل سیاسی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی عراق، آن را به سرزمینی مرزی و دور افتاده تبدیل کرد؛ و بر عناصر سازنده جامعه شیعه و سازمان دهی اسلام شیعه در عراق تاثیر گذاشت.(۱)

۲- عراق پناه گاه شیعیان

اشاره

ماهیت مرزی عراق و جایگاه شهرهای زیارتی به عنوان مکانه ای پرجاذبه که مومنان شیعه را به سوی خود می کشاند، به توضیح انگیزه پارسیان و هندیان برای مهاجرت به این کشور کمک می کند. در آستانه صده شانزدهم، جامعه شیعه عراق یکسره تازی (عرب) بودند. پیدایش ایران صفوی جمعیت عراق را در برابر نفوذها و تاثیرهای شیعه پارسی بی پناه گذاشت. بازرگانان پارسی شیعه که در آغاز در طول دو دوره اشغال عراق به دست صفویان به این کشور آمدند، سهم چشم گیری از بازرگانی بغداد را به خود اختصاص دادند. در پی نخستین اشغال، خانواده

ص: ۴۹

۱- - Ann Lambton, “State and Government in Medieval Islam,” Oxford: ۱۹۸۱, pp. ۲۱۲ – ۲۱۳.

«کمونه»(۱) که جایگاه نیرومند نقیب الاشرف (سرپرست فرزندان پیامبر) در بغداد را دارا بود، با دربار شاه در ایران پیوند و خویشاوندی برقرار کرد و آرام آرام پارسی منش(۲) شد.(۳)

در آغاز صده دهم، چند هزار پارسی در شهرهایی چون کربلا، نجف، کاظمین و بغداد زندگی می کردند. بسیاری از آنان، به هر حال در پی دومین اشغال بغداد به دست عثمانی در سال ۱۶۳۸ که به کشتار نزدیک به ۱۷۰۰ پارسی انجامید، به ایران گریختند. در بصره نیز در آن هنگام، هنوز هیچ پارسی حضور نداشت؛ و مردم آن بیشتر از تازیان و کمی ترک بودند. مهاجران پارسی در عراق صده دهم، بیشتر از بازرگانان و دیگرانی که در جستجوی فرصت های اقتصادی به این کشور میآمدند، تشکیل میشد. از آنجا که پایگاه های آموزشی مهم شیعه در ایران بود،بنابراین شمار چشم گیری از عالمان(۴) و دین آموزان (طلاب) پارسی در آن زمان در عراق وجود نداشتند.(۵)

۲-۱ : علمای شیعه پارسی در عراق

از صده هجدهم، علما و دین آموزان پارسی در شمار گسترده ای وارد عراق

۱- -Kammuna

۲- -Persianized

۳- - Yitzhak Nakash, op. cit, p. ۱۴.

۴- -Ulama

۵- - Stephen Longrigg, “Four Centuries of Modern Iraq,” Oxford: ۱۹۲۵, Beirut reprint, ۱۹۶۸, pp. ۱۹, ۵۸. See also: Abbas al-Azzawi, “Ta’rikh al-‘iraq bayna ihtilalayn,” ۸ Vols. Baghdad: ۱۹۳۵-۱۹۵۶, ۳: pp. ۳۱۵-۳۵۶.

شدند. اشغال اسپهان (اصفهان) به دست افغانهای سنی در سال ۱۷۲۲ م و کوشش های بعدی نادر شاه افشار در راستای تشویق آشتی سنی- شیعه و مصادره بسیاری از موقوفه هایی که روحانیان شیعه را در ایران پشتیبانی میکردند، صدها خانواده از علما را آواره کرد؛ که بسیاری از آنان در طول دوره ۱۷۶۳– ۱۷۲۲ به عراق گریختند. بدین ترتیب، پایگاه دانش پژوهی شیعه از ایران به عراق جا به جا شد؛ نخست به کربلا و سپس به نجف. در آن زمان، زبان پارسی در کربلا، نجف، بغداد و بصره بسیار ریشه دواند. بصره، برای سه سال پس از کریم خان زند - فرمان روای جنوب باختر ایران که این شهر را در سال ۱۷۷۶ اشغال کرد - زیر کنترل زندیان بود. او نیایش و نماز آدینه شیعی را در این شهر رواج داد، و سکه هایی با نام پیشوایان دوازدهگانه شیعه ضرب کرد.(۱) از سوی دیگر، علمای پارسی که به عراق مهاجرت کرده بودند از بیثباتی در این کشور به علت پیدایش مملوکان در ۱۷۴۷ م و سپس فرمانروایی غیر مستقیم عثمانی بر عراق تا سال ۱۸۳۱ بهره فراوان بردند. در کربلا و نجف، خانواده های دینی پارسی موفق شدند تا علمای تازی را تحت الشعاع خود قرار دهند و در برتری و چیرگی یافتن بر حوزه های دینی کامیاب شوند. در میانه صده نوزدهم، علمای پارسی در عراق، بیشتر پول های خیریه و آموزشگاه های شیعه را در دست گرفتند؛ و از این راه، نیروی بزرگی در رابطه شان با دولت های عثمانی و قاجار و همچنین با مردم بومی

۱- - Hamid Algar, “Religion and State in Iran, ۱۷۵۸-۱۹۰۶: The Role of the Ulama in the Qajar Period,” Berkeley: ۱۹۶۹, pp. ۳۰-۳۳. See also: John Perry, “Karim Khan Zand: A History of Iran, ۱۷۴۷-۱۷۷۹,” Chicago: ۱۹۷۹, p. ۱۷۹.

به دست آوردند.(۱)

۲-۲: هندیان شیعه در عراق

از سالهای پایانی صده هجدهم، هندیان شیعه به نشیمن در شهرهای زیارتی عراق روی آوردند. در صده بیستم شمار آنها تنها در کربلا- و نجف نزدیک به پنج هزار تن بود. پیدایش دولت شیعه عوض(۲) در شمال هند از سال ۱۷۲۲ م برای شهرهای زیارتی- به خاطر کمکها و پولهای ارسالی توسط مقام ها و دیگر افراد دولت عوض برای مجتهدان در این شهرها- بسیار پر سود بود. هجوم گسترده هندیان به شهرهای زیارتی از سال های دهه ۱۸۶۰ و پس از الحاق پادشاهی عوض توسط بریتانیا و شورش هندیان رخ داد. در این هنگام چند تن از اعضای خانواده پادشاهی ثروتمند نوابهای(۳) عوض به همراه پیروانشان وارد شهرهای مقدس شدند. آنان در سالهای بعد در تامین پولی و درآمد این شهرها نقش بسیاری داشتند.(۴) البته، باید یاد آور شد که به باور سایمونز، مهاجرت هندیهای شیعه به تشویق بریتانیا به میان رودان، نقش اساسی در کاهش نفوذ شیعیان علاقه مند به ایران داشت و محور توجه شیعیان را به دو حوزه ایران و هند تقسیم کرد و به نفوذ آسان تر انگلستان در میان رودان نیز می توانست کمک کند. تا آغاز صده بیستم، نجف بیشتر از تازیان و یا هندیان تازی شده و کربلا پایگاه شیعیان

۱- -Yitzhak Nakash, op. cit, p. ۱۶.

۲- -Awadh or Outh

۳- -Nawwabs

۴- -Juan Cole, “Indian Money and the Shrine Cities of Iraq, ۱۷۸۶-۱۸۵۰,” MES ۲۲, ۱۹۸۶, pp. ۴۶۱-۸۰.

پارسی زبان بود. در صده بیستم شناخت هندیان از میان دیگر نژادهای شهرهای زیارتی بسیار دشوار بود.

۲–۳ پارسیان شیعه در عراق

بسیار بیشتر از مهاجران هندی، این جماعت پارسیان در عراق بودند که در صده نوزدهم به عنوان یک عنصر بسیار مهم، با نفوذ و پویا در میان جمعیت شهرهای زیارتی پدیدار شدند. هشتاد هزار پارسی که برآوردمی شود در سال ۱۹۱۹ در عراق حضور داشتند (بسیاری به خاطر زناشوییهای فرا نژادی برآورد نشدند) از جایگاه شهروندان ایرانی برخوردار بودند. این جایگاه، با قرارداد اعطای مزایا و مصونیت های شهروندان دو کشور در سال ۱۸۷۵ میان عثمانی و قاجاریان- که ایرانیان سود برنده اصلی بودند- به پارسیان داده شد. گرایش عثمانیها برای در نظر گرفتن چنین جایگاه یگانهای به پارسیان در عراق، بازتابنده کنترل محدود استانبول بر این سرزمین و کوشش عثمانی برای خودداری از یک جنگ محتمل با ایران بر سر موضوع وضعیت پارسیان در عراق بود. دادن مزایا و مصونیت ها به پارسیان همچنین بازتابنده کوشش استانبول برای خشنود کردن شیعیان در عراق در رویارویی با سیاست توسعه طلبانه محمد علی در مصر از یک سو و نفوذ فزاینده اروپاییان در عراق در صده نوزده از سوی دیگر بود. جایگاه برجسته، اهمیت نسبی و شمار بسیار در میان مردم شهرهای زیارتی، به پارسیان در برابر توده شیعه تازی عراق برتری داده، آنها را توانا می ساخت تا منافع اقتصادی، گروهی و پیوندهای اجتماعی – دینی نیرومند خود را با خانواده آنها و هم کیشان شان در ایران حفظ کنند.

همچنین، علما، دین آموزان و بازرگانان پارسی تاثیر بزرگی بر زندگی دینی و

ص: ۵۳

اقتصاد شهرهای زیارتی، به ویژه کربلا داشتند. آنها همچنین در گروه های چشم گیری دربغداد، بصره، و تویریج(۱) زندگی می کردند. جایگاه اجتماعی- اقتصادی و دینی آنها با قرارداد ۱۸۷۵ عثمانی- قاجار پشتیبانی بیشتری می شد که روند آمد و شد زایران را آسان کرده و به جا به جایی مردگان(۲) از ایران به شهرهای زیارتی سامان می بخشید. جایگاه برجسته پارسیان که از پشتیبانی دولت ایران سرچشمه می گرفت، و کنترل آنها بر منابع تازیان، اعمال کنترل موثر بر نجف و کربلا که به عنوان دو مرکز آیین شیعه در عراق پدیدار میشدند را بر دولت عثمانی دشوار ساخت.(۳)

۳- شهرهای دینی عراق

اشاره

سرزمین عراق جایگاه مقدس ترین و مهمترین زیارتگاه های آیین شیعه به شمار می رود. در میان همه این مکانها و شهرها، چهار شهر «نجف»، «کربلا»، «کاظمین» و «سامرا» در میان مومنان شیعه از ارزش دینی بالایی برخوردارند. تحولات، رخدادها و تکاپوهای این شهرها به ویژه نجف و کربلا در چند صده گذشته در گسترش آیین شیعه به ویژه در عراق نقش به سزایی داشته است. تحولی که میان صده های شانزدهم تا بیستم به وسیله گرایش عثمانی و دولت های ایرانی برای چیرگی بر امور شیعیان در عراق شکل گرفت.

ص: ۵۴

۱- -Tuwayrij

۲- -Corpse Traffic

۳- - ۱۷-۱۸ .Yitzhak Nakash, op. cit, pp

۳–۱ نجف

برجسته ترین و مهمترین شـهر زیـارتی در میـان این شـهرها، نجف بود که در آغـاز صـده بیسـتم نفوذ و تـاثیر دینی و سیاسـی بسیاری را فراتر از محـدودیت هـای عراق اعمال می کرد. این شـهر در ۱۲۰ مـایلی جنوب بغـداد قرار گرفته است و در بخش عمده ای از روزگار عثمانی از کنترل موثر دولت بیرون بود. آرامگاه علی علیه السّلام که در سال ۱۰۰۲ (میلادی) ساخته شد، در مرکز شهر نجف قرار دارد.

این شـهر در کنار چنـدین روسـتا ساخته شـده که شـیعیان در آنها زنـدگی می کننـد. این شـیعیان برای زنده نگه داشـتن تاریخ سیاسـی خـود آیینه ایی چون یـاد بود شـهادت امـام حسـین علیه السّلام را که تـا به امروز هم پـا بر جـاست، برگزار میکردنـد. همچنین، شهر نجف در منطقه ای از دشت فرات جای دارد که نفوذ حکومت عثمانی در آنجا کم و ناچیز بوده و عثمانی ها در آنجا پایه های اسـتوار و نفوذ شایانی نداشـتند. از این رو، شگفت آور نبود که شهر نجف به مرکز نارضایتی و مخالفت سیاسی و دینی آن منطقه علیه عثمانیهـا تبـدیل شود. تـا جایی که – در تمام دوره عثمانی – مردم نجف، دولت مرکزی بغـداد را دولتی ستمگر و ناقـانونی به شـمار می آوردنـد. از سوی دیگر، علمـای شـیعه نیز طی دورههای گوناگون تاریخی برای اسـتوار سازی استقلال دینی و سیاسی خود در نجف، از بیعت با دولت مرکزی بغداد خودداری میکردند؛ مگر آن که فرمان روایان با زور

آنها را وادار به پیروی می کردند. در واقع، در تاریخ نوین عراق هر دولتی که توانسـته بود بر عراق چیرگی یابد، با شـهر نجف رفتـاری ویژه داشـته است. چنـان که می کوشـیدند از انجام هر کاری که علمای نجف آن را ناسازگار با حقوق خود میداننـد، دوری جویند.

ص: ۵۵

آن چه بر اهمیت سیاسی نجف می افزاید این است که این شهر جایگاه مرجعیت دینی شیعیان- که کمک ها و هدایای بسیاری از پیروان شیعه در سرتاسر جهان اسلام دریافت میکردند- بوده و از همین شهر شیعیان، نه تنها در عراق، بلکه در سراسر جهان را رهبری می کردند. از سوی دیگر، نجف، به واسطه وجود آرامگاه علی علیه السّلام، بسیاری از زایران شیعه را به خود جذب میکرد. همچنین، گورستان بزرگ شهر (وادی السلام) به عنوان مقدسترین و پرطرفدارترین مکان برای خاک سپاری در میان مومنان شیعه مورد توجه بود.(۱)

اهمیت دیگر نجف، آن است که این شهر پایگاه برجسته ای برای آموزش های دینی شیعه به شمار می رود. در آستانه صده بیستم دست کم نوزده آموزشگاه دینی در آن فعال بود. از دید ارزش و احترام، این شهر پس از مکه، مدینه و قدس در جایگاه چهارم جای دارد و هنگامی که مشکل بزرگی در جهان شیعه پدید آید، چشم همه مردم به سوی نجف و رای دینی آن دوخته می شود. این دلبستگی شیعیان به نجف و جایگاه والای دینی آن و جدایی از بغداد، دو نمود برجسته از ویژگی های منطقه فرات مرکزی و جنوبی است. قبیله های شیعه ساکن در این منطقه با قبیله های سنی ساکن استان دلیم(۲) (انبار) این اختلاف را دارند که هیچ گونه وفاداری به بغداد نداشته و وفاداری خود را تنها متوجه نجف اشرف می ساخته اند.

از سوی دیگر، تا پیش از صده نوزدهم، نبود منابع آب پایدار و آسیب پذیری در برابر تازشهای پیدرپی قبیله های تازی، دو مشکل بحرانی نجف بود. اگر چه

ص: ۵۶

۱- - Ibid, p. ۱۸. See also: - عبدالله فهد النفیسی، پیشین، ص ۳۲.

۲- - Dulaym

شاه اسماعیل یکم صفوی (۱۵۰۸) و جانشینش شاه تهماسب (۱۵۲۷) - در نخستین دوره تصرف عراق به دست صفویان (۱۵۳۳- ۱۵۰۸) – اقدامهایی برای تامین آب و کانال کشی انجام دادند، اما مشکل آب نجف همچنان پا برجا بود. تا جایی که جمعیت نجف با کاهشی آشکار به سی خانوار در پایان صده شانزدهم رسید.(۱) در سال ۱۶۲۳ آبراه تازهای از حله به نجف به دست شاه عباس کبیر - در دومین دوره تصرف عراق به دست صفویان (۱۶۳۸ – ۱۶۲۲) - ساخته شد؛ اما آن نیز پس از چندی خشک شد، و تنها پس از ساخت آبراه «هندیه» در سال ۱۸۰۳ بود که یک منبع آب همیشگی و پایدار برای نجف پدید آمد. این پیشرفت با بهبود نسبی روابط عثمانی – ایران در پی واپسین جنگ آنها در۱۸۲۳ - ۱۸۲۱ (عهد نامه ارزروم یکم) تسهیل شد. آبراه هندیه امید و انگیزه بالایی برای رفاه اجتماعی – اقتصادی نجف پدید آورد، و آب مورد نیاز برای پذیرش شمار انبوه زائران را فراهم میآورد و به مجتهدان شهر کمک میکرد تا از دهه ۱۸۴۰، نجف را - به بهای کاهش اهمیت کربلا - به عنوان پایگاه آموزشی اصلی شیعه قرار دهند.(۲) آبراه هندیه همچنین بر تماسهای اجتماعی – اقتصادی و دینی میان نجف و قبیله های حومه تاثیر مهمی داشت؛ که از این راه، گرایش آنها به شیعه گری (تشیع)(۳) شتاب می گرفت. از دید بافت جمعیتی، بخش عمده جمعیت ثابت (غیر زایر) شهر در آغاز صده بیستم از تازیان تشکیل می شد و پارسیان تنها یک سوم جمعیت را در آن زمان تشکیل می دادند. جایگاه نجف در کناره و لبه بیابان، نفوذ

ص: ۵۷

۱- - Abbas al-Azzawi, op. cit, ۳: ۳۳۷.

۲- - Stephen Longrigg, op. cit, p. ۳۴.

۳- -Shiism

و تاثیرات بسیار شدید قبیله ای تازی بر این شهر را توجیه می کرد. چنان چه بسیاری از خانواده های مهم علمای تازی همچون خانواده کاشف الغطا در قبیله های حومه ی ریشه دارند.(۱)

۳-۲: کربلا

اشاره

در سنجش با ویژگی های نیرومند تازی نجف، بافت نژادی و فرهنگ کربلا با جامعه بسیار گسترده پارسیان ساکن در این شهر شناخته می شد. در آستانه صده بیستم، جمعیت شیعه در کربلا نزدیک به پنجاه هزار تن برآورد می شد، که دست کم ۷۵ درصد آن را پارسیان تشکیل می دادند و تازیان کمتر از یک سوم بودند. شهر کربلا در حدود پنجاه و پنج مایلی جنوب بغداد واقع شده است و بازدیدکنندگان غربی این شهر یادآور شدند که هرگز با نمای یک شهر تازی رو به رو نشدند. ساختمان ها و بازارهای شهر بازتابنده تاثیر و نفوذ پارسیان بر آن بود.

کربلا- آرامگاه های سومین پیشوای شیعه، حسین علیه السّلام و عباس، برادر ناتنی آنها را در خود دارد. نبرد و ایستادگی دلاورانه حسین علیه السّلام و گروه کوچکش در دشت کربلا در سال ۶۸۰، مهمترین رویداد در تاریخ و اسطوره های شیعه شد. شهادت آنها در میان شیعیان پر شور گرامی داشته می شد، و کربلا به عنوان کانون دلبستگی و سرسپردگی به ویژه برای مومنان شیعه پارسی پدیدار شد. احادیث،(۲)

ص: ۵۸

۱- - Meir Litvak, “The Shi’i Ulama of Najaf and Karbala, ۱۷۹۱-۱۹۰۴: A Socio-Political Analysis,” Harvard University, ۱۹۹۱, pp. ۱۱۲-۱۱۶.

۲- -Traditionals

رحمت و برکت را برای آب و خاک آن قایل شده‌اند و به مومنان برای دیدار این شهر و خاک سپاری در گورستان آن (وادی الامام) – که دومین گورستان از نظر قداست پس از گورستان نجف است – پاداشهایی را وعده داده‌اند.(۱)

از دید منابع آب، کربلا به نظر میرسید از موجودی آب کم و بیش بهتری نسبت به نجف برخوردار بود. در پی اشغال منطقه به دست عثمانی در سال ۱۵۳۳، سلطان سلیمان یکم دستور ساخت آبراه «حسینیه» را برای آوردن آب به کربلا داد. این آبراه در بخش مسیب از فرات جدا شده و به سوی کربلا روان میشد. تا پایان صده شانزدهم، در پی بی توجهی حکومت، کمبود آب موجب ترک شهر از سوی زایران شد. در آغاز صده هجدهم، با ساخت آب بندی بر سر آبراه حسینیه به دست فرماندار عثمانی عراق، کربلا از یک ذخیره آب همیشگی برخوردار شد. این پیشرفت کمک میکند به توجیه این پیامد که چرا کربلا – و نه نجف – در آغاز به عنوان مهمترین پایگاه آموزشی شیعه در حدود سال ۱۷۳۷ به جای اسپهان (اصفهان) – که در پی تصرف شهر به دست افغانها و سپس مهاجرت علمای پارسی به عراق افول کرده بود – پدیدار شد. ساخت آب بند و بازسازی کاروان سراهای راه بغداد – کربلا به دست فرماندار عثمانی عراق رفاه کربلا را افزایش داد و شرایط را برای زیارت شهر بهبود بخشید.(۲)

در پی فرمان روایی مملوکان در عراق و کاهش کنترل عثمانی بر آن در صده هجدهم و آغاز صده نوزدهم، گزارشهای بریتانیایی، کربلا را به عنوان یک

۱- – Yitzhak Nakash, op. cit, p. ۲۱.

۲- – Stephen Longrigg, op. cit, p. ۳۴. See also: Abbas al-Azzawi, op. cit, p. ۵: ۲۱۰.

جمهوری نیمه خودگردان یـاد می کننـد که در آن حتی خطبه هـای نمـازآدینه به نـام سـلطان عثمانی خوانـده نمی شـد؛ و این هشـداری برای عثمـانی بود تـا حکومت مسـتقیم خود بر عراق را در سـال ۱۸۳۱ م بـاز یابـد و بـار دیگر به تمرکز گرایی روی آورد. در این راستا، کربلا نیز بر خلاف ایستادگی، در سال ۱۸۴۳ اشغال شد.(۱)

پیامدهای مهم اشغال شهر کربلا

نخست، در حـالی که سـرکوب کربلاـ به جایگـاه نیمه خودگردان این شـهر پایـان داد، نجف به خاطر تسـلیم سازش جویانه به فرماندار عثمانی، از چنان سـرنوشت همانندی در امان ماند. بنابراین نجف جایگاه اجتماعی – اقتصادی و سیاسـی خود را حفظ کرد که این جایگـاه کم و بیش تـا صـده بیسـتم دست نخورده بـاقی مانـد. دوم، اشـغال کربلا به نجف کمک کرد تا به عنوان پایگاه آموزشـی اصلی شیعه از دهه ۱۸۴۰ پدیـدار شود، چنـان که دین آموزان بسـیاری کربلا را رها کرده و به نجف رفتنـد و همچنین از این زمان، نجف، پایگاه مهم و اصلی بیشتر مجتهدان بزرگ شیعه شد.

سوم، در پی خبرهـایی که از اشـغال خونین کربلاـ به ایران رسـید، قاجارهـا، فشارهـای موثری بر دولت عثمـانی وارد کردنـد تا مصونیت هایی به پارسیان ساکنان عراق بدهد.

بنابراین گر چه اشغال کربلا به دست عثمانی به شکست نیروی دار و

ص: ۶۰

۱- - Meir Litvak, op. cit, pp. ۱۰۷, ۱۲۴-۲۶. See also: Juan Cole and Moojan Momen, “Mafia, Mob and Shiism in Iraq: The Rebellion of Ottoman Karbala, ۱۸۲۴-۱۸۴۳,” PP ۱۱۲, ۱۹۸۶, pp. ۱۱۵-۱۱۶, ۱۲۲, ۱۲۴.

دسته های(۱) تازی در کربلا انجامید، به گونه تناقض آمیزی نفوذ پارسیان در شهر افزایش یافت و در آستانه صده بیستم، پارسیان بر بسیاری از تکاپوهای اجتماعی – اقتصادی و دینی در کربلا چیره شدند.(۲) پیوندهای استوار کربلا با ایران که تا صده بیستم به درازا کشید، در پایگاه اجتماعی و جایگاه بالای خانواده پارسی منش کمونه، که عملا کنترل امور شهر را به دست داشتند، آشکار بود. این خانواده تا پیش از سرنگونی به دست بریتانیا در سال ۱۹۱۷، به ترتیب جایگاه سرپرستی آرامگاه حسین علیه السّلام و شهرداری شهر را در دست داشتند.

۳-۳ کاظمین

اگر نجف و کربلا پایگاه و پناهگاه آیین شیعه در عراق بودند، درباره کاظمین و سامرا نمی توان چنین گفت. عوامل بازدارنده چنین تحولی عبارت بودند از نزدیکی کاظمین به بغداد سنی و جمعیت کم و بیش یکپارچه سنی سامرا. اهمیت کاظمین- که تنها در سه مایلی شمال باختر بغداد واقع شده است، - از زیارتگاهش سرچشمه میگیرد؛ که آرامگاه های امام موسی کاظم علیه السّلام، هفتمین پیشوا و امام محمد جواد علیه السّلام، نهمین پیشوای شیعه را در خود دارد. بازسازی های گسترده این زیارتگاه که به دست شاه اسماعیل یکم صفوی آغاز و سلطان سلیمان یکم عثمانی آن را به پایان رساند، نمونه دیگری از سودهایی است که از رقابت عثمانی – ایران برای چیرگی بر امور شیعه در عراق عاید شهرهای زیارتی می شد.

جمعیت شهر در آغاز صده بیستم هشت هزار تن برآورد می شود که از هفت

ص: ۶۱

۱- -Gangs

۲- - ۲۲-۲۳ .Yitzhak Nakash, op. cit, pp

هزار تن از آنان شیعه بودند و تازیان بخش عمده جمعیت مسلمان این شهر را تشکیل میدادند در حالی که شمار پارسیان شهر از یک هزار تن فراتر نمی رفت.(۱) گرایش شدید کاظمین به سوی بغداد در سال ۱۸۷۰م که شهر با یک تراموای اسبی به پایتخت متصل شد - تقویت گردید. بنابراین، عثمانی ها کنترل بیشتری بر این شهر نسبت نجف و کربلا داشتند. نزدیکی کاظمین به بغداد تا اندازهای بسیار تماسهای میان سنیان و شیعیان عراق را آسان کرد و به رخدادهایی که پیش از پیدایش پادشاهی (۱۹۲۱م) روی داد، انجامید. کاظمین، هم اکنون با نام «کاظمیه» یکی از بخشهای شهر بغداد به شمار میرود و جمعیت شیعه بسیاری را به بغداد کشانده است.

۳-۴ : سامرا

شهر سامرا در شست و شش مایلی شمال بغداد واقع شده است. آرامگاه دهمین و یازدهمین پیشوای شیعه، امام هادی علیه السّلام و پسر امام حسن عسگری علیه السّلام در این شهر قرار دارد. شیعیان بر این باورند که این شهر زادگاه دوازدهمین پیشوای شیعه، محمد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - که گفته می شود از دیدها پنهان شده است و به عنوان مهدی «موعود» منتظر بازگشت آنها هستند — می باشد. جمعیت سامرا در آغاز صده بیستم نزدیک به ۸۵۰۰ تن بود. ساکنان آن تا پیش از جا به جایی مجتهد بزرگ، آیت الله محمد حسن شیرازی از نجف به این شهر در سال ۱۸۷۵، کم و بیش یکپارچه سنی بودند. جا به جایی شیرازی، سامرا را - پس از آن که روزگاری در صده نهم پایتخت عباسیان بود و سپس در پی کم توجهی و کم

۱- - Ibid, p. ۲۳.

اهمیتی رو به نابودی نهاده بود – دوباره زنده کرد و رونق داد. اقامت مجتهد بزرگ شیعه در این شهر، هشداری به عثمانی ها بود که با گسترش ناگهانی شیعه گری در بخش شمالی عراق رو به رو شدند. بی گمان سرازیر شدن پول ها، دین آموزان و دیدارگران شیعه به این شهر، و در پی آن برگزاری آیین های شیعه در دیدگان همگان، جمعیت سامرا را در برابر تاثیرهای فزاینده شیعه به خطر میانداخت و چیرگی و برتری آیین سنی سامرا و حومه آن را به چالش می کشید. همچنین، ترس عثمانی از حضور در حال رشد شیعه در این بخش از عراق، بیشتر از درگیری آیت الله شیرازی در امری که به شورش تنباکو در ایران (۱۸۹۲-۱۸۹۱) انجامید، سرچشمه می گرفت.(۱)

از پایان صده نوزدهم، کارگزاران عثمانی و علمای سنی خطر را جدی گرفتند. ساخت دو آموزشگاه نوین سنی در سامرا (۱۸۹۸) وگماشتن سرپرست سنی برای زیارتگاههای شیعه، کنترل آنان را بر امور شیعه در سامرا بهبود بخشید. در پی مرگ آیت الله شیرازی در سال ۱۸۹۵، اهمیت سامرا کاهش بسیاری یافت. در طول یک سال پس از مرگ آنها بسیاری از شاگردان و پیروان اصلی آنها سامرا را ترک کرده و بیشتر در نجف - شهری که جایگاه برتر خود را به عنوان مهمترین پایگاه آموزشی شیعه استوار میساخت - ساکن شدند. جا به جایی شاگردان شیرازی و مجتهد برجسته، میرزا محمد تقی شیرازی از سامرا به کربلا در سال ۱۹۱۷، زوال سامرا را قطعی کرد و این شهر هر توانمندیای را برای تبدیل شدن به پایگاه شیعه در عراق از دست داد.(۲)

۱- - Ibid, p. ۲۴.

۲- - Selim Deringil, “The Struggle against Shi’ism in Hamidian Iraq: A Study in Ottoman Counter-Propaganda,” WI ۳۰,۱۹۹۰,p.۵۰.

اکنون نیز سامرا در استان سنی نشین صلاح الدین قرار گرفته و صدام حسین مرکز این استان را از این شهر مهم و با پیشینه به زادگاه خود، روستای تکریت جا به جا کرده است. در مجموع، ناتوانی کلی عثمانی برای مهار قدرت نجف و کربلا، این دو شهر را توانا ساخت تا به عنوان پایگاه های ترویج و گسترش شیعه در عراق از پایان صده هجدهم پدیدار شوند. این مهم تاثیر فزایندهای بر شمار بسیاری از قبیله های تازی در عراق میانی و جنوبی که زیر نفوذ نجف و کربلا در آمده بودند، داشت.

۴- گرایش قبیله های عرب به آیین شیعه

۴-۱ : قبیله ها و هم پیمانی های قبیله ای عرب در عراق

هیچ دلیل و گواهی وجود ندارد که نشان دهد شیعیان پیش از صده نوزدهم و حتی بیستم بیشترینه (اکثریت) مردم عراق را تشکیل میدادند. اگر چه گرایش به شیعه گری در عراق در سراسر تاریخ شیعه رخ داده است، اما این امر منحصر به شهرهایی بود که تنها پارهای از جمعیت کشور بودند. هر از گاهی، برخی قبیلههای تازی همچون «بنی سلمه»،(۱) «طی»(۲) و «سودان»(۳) در مرداب های نزدیک خوزستان در طول فرمان روایی دودمان شیعه تازی «مشعشع»(۴) در صده های پانزدهم و شانزدهم به گرایش شیعه گری پیدا می کردند. اما تنها پس از گرایش گسترده بخش عمده قبیله های تازی اسما سنی عراق به شیعه گری آن هم در طول

ص: ۶۴

۱- -Bani Sulama

۲- -Tayy

۳- -Sudan

۴- -'Musha'sha

صده نوزدهم بود که سهم شیعیان افزایش پیدا کرد و در ۱۹۱۹ و ۱۹۳۲ برآورد میشود که به ترتیب ۵۳ و ۵۶ درصد از جمعیت عراق را تشکیل میدادند.(۱)

قبیلههای تازی بخش عمده جمعیت عراق جنوبی و میانی را در طول دوره عثمانی تشکیل میدادند. بیابان گردان به تنهایی بیش از نیمی از جمعیت عراق جنوبی را تـا ۱۸۶۷ م تشـکیل می دادنـد. تا صده نوزدهم، قبیله ها، هر کدام از قبیله ها به عنوان نوعی واحد سیاسـی و خودگردان که در پاسخ به تهدیدهای دیگر گروه ها برپا شده بودند، عمل میکردند. اعزام نیروهای پی در پی حکومت برای رویـارویی بـا قبیله هـا نیز، روح گروهی هم پیمـانی هـا را تقویت می کرد؛ بنابراین هر کـدام را از دیگری بیشتر جـدا و مشـخص می کرد.(۲) کهنـترین هـم پیمانیهـای قبیلهـای در عراق جنـوبی و میـانی در طـول دوره عثمـانی عبـارت از: «منتفق»،(۳) «زبید»،(۴) «دلیم»،(۵) «عبید»،(۶) «خزعل»،(۷) «بنی لام» (بنی لحم)،(۸) «البومحمد»،(۹) «ربیعه»(۱۰) و «کعب»(۱۱)

۱- - Yitzhak Nakash, op. cit, p. ۲۵.

۲- - Robert Fernea, “Shaykh and Effendi: Changing Patterns Amonh the El Shabana of Southern Iraq,” Cambridge, Mass, ۱۹۷, p.۲۵

۳- -Muntafiq

۴- -Zubayd

۵- -Dulaym

۶- -Ubayd

۷- -Khaz'al

۸- -Bani Lam

۹- -Al bu Mohammad

۱۰- -Rabi'a

۱۱- -Ka'b

بوده اند.(۱)

بسیاری از قبیله های عراق از عربستان به این کشور کوچ کردند؛ بنابراین،همانندی های بسیاری در ویژگیها و ارزشهای اخلاقی آنها با قبیله های عربستانی دارند. هم پیمانی های قبیله ای یاد شده در دوره های گوناگون به این سرزمین کوچ کرده اند؛ برخی از آغاز کشورگشایی های مسلمانان (منتفق، زبید، ربیعه، عبید)، برخی در صده چهاردهم (خزعل، بنی لام) و برخی در صده هفدهم (دلیم، البو محمد).(۲)

جمعیت قبیلهای عراق در صدههای هجدهم و نوزدهم افزایش یافت. شاخه های «شمر»،(۳) به ویژه شمر «طوقا»(۴) و «صیح»،(۵) در آغاز صده هجدهم از «حائل»(۶) (عربستان) به عراق کوچ کردند. افزایش مهم دیگر در جمعیت قبیله ای عراق، کوچ شاخههای بزرگ «بنی تمیم»(۷) از «نجد»(۸) (عربستان) به عراق در حدود سال ۱۷۳۷ بود. با این حال نقشه قبیله ای عراق تنها در صده نوزدهم و آن هم در

ص: ۶۶

۱- - Hanna Batatu, “The Old Social Classes and The Revolutionary Movement of Iraq.” New Jersey, Princeton: Princeton Univesrsity Press, ۱۹۸۲, p. ۶۸.

۲- - Stephen Longrigg, op. cit, p. ۸۰.

۳- -Shammar

۴- -Toqa

۵- -Sa'ih

۶- -Ha'il

۷- -Bani Tamim

۸- -Najd

پی کوچ شاخه های دیگر شمر (جربا)(۱) و هم پیمانیهای «عنزه»،(۲) و همچنین قبیله «زفیر»،(۳) از عربستان به عراق، میان سالهای ۱۷۹۱ تا ۱۸۰۵ م در پی فشارهای وهابیان، شکل نهایی به خود گرفت. بسیاری از قبیله های تازی عراقی ادعا می کنند که ریشه در این هم پیمانی ها دارند.(۴) بر پایه فهرستی که در سال ۱۸۶۹ م توسط الحیدری، عالم(۵) سنی و برجسته بغداد، از قبیلههایی که اخیرا به شیعه گری گرایش پیدا کرده بودند فراهم شد، نام بیشتر هم پیمانی ها و قبیله های یاد شده به چشم می خورد. بسیاری از نمونه های نوگروی کامل نبود، و بنابراین با تشکیل پادشاهی (۱۹۲۱م) بسیاری از قبیله ها در راستای خطوط فرقه ای تقسیم شدند.

۴-۲ – عوامل گرایش به آیین شیعه در میان قبیله ها و هم پیمانی ها

اشاره

شاید شگفت انگیز نباشد که شاخه های بزرگ شمر، زفیر و بنی تمیم - که در صده هجدهم به عراق وارد شدند - در طول صده بعد نو آیین شوند. به هر حال در خور توجه است که بخش بزرگ هم پیمانی های دیرینه عراق - منتفق، زبید، دلیم، البو محمد، خزعل، بنی لام، ربیعه و کعب - تنها از پایان صده دهم و نه پیش از آن به شیعه گری گرایش یافتند. چندین دگرگونی و رخداد مهم بر این نوگروی شتابان و تا اندازه ای دیر هنگام قبیله ها تاثیر گذاشت. در مرکز این فرآیند عواملی چون: تازش های وهابی ها به نجف و کربلا،پدیدار شدن این دو شهر به

۱- -Jarba

۲- -Anaza

۳- -Zafir

۴- - ۲۶ .Yitzhak Nakash, op. cit, p.

۵- -Alim

عنوان «بازار – شهرهای»(۱) مهم بیابانی عراق، تغییر مسیر جریان آب فرات، و مهمترین عامل، سیاست عثمانی در راستای یکجا نشاندن قبیله ها که در ۱۸۳۱ آغاز شد، قرار دارند.(۲) دگرگونی زندگی قبیله ها از زندگی بیابان گردی به کار کشاورزی، سامان قبیله ای را بر هم زد و بحران بزرگی را در میان قبیله نشینان پدید آورد که وادارشان می کرد هویت خود را بازسازی کنند و نقشه اجتماعی- دینی آنها را بازیابی و مکان یابی کنند. نوگروی با افزایش سریع سیدها (نوادگان پیامبر) - که تجزیه و فروپاشی سامانه قبیله ای عراق را تسکین می بخشیدند- تسهیل می شد. همچنین، اندازه و گستره نوگروی بر طبق هر منطقه تغییر می کرد. چنان که عوامل یاد شده در مردابها، فرات میانی و جنوبی و دجله درجات گوناگونی از تاثیر را داشتند.

۴-۲-۱ – خیزش وهابیان

پیدایش و خیزش وهابیان، به تبیین و روشن شدن انگیزه و گرایش علما در نجف و کربلا برای هدایت قبیله های عراق به آیین شیعه کمک می کند. در ۱۷۷۵م، ابن سعود قدرتی در عربستان بود؛ و تصرف «حساء»(۳) (کرانه جنوبی خلیج فارس- شیعه نشین) در سال ۱۷۹۵ او را توانا ساخت تا نفوذش را فراتر از مرزهای نجد گسترش دهد. فشار وهابیان، قبیله های زفیر، بخش هایی از عنزه و «حرب»(۴) (شامل جبور)، و شمر جربا را به عراق کشاند. وهابیان چندین بار به

ص: ۶۸

۱- Market- town-

۲- Ibid, pp. ۲۷-۲۸ -.

۳- Hasa-

۴- Harb-

عراق تاختند و هم پیمانی های منتفق و خزعل را مورد تاخت و تاز و تاراج قرار دادند. آنها نجف را دو بار محاصره کردند و کربلا را در سال ۱۸۰۱م تاراج نمودند.(۱) نیروی بزرگ قبیله های زیر فرمان فرماندار عراق بارها در شکست وهابیان ناکام ماندند. تازش های وهابیان به نجف و کربلا هویت فرقه ای علمای شیعه را تقویت کرد و انگیزه آنان را برای هدایت و نوگروی قبیله ها افزایش داد. برخلاف ستیز اندیشه ای شیعه- سنی، که هیچ تهدید فیزیکی واقعی برای اسلام شیعه پدید نمی آورد، تاراج کربلا و تازش ها به نجف، آسیب پذیری علمای شیعه در عراق را آشکار کرد و آن نبود یک نیروی (ارتش) قبیله ای بود که بتوانند در برابر چنین تهدیدهایی که عینا هستی این دو شهر را تهدید می کرد، بسیج کنند.

افزون بر این، تاخت و تازهای وهابیان هم زمان بود با پیدایش نجف و کوشش این شهر در رقابت با کربلا برای به دست آوردن جایگاه آموزشی اصلی شیعه. ناتوانی نیروی قبیله ها و بی تفاوتی آنان به سرنوشت شهر، هشداری بود برای علما در نجف و حومه آن از این روآنان کوشیدند تا شیعه گری را در میان هم پیمانی خزعل تقویت کنند و در حالی که هنوز زیر تهدید وهابیان بودند، ارتشی متشکل از اعضای این هم پیمانی ایجاد کنند. تازش های وهابیان، علمای شیعه را با نیروی همیشه تهدید آمیز قبیله ها و خطری که قبیله های بیابان گرد عراق برای منابع درآمدی آنها داشتند، بیشتر درگیر ساخت. نمونه این تهدید، شورش قبیله ها در سال ۱۸۱۴م در بخش های جنوبی بغداد بود که شهرهای نجف، کربلا، حله و کاظمین را تهدید می کرد و راه بازگشت زایران ایرانی را بسته بود.

ص: ۶۹

۱- - Tom Nieuwenhuis, “Politics and Society in Early Modern Iraq,” The Hague, ۱۹۸۲, pp. ۱۲۳-۱۲۵.

تازش های وهابیان و فشارهای قبیله های عراق بر شهرهای شیعه، مانع اصلی تحولات بعدی بودند.

این مساله به ویژه هشداری بود به علمای پارسی که در صده هجدهم به عراق مهاجرت کرده بودند و فاقد یک پایگاه استوار اجتماعی- اقتصادی در این کشور بودند. از دیدگاه آنان، گرایش این قبیله ها به شیعه گری برای پشتیبانی از جایگاه آنان در عراق جنوبی و حفظ وضعیت مستقل آنها در برابر حکومت سنی در بغداد بایسته و لازم بود. افزون بر این، دین، سرمایه مهم شهرهای زیارتی و نیروی اصلی تکاپوی اقتصادی آنها بود که بیشتر بر خیرات، زیارت و جا به جایی مردگان از ایران استوار بود. و گسترش آیین شیعه در میان قبیله های تازی می توانست این منبع درآمدی را افزایش دهد. قبیله های بیابان گرد عراق نه گرایشی به بازدید شهرهای زیارتی وزیارتگاههای شیعه به عنوان زیارت داشتند و نه هرگونه ارزش دینی برای آنها قایل بودند. با آگاهی از این مسئله، علمای شیعه گرایش قبیله ها به شیعه را به عنوان فرصتی برای افزایش شمار مومنان، کمک دهندگان و دیدارگران ارزیابی می کردند. بنابراین، نیاز برای در امان نگه داشتن شهرهای دینی مهم و افزایش منابع درآمدی با ایجاد یک پایگاه اقتصادی بومی، به روشن شدن انگیزه و گرایش علمای شیعه برای گرواندن قبیله ها به شیعه از پایان صده هجدهم کمک می کند.(۱)

۴-۲-۲ : عملکرد نجف و کربلا به عنوان بازار - شهرهای بیابانی

جایگاه نجف و کربلا در کناره بیابان و کارکرد آنان به عنوان بازار بیابان

ص: ۷۰

۱- - ۲۸-۲۹ .Yitzhak Nakash, op. cit, pp

گردان و مراکز غله خیز در عراق، آنهـا را به شـبکه تمـاس مهمی در میـان قـبیله هـا و قـبیله نشـینان تبـدیل کرد. چرخه سالانه حرکت قبیله های بیابان گرد از عراق، بیابان سوریه و عربستان بود و کوچ به عراق هم زمان با فصل برداشت غله (گندم و جو) در جنوب عراق بود. پیش از میـانه صـده نوزدهم، «حله» بـازار بزرگ قبیله ای و پایگاه داد و سـتدها و همچنین تا انـدازه ای به عنوان پایگـاه گسترش شـیعه در میـان قبیله هـا عمل می کرد؛ و نجف و کربلا چنین جایگاهی را دارا نبودنـد. به هر حال، تأثیر تکاپوی مبلغان شیعه در میان قبیله ها تنها پس از افزایش چشم گیر زمینه ای زیر کشت حومه کربلا و نجف از صده نوزدهم – به عنوان پیامد ساخت آبراه هندیه – به گونه چشم گیری بهبود یافت.

آبراه هنـدیه به جایگـاه ا اقتصـادی نجف و کربلاـ که به عنوان بـازار – شـهرهای بیابانی اصـلی عراق پدیـدار می شدنـد، توان بسیاری بخشید. نجف از صده نوزدهم هنگامی که رود حله(۱) خشکک شد، نقش یک فروشگاه بزرگ برای بیابان را به دست گرفت. شـالی زارهـا و کشتزارهـا از حـومه حله به حومه آبراه هنـدیه جـا به جـا شدنـد و قـبیله هـای بزرگ برای داد و سـتد از عربسـتان و بیابان سوریه به این دو شـهر، به ویژه نجف می آمدنـد. با تعامل و داد و سـتد اقتصادی فزاینده و چشم گیر نجف و کربلا با قبیله ها، به ویژه در طول صده نوزدهم، پیکها و فرستادگان ویژه ای را که از این دو شهر فرستاده میشدند، توانا ساخت تا آیین شیعه را در میان قبیله نشین ها بیشتر و موثرتر از پیش گسترش دهند.

۱- Shatt al-Hilla -

۴-۲-۳ تغییر جریان آب فرات

عامـل دیگری که بر فرآینـد شـیعه گری قبیله ها تاثیر داشت، تغییر جریان آب رود خانه فرات بود. همچنان که پیشتر گفته شـد خیزش نجف و کربلا از میانه صده هجدهم پیوند

نزدیکی با ذخیره های آبی آنها داشت و به ویژه نجف از کمبود فراوان آب رنج می برد. علت این امر دوری نسبی این شهر از فرات و شـمار انـدک چـاه هـای شـهر بود. سالهـا بی توجهی، آبراه «حسـینیه» را که آب کربلا را تامین می کرد، به گل و لای نشانـد؛ و تنها پس از ساخت آب بندی بر آن در آغاز صده هجدهم، ذخیره های آب شـهر به اندازه چشم گیری بهبود یافت و زمینه ای زیر کشت حومه کربلا افزایش یافت که برخی قبیله ها را به حومه شهر جذب کرد.

اما، بسـیار بیشتر از آبراه حسـینیه، ساخت آبراه «هندیه» بود که به جذب شـمار چشم گیری از قبیله ها به سـرزمین میان نجف و کربلاـ انجامیـده و روابـط میان این دو شـهر و قبیله ها را دگرگون ساخت. ساخت این آبراه در سال ۱۸۰۳ م و بـا کمک پولی یکی از کارگزاران حکومت شیعه «عوض» هند برای آب رسانی به نجف به پایان رسید.

آبراه هنـدیه نه تنهـا رونق و رفـاه نجف را در صـده نوزدهم تضـمین کرد، بلکه بـاعث دگرگونی های مهم آب و هوایی و بوم شناختی در عراق جنوبی و میانی شد.(۱) آبراه هندیه، در پایین مسـیب از فرات جدا شده و به سوی نجف میرفت. میان سالهای ۱۸۶۵ م و ۱۸۹۰ م این آبراه بیشتر آب رود فرات را جذب می کرد،

۱- - Juan Cole, op. cit, p. ۴۶۳.

بنابراین مسیر رود خانه فرات تغییر یافت و در نتیجه، زمینه ای نزدیک حله به آرامی خشک شده و جریان رود حله کم و آرام شد. در نتیجه، حله جایگاهش را به عنوان یک پایگاه کشاورزی و بازرگانی از دست داد و در سوی دیگر، آبیاری در طول آبراه هندیه گسترش می یافت و زمینه ای اطراف آن به خوبی زیر کشت می رفت.(۱)

زمینهای آبیاری شده اطراف نجف، با ساخت سه آبراه کوچک تر در پایان صده نوزدهم باز هم افزایش پیدا کرد. بسیاری از قبیله ها، به ویژه قبیله های خزعل وادار شدند تا منطقه رود حله را رها کرده و در طول آبراه هندیه ساکن شوند. جذب قبیله های بسیار به ناحیه به طور فزاینده حاصل خیز در امتداد آبراه هندیه میان کربلا و نجف، تازه نشیمن یافتگان را در برابر تاثیرهای این دو شهر بی پناه گذاشت. به این ترتیب، نجف و کربلا بیش از پیش در جایگاهی قرار گرفتند تا به عنوان پایگاه های اصلی گسترش آیین شیعه عمل کنند و یک نیروی دینی پویا را میان قبیله نشینان بپراکنند.

۴-۲-۴ سیاست عثمانی در راستای اسکان قبیله ها

این عامل ها به تنهایی نمی توانند دامنه و گستردگی نوگروی در صده نوزدهم را کاملا روشن کنند. منابع سنی، شیعه و بریتانیایی در این واقعیت هم باورند که کم و بیش هیچ نشانه ای از شیعه گری در میان شتر پروران بیابان گرد عراق در آغاز صده بیستم وجود نداشت؛ و این که این آیین تنها در میان قبیله های نشیمن یافته گسترش پیدا کرد. بیگمان، قبیله هایی که شیوه زندگی بیابانی را به عنوان

۱- - Tom Nieuwenhuis, op. cit, pp. ۱۳۰,۱۳۴.

یک اصل و عادت نگه داشتند کم و بیش بی استثنا تا به امروز سنی ماندند. از این دیدگاه، به نظر می رسد که دامنه و گستردگی نوگروی در صده نوزدهم را تنها به عنوان پیامد ناخواسته سیاست نوین اسکان قبیلهای عثمانی می توان کاملا درک کرد. در سال ۱۸۳۱م، عثمانی ها کنترل مستقیم بر عراق را از سر گرفتند، و بنابراین فرمان روایی مملوکان عراق پایان یافت. بر خلاف کوشش های مملوکان برای در هم شکستن قبیله ها با ضربه های گاه و بی گاه، فرمانداران نوین عثمانی قبیله نشین ها را تشویق می کردند تا یکجا نشین شده و کشاورزی در پیش گیرند. این فرمانداران برای افزایش تولیدات کشاورزی و درآمدهای مالیاتی به یکجا نشاندن قبیله ها می پرداختند؛ و این بازتابنده خواست استانبول برای بهبود نقش امپراتوری در اقتصاد سرمایه داری جهانی بود.(۱)

آبیاری بخش های زیر کشت با ساخت آبراهه ای نو بهبود پیدا کرد و آبراهه ای کهنه به منظور گسترش زمینه ای زیر کشت - به ویژه در دوره رشید پاشا (۱۸۵۷- ۱۸۵۳) -

لایروبی شد. ارائه قانون زمین عثمانی(۲) در سال ۱۸۶۹ م و دادن اسناد مالکیت(۳) و جدا سازی زمینه ای دولتی- در دوره مدحت پاشا (۱۸۷۲-۱۸۶م)– فرایند یکجا نشینی را شتاب بخشید. این سیاست با فروش قطعه زمینه ای دولتی به مالکان خصوصی و کاهش کرایه بهای زمین، قبیله نشینان را در عراق میانی و جنوبی به زمین پیوند داد.(۴) از این زمان، فرمانداران عثمانی عراق

۱- - Yitzhak Nakash, op. cit, p. ۳۲.

۲- -Ottoman Land Code

۳- -Tapu Sanads

۴- - Marion Farouk-Sluglett and Peter Sluglett, “The Transformation of Land Tenure and Rural Social Structure in Central and Southern Iraq, c. ۱۸۷۰-۱۹۵۸,” IJMES ۱۵, ۱۹۸۳, p. ۴۹۴.

به گسترش اقتدار حکومت در بخش های روستایی جنوب پرداختند.

عثمانیها، از یکجا نشینی به عنوان ابزاری برای متمدن کردن بیابان گردان، القای شریعت(۱) در میان آنان، و وادار ساختنشان به حل و فصل اختلافاتشان در دادگاههای شرعی به جای شیوههای قبیلهای بهره می بردند. در کوشش برای یکجا نشاندن و آوردن آنان زیر کنترل دقیق حکومت، فرمانداران کوشیدند تا جامعه قبیله ای را بازسازی کنند. آنها درصدد بودند تا هم پیمانی های بزرگ قبیلهای را در هم شکنند و جایگاه شیخ های بلند پایه به عنوان اشراف(۲) را - که سرزمین های گستردهای را اداره می کردند - سست کنند.

در این نبرد، جدایی میان قبیله های گوناگون تشکیل دهنده هم پیمانی ها افزایش یافت و شاخه های اصلی از آنجا که حکومت، هر قبیله را پاسخگوی سهم خود از محصولات میدانست در عمل مستقل شدند. در واقع، عثمانی ها با دادن اسناد مالکیت به افراد بر پایه قانون زمین از ۱۸۶۹م، هر چه بیشتر سازمان جامعه قبیله ای و روابط میان شیخها و قبیله نشینان را مختل کردند.(۳)

اقدام های عثمانی ها باعث برانگیختن قبیله های آبراه هندیه و بخش های منتفق و شامیه شد و به رشته شورش هایی انجامید. مقام های عثمانی و علما در نجف و

ص: ۷۵

۱- -Shari'a

۲- -Lords

۳- - Selim Deringil, "Legitimacy Structures in the Ottoman State: The Reign of Abdulhamid II (۱۸۷۶-۱۹۰۹)," IJMES ۲۳, ۱۹۹۱, p. ۳۴۷. See also: Tom Nieuwenhuis, Op.cit, pp ۱۳۲-۱۳۸; Hanna Batatu , op. cit, pp. ۷۵-۷۶.

کربلا- منافع مشترکی در تلاش برای آرام ساختن قبیله ها داشتند؛ در حالی که عثمانیان بیشتر علاقه به افزایش درآمدهای مالیاتی داشت، و علما مایل بودند تا امنیت زیارت، جا به جایی مردگان، و روند کمکها و خیرات را به شهرهای مذهبی تامین کنند. بنابراین، برای نمونه، نامیک پاشا(۱) فرماندار عثمانی عراق در سال ۱۸۵۲ خواستار میانجی گری علمای شیعه برای پایان شورش قبیله ها شد. برخی از قبیله های شورشی هنوز شیعه نشده بودند و عمل کرد علما به عنوان میانجی میان آنها و حکومت، نفوذ وتاثیر آنان را در میان قبیله ها افزایش داد.(۲)

در طول صده نوزدهم، بخش عمده قبیله های عراق یکجا نشین شدند و کشاورزی پیشه کردند. پا گرفتن شهرها در عراق میانی و جنوبی در نیمه دوم صده نوزدهم گواه دیگری بر دگرگونی روابط میان بیابان و کشت زارها در این منطقه بود. افزایش شهرها نشانگر خرد شدن هم پیمانی ها و افزایش یکجا نشینی قبیله ای بود. از سوی دیگر، گزار به کشاورزی، اقتصاد قبیله ای را تنوع بخشید و جامعه قبیله ای را لایه لایه کرد. تصاحب املاک و دارایی کشاورزی، توازن قدرت سیاسی میان قبیله های یکجا نشین و بیابان گرد را تغییر داد و به طور عمده روابط درونی قبیله های یکجا نشین را تحت تاثیر قرارداد و نقش شیخ ها را دگرگون ساخت.(۳)همچنین، پیوند هر یک از افراد قبیله ای یکجا نشین به تکه های کوچک زمین باعث بروز اختلاف هایی میان قبیله ها و قبیله نشینان بر سر آب و زمین

ص: ۷۶

۱- -Namiq Pasha

۲- - Samira Haj, “The Problems of Tribalism: The Case of Nineteenth-Century Iraqi History,” SH ۱۶, ۱۹۹۱, p. ۵۵.

۳- - Charles Issawi, “The Economic History of the Middle East, ۱۸۰۰-۱۹۱۴,” Chicago: ۱۹۶۶, p ۱۷۲.

می شد. برخلاف زندگی بیابان گردی و پرورش شتر – که چندان وابسته به آب نبود – تصاحب زمینه ای کشاورزی نیاز بسیار به منابع آب تازه داشت. آب مایه حیات کشاورزان قبیله ای و منبع نایابی شد که قبیله ها و

قبیله نشینان عراقی بر سر آن با هم رقابت میکردند و این مسئله، به ویژه در مناطق نزدیک به شهرها، تجزیه و فروپاشی جامعه قبیله ای را تقویت و همبستگی گروهی را کاهش می داد.

۴-۳ پیدایش سرکال ها و سیدها در میان قبیله ها

اشاره

نابسامانیای که در پی فروپاشی ساختار قبیله ای و کاهش و زوال قدرت سیاسی و نظامی شیخ ها پدید آمده بود، به توضیح و تبیین پیدایش سرکال ها(۱) (از واژه پارسی سرکار) و سیدها(۲) در میان قبیله های یکجا نشین کمک می کند. ریشه این دو در میان قبیله های عراق ناشناخته است؛ اما آنچه آشکار است، افزایش هم زمان شمار و نفوذ آنها با یکجا نشینی قبیله ها و بازسازی سامان قبیله ای بوده است. در حالی که سرکال ها در بنیاد نقش اجتماعی- اقتصادی بر عهده داشتند، سیدها کارکردهای دینی و اجرایی را در درون قبیله انجام می دادند و این گونه گرایش افراد قبیله به شیعه گری را بسیار تحریک می کردند.

۴-۳-۱ : سرکال ها

شمار سرکال ها در طول صده نوزدهم بسیار افزایش یافت. آنها تنها در میان کشاورزان قبیله ای یافت می شدند و همانندی در میان بیابان گردان نداشتند. آنها، که مقامشان نیمه موروثی شده بود، مقام هایی همچون سرکارگر، کدخدا، رهبر

۱- -Sirkals

۲- -Sayyids

گروه یا رییس شاخه ای کوچک داشتند. بیشتر آنان به عنوان سخن گویان یا نمایندگان کشاورزان قبیله ای ظاهر می شدند و بر کار گروهی از کشاورزان نظارت میکردند و حجم کار هر یک از اعضای گروه را تعیین میکردند. شیخ ها و شهر نشینانی که دارنده اسناد مالکیت بودند، به سرکال ها نیازمند بودند تا سهم شان از درآمد زمین را از افراد قبیله ای که قطعه های زمین آنها را برای کشاورزی به آنها داده بودند، بگیرند. بنابراین سرکال ها، دلال هایی بودند که نقش اصلیشان این بود که زمین ها را زیر کشت نگه دارند و درآمدها را برای زمین داران جمع آوری کنند.(۱)

۴-۳-۲ : سیدها

هیچ دلیلی وجود ندارد که نشان دهد سیدها یا هرگونه اشخاص دینی دیگر، در میان قبیله های بیابان گرد عراق زندگی می کردند. نبود آنها در میان بیابان گردان شاید به این دلیل بود که زندگی در بیابان، پاک دینی و تزهد(۲) را بر تشریفات مذهبی با شکوه و نیایش پیشوایان و پاکان ترجیع میدادند. سیدهای قبیله ای به ویژه در بخش های شیعه نشین عراق میانی و جنوبی به فراوانی یافت می شدند. آنها مدعی بودند که از فرزندان علی علیه السّلام، نخستین پیشوای شیعه، از طریق همسرش فاطمه زهرا علیهاالسّلام - که دختر پیامبر بود - هستند.

سیدها در میان قبیله های عراقی که در بین آنها ساختار اجتماعی پیشین شان در فرایند یکجا نشینی فروپاشیده بود به شدت افزایش یافتند. گزار قبیله ها از

۱- -Yitzhak Nakash, op. cit, p. ۳۷.

۲- -Puritanism

بیابان گردی به کشاورزی، نیاز بایسته و بی درنگ به ساز و کارهای بیشتری را می طلبید تا از عهده پیچیدگی های اجتماعی- اقتصادی نوین و همچنین خدمات دینی برآیند. کشاورزی با پیوند دادن قبیله نشینان به آب و قطعه های کوچک زمین، جامعه قبیله ای را فرو پاشید. هم پیمانی ها از کارکردشان به عنوان جوامع سیاسی بازایستادند و قبیله های بزرگ تشکیل دهنده آنها برتری و امتیازشان را به عنوان واحدهای اقتصادی جمعی از دست دادند.

از سوی دیگر، شیخها نیز در این میان بخش عمدهای از اقتدار سیاسی پیشین خود را از دست دادند و در نتیجه، سیدها در میان همه اعضای قبیله های اسکان یافته بسیار پرطرفدار شده و تبدیل به بخش اصلی و لازم این جامعه فرو پاشیده شدند. آنها تنش های درون قبیله یا میان قبیله ها، یا میان قبیله نشینان و بیگانگان را فرو می نشاندند. از این رو، شیخ ها، با آگاهی از کاهش اقتدار و احترامشان در میان قبیله نشینان، برای بازگرداندن سامان و ثبات در میان واحدهای قبیله ای تجزیه شده به سیدها نیازمند بودند؛ در نتیجه، سیدها به عنوان نمایندگان سیاسی شیخ ها مطرح شدند. و سرانجام، برخی سیدها فرستادگان ویژه ای از شهرهای دینی برای گسترش آیین شیعه و تشویق به یکجا نشینی در میان قبیله ها بودند. نفوذ و تاثیر سیدها بر قبیله نشینان، آنها را به عنوان نیروی کمکی برای نوگروی و بسیار ارزشمند و راه گشا برای فرستادگان، مبلغان و پیک هایی که برای ترویج و گسترش شیعه گری به میان قبیله ها می آمدند، مطرح ساخت.(۱)

۱- - Ibid, pp. ۳۸-۴۱.

۴-۴: عوامل دیگر

عوامل دیگری نیز در افزایش ترویج و گسترش شیعه از آغاز صده نوزدهم تاثیر گذار بوده است. در آن زمان فرستادگان و مبلغان شیعه از شرایط نسبتا آرام کشور و کنترل ضعیف مملوکان بر منطقه جنوب بغداد یاری و بهره بسیار بردند. آنان همچنین از بی توجهی واپسین فرمان روای مملوکی، داود پاشا، که گویا علاقمند به روا داری تکاپوی مبلغان شیعه بود، بهره بردند. از سوی دیگر، این فرستادگان از تغییر این سیاست مملوکان توسط عثمانی در سال ۱۸۳۱ م که برگزاری آشکار و همگانی آیینه ای شیعی در عراق را ممنوع می کرد، سود فزایندهای بردند. آنها درپی راهبرد نوین سلطان عبدالحمید دوم (۱۹۰۹-۱۸۷۶م) که به دنبال یک پارچگی اسلامی بود، و همچنین تاکید بر آموزه (دکترین) برابری توسط ترکان جوان پس از انقلاب ۱۹۰۸م باز هم آزادی بیشتری برای تکاپو در میان قبیله نشینان به دست آوردند.

علمای سنی و کارگزاران عثمانی از راهبرد سلطان عبدالحمید به عنوان عاملی بنیادین که شیعیان را به استوار سازی جایگاهشان در عراق و فرستادن پیک ها و مبلغانی به میان قبیله ها توانا می ساخت، یاد کرده اند. آنها به نبود تبلیغات متقابل عثمانی، و شمار بسیار کم علمای سنی در عراق که تحت الشعاع همتایان شیعه خود بودند، اشاره می کردند. همچنین، ادعا می شد که فرستادگان شیعی از نادانی و بی سوادی قبیله نشینان - که زیر نفوذ آنها بودند - بهره می بردند. نیروی متقاعد کنندگی این فرستادگان به اندازه ای موثر بود که حتی برخی از سربازان و پاسبانان عثمانی نیز به آیین شیعه گرویدند.(۱)

۱- - Selim Deringil, “The Struggle against Shi’ism…,” pp. ۴۹,۵۴. See also: Ibid, pp. ۴۱-۴۲.

از دیدگاه ناکاش، دو انقلاب مشروطه ایران (۱۹۰۶م) و عثمانی (۱۹۰۸م) بر سیاسی شدن آیین شیعه در عراق تاثیر گذاشتند و از دیدگاه «افرا بنجیو»، سیاسی شدن این آیین نیز در این زمان به پذیرش آن در میان قبیلههای تازی یاری داد.(۱)

راه حلهای پیشنهادی برای مقابله با کوشش های شیعی شامل افزایش آموزش و تبلیغ مذاهب سنی در عراق میشد. پنج تن از علمای سنی که از سوی دولت عثمانی در سال ۱۹۰۵ م برای سازمان دهی آموزش عثمانی و مقابله با تبلیغات شیعی به عراق فرستاده شدند، در تغییر این روند و گرایش شکست خوردند. شمار اندک، نبود پشتیبانی کارگزاران بومی از آنها و کم تحرکی آنان به دلیل دریافت نکردن منظم دستمزد را به عنوان دلایل ناکامی آنها آوردهاند.(۲) ناکامی عثمانیها در کاستن از تکاپوی فرستادگان شیعه نه تنها به دلیل اقدام ها و چاره جویی های ناچیز آنان در برابر آن یا به خاطر نداشتن پایگاه اجتماعی در عراق بود، بلکه آنان در بخش های بسیاری به دلیل شتاب و شدت نوگروی به ویژه در نیمه دوم صده نوزدهم شکست خوردند.(۳) در نبود برآوردهای دقیق جمعیتی که سنیها و شیعیان را از یکدیگر جدا کند، برخی مقامهای عثمانی شیعیان را یک کمترینه چهل درصدی از جمعیت عراق به شمار می آوردند. نبود منابع و برآوردهای جمعیتی این حقیقت را نشان میدهد که عثمانیها از معانی و مفاهیم گزار قبیله ها از زندگی بیابان گردی به یکجا نشینی در عراق دریافت درستی نداشته و از دامنه نوگروی تا پایان صده نوزدهم آگاهی کاملی نداشتند. کارگزاران

ص: ۸۱

۱- - حسین سیف زاده، پیشین، صص ۸۱-۸۰ .

۲- - Selim Deringil, “The Struggle against Shi’ism…,” pp. ۵۲,۵۵.

۳- - Stephen Longrigg, “Iraq, ۱۹۰۰ to ۱۹۵۰,” Oxford: ۱۹۵۳, p. ۲۵.

بریتانیایی نیزاز گسترش این نوگروی که در طول صده بیستم همچنان ادامه داشت، شگفت زده بودند. این روند در سال ۱۹۱۷ م با شدت دنبال میشد و نمونه هایی از این نوگروی حتی در میان خاندان سعدون، که ادعا می کردند از نسل شریف مکه هستند. و اعضایش شیخ های ارشد هم پیمانی منتفق بودند- وجود داشت. (در حالی که افراد قبیله های منتفق بیشتر شیعه شدند، شیخ آنها یعنی خاندان سعدون بیشتر سنی ماندهاند. که در جنوب عراق و در شهر ناصریه ساکنند.)

۵- سرشت نوگروی

گرایش شتابان قبیله های عراق به آیین شیعه به هیچ عنوان کامل نبود و همچنان که این نوگروی در میان هم پیمانیها و قبیله ها گسترش می یافت، قبیله نشینان تازی تا صده بیستم هنوز به چند دستگی دچار بودند. به این ترتیب بسیاری از قبیله ها و هم پیمانی های بزرگ عراق به شاخه های سنی و شیعه تقسیم شدند. شاخه هایی که در جنوب بغداد (میان رودان) نشیمن داشتند، بیشتر شیعه شدند و شاخه هایی که درشمال و باختر بغداد در میان دو رود دجله و فرات (جزیره) زیست گاهشان بود، بیشتر سنی ماندند. در حالی که برخی از علمای سنی نوگروی قبیله نشینان را به عنوان رویگردانی (ارتداد) از آیین و باور سنی ارزیابی می کنند، اما دیگران، قبیله نشینان را پیش از گرایش شان به شیعه گری به سختی و کمتر مسلمان به شمارمی آورند. گروه نخست هنوز هم برای اشاره به شیعیان و توضیح نوگروی آنان واژه تازی «روافیض»(۱) را که نشانگر رویگردانی از آیین سنی است به کار می برند.

ص: ۸۲

۱- -Ravafid

در گرایش قبیله نشـینان به آیین شـیعه گویا فرستادگان و گماشتگان شیعه از هیچ گونه روش و آیین ویژه ای بهره نمی بردند؛ چرا که گرایش به اسلام یا در درون اسلام دربرگیرنده هیچ گونه تشریفات و فرایند رسمی نیست. احتمالاً در برخی از موردها قبیله نشـینان از شیخ آنها پیروی کرده باشند (برخلاف مورد هم پیمانی منتفق که شیخهای آن از خاندان سعدون سنی ماندند) و شاید در چند مورد سـیدها در آغاز آیین شیعه را پذیرفته باشند و سپس برخی یا همه بخشهای قبیله ای که آنان در میان آنها بودند، از آنها پیروی کرده باشند.(۱) شاید قبیله نشـینان با پذیرش شیعه گری به دنبال گریز از سرباز گیری حکومت بوده اند. همچنین شایـد همچون مورد هم پیمـانی منتفق، نوگروی به عنوان عملی اعـتراض آمیز از سوی بخشـی از افراد عـادی قـبیله در برابر شـکاف های فزاینده میان بخشهای توانگر (خاندان سعدون) و تهی دست قبیله ها و هم پیمانی ها باشد. شاید هم نوگروی نمـادی از یـک عمـل اعتراض آمیز ضـد دولتی از سوی بخشـی از افراد قبیله باشـد. کوشـش های عثمانی ازسال ۱۸۳۱ م برای اسـکان مردمان بیابان گرد، گسترش کشاورزی، تقسیم سندهای مالکیت میان مردمان و افزایش گرد آوری مالیات در عراق به احساسـات نابرابری و اعتراض در میان قبیله نشـینان و همچنین به واکنش های خشونت آمیز و ایسـتادگی انجامیـد. همچنان که آنهـا درگیر نـبردی سـخت بـا حکـومت بودنـد، پـذیرای اسـلام شـیعه شدنـد؛ چرا که جنبه هـای ضـد حکومـتی شـیعه گری و ایستادگی آن در برابر سرکوب و بیدادگری، برای آنان

۱- - Richard Bulliet, “Conversion to Islam in the Medieval Period,” Cambridge: Mass, ۱۹۷۹, p. ۳۳.

خوشایند و گیرا بود.(۱) این دلیل ها هر چند شاید منطقی و استوار باشند، اما هنوز به درستی رابطه میان دگرگونی همه سویهای که قبیله نشینان در پی گزار از زندگی بیابان گردی به کار کشاورزی تجربه میکردند و انگیزه آنان در پشتیبانی از شیعه گری را روشن نمی کند.

تنها، فروپاشی سامانه قبیله ای، که بحران هویتی در میان قبیله های نشیمن یافته پدید آورد – و همچنین نیاز آنها به جا به جایی و بازیابی خود در نقشه اجتماعی محیط اطراف آنها است که به درستی می تواند این انگیزه قبیله نشینان را روشن سازد. یکجا نشینی، شیوه پیشین زندگی قبیله نشینان را دگرگون ساخت، و یک احساس جا به جایی و از خود بیگانگی میان آنها پدید آورد. به زبان روشن تر، گرایش به شیعه گری، واکنش قبیله نشینان به بحرانی بود که در پی فروپاشی سازمان اجتماعی– اقتصادی و سیاسی گذشته خودبا آن درگیر بودند. این نوگروی، جبرانی برای نبود شیوه پیشین زندگی قبیله نشینان و گواهی بر جست و جوی آنها برای ثبات بود. افزون بر این، افزایش یکجا نشینی به برخوردهای نوین اجتماعی– اقتصادی میان قبیله نشینان نشیمن یافته و شهرهای اطراف آنها به ویژه نجف و کربلا انجامید. این برخوردها موضوع هویت را برای قبیله نشینان تشدید کرد و انگیزه آنها را برای دربرگرفتگی و تحرک اجتماعی افزایش داد. از این دیدگاه به نظر می رسد «نوگروی» بازتابنده کوشش قبیله نشینان و همچنین شیخ ها برای همگون سازی و تعدیل فاصله ها میان خود و همسایگان تازه آنها در شهرهای شیعه نشین بود.

گرایش قبیله نشینان به شیعه گری مشروعیت دینی بیشتری را به آنان بخشید، و آنها را توانا ساخت تا خود را به عنوان «مسلمانان برتر» به شمار آورند. با

۱- - Yitzhak Nakash, op. cit, pp. ۴۴-۴۵.

پـذیرش یک رفتار دینی آشـکار، آنها ارج و ارزش بیشتری به دست میآوردنـد و با برگزاری آیین های شـیعه، همچون زیارت شهرهای مقـدس شـیعه ها می توانسـتند پیونـدهای اجتماعی- اقتصادی خود را با جمعیت شـیعه در جنوب عراق بهبود بخشـند. بنـابراین، «نوگروی» ابزاری بود که قبیله نشـینان می کوشـیدند با بهره گیری از آن به آغازی نو برسـند و ساختار دینی و هویت اجتماعی خود را از نو سامان دهند.(۱)

با این وجود، گرایش به شـیعه گری به ارزشـهای اجتماعی و اخلاقی پیشین قبیله نشینان رخنه نکرد. این مسئله در سرشت آیین های شـیعه و جایگاه قانون های اسـلامی شـیعه در میان قبیله نشینان و همچنین در پیوندهای میان قبیله های سنی و شیعه آشکار است. فرسـتادگان شـیعی، زیـارت آرامگـاه هـای پیشوایـان و آیین های یادبود حسـین علیه السّـلام، پیشوای سوم را تشویق می کردند. این فرسـتادگان، آیینهای شـیعه را سازگار با ویژگی های آرمانی جوانمردی تازی(۲) و روشـها و شیوه های آیین ها و جشنهای قبیله ای عراق گسترش می دادند.

از آنجا که مردان قبیله، شـنیدن سرودها و ترانه هایی از قهرمانان را همیشه می پسندیدند، فرستادگان شیعه از سرودههای تازی بهره میبردند تا ایسـتادگی قهرمانانه حسـین علیه السّلام و یارانش را در نبرد کربلا مجسم کنند. آنها همچنین دلاوری علی علیه السّـلام، شـیوایی سـخنانش، راسـتگویی و ساده زیستی او را برجسـته می کردند تا از این راه ارزشهای قبیله ای مانند مردانگی، دلاوری، سـرافرازی، بزرگواری و جوانمردی را خوشاینـد و پسـندیده جلوه دهنـد. در واقع، هنگامی که واعظان شـیعه تکاپوی خود را در میان قبیله های کوچ کننده به عراق آغاز کردند،

ص: ۸۵

۱- -Ibid, p. ۴۵.

۲- -Muruwwa

بر دو گزاره برجسته تکیه می کردند که یک فرد بیابان گرد می تواند آن را دریابد و درستی آن راپذیرا شود؛ نخست، نگاه ویژه به نیکی ها و پسندیدگی های خاندان پیامبر، و دوم، بازگویی دادخواهی ها و ستم هایی که فرزندان علی علیه السّلام از دست دشمنان خود کشیدند. این روشها برای نشان دادن آیین شیعه، بهترین روش برای رسیدن به درون و روان یک مرد قبیله ای است. هنگامی که مردمان قبیله، این سروده ها و سخنرانی ها را - که واعظان شیعه به زبان می آورند – می شنوند، احساس می کنند که زندگی آنان هم گوش های از زندگی پیشوایان شیعه است؛ زیرا این مردمان، پرستش قهرمانان را دوست دارند و از این رو پیشوایان شیعه با ویژگی هایی که برای آنان خوانده می شد، از نگاه آنان قهرمانانی آرمانی و شایسته پیروی هستند.(۱)

این آیین ها و نیایش ها که نشانگر ویژگی های آرمانی جوانمردی تازی بود، قهرمانان تازهای برای قبیله نشینان پدید آورد که با آنها هویت میيافتند و با نامشان می توانستند سوگند یاد کنند. به این ترتیب، بحرانی که در پی فروپاشی سازمان قبیله ای و نبود اقتدار سیاسی پدید آمده بود، نیایش و پیروی از پیشوایان شیعه را ترغیب می کرد، که تصویر آنها شور و امید قبیله نشینان برای اقتدار و مرجعیت را به روشنی بیان میکند.

همچنین، این آیین ها و نیایش ها باپراکنش قانون و شریعت شیعه در میان قبیله ها به دست کارگزاران دینی (مومنان)(۲) تکمیل شدند. آنها از سوی مجتهدان بزرگ که در نجف و کربلا بودند به میان قبیله های نشیمن یافته فرستاده می شدند.

۱- - عبدالله فهد النفیسی، پیشین، صص ۵۶- ۵۵ ؛ و نیز:- Ibid, p. ۴۶.

۲- -Mu'mins

آنها دانش آموخته «مدرسه»(۱) بوده و از این روی توانـایی پرداختن به کارهـایی چون زناشویی، جـدایی و وراثت را داشـتند. مومنان همچنین اداره کارهای دینی و هدایت آیین های سوگواری حسین علیه السّلام را در دست داشته و رایزن دینی نیز شیخ هـا بودنــد. گرایش گسـترده بخش بزرگی از قـبیله هــای عراقی بـه شــیعه گری کـه بیشـتر در طـول صــده نـوزدهم رخ داد، گسترش«جـامعه» شـیعه در عراق جنوبی را هموار ساخت. اگر چه در صـده نوزدهم سـرشت این «جامعه» و نهادهایش همچنان پوشـیده و ناروشن بود، مجتهدان شـیعه تا سال ۱۹۰۸ م به تـدوین تئوری سیاسـیای پرداختنـد که ساختار حکومت را در کشور پیش بینی شده آنها روشن می ساخت. و در این میان، نقش دو انقلاب مشـروطه ایران (۱۹۰۶) و عثمانی (۱۹۰۸) را در سیاسی شدن آیین شیعه در عراق و تدوین این تئوری سیاسی نمی توان نادیده گرفت.

۶- سیاست عثمانی در برابر شیعیان

صده شانزدهم آغازی نو در تاریخ عراق به شـمار می رود. پیروزی عثمانی ها در عراق، دسـتاورد جنگی دینی بود که در سال ۱۵۱۴ ممیان سـلطان سـنی عثمانی و شاه شیعه صفوی آغاز شده بود. سرانجام پس از کشمکش های بسیار در سال ۱۶۳۴ عراق برای همیشه بخشـی از خـاک عثمـانی شـد. بـا آن که آیین سـنی، آیین نخست و چیره دین اسـلام بود، نخستین فرمـان روایـان عثمانی در برخورد با جامعه شـیعه، بردبار و باگذشت بودند. این منش و رفتار نیک، به چند دلیل پایدار نماند که برجسته ترین آنها، جنگهای ایران و عثمانی بود که تا سال ۱۸۱۸ م دنبال

۱- -Madrasa

می شد. این جنگها افزون بر آسیب های دیگر، به سیاست بردباری و روا داری عثمانی در برابر شیعیان پایان داد. شیعیان عراق – که بیشتر به سوی ایرانیان گرایش داشتند – در اندیشه عثمانی ها ستون پنجم آمادهای بودند که می توانستند هر دم به دامن دشمن بیافتند و البته در چند نمونه، این گمان عثمانی ها ثابت گردید. از این رو، عثمانی ها به زودی دانستند که باید به تنها گروهی که از آنان پشتیبانی می کند یعنی شهروندان سنی روی بیاورند و در میان این جنگ های دیرپا، تخم برتری و چیرگی سنیان بر عراق پاشیده شد.(۱)

از سوی دیگر، از آنجا که در کنار رقابت ترکها با ایرانیان بر سر عراق، تبلیغات فرقهای نیز صورت می گرفت، به طور طبیعی حکومت عثمانی تنها به سنی های شهر نشین عراق اعتماد می کرد. با انزوا و سرکشی شیعیان- چه قبیله های نافرمان و چه شهروندان پرخاشگر شهرهای مقدس- عثمانیهایی که پیوسته بر عراق حکم می راندند، آسان تر می توانستند به گزینش سنیان و کنار گذاشتن شیعیان بپردازند.

در واقع، در طول این سالها، جامعه سنی دست کم از کمترین پشتیبانی و آموزش و پرورش بهره مند بود، در حالی که شیعیان به ویژه در مناطق جنوب بغداد کاملا خارج از نظام قرار داشتند. شیعیان عراق در همه جا از جایگاه های سازمانی، ارتشی، و بنیادهای دانش پژوهی و آموزشی رانده میشدند و آیین شیعه در قانونها و دادگاهها جایگاهی نداشت. خود شیعیان هم به پیشواز این گوشه گیری و رانده شدگی می رفتند. از آنجا که در آموزشگاه ها و دادگاه ها تنها آموزگاران و دادرسان سنی پذیرفته می شدند، شیعیان از فراگیری دانش و دادرسی

۱- – فب مار، پیشین، ص ۴۶.

چشم پوشی می کردند و سرانجام، شیعیان که به گونه ای گسترده از فرایند پیشرفت و اصلاحات اندک شهرهای عرب سنی نشین در صده های هجده و نوزده، جدا مانده بودند، هر چه بیشتر از دو گروه دیگر (کرد و عرب سنی) دور میشدند.(۱)

در آغاز صده بیستم این عاملها بیش از ناسازگاری و کشمکش دینی به جدایی شیعیان از سنی ها انجامید. از آنجا که در همه این دوران، همه جایگاه ها و پایگاه های لشگری و کشوری به سنی ها سپرده می شد، جای شگفتی نیست که سنیان تا آنجا پیش رفتند که خود را برگزیدگان طبیعی و همیشگی کشور و تنها رهبران امین و پایدار آن میپنداشتند، و از این رو، جایگاه شیعه در آغاز سلطه انگلستان بر عراق، پیامد فرمان روایی و سیاست های ۴۰۰ ساله عثمانی سنی بر این سرزمین است.

ص: ۸۹

۱- – همان، ص ۲۷ ؛ و نیز: گراهام فولر، رند رحیم فرانکه، پیشین، صص ۱۹۵-۱۹۴ .

گفتار دوم: شیعیان عراق از اشغال انگلستان (۱۹۱۴م) تا اشغال ایالات متحده (۲۰۰۳م)

الف– انگلستان و شیعیان (۱۹۲۱ – ۱۹۱۴م)

۱– عراق در دست انگلستان

با آغاز جنگ جهانی نخست در سال ۱۹۱۴ در اروپا، امپراتوری عثمانی نیز به کشورهای محور (امپراتوری آلمان و امپراتوری اتریش– مجارستان) پیوست و در نتیجه، سرزمین کنونی عراق به عنوان بخشی از خاک عثمانی، به یکی از جبهه های جنگ در بیرون از اروپا تبدیل شد. برتری ناوگان انگلستان در خلیج فارس، نزدیکی این منطقه به مستعمره های خاوری انگلستان به ویژه هند و سلطه و نفوذ گسترده این کشور در میان شیخ نشینهای خلیج فارس به ویژه کویت، در پیروزی این کشور در نبرد با عثمانی در سرزمین کنونی عراق و تصرف آن بسیار موثر بود. هنگامی که خبر اشغال بندر بصره به دست انگلیسی ها (۲۳ نوامبر ۱۹۱۴) به دولت مرکزی بغداد رسید، جنجال و انقلابی بزرگ در جهت وفاداری و گرایشها پدید آورد؛ زیرا پیش از پیاده شدن نیروهای انگلیسی، دشمن مشترک– به باور گروه های ناراضی عراقی – دولت مرکزی عثمانی در بغداد بود؛ ولی پس از پیاده شدن نیروهای انگلیسی در فاو گرایش های گروه های ناسازگار دگرگون شد و هوادار عثمانی ها گشتند.

شیعیان در آن هنگام همه بیداد و ستمی را که از دست عثمانی ها دیده بودند،

فراموش کردند و حتی مرجع بزرگ، آیت الله سید محمد کاظم یزدی رحمه الله اعلام جهاد داد. انگلستان تا سال ۱۹۱۹م اشغال عراق را تکمیل کرد و به تشکیل دولت موقت برای اداره آن اقدام نمود و سپس درصدد انتخاب پادشاه و ایجاد پادشاهی در عراق بر آمد. رخدادها و تحولاتی که در پی اشغال عراق به دست انگلستان در این سرزمین به وقوع پیوست، به توجیه ساختار قدرت سیاسی عراق و جایگاه شیعیان در آن در سراسر صده بیستم کمک می نماید.

۲- نقش انگلستان در به قدرت رسیدن شاه فیصل

در روند شکل گیری حکومت عراق پس از جنگ جهانی نخست، گروهی از افسران نظامی سنی که ابتدا در ارتش عثمانی خدمت کرده، بعدها به انقلاب ۱۹۱۶م عربها علیه ترکها پیوسته بودند، به یاری قدرت استعماری بریتانیا برخاستند. انقلاب عربی به دست شریف هاشمی مکه (شریف حسین) و پسرانش آغاز شد، اما بریتانیا که همکاری نزدیکی با افسران عراقی داشت، آن را تشویق، تامین و هدایت می کرد. این افسران عراقی با پذیرش رهبری شاهزاده فیصل - پسر شریف حسین - برای مدت کوتاهی او را در سوریه همراهی کردند و پس از آن هنگام تاجگزاری فیصل در ۱۹۲۱م، به همراه او به عراق بازگشتند. انگلستان نیز از هر جهت موافق پادشاهی فیصل بر عراق بود. «وینستون چرچیل»، وزیر مستعمرات انگلیس، در مارس ۱۹۲۱ پیامی برای نخست وزیر، لوید جورج فرستاد و در آن یادآور شد:

«بهترین کسی که می توان برای پادشاهی عراق برگزید، امیر فیصل است. این بهترین چاره برای کاهش هزینه های خزانه دولت

است، و بی گمان برگزیـدن فیصل بهترین راه کاهش هزینه های ما در عراق است. اوضاع عراق، به ویژه از دیـد شـمار کسانی که خواهـان پادشـاهی عراق هسـتند، بسـیار پیچیـده است....... اگر یکی از این خواسـتاران به پادشاهی عراق برسـد، ابن سـعود سراسـر کشور را در آشوبهای دینی فرو خواهـد برد .... البته گزینش یکی از فرزنـدان شـریف، بهتر از برگزیدن یکی از این خواسـتاران اسـت، و من راه چارهـای بهـتر از این روش نمی بینم. در میـان فرزنـدان شـریف هم، همه هم بـاوریم که فیصـل بر دیگران برتری دارد».(۱)

در واقـع، می تـوان ادعـا کرد برای فرمـان روایی بر کشـور نوبنیـاد و سـاختگی عراق، هیـچ گزینه ای بهـتر از شـاه فیصـل برای انگلسـتان وجود نداشت و تنها او بود که میتوانست یکپارچگی این سه ایالت ناهمگون پیشـین عثمانی را نگه داشـته و با وجود سنی بـودن، در میـان هر سه گروه این کشـور از مشـروعیت و احـترام برخوردار باشـد. همچنین، در پی تصـرف حجـاز (بخش بـاختری عربسـتان کنونی) و سـرنگونی دودمان هاشـمی در مکه به دست خانـدان سـعود، حاکمان وهابی نجـد (بخش مرکزی عربسـتان کنونی)، انگلسـتان درصـدد ایجـاد موازنه در منطقه در برابر این قـدرت تـازه بود و فیصـل هاشـمی درعراق در کنـار هاشمی های اردن می توانستند این موازنه را برقرار کنند.

ص: ۹۳

۱- – عبدالله فهد النفیسی، پیشین، صص ۱۵۸– ۱۵۷.

۳– نقش شیعیان در به قدرت رسیدن شاه فیصل

سیاست های انگلستان در برابر شیعیان، به پیدایش یک جنبش فراگیر در برابر اشغال گران در بغداد و شهرهای نجف، کربلا و کـاظمین انجامیـد. در کربلاـ آیت الله شـیرازی فتوایی دادنـد و در آن همه کسـانی را که در همه پرسـی انگلیسـی هـا خواهان حکومت غیر اسلامی در عراق بودند، تکفیر نمود.

بزرگان کربلا نشستی را برای بررسی اجرای این فتوا برگزار کردند. و نامه ای را امضاء کردند که در آن برپایی یک حکومت عربی اسـلامی به رهبری یکی از فرزنـدان شـریف مکه را خواسـتار شدنـد. آیت الله شـیرازی پس از رایزنی بـا علمـا و بزرگان نجف، بر آن شـد تا پیامی برای شـریف فرسـتاده و با آگاه ساختن وی از رخدادهای عراق، از او درخواست مداخله کند. سـید محمد رضا، فرزند مرجع

بزرگ نیز نقش برجسـتهای در ستیز با انگلیسـیها در نجف و کربلا داشت. دشـمنی با انگلیسـی ها در کاظمین بسیار بیشتر بود. نمازگاه های این شـهر پایگاه همیشـگی برای گرد همایی مردم بود. مردم کاظمین از شش تن از علمای برجسته خود خواستند نامه ای بنویسند و در آن برپایی یک دولت قانونی عربی اسلامی به رهبری یکی از فرزندان شریف مکه را خواستار شوند.

مردم بغـداد نیز از دیگر عراقی ها بیـداری و آگاهی سیاسـی بیشتری داشـته و پویاتر و کوشاتر بودنـد. نمایندگان سـنی و شـیعه بغـداد در ژانویه ۱۹۱۹ بیـانیه ای صـادر کردنـد و در آن خواسـتار ایجـاد کشوری عرب از موصل در شـمال تا خلیـج فارس در جنوب شدنـد که پادشاهی مسـلمان از فرزنـدان حسـین شـریف مکه بر آن حکومت کنـد.(۱) همچنین، شـیعیان پیشـگام «ثوره العشرین» یا انقلاب ۱۹۲۰م

۱- – همان، صص ۱۱۰- ۱۰۷.

بودنـد، انقلابی که طـالب اسـتقلال از بریتانیا بود و در واقع اعلام رژیم پادشاهی در عراق را شـتاب بخشـید. بی گمان، از دید سنتهـای عربی، فیصـل بهـترین «گزینه» بود؛ زیرا او مردی بـانژاد و ریشه دار و یکی از فرزنـدان شـریف حسـین، شـریف مکه و پادشاه حجاز بود. و این، جایگاه او را نزد توده عرب و بزرگان شیعه بالا میبرد. البته رهبران شیعه نیز از آن روی گزینش فیصل را کم آسیب تر میدانستند که او وابسته به هیچ گروه و دسته عراقی نبود.

در مورد علت عدم ایستادگی نخستین شیعیان در برابر ساختار سیاسی نوین عراق، ناکاش سه عامل را موثر میداند:

۱- کاهش تهدید بیشترینه سنی به لحاظ استقلال عراق از عثمانی؛

۲- سیاست مدارای شیعیان به لحاظ خطر تازش دوباره وهابیان؛

۳- ناسازگاری و دشمنی مشترک خاندان هاشمی و شیعیان با سعودی های وهابی.

همچنین در مورد چگونگی بروز تفرقه میـان شـیعیان بـا سـنی هـا و فیصل، ناکاش به عامل واکنش در برابر دخالت انگلیس در سرنوشت عراق اشاره دارد. در حالی که سـنیها طرفدار اصـلاح سیاسی بودند و، شیعیان قطع سریع و قاطع سرپرستی انگلیس بر عراق را در نظر داشتند. بر خلاف این دلبستگی ملی، انگلیس توانست از طریق سر پرسی کاکس، ملك فیصل را از شرکت در همایشی که شیعیان برای استقلال از انگلیس در ۱۹۲۳م تشکیل داده بودند، منصرف سازد.

بـا خودداری فیصـل از شـرکت در همـایش اسـتقلال طلبانه، عامل بنیادین یك پارچگی شـیعیان و سـنیان عراق از میان میرفت. نخست شیعیان کوشیدند با حضور در کارهای آموزشی، جای پایی برای خود در نظام سیاسی عراق باز کنند؛

اما چون برخی از مراجع عظام شیعه استخدام در ادارات دولتی عراق و پذیرفتن مناصب سیاسی را مکروه اعلام کرده بودند، حضور شیعیان در دستگاه دولتی ضعیف می نمود و البته دولت نیز از این فتواهای شیعیان استقبال می کرد.(۱)

به این ترتیب، شیعیان با وجود همبستگی نخستین با سنی ها و پشتیبانی از آمدن فیصل، به زودی به دلیل ناسازگاری با نیروهای اشغال گر انگلیسی، از صحنه قدرت سیاسی رانده شدند و با گوشه گیری خود، محرومیتی ۸۰ ساله را برای جامعه خود به ارمغان آوردند.

۴- سیاست انگلستان در برابر شیعیان

سیاست انگلستان از همان آغاز، به ویژه پس از محاصره نجف در سال ۱۹۱۸م و شلیک توپ به سوی آن شهر با هدف دور ساختن شیعیان از جایگاه های بالا و کلیدی بود. نا آرامیهای نجف و دادرسی و اعدام انقلابیان به دست انگلستان در سیام مه ۱۹۱۸، سرآغازی بود برای یک دوران از روابط تیره میان شیعیان و کارگزاران انگلیسی که سراسر آن پر از بدگمانی و دودلی و آمادگی برای یک رویارویی بود.

خانم «گرترود بل»(۲) دبیر کمیسر عالی انگلستان درباره اعتراض شیعیان به شرکت ندادن عادلانه شان در شورای وزیران (دولت موقت) که دارای بیشترینه سنی بود، چنین گفت: «من خود، از این که این شیعیان بیگانه در تنگنا هستند، بسیار شاد می شوم. زیرا آنها از سرسخت ترین گروه های مردم کشور هستند.»(۳)

ص: ۹۶

۱- - حسین سیف زاده، پیشین، صص ۸۲-۸۱ .

۲- - Gertrude Bell

۳- - Janet Wallach, “Desert Queen,” US: Anchor Books, ۱۹۹۹ .

سر پرسی کاکس، کارگزار انگلیس در عراق، به خوبی میدانست که شیعیان در ناسازگاری و گله گزاری و ناخرسندی خود درست می گویند و از سوی دیگر گمان میکرد تنها ابزار حفظ شورای وزیران (دولت موقت) در برابر دیدگاه های شیعیان - که استقلال کامل میخواستند - این بود که سنیان را چیره ساخته و بیشتر جایگاههای شورای وزیران را به آنان بسپارد. یکی از پیامدهای بیشترینه بودن سنیها در شورای وزیران، گماردن استانداران و فرمانداران سنی برای همه استان های شیعه نشین بخش فرات بود که واکنش های سردی در میان شیعیان داشت.(۱)

به باور ناکاش، دو عامل زیر در حذف شیعیان از شرکت فعالانه در ساختار سیاسی عراق، موثر بود:

۱- نقش کادر اداری- سیاسی تربیت شده در عثمانی سنی مذهب،

۲- حکم جهاد علمای شیعی مذهب بر ضد انگلیس در ۱۹۱۵م شیعیان به دلیل نقش اساسی در انقلاب ۱۹۲۰، خود را دست کم برابر با سنی ها در آینده حکومت عراق سهیم می دانستند و هنگامی که بریتانیا عراق را به نخبگان سنی نظامی واگذاشت، به شدت سرخورده شدند. این تصمیم بریتانیا علت های بسیاری داشت که مهمترین آنها تاریخ روابط میان نیروهای اشغالگر بریتانیا و دو گروه اعتقادی شیعه و سنی بود. شیعیان، طی جنگ به دلیل ملاحظات دینی عمدتا مخالف بریتانیا بودند و هنگامی که سربازان بریتانیایی بصره را تصرف کردند و از طریق مراکز شیعی به سوی شمال پیش رفتند، شیعیان دوشادوش ترکها با آنان به مبارزه برخاستند. در مقابل، شمار اندکی از رهبران سنی با بریتانیا مخالف بودند و

۱- - عبدالله فهد النفیسی، پیشین، صص ۱۵۳، ۱۸۷- ۱۸۶ .

در واقع بسیاری از آنان همکاری نزدیکی با نیروهای بریتانیا داشته در پی جلب پشتیبانی آنان بودند. چهره های سر شناس سنی بغداد، پس از تردیدی کوتاه مدت که از دل نگرانیهای مذهبی بر خاسته بود، انقلاب عرب و نقش بریتانیا را با خشنودی پذیرفتند. در دوران جنگ جهانی نخست، نگرش شیعیان عراق درباره بریتانیا با تردید بیشتری همراه بود. هنگامی که سربازان بریتانیایی در خاک عراق به جنگ با ترکیه پرداختند، روحانیان شیعه و شیوخ قبیلهها از پشتیبانی یک کافر در برابر نیروی مسلمان خودداری ورزیدند؛ به ویژه آن که با حضور نیروهای بریتانیا و استقرار سازمان اداری انگلیسی ها در جنوب عراق، احتمال می رفت قدرت و منافع اقتصادی روحانیان و شیخ ها محدود شود.(۱)

حسن العلوی در کتاب الشیعه والدوله القومیه (۱۹۹۰-۱۹۱۴) اظهار می دارد که گرچه در ابتدا شیعیان با سنیهای عرب و کرد در استقلال از عثمانی همکاری کردند، ولی پس از مدتی میان این گروه ها اختلاف افتاد. سنی مذهبان چون کمترینه بودند، در برابر شیعیان، به همکاری با بریتانیا تن در دادند ولی شیعیان که بیشترینه بودند به رویارویی و ستیز بر ضد سلطه انگلیس ادامه دادند. افزون بر این، سنیها در جامعه ای شهر نشین می زیستند و از این روی رفتارشان قابل پیش بینی تر و فهم و کنترل آنان آسان تر بود. در مقابل، بیشتر شیعیان هنوز از یک نظام قبیله ای اسرار آمیز و مهار نشدنی پیروی میکردند که فهم و کنترل آن برای بریتانیا به مراتب دشوارتر بود. همچنین جامعه سنی کادری از کارمندان دولتی نسبتا تحصیل کرده در اختیار داشت که در دستگاه های اجرایی حکومت عثمانی آموزش دیده و با اداره ایالت ها آشنا بودند.

۱- - گراهام فولر، رند رحیم فرانکه، پیشین، ص ۱۹۶ .

عامل دیگری که بریتانیا را به سنیان متمایل ساخت، تکاپوی سیاسی روحانیان شیعه و نفوذ آنان در میان شیعیان بود. رهبران شیعه از همان آغاز به داشتن موضع نفوذ ناپذیر ضد انگلیسی نام آور بودند. روحانیان رده بالای شیعه در عراق - که بسیاری از آنان ایرانی تبار بودند - به ویژه در ۱۸۹۱م به منافع بریتانیا در ایران آسیب زدند؛ چرا که مخالفت قاطعانه آنان، حکومت ایران را مجبور کرد تا امتیاز انحصار فروش تنباکو را که به بریتانیا واگذار کرده بود، لغو کند. همچنین در ۱۹۰۶، روحانیان شیعه از جنبش مشروطه در ایران - که موجب سقوط شاه قاجار شد - پشتیبانی کردند.(۱)

در عراق نیز در نوامبر ۱۹۱۹م، میرزا محمد تقی شیرازی، مرجع بزرگ عراق که در کربلا مستقر بود، درباره شرکت در همه پرسی مورد نظر انگلستان، فتوایی مبنی بر حرام بودن انتخاب یا برگزیدن افراد غیر مسلمان به دست مسلمانان برای حاکمیت بر عراق صادر کرد.

در اگوست ۱۹۲۰، شیرازی فتوای دیگری صادر کرد که شورش ۱۹۲۰م علیه بریتانیا را مشروعیت می بخشید. «انقلاب ۱۹۲۰» علیه بریتانیا - که از دید تاریخی پیش از تشکیل حکومت عراق به دست ملک فیصل رخ داد - از سوی قبیله ها و روحانیان شیعی راهبری می شد. در پیشاپیش انقلاب، شخصیت های غیر روحانی شیعه، بازرگانان و شیخ های قبیله ها حضور داشتند که از سوی روحانیان شیعه پشتیبانی می شدند.(۲)

شیخ مهدی خالصی - یکی از علمای شیعه - در ژوییه ۱۹۲۱ فتوایی صادر

۱- - همان، ص۱۹۷ .

۲- - همان، ص ۱۸۵ .

کرد و در آن بر بایستگی و لزوم رها شدن از هرگونه قید و بند و دخالت بیرونی تاکید کرد. حزبی هم پدید آمد که هدف آن ایجاد دشواری و دردسر برای انگلیسیها در عراق بود و در بغداد نیز ناسازگاری گسترده‌ای به رهبری شیعیان بر پا شد. همچنین در ۱۸ آوریل ۱۹۲۳، دو تن از روحانیان برجسته و مراجع تقلید بزرگ شیعه به نامهای ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمد حسین نایینی همراه با روحانی برجسته شیعه عراقی، مهدی خالصی به تشکیل کنگره‌ای برای راهجویی خروج عراق از سرپرستی انگلستان اقدام کردند. این امر بیش از پیش حساسیت انگلستان را نسبت به شیعیان برانگیخت.(۱) جدایی آشکار میان شیعیان و حکومت مرکزی و نزدیکی مجتهدان به نیروی بیگانه (ایران) سرانجام نه تنها انگلستان بلکه شاه و کارگزاران سنی عرب را رنجیده ساخت. درگیری روحانیت شیعه در فعالیتهای سیاسی ضد انگلیسی، استقلال جسورانه آنان و نفوذشان بر جوامع شیعی، شیعیان را شریکان نامطلوبی جلوه داد و بریتانیا را به پشتیبانی از جامعه سنی که دردسرشان کمتر و کنترلشان آسان تر بود، سوق داد. بنابراین، انگلستان زمین های را فراهم آورد تا در ساختار سیاسی که برای عراق ایجاد شد، شیعیان شرکت داده نشوند.

ب- رژیم پادشاهی و شیعیان (۱۹۵۸-۱۹۲۱)

۱- جایگاه سیاسی

سیطره جامعه سنی بر سازمان نظامی و نیز بر روند شکل گیری حکومت - که در زمان جنگ آغاز شده بود - پس از استقلال تثبیت شد و اقدام های ناچیزی

۱- - حسین سیف زاده، پیشین، ص۸۱. و نیز: عبدالله فهد النفیسی، پیشین، ص۱۶۶ .

که در دوران پادشاهی برای ورود سران قبیله ها و چهره های سرشناس شیعه به پارلمان و کابینه صورت گرفت، تاثیری بر آن نگذاشت. در واقع، قدرت رو به رشد نیروهای مسلح عراق و رشد ملی گرایی تندرو عرب در دهه های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، موجب تقویت هر چه بیشتر قدرت سنیها شد. در این میان، بیشتر شیعیان، به نوبه خود به حکومت بی اعتماد بوده، از مناصب دولتی دوری می ورزیدند. روحانیت، شیعیان را از خدمت به حکومتی که آن را نامشروع و تهدیدی برای قدرت خود می دانست، منع میکرد. از این رو، در دهه ۱۹۲۰، علما با ثبت نام دانش آموزان در آموزشگاه های دولتی تازه ساخت مخالفت می کردند؛ چرا که از نظر آنان این آموزشگاه ها کودکان را از نظارت روحانیت دور نگه داشته، برنامه های آموزشی غیر مذهبی ارائه می دادند. با تشکیل ارتش عراق در ۱۹۲۱، روحانیت شیعه با آن هم مخالفت ورزید و در دهه های بعد، تنها شمار اندکی از شیعیان وارد دانشکده های نظامی شدند.(۱)

از سوی دیگر، شیعیان عراق به طور سازمان یافته ای از رسیدن به جایگاه ها و پایگاه های قدرت محروم میشدند. به گفته علوی و بنجیو از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۵۸، ۵۹ دولت در عراق تشکیل شده که تنها ۵ تن از شیعیان (همه آنها پس از ۱۹۴۷) از میان صدها تنی که به جایگاه وزارت و نخست وزیری رسیده بودند، توانستند دولت تشکیل دهند و حدود

سه سال زمام امور کشور را در دست داشته باشند. بخشهای حساس حکومتی همچون پلیس، امور دفاعی و امور اقتصادی، همچنان به سنی ها اختصاص داشتند. از آنجا که اقدام های انجام شده برای وارد کردن شیعیان به حکومت به کندی صورت می گرفت - دقیقا کنترل شده و به گروه

۱- - گراهام فولر، رند رحیم فرانکه، پیشین، صص ۱۹۸- ۱۹۷ .

محدودی اختصاص داشت - اصلاحات سطحی بود و تاثیر اندکی بر کل جمعیت شیعه گذاشت. از این رو، نابرابری آشکار میان سنیان و شیعیان، طی ۳۵ سال حاکمیت هاشمیان، صرفا به صورتی جزئی برطرف شد.

در واکنش به این وضعیت، شیعیان عراقی، همچون همتایان لبنانی و بحرینی شان، جذب حزب های انقلابی بیرون از چارچوب سیاسی موجود شدند. سیاست ایدیولوژیک، جوانان شیعی تازه دانش آموخته و ناراضی را که به طبقه های میانی جامعه تعلق داشتند، به سوی خود جلب می کرد. برای این گروه از شیعیان، کمونیسم جذابیت خاصی داشت، چرا که ترسیم کننده ایدآل های عدالت اجتماعی، برابری طبقاتی و توزیع عادلانه ثروت بود. این ایده آلها در جامعه عراق به ویژه برای شیعیان بسیار دور از دسترس بودند. در دهه های ۱۹۵۰ و م۱۹۶۰م، بدنه حزب های کمونیست عراق را شیعیان تشکیل می دادند؛ به حدی که در عراق، کمونیسم با تشیع یکسان انگاشته می شد.(۱)

۲- جایگاه اقتصادی - اجتماعی

در سالهای پادشاهی، عرب های سنی همچنان به تعیین چارچوب استانداردهای اجتماعی و فرهنگی که دیگر گروه ها باید آن را می پذیرفتند، می پرداختند. چیرگی آنها کم و بیش در همه بخشهای جامعه گسترش یافت. حتی در بخش های پایین تر نیز عرب های سنی چیرگی خود را استوار می کردند. سنی ها بر خلاف جایگاه اقتصادی پایین شان، کارکنان آموزش دیده کافی در همه زمینه ها داشتند تا آنها را در بسیاری از جایگاه های بالا بگمارند. از آنجا که

۱- - همان، صص ۱۹۹- ۱۹۸. و نیز: حسین سیف زاده، پیشین، ص۸۲ .

آموزش میانه (متوسطه) کلید پیشرفت و فرازیابی بود، عرب های سنی از همان آغاز برتری چشم گیری داشتند. آنها نه تنها از آموزش بیشتری برخوردار بودند، بلکه از پایگاههای گستردهتری از توانایی های کاری نیز بهره مند بودند و از این رو می توانستند بر دولت و کارها و پیشه ها چیرگی یابند.

از سوی دیگر، در میانه های سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۸م، عرب های شیعه نیز گام های بلندی برای پیشرفت برداشتند؛ ولی پیشرفت آنها در بخش های ویژه ای بود؛ آنها در بیرون دولت پیشرفت بیشتری داشتند تا در درون آن؛ اگر چه شیعه، به سوی گروه رهبری بالاـ پیش میرفت، اما در بخش خصوصی عرب های شیعه هویت خود را بازیافتند نه در بخش دولتی. آنها در زمینه های کشاورزی، بازرگانی و

کارهای مالی در طبقه بالا جای گرفتند. برخی می گفتند که آنها در این زمینه ها برتری و چیرگی داشتند.

همچنین، شمار بسیاری در طبقه نوین زمین دار به ویژه در میان زمین داران قبیله ای جنوب، شیعه بودند. شیعیان همچنین جایگاه خود را در میان طبقه نوین پیمان کار که دربرگیرنده بازرگانان غله، دارندگان چاه ها، بازرگانان و سرمایه داران می شد، باز کردند. در آنجا، آنها دست کم به جایگاهی برابر با عرب های سنی دست یافتند و در برخی زمینه ها از آنها پیشی گرفتند. در سال ۱۹۵۸م، در انجمن اداری اتاق بازرگانی که نشانگر جامعه بازرگانی بغداد بود، از میان هجده تن، چهارده تن شیعه بودند. شمار بسیاری از شیعیان نیز در طبقه میانه نوین درآمیختند. گسترش آموزش و پرورش در بخش های شیعه نشین به این روند شتاب بخشید. شیعیان از آموزش و پرورش در راه پیشرفت خود بهره بردند و در وزارت آموزش و پرورش با جانشینی پیاپی وزیران شیعه، سیاست و راهبرد

پویـایی را پی می گرفتنـد. پیامـد این کوشـش ها نسل نوینی از شـیعیان بود که مـدرک های بالایی- بیشتر از غرب - در زمینه هـای فنی و پیشه ای نوین همچون پزشـکی، مهندسـی و اقتصـاد داشـتند. آنهـایی که از طبقه پـایین تری بودنـد در راه آموزش دبستانی و میانه گام نهادند. تا آغاز دهه ۱۹۵۰م، شیعیان طبقه نوینی از کارشناسان و پیشه وران را پدید آوردند که

در زمینه هایی که برای اقتصاد نوین نیاز بود، پرورش یافته بودنـد. اگر چه برخی از شـیعیان کارهای قانونی و کارمنـدی دولت را برگزیدنـد، شـمار اندکی از آنها به ارتش و دانش نظامی روی آوردند و با این کار، شـیعیان را از جایگاه های بالا در گروه افسران بی بهره نمودند.(۱)

ج- رژیم های انقلابی و شیعیان (۲۰۰۳ – ۱۹۵۸)

۱- جایگاه سیاسی

از هنگام انقلاب (کودتا) ۱۹۵۸م سرهنگ عبدالکریم قاسم، عربهای سنی همچنان رهبری سیاسی عراق را در اختیار داشتند. در نخستین دهه از حاکمیت رژیم نوین (۱۹۶۸ – ۱۹۵۸)، درصد سـنی ها در رهبری سیاسی بسیار بالا رفت و در میان بلند پایگان این برتری بیشتر آشـکار بود. هنگامی که ارتش به قدرت رسـید، درصد بالای سنی ها در یگان های افسران به چیرگی آنها بر دولت انجامیـد. به هنگـام رژیم بعثی (۲۰۰۳ – ۱۹۶۸م)، این برتری، با اینکه کوشـش هایی چنـد برای رساندن شـیعیان به رده هـای فرمانـدهی انجـام شـد، همچنـان پابرجـا بود. به گفته علوی از سال ۱۹۵۸م، تا ۱۹۹۰م، تنهـا یک شـیعه به نخست وزیری برگزیده شده بود که مدت ده ماه دوام آورد. جدای از رهبری سیاسی، سنی ها جایگاه فرماندهی

۱- - فب مار، پیشین، صص ۲۲۹- ۲۲۵ .

را در یگان های افسران همچنان در دست داشتند و رهبری سیاسی بیشتر بر پشتیبانی آنان استوار بود. در حزب بعث نیز - که مهمترین و کم و بیش تنها حزب کشور و راه پیشرفت و رسیدن به جایگاه های بالا و رهبری بود - برتری و چیرگی سنی ها آشکار بود.(۱)

پس از ۱۹۶۴، شیعیان رفته رفته همه امتیازهای سیاسی خود را که طی دهه های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ و در دوران کوتاه رژیم عبدالکریم قاسم در سال های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۳، به دست آورده بودند، از دست دادند. پس از ۱۹۶۹، حکومت جدید بعثی به ایجاد محدودیت های فراوانی در زندگی مذهبی و فرهنگی شیعیان پرداخت که مصادره موقوفه ها، تعطیل کردن آموزشگاه های دینی و جلوگیری از انجام آیین های دینی، نمونه ای از آنهاست. از سوی دیگر، اتخاذ موضعی پان عربی در عراق، راه حل سادهای برای بعثی ها بود تا از مسئله حاکمیت کمترینه سنی طفره روند و بنیاد مشروعیت را صلاحیت عربی قرار دهند، نه عراقی. ملیگرایی افراطی عربی - که به قبضه کردن قدرت در دست بعثی ها در ۱۹۶۸ و پس از آن به محصور شدن قدرت در دست معدودی از تیره های هم پیمان سنی انجامید - کوششهای پیشین را برای ورود شیعیان به ساختار قدرت در کشورعراق بی اثر کرد.

رژیم بعثی صدام حسین - در همان حالی که تبعیض مذهبی و سیاسی سختی را در حق شیعیان روا میداشت - تحت عنوان سکولاریسم، گرایش های فرقه ای را نیز نفی می کرد. سیاست های رژیم بعثی عراق به شرح ذیل بود

انکار در نظر گرفتن ملاحظه های فرقه ای در سیاست های داخلی،

ص: ۱۰۵

۱- - همان، صص ۴۱۸- ۴۱۵ . و نیز: حسین سیف زاده، پیشین، ص۸۴ .

مردود شمردن خواسته های شیعیان به این علت که فرقه گرایانه، تفرقه افکنانه و ملهم از ایراناند،

۳. وارد کردن شمار کمی از شیعیان در پست های فرعی یا تشریفاتی برای پیشگیری از انتقادها

۴. تضعیف نهادهای مذهبی شیعی و جلو گیری از رشد آنها،

۵. برخورد شدید با فعالیت های سیاسی شیعیان.(۱)

قبضه قدرت توسط بعثیان در سال ۱۹۶۸م با قلع و قمع نهادهای شیعی، محدود شدن اختیاراتی که نهاد روحانیت در طول تاریخ داشت، ممنوعیت بسیاری از فعالیت های شیعی، و تبعید هزاران خانواده شیعی همرا بود. رژِیم عراق در سراسر دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، با خشونتی بی رحمانه اسلام گرایان شیعی را تعقیب می کرد و اعضای حزب الدعوه را به همراه خانواده ها و هوادارانشان، و

روحانیانی که هدایت معنوی این حزب را بر عهده داشتند، هدف قرار می داد.

اعدام روحانیان شیعه تنها یکی از نمادهای سرکوب شیعیان به دست این رژیم بوده است. از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵، رژِیم دست کم ۴۱ روحانی را اعدام کرد. در ۱۹۷۹م، سالی که صدام حسین رئیس جمهور عراق شد - دست کم چهارده روحانی شیعه و در ۱۹۸۰، سیزده تن دیگر اعدام شدند که از آن جمله میتوان به اعدام آیت الله شهید سید محمد باقر صدر و خواهرش بنت الهدی اشاره کرد.

عملیات اخراج اجباری خانواده های شیعی نیز در دهه هفتاد آغاز شد؛ یعنی زمانی که هزاران بازرگان شیعی، بر خلاف شهروندی عراقی شان، ایرانی تبار

۱- - گراهام فولر، رند رحیم فرانکه، پیشین، صص ۱۹۸- ۱۹۷ ، ۲۰۳- ۲۰۰ .

خوانده شدند. حکومت، شرکت ها، دارایی ها و مستغلات آنها را ضبط، شهروندیشان را لغو و آنان را به همراه خانواده آنها در مرز ایران رها کرد. در مجموع، با برآوردی محتاطانه می توان گفت، حکومت بعث از ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۱، ۱۵۰۰۰۰ تن را اخراج کرده است.

از سوی دیگر، جنگ ایران و عراق ایجاب میکرد که حکومت عراق، رویکرد دو سوی های در برابر شیعیان پیش گیرد. رژیم عراق در سالهای آغازین جنگ، هنگامی که در مبارزه با حریف ایرانی اش امتیازاتی به دست آورده بود، آزار و اذیت روحانیان شیعه و حزب های اسلام گرا را تشدید کرد و به تبعید خانواده های شیعی به ایران شتاب بیشتری بخشید. اما در سال ۱۹۸۳، عراق برتری نظامی خود را از دست داد و ناچار شد خط مشی خود را اصلاح کند. رژیم دریافت که میباید وفاداری شیعیان را که بیشترینه قاطع سربازان و افسران درجه دار نیروهای مسلح عراق را تشکیل می دادند، جلب و به رغم تبلیغات ایران، اعتبار اسلامی آن را تقویت کند.

نقطه عطف رویارویی شیعیان و رژیم، شورش گستردهای بود که در مارس ۱۹۹۱، بی درنگ پس از جنگ خلیج فارس، در جنوب عراق رخ داد و شورش کردها را در شمال در پی داشت. به گفته علی حسن المجید (علی شیمیایی)، پسر عموی صدام، رژیم در عملیات سه هفته ای سرکوب شورش شیعیان، ۳۰۰۰۰۰ تن را کشت. در پی این شورش ها، موج گسترده تری از اعدام ها و ناپدید شدن های روحانیان شیعه در ۱۹۹۱م صورت گرفت. در این سال، ۹۶ تن از اعضای خاندان حکیم و ۲۸ تن از خانواده بحرالعلوم به همراه افرادی دیگر بازداشت و ناپدید شدند. همچنین، آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی، برجسته ترین مرجع شیعه،

بر خلاف اینکه هرگز تکاپوی سیاسی نداشت، بازجویی و در منزل خود بازداشت شد. پسر وی، محمد تقی خویی در ۱۹۹۴ و دو روحانی بلند پایه، یعنی آیت الله غروی و آیت الله بروجردی، در سال ۱۹۹۸م ترور شدند.

افزون بر این، رژیم به اقدامهای پیش گیرانه سختی علیه شیعیان مظنون دستزده، خانواده های شیعی را به ترک بغداد مجبور کرد. در سال ۱۹۹۲م، برای از میان بردن

پناهگاه سربازان فراری و مخالفان، «طرح عملیات در مردابها» اجرا شد. با خشک کردن مردابها، نزدیک به ۵۰۰۰۰۰ شیعه ساکن در مرداب ها(۱)

ناگزیر شدند، تا به ایران یا بخشهای دیگر عراق پناهنده شدند و بسیاری نیز به دست نیروهای حکومتی کشته شدند.

در نوزدهم فوریه ۱۹۹۹م، افرادی مسلح، - که کم و بیش مسلم است کارگزار رژیم بوده اند، - روحانی محبوب، آیت الله سید محمد صادق صدر (پدر مقتدا صدر)، و دو پسرش را در نجف شهید کردند. واکنش جامعه شیعی گسترده، شدید و پیوسته بوده و سطح خشونت میان شیعیان و رژیم را افزایش داد.(۲)

۲- جایگاه اقتصادی - اجتماعی

افزون بر مسایل سیاسی، تبعیض بر ضد شیعیان در دیگر عرصه های زندگی نیز وجود داشت. و شیعیان در پارلمان، فرهنگ، مطبوعات، اوقاف، آموزش و پرورش، آموزش عالی و بازرگانی حضور کم رنگی داشتند. فشار بر ضد شیعیان، این گروه اجتماعی- فرهنگی را به سوی فعالیت اقتصادی سوق داد. به دنبال مهاجرت یهودیان عراق به اسراییل درسال ۱۹۴۸م، شیعیان بی درنگ کوشیدند تا

۱- -Marsh Arabs

۲- - همان، صص ۲۱۴- ۲۰۷ .

در زمینه هـای اقتصـادی و بازرگـانی، نیرو و توان خویش را به کار گیرنـد. اما با به قـدرت رسـیدن عبدالسـلام عارف در سال ۱۹۶۳م و اعمال برنامه های ملی سازی، شیعیان به شدت

آسیب دیدند و جایگاه آنان در این زمینه در اختیار عرب های سنی قرار گرفت.(۱)

شیعیـان که در روزگـار رژیم پادشـاهی (۱۹۵۸ – ۱۹۲۰م)، بخش چشـم گیری از زمیـن داران تـوانگر و بازرگانـان شـهری و سرمایه گزاران را تشکیل میدادند در زمان حاکمیت رژیمهای انقلابی (۲۰۰۳ – ۱۹۵۸) و با انجام قانون اصلاحات سرزمینی و ملی سازی، ناپدیـد شدنـد و با این کار بخش بزرگی از شـیعیان در طبقه بالا و میانه، از ساختار اجتماعی کشور حـذف شدنـد. البته در برخی از بخشـها، شـیعیان گامهای بزرگی برداشـتند. شهری شدن و آموزش و پرورش بی گمان در ارتقاء آنان به طبقه میـانه و کـارگر نوین شـهری کارسـاز بود. شـمار بسـیاری از آنهایی که در کارهای سازمانی و پیشه ها بودنـد، از میان شـیعیان بودند و برخی پیشـهها یکسـره در دست شـیعیان بوده است. جا به جایی انبوه شیعیان از استانهای جنوبی به میانی – که بالاترین درآمد و بیشترین صـنعت، شـهری شدن و آموزش و پرورش را داشـتند – به بهبود فزاینده زندگی شیعیان انجامید. جا به جایی شیعیان به درون بغداد، جمعیت پایتخت را به سود آنها دگرگون ساخت؛ و همچنین آنها در بصـره، دومین شهر بزرگ کشور، برتری یافتند.(۲)

در مجموع، فشارها و تبعیض ها بر ضد شـیعیان تا واپسین روزهای حکومت جمهوری (بعثی) ادامه داشت و رژیم از هر فرصتی برای ضربه زدن به جامعه

ص: ۱۰۹

۱- – حسین سیف زاده، پیشین، ص۸۴ .

۲- – فب مار، پیشین، صص ۴۱۹– ۴۱۸ .

شیعه بهره می برد. در آستانه سال ۲۰۰۳ و جدی شدن حمله ایالات متحده به عراق، جامعه شیعه عراق در آستانه تحولی تاریخی و سرنوشت ساز قرار گرفت. گروه ها و حزب های مخالف شیعه به همراه گروه های مخالف کرد، در جبهه متحدان ایالات متحده قرار گرفتند تا از این فرصت تاریخی برای رهایی خود از خود کامگی کمترینه سنی و جایگاه شهروند درجه دو بهره ببرند. سرانجام، با پیروزی آمریکا و متحدانش و اشغال عراق توسط آنها در آوریل ۲۰۰۳، نظم و ساختار سیاسی چندین صدهای حاکم بر این سرزمین در کمتر از چند هفته فرو پاشید و شیعیان در مصیر استحکام جایگاه واقعی خود در ساختار قدرت عراق هستند.

ص: ۱۱۰

فصل دوم: عراق نوین و شیعیان

اشاره

ص: ۱۱۱

گفتار نخست : گروهها و جریانهای شیعه در عراق

پیشینه

اشاره

نهادمنـدی و حزب گرایی، در رونـد جنبش شـیعیان به آغاز دهه ۱۹۵۰ بـاز می گردد. فشـار گسترده رژیم بعث بر شـیعیان، از زمان به قـدرت رسـیدن (ژوئیه ۱۹۶۸) تا سـرنگونی (آوریل۲۰۰۳)، در مقـاطع مختلف موجب شـکل گیری جریـان ها و گروه هـای معـارض بی شـماری شـده، که مهمترین آنهـا به قرار ذیل است: «جماعه العلماء» (۱۹۵۴)، «حزب الـدعوه» (۱۹۵۷)، «جند الامـام» (نیمـه نخست دهه ۱۹۶۰)، «سازمـان عمل اسـلامی» (۱۹۶۳)، «مجلس اعلای انقلاب اسـلامی عراق» (۱۹۸۲) و جنـاح انشعابی «الدعوه الاسلامیه» (۱۹۸۵) و رویکردهای نوین، به نام «صدریون ثانی» (۱۹۹۲).

این گروه ها و حزب ها از موارد مهم نهاد سازی در روند «جنبش اسلامی شیعیان عراق» به شمار می روند.(۱)

ص: ۱۱۳

۱- - "نقش و جایگـاه شـیعیان در فراینـد «دولـت سـازی» و چشـم انـداز رونـد تطور جنبش شـیعیان عراق"، موسـسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، به نقل از: www.did.ir.

این گروه ها در ستیز با رژیم بعث – چه در درون کشور و چه در بیرون از آن – نقش بسیاری داشتند؛ به ویژه گروه هایی با سازمان دهی نیرومند و با شاخه نظامی همچون حزب الدعوه و مجلس اعلا که از پشتیبانی برون مرزی نیز برخوردار بودند. آنها در مواردی تا براندازی و سرنگونی رژیم نیز پیش رفتند به ویژه در آشوب های پایان دهه ۱۹۷۰ و آغاز دهه ۱۹۸۰، در طول جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ و مهم تر از همه در سازمان دهی خیزش همگانی مارچ ۱۹۹۱ پس از شکست صدام در جنگ کویت.

با سرنگونی رژیم صدام در آوریل ۲۰۰۳، شیعیان و به ویژه گروهها و حزب های شیعی با یک فرصت بی مانند تاریخی و یک نقطه عطف در حیات سیاسی خود رو به رو شدند. آنها در دوران عثمانی، اشغال عراق به دست بریتانیا و دوران صدام، همواره در حاشیه قرار داشته و از قدرت محروم بودند. سرنگونی صدام باعث بازگشت شیعیان به هویت خود و افزایش تکاپوی سیاسی آنان شد و آنان امیدوار شدند در پرتو انتخابات آزاد، تبدیل به قدرت برتر عرصه سیاست عراق شوند.(۱)

از سویی دیگر، مسئله پیدایش نیروها و جریان های سیاسی گوناگون و نقش آنان در آینده عراق و نوع ساختار سیاسی آن، خود به یکی از عمده ترین چالشهای پس از جنگ تبدیل شده است. گروه های سیاسی عراق که پس از فروپاشی نظام بعثی فرصت ابراز وجود یافته اند، دربرگیرنده طیف های ایدیولوژیک و سیاسی پراکنده ای هستند که با تاکید بر نوع نظام سیاسی مورد نظر

۱- - Graham Fuller, “Islamist Politics in Iraq After Saddam Hussein,” in: www.usip.org.

خود، استقرار ثبات سیاسی، دموکراسی و وحدت ملی را در این کشور تحت تاثیر قرار دادهاند. یکی از رایجترین دسته بندی گروه ها و جریان های سیاسی کنونی عراق، معیاری است که بر پایه آن گروه های سیاسی عراق بر پایه ملاحظه های فرقه ای – قومی و ترکیبی از عامل های سیاسی و ایدیولوژیک بخش بندی شوند. بر این اساس، عمدهترین گروه ها و جریان های سیاسی عراق عبارتند از: ۱- جریانهای سیاسی شیعه، ۲- جریانهای سیاسی – قومی کرد، ۳- جریانهای سیاسی پان عربی و ۴- جریانهای سیاسی لیبرال.(۱)

از آنجا که شیعیان عراق بیش از ۶۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل میدهند، و اصولا رژیم پان عربی بعث در گذشته این قشر از جمعیت را به دلایل سیاسی در حاشیه نگه داشته است، شیعیان عراق اصولا از آمادگی تجلی بخشی سیاسی گسترده ای در این کشور برخوردار هستند. با این همه، اگر گمان کنیم که جریان یا گروه یگانهای نمایندگی جمعیت شیعه عراق را بر عهده دارد، در تحلیل قدرت و وزنه شیعیان به اشتباه رفته ایم. اصولاـ شیعیان عراق نیز در درون خود دارای دیدگاه های گوناگون بوده و به طیف رنگارنگ ایدیولوژیک سیاسی این کشور تعلق دارند. با وجود این، نمی توان منکر این نکته شد که بیشتر جریانهای سیاسی شیعه گرداگرد گروه های سیاسی اسلام گرا جمع شده و در این گروه ها به فعالیت مشغول هستند. به رغم این نکته، میان گروه های اسلام گرای شیعه نیز پراکندگی و اختلاف سیاسی به چشم می خورد. به طور کلی شیعیان عراق را به لحاظ سیاسی می توان در راستای طیف اسلام سیاسی و اسلام فقاهتی کمتر سیاسی، دسته بندی کرد. در هر دو طیف نیز رقابت های سیاسی میان جریان های

۱- – حمید احمدی، "آسیب شناسی جریان های سیاسی عراق"، مجله راهبرد، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۸۲، صص ۴۵- ۳۵.

اسلام گرا و فقاهتی شیعه به چشم می خورد. بررسی این تقسیم بندی ها و جریان های سیاسی و فقاهتی می تواند در شناخت تحولات کنونی و پیش بینی رخدادهای آینده سودمند باشد.

الف- جریانهای اسلام گرای شیعی

اشاره

این طیف شامل آن قشر از جمعیت شیعه عراق است که گرداگرد گروه های اسلام گرای شیعه جمع شده و در پی استقرار یک نظام سیاسی مذهبی مبتنی بر اندیشه های سیاسی شیعه هستند. با این همه، و بر خلاف برخورداری از خطوط ایدیولوژیک یگانه، طیف اسلام گرای شیعی عراق دچار انشعاب ها و اختلاف هایی بر سر قدرت است. از این رو، افزون بر جدایی میان اسلام گراها و سکولارها، در صفوف اسلام گرایان نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد. اختلاف های ایدئولوژیکی بیشتر درباره مفهوم «ولایت فقیه» است؛ این مفهوم که امام خمینی رحمه الله آن را در ایران پیاده کرد، به معنای حاکمیت فقیه است که بسیاری از شیعیان مومن و متعهد با آن مخالف بودهاند یا درباره آن تردید دارند. در واقع همه اسلام گرایان درباره نقش رهبری روحانیان اتفاق نظر ندارند. در حالی که علما وظیفه هدایت معنوی و مشاوره را بر عهده دارند، رهبری آنان در عرصه سیاسی مورد پذیرش همگان نیست. اسلام گرایان در موارد دیگری مانند: نگرش درباره ایران، مدارا با غرب، معیارهای دموکراتیک، و خط مشی اسلامی کردن جامعه و حکومت اختلاف نظر دارند.(۱) به طور کلی، گروه های سیاسی اسلام گرای شیعه عراق در سه سازمان اصلی دسته بندی می شوند که به بررسی آنها می پردازیم.

۱- - گراهام فولر، و رند رحیم فرانکه، "شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده" ، برگردان خدیجه تبریزی؛ قم: انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۴، صص ۲۱۹- ۲۱۸.

۱– مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق

۱– مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق (۱)

در پی اعدام آیت الله شهید سید محمد باقر صدر و روحانیان دیگر در ۱۹۸۰م و آغاز جنگ ایران و عراق، شمار زیادی از روحانیان عراقی به همراه بسیاری از طرفدارانشان رهسپار ایران شدند. آیت الله شهید سید محمد باقر حکیم – پسر آیت الله سید محسن حکیم – از جمله روحانیانی بود که به ایران گریخت. وی و دیگر رهبران روحانی و غیر روحانی، برای هماهنگ کردن فعالیتهای گروه های شیعی که در آن زمان به طور چشم گیری افزایش یافته بودند، در سال ۱۹۸۲ در تهران و با پشتیبانی حکومت ایران، «مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق» را تشکیل دادند.(۲)

اگر چه آیت الله سید محمد باقر حکیم یکی از عمدهترین بنیادگزاران این مجلس به شمار میآمد و در سه سال نخستین، رهبری این مجلس را به عهده داشت، اما سپس یک شورا مسئولیت اجرایی آن را به عهده گرفت. «آیت الله محمد باقر حکیم» خود در این زمینه می گوید:

«تشکیل این مجلس زمانی رخ داد که شهادت آیت الله سید محمد باقر صدر به دست رژیم حاکم بر عراق، خلا بزرگی را در رهبری مبارزات اسلامی عراق به وجود آورد. از این رو جمعی از علما و شاگردان شهید صدر و رهبران جنبش اسلامی عراق برای جبران این خلا دست به کار شدند و با همکاری و هماهنگی

۱– -Supreme Assembly of the Islamic Revolution in Iraq (SAIRI)

۲– – همان، ص ۲۰۹ .

جمهوری اسلامی بحث های مفصل و تلاش های متعددی صورت گرفت که تاسیس جمعیت علمای مجاهد عراق و پس از آن دفتر انقلاب اسلامی و سپس تلفیق و توسعه همه این موسسات در مجلس اعلا اتفاق افتاد».(۱)

هر چند گروههای سیاسی پیشینهدارتری وجود دارند که پیش از مجلس اعلا پدید آمده اند. اما گر چه این مجلس در پی یکپارچگی همه نیروهای سیاسی شیعه عراقی بوده و ادعای رهبری همه آنها را میکرد، اما در عمل چنین یکپارچگی به دست نیامد و سازمان های دیگری نیز جداگانه در میان شیعیان عراق دست به فعالیت زدند.

این مجلس در طول تاریخ فعالیت خود دچار انشعاب هایی شد که می توان به ظهور «اتحاد نیروهای اسلامی عراق» متشکل از پنج جناح شیعه اشاره کرد که در ۱۹۹۱ در دمشق شکل گرفت و به نزدیکی بیش از اندازه مجلس اعلاـ به ایران اعتراض داشت.

عضویت مجلس اعلاـ در شورای ملی عراق (که از پشتیبانی واشنگتن برخوردار بود) تحول مهمی در میان شیعیان به وجود آورده بود. حکیم از تکثرگرایی در حکومت آینده عراق پشتیبانی میکرد. از دیدگاه برخی عراقی ها، نقطه ضعف حکیم این بود که مورد پشتیبانی ایران بود و در دوران جنگ ایران و عراق نیز از ایران پشتیبانی کرد که یک خیانت به شمار می آید. در واقع،

ص: ۱۱۸

۱- - "گفت و گوی اختصاصی با آیت الله سید محمد باقر حکیم"، زمانه ، به نقل از:www.did.ir .

همکاری نزدیک مجلس اعلا- با حکومت ایران (ایران پول و تجهیزات در اختیار مجلس می گذاشت و کنترل اساسی بر بال نظامی سازمان داشت)، باعث شد که در چشم بسیاری از عراقی ها به عنوان ابزار و عامل ایران مطرح شود.(۱)

این مجلس همچنین، مهمترین سازمان سیاسی شبه نظامی مخالف صدام در مناطق همجوار عراق بود و اگر چه برخی مهاجران عراقی مقیم ایران در مقاطعی به عملکرد آن انتقاد داشتند، اما جایگاه و نقش خود را به عنوان محوریت مهاجران مقیم ایران حفظ کرد.

اهمیت مجلس اعلا- بیشتر به خاطر قدرت نظامی آن است که در چارچوب «سپاه بدر» (نیروی حدود ۱۰۰۰۰ نفری) سازمان دهی شده اند. این سپاه پس از سرنگونی رژیم بعث تاکنون به صورت «سازمان بدر» عمل می کند و در تأمین امنیت و امور انتظامی در مناطقی که دارای نفوذ است، وارد عمل می شود. اعضای ارشد سپاه بدر هم اکنون در ساختارهای نظامی و انتظامی جدید عراق نیز فعال هستند و این سازمان در فهرست مورد پشتیبانی مرجعیت نیز سهیم است.(۲) خط مشی اساسی فعالیت های این مجلس، سیاسی، فرهنگی و عقیدتی است و در مرحله بعدی -تا زمان سرنگونی نظام بعثی - بر حرکتهای شبه نظامی (چریکی) تأکید داشته است و در گذشته مبنای نظری -

---

۱- - Liam Anderson and Gareth Stansfield, “The Future of Iraq: Dictatorship, Democracy, or Division?,” New York: Palgrave Macmillan, ۲۰۰۴, p. ۲۴۳. See also: Graham Fuller, op. cit.

۲- - مراد ویسی، "استراتژی شیعیان عراق"، ایران دیپلماتیک، به نقل از: www.did.ir.

عقیدتی آن بر پایه «نظریه ولایت فقیه» بوده است.(۱)

در شرایط کنونی، متأثر از تجربه های رهبران این مجلس در مسائلی چون تحولات داخلی ایران، مقتضیات جامعه شناختی عراق و راهبرد هژمونیک آمریکا در آن کشور، رویکرد اساسی مجلس - با توجه به بیشترینه شیعی جمعیت عراق - «پی گیری نهادینه سازی فرآیندهای دموکراتیک در عراق» است.

اما، درباره نقش مجلس اعلا در فرآیند دولت سازی، باید گفت که مهمترین محور فعالیت مجلس اعلا در قبال شکل گیری ساختار دولت نوین در عراق، اهتمام به فروپاشی نظام حکومتی سنی محور و تشکیل نظام سیاسی شیعه محور است. این گروه از ایده تشکیل حکومت اسلامی با تسلط شیعیان تا اندازه بسیار دست کشیده و اکنون خواستار تشکیل حکومت مردم سالار بر پایه انتخابات است؛ زیرا با توجه به بیشترینه بودن شیعیان، محتمل می داند که بیشتر پست های عمده در دولت و پارلمان نصیب شیعیان شده و چون این گروه خود را شناخته شده ترین سازمان شیعه می داند، احتمال حضور گسترده تر خود در دولت جدید رابیشتر از بقیه می داند.(۲)

مجلس اعلاء اگرچه پس از شهادت آیت الله محمد باقر حکیم در سال ۲۰۰۳، کلیدیترین عنصر خود را از دست داد، ولی به دلیل احاطه و اشراف

ص: ۱۲۰

۱- - هرایر دکمجیان، "جنبش های معاصر در جهان عرب، بررسی پدیده بنیاد گرایی اسلامی"، برگردان حمید احمدی، چاپ سوم، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۷، صص ۲۰۵ - ۲۰۴.

۲- - "نقش و جایگاه شیعیان در فرایند «دولت سازی» و چشم انداز روند تطور جنبش شیعیان عراق"، پیشین.

سازمانی «سید عبدالعزیز حکیم» بر سازمان درونی مجلس اعلاء به ویژه «سپاه بدر» از نظر درون سازمانی دچار مشکل جدی نشد، زیرا وی حتی پیش از ترور برادر بزرگترش نیز، اداره کننده واقعی سازمان مجلس اعلاء بود و رئیس شاخه نظامی آن نیز به شمار می رفت و آیت الله شهید سید محمد باقر حکیم بیشتر به امور خارج از مجلس اعلا و روابط عالی این گروه با دیگر بازیگران عراقی و غیر عراقی می پرداخت. همچنین، مجلس اعلاء و رهبری آن، مخالف مبارزه مسلحانه با آمریکا در شرایط کنونی هستند، اما منتقد عملکرد آمریکا در عراق به شمار می روند. این گروه بیشترین کوشش را برای هماهنگی با مراجع تقلید بویژه آیت الله سید علی سیستانی انجام می دهد و سید عبدالعزیز حکیم تماس های منظمی را با مرجعیت به عمل می آورد.(۱)

۲- حزب الدعوه اسلامی عراق

۲- حزب الدعوه اسلامی عراق (۲)

احیای تشیع، به منزله یک اعتقاد و عمل شخصی، در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، واکنشی بود در برابر غیر مذهبی شدن روز افزون جامعه عراق و جذب شیعیان جوان تحصیل کرده به سوی کمونیست ها. با کودتای شبه کمونیستی سرهنگ عبد الکریم قاسم در ۱۹۵۸، این گرایش به کمونیسم افزایش یافت و کمونیست ها هر چه بیشتر به قدرت نزدیک شدند و این خود هشداری به علما و

ص: ۱۲۱

۱- - برای آگاهی بیشتر از مجلس اعلا- به ویژه ساختار، سیاست ها، راهبردها و ایده های آن بنگرید به منبع ارزشمند زیر: .Faleh A. Jabar, “The Shi’ite Movement in Iraq,” London: Saqi Books, ۲۰۰۳, pp. ۲۳۵ -۲۷۵

۲- - Da’wa Party

دین داران شیعه بود که نگران وضعیت دینی جامعه به ویژه جوانان بودند. در پایان دهه ۱۹۵۰، روحانیت شیعه تهیه و تدوین بدیلی اسلامی را برای کمونیسم آغاز کرد که از نظر احساسی و اصالت بر آن مقدم بود. هر چند این دیدگاه بدیل به پان اسلامیسم (دربرگیری همه فرقه های اسلامی) متمایل بود، در عمل، روحانیت شیعه به ویژه آیت الله شهید سید محمد باقر صدررحمه الله و سید مهدی حکیم، پسر مرجع اعلا آیت الله سید محسن حکیم رحمه الله، آن را ترویج می کردند. این بدیل که از اصطلاح های شیعی استفاده می کرد، توجه خود را به شیعیان معطوف میساخت و در استان های جنوبی و بخش های فقیر نشین شیعی بغداد نیرو جذب می کرد. این بدیل که «حزب الدعوه» نام گرفت، نخستین سازمان سیاسی اسلامی شیعیان عراق بود و در سال ۱۹۵۸م در نجف پایه ریزی شد (اما به صورت رسمی در ۱۹۶۸ اعلام وجود کرد). اعضای حزب الدعوه به لحاظ فکری و معنوی از صدر و حکیم الهام می گرفتند.

الدعوه، نخست تنها به تبلیغ، یعنی دعوت مردم به دین، آموزش و احیای باورهای دینی می پرداخت اما سرانجام به حزب سیاسی فعالی تبدیل شد که مخفیانه کار میکرد و برای رویارویی با آموزه های عربیسم و کمونیسم، یک پیام فکری می پرورد.(۱)

حزب الدعوه، در واقع نوعی انشعاب از «حزب التحریر الاسلامی عراق» به شمار می آمد که وابسته به شاخه اردنی آن حزب بود. آیت الله شهید محمد باقر صدررحمه الله، رهبر فرهی (کاریزماتیک) شیعیان عراق، بنیان گزار اصلی حزب بود و تا

۱- - گراهام فولر، و رند رحیم فرانکه، پیشین، ص ۲۰۶ .

زمان مرگ خود (توسط رژیم بعث در ۱۹۸۰) رهبری این گروه را به عهده داشت.(۱) پس از کشته شدن وی، یک شورای رهبری هدایت این سازمان را به عهده گرفت. شیخ علی کورانی، محمد مهدی آصفی و مهدی خالصی عمدهترین شخصیت های این گروه به شمار میآمدند. این حزب در آغاز درصدد تشکیل یک دولت اسلامی بود و در این راستا، درصدد جلب همکاری اخوان المسلمین برآمد. رویکرد سیاسی رادیکال حزب الدعوه در زمان خود در نجف که جوی محافظه کار داشت، یک نقطه عطف انقلابی به شمار می آمد. حزب الدعوه به واسطه استفاده از خشونت علیه صدام، در دهه ۱۹۷۰، نام آور و نیز به سختی سرکوب شد. هزینه ای که حزب برای این پایداری پرداخت، موجب شد در میان شیعیان ارج و ارزش و مشروعیت بسیاری به دست آورد.

حزب الدعوه با تشکیل مجلس اعلا در ۱۹۸۲ به آن پیوست؛ ولی به دلیل اختلاف های پیش آمده بر سر مساله حکومت ولی فقیه و نیز کوشش ایران برای کنترل مجلس اعلا، از آن جدا شد. پس از آن، حزب الدعوه دو شاخه شد؛ یک شاخه در تهران که بخشی از مجلس اعلاـ بود و خود را حزب الدعوه اسلامی می نامید و شاخه دوم که مستقل تر بود و در لندن پایگاه داشت.(۲)

اعضای شاخه الدعوه در ایران به دیدگاه حکومتی شیعه در ایران گرایش یافتند. روحانیان عضو کمیته مرکزی آن از جمله آیت الله سید کاظم حائری و

۱- - برای آگاهی بیشتر از حزب الدعوه به ویژه اندیشه ها و ایده های آیت الله محمد باقر صدر بنگرید به: Faleh A. Jabar, op. cit. pp. ۷۸ – ۱۰۸, ۱۲۸ – ۱۴۲, ۲۸۰ – ۲۸۷, ۲۹۶ –۳۰۶

۲- - Graham Fuller, op. cit.

آیت الله محمد مهدی آصفی خواهان پیروی کامل از این دیدگاه بودند، اما شاخه لندن گرایش دیگری پیدا کرد.(۱) در واقع، این انشعاب در سال ۱۹۸۱ تحت عنوان «الدعوه الاسلامیه»، به رهبری اشخاصی چون برادران شیخ علی و شیخ حسین کورانی، عزالدین سلیم معروف به ابویاسین و ابوصفاء دغلاوی رخ داد که علت این انشعاب را باید در

نوع قرائتی که حزب الدعوه (جناح اصلی) از مرجعیت و مقوله ولایت فقیه دارد، جستجو کرد. جناح انشعابی (الدعوه الاسلامیه)، نظریه ولایت فقیه را همگرا با ج. ا. ایران قرائت و دنبال می کند و به همین دلیل هم گرایی بیشتری با مجلس اعلا دارد. به این سان، دو گروه بیشترینه به رهبری شیخ محمد مهدی آصفی و کمترینه به رهبری شیخ علی کورانی (سپس «عزالدین سلیم» و اکنون «ابو صفا دغلاوی») شکل گرفت. افزون بر انشعاب بالا در حزب الدعوه، جناح بیشترینه در سال ۱۹۹۸ دچار انشعاب دیگری گردید و در پی آن، برای بار دوم، جناح بیشترینه به دو گروه بیشترینه و کمترینه تقسیم شد. گروه بیشترینه به رهبری ابوبلال ادیب در ایران (مقیم تهران) و ابراهیم جعفری در لندن و گروه کمترینه به رهبری سید ابوعقیل و ابوریاض مهندس. این گروه خود را «ولایت مدار» می دانند و بیشتر هواداران آنها در قم مستقر بودند.(۲)

درباره نوع حکومت مورد نظر حزب، باور همگانی این بود که ابهام های فراوانی درباره شکل و ماهیت نظام سیاسی مورد نظر حزب وجود دارد. برای

ص: ۱۲۴

۱- - هوان کول (استاد تاریخ دانشگاه شیکاگو)، "نگاهی به تاریخچه شیعیان عراق"، همشهری دیپلماتیک، دی ماه ۱۳۸۳، شماره ۳۴. ص ۱۰ .

۲- - "نقش و جایگاه شیعیان در فرایند «دولت سازی» و چشم انداز روند تطور جنبش شیعیان عراق"، پیشین.

نمونه، حزب الـدعوه در آغاز خواهان برپایی نظام سیاسـی با تکیه بر «اصل شورا» بود، اما این دیـدگاه به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، به سود دیـدگاه «ولایت فقیه» تغییر کرد و سـپس به دلیل آن که حزب الدعوه به این نتیجه رسـید که نظریه ولایـت فقیه بـا ویژگی و بافت جامعه عراق سازگاری نـدارد، این نظریه به سود آمیزه ای از اصل شورا و اصل ولایت فقیه تغییر کرد.(۱)

حزب الـدعوه دربـاره ساز و کارهای دستیابی به قـدرت و شـکل آن، به پلوراليسم حزبی و رای مردم از راه برگزاری انتخابات بـاور دارد. در واقع این حزب به سیسـتم نظـام پارلمانی متکی بر قانون اساسـی به عنوان مقـدمه دستیابی به دولت اسـلامی باور دارد، زیرا به گفته یکی از اعضای این حزب: «در این صورت دولت تنها در برابر ملت پاسخگو خواهد بود. ما به انتخاب مردم ارج می نهیم حتی اگر این انتخابات اسـلامی نباشـد.»(۲) در همین زمینه، ابراهیم جعفری سـخنگوی (پیشـین) حزب الدعوه در بیان دیـدگاه های حزب می گوید: «باید اراده ملت عراق در برگزیدن شـکل نظام تحقق یابد، آن چه ملت بر می گزیند، مورد تایید ماست. ما نمی خواهیم اراده خود را تحمیل کنیم، اما امیدواریم ملت اسلام را برگزینند. ما در عراق هستیم.

دیگران هم هسـتند. رای هم از آن بیشـترینه است، امـا اگر ملت اسـلام را برگزینـد، این به معنـای سـلب حق دیگران در ترویج دیدگاه های سیاسی شان بر

۱- – حامد العبد الله، "الفکر الحرکی لحزب الدعوه الاسلامیه"، مجله العلوم الاجتماعیه، تابستان ۱۹۹۷ . به نقل از: عادل ادیب، و سـید حسـین موسوی، "حزب الدعوه اسـلامی عراق (پیشـینه تاریخی و اندیشه سیاسـی)"، تهران، مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۳. ص ۳۲ .

۲- – دلال البزری، "دنیا الدین و الدوله"، دارالنهار، ص ۱۰۲ . به نقل از: عادل ادیب، و سید حسین موسوی، پیشین، ص ۳۶ .

پـایه کثرت گرایی و آزادی بیان و مطبوعات نخواهـد بود.»(۱) حزب الـدعوه هماننـد مجلس اعلاء در دوران مبارزه علیه رژیم بعث فعال بوده و بخش عمده ای از حمله های شبه نظامی به نیروهای بعثی را سازمان دهی می کرد. این حزب همچنین دومین حزب بزرگ در فهرست مورد پشتیبانی مرجعیت به شمار می رود. در دوران اشغال، هر دو شاخه حزب الدعوه نسبت به قدرت آمریکا روی کردی پراگماتیک دارند؛ اما اگر احساس کنند که آمریکا مانع اصلی قدرت گرفتن شیعیان است، روی کرد خود را تغییر خواهند داد. وضـعیت آینده حزب الدعوه چندان روشن و پیدا نیست و ممکن است رویکرد بومی آن باعث نزدیکی به گروه مقتدا صدر شود

۳- سازمان پیکار اسلامی عراق (منظمه العمل الاسلامی)

این گروه پس از حزب الـدعوه دومین گروه سیاسـی اسـلام گرای شـیعی عراق به شـمار میرود و بر پایه برخی تحلیل ها، نوعی انشـعاب از آن به شـمار میآیـد. قتل آیت الله سـید محمد باقر صدر و نبود رهبری وی باعث شد تا آیت الله العظمی سـید محمد حسـینی شیرازی - یکی از مراجع شیعه در عراق - این گروه را بنیان نهد پس از فوت آیت الله شیرازی در سال ۲۰۰۰، آیت الله سید محمد تقی مدرسـی رهبری آن را به عهده گرفته است. آیت الله سـید محمد تقی مدرسـی، اندکی پس از سرنگونی رژیم بعث عراق، با همراهان خود وارد عراق شد. سازمان پیکار اسلامی به لحاظ مالی و سازمانی دارای قدرت بسیار زیادی در میان شیعیان عراق است، به ویژه در حوزه جنوبی خلیج فارس (کویت، امارات، بحرین و

۱- - "روزنامه النداء"، ۱۶/۳/۱۹۹۱ . به نقل از: عادل ادیب، و سید حسین موسوی، پیشین، ص ۳۴ .

عربستان) نفوذ گسترده ای دارد. اصولاً سازمان پیکار رابطه خوبی با مجلس اعلا نداشته و طرفداران آن، آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی را از نظر فقهی دارای مقام برتر از آیت الله سید محمد باقر حکیم دانسته و او را شایسته رهبری جنبش اسلامی شیعه عراق میدانسته اند.(۱)

ب- جریانهای فقاهتی و غیر سیاسی شیعه

اشاره

گروه های اسلام گرای سیاسی شیعه، تنها نماینده شیعیان این کشور به شمار نمی آیند. جریان های کمتر سیاسی و سنتی شیعه که در چارچوب حوزه های علمیه نجف و کربلا سازمان یافته اند، از نفوذ چشم گیری میان شیعیان عراق برخوردار هستند. جریان فقاهتی و حوزهای شیعه، پیش از آن که در پی کنترل سیاسی بر عراق از طریق یک حکومت دینی بر پایه ولایت فقیه در عراق باشد، برای حفظ منافع کلی شیعیان در عراق وپاسداری از میراث فرهنگی و دینی شیعه و ارتقای سنت فقه شیعه تلاش می کند. این جریان بیشتر گرداگرد مراجع بزرگ شیعه سازمان دهی شده اند. هم اکنون، سه حوزه عمده مدعی نمایندگی مسایل شرعی شیعیان عراق را به عهده دارند که به بررسی آنها می پردازیم.

۱- حوزه آیت الله العظمی سید علی حسینی سیستانی

با درگذشت آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی رحمه الله در سال ۱۹۹۲، آیت الله العظمی سیستانی مرجعیت اسلامی شیعیان عراق را به عهده گرفت و به چهره بانفوذ حوزه های علمی شیعه در این کشور تبدیل شد. وی بیشترین شمار پیروان

۱- - حمید احمدی، پیشین. صص ۴۵- ۳۵.

(مقلدان) را در درون و بیرون عراق دارد. در واقع، آیت الله سیستانی به تعبیری هم اکنون رهبری دینی جهان شیعه را به عهده دارد، و مرجع تقلید اعلم شیعیان به شمار میرود، چرا که افزون بر عراق، پاکستان، افغانستان، عربستان، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، شیعیان که اروپا و آمریکا و در ایران از آنها تقلید میکنند.

آقای «حایری»، از استادان و مسئولان حوزه علمیه نجف در این زمینه میگوید:

«پس از درگذشت آقای خویی و آقای سبزواری، دو مرجع بزرگ در حوزه نجف بر سر زبانها افتاد: آیت الله سیستانی و آیت اللَّه سید محمد صادق صدر. بیشتر پیروان آقای خویی که در کشورهای خلیج فارس وسرزمین های عرب نشین بودند به آقای سیستانی رجوع کردند و میتوان گفت که مرجعیت آنها دنباله مرجعیت آقای خویی است؛ ولی در داخل عراق اقبال مردم بیشتر به مرجعیت آقای صدر بود».(۱)

آیت الله سیستانی یکی از مهمترین طیف های فکری را در مدرسه نجف کنترل می کند، اما به دلیل آن که او «موافق جدایی دین از سیاست» است و معتقد است این دو نباید با یکدیگر در هم آمیخته شود، رهبری گروهی سیاسی را بر عهده ندارد. با وجود این، بسیاری از علمای عراقی به ویژه میانه روها، به مشروعیت وی باور دارند. در واقع، آیت الله سید علی سیستانی، نماینده گروه

۱- - "گف و گو با حجت الاسلام حایری (از استادان و مسئولان حوزه علمیه نجف و برادر آیت الله سید کاظم حایری)"، مجمع جهانی شیعه شناسی، www.shiastudies.com.

آرامش طلبان در عراق است که مهمترین گروه شیعه سنتی در این کشور به شمار میرود. در دوران صدام، سکوت موثرترین شیوه زنده ماندن بود. در اینجا منظور از آرامش طلبی، سنتی است که آگاهانه خود را از سیاست دور نگه می دارد. در این سنت، روحانیان نقش دیدبان و منتقد مسایل اجتماعی و سیاسی را ایفا می کنند و تنها در موارد ویژه بحرانی، به تهدیدمتوسل می شوند. مخالفت آیت الله سیستانی با قرائت رایج از ولایت فقیه در ایران، باعث شد از رویارویی با صدام در امان بماند.(۱)

اکنون که حکومت صدام سرنگون شده است مناسب و سودمند بودن آرامش طلبی، با آزمونی بزرگ رو در رو است. آرامش طلبی، کنار گذاشتن کامل سیاست نیست؛ بلکه روی کردی مشخص و محدود به موضوعات سیاسی روز و اظهار نظرهای سیاسی است. در فضای سیاسی نوین عراق، محدودیت های موجود در راه فعالیت فکری و عملی از میان رفته است. لذا دوری از سیاست، دیگر ابزار ماندگاری نیست که ضروری باشد. نظم سیاسی نوین در عراق، در حال شکل گیری است و پیروان آیت الله سیستانی از او انتظار دارند در فرایند شکل گیری این نظم، نقش کارساز تر و بیشتری ایفا کند. لذا انتظار می رود نقش سیاسی آیت الله سیستانی همچنان رو به افزایش باشد.

۱- - Graham Fuller, op. cit.

۲– حوزه آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی

پس از درگذشت آیت الله العظمی خویی – مرجع اعلای شیعیان جهان – پسران وی همچنان به فعالیت های سیاسی، اما نه اسلام گرایانه، در حوزه شیعیان عراق و بیرون از آن ادامه دادند. «عبدالمجید خویی»، پسر آیت الله خویی، با توجه به وجاهتی که از ناحیه جایگاه منیع پدرش در میان بیشتر شیعیان جهان یدک می کشید، یکی از تأثیرگزارترین روحانیان شیعه بود که تا زمان آغاز جنگ آمریکا و هم پیمانان او علیه صدام، در لندن، در تبعید به سر میبرد. پی ریزی بنیادی با نام «بنیاد خویی» در لندن برای انجام فعالیت های فرهنگی، مذهبی و سیاسی، باعث جذب بسیاری از اعضا، هواداران و پیروان آیت الله خویی شده بود. این بنیاد به کانون تبادل نظر درباره مسایل مربوط به اسلام و گسترش مردم سالاری، بهبود روابط سنیان و شیعیان و روابط اسلام گرایان و سکولارها تبدیل شد. این بنیاد با تاسی به مرحوم آیت الله خویی، از سیاست دوری میگزینند و با این حال از سنت فرهنگی و فکری شیعه به شدت پشتیبانی کرده، با استناد به دلایل انسان دوستانه از منافع شیعیان دفاع میکند. بنیاد خویی با دوری جستن از آشوب های سیاسی و پرداختن به موضوع های سیاسی از دیدگاه فکری و با روحی های آشتی جویانه، در جلب توجه طیف گسترده‌ای از اندیشمندان عراقی و دیگر اندیشمندان عرب شیعه موفق بوده است.

این بنیاد همچنین از پایگاه مالی بسیار چشم گیری برخوردار است و در دو دهه گذشته، توانسته با هدایت کمک های بشر دوستانه حاصل از بنیادهای نیکو کاری اروپایی، آمریکا و نیکو کاران عراقی مقیم اروپا و کشورهای کرانه خلیج فارس به سوی مردم عراق، نگاه مساعد بخش چشم گیری از توده های مردم و

ص: ۱۳۰

طیف میانه رو گروه های معارض مانند حزب الدعوه و اشخاص مستقل مانند دکتر حسین شهرستانی - دانشمند بنام علوم هسته ای عراق که در زمینه کمک های بشر دوستانه در میان توده های مردم عراق و معارضان فردی شناخته شده است - را در درون و بیرون از عراق به خود جلب نماید. از این رو، چنین بستر همواری، زمینه ای است تا اعضای بیت مرحوم آیت الله خویی پس از وی، بتوانند کماکان یکی از مبادی تأثیرگزار بر تحولات جامعه شیعیان باشند.(۱)

از سوی دیگر، برجسته ترین گزینه ای که آمریکا و انگلستان در زمینه کنترل مرکز قدرت شیعیان، طی بیش از یک دهه گذشته با آن به تفاهم و تعامل رسیده بودند، عبدالمجید خویی بود تا اینکه سرانجام با هدایت نیروهای آمریکایی و انگلیسی، خویی در ۳ آوریل ۲۰۰۳ به نجف بازگشت تا قدرت خود را دوباره تحکیم بخشد. با ورود او به نجف، درگیری ها و اختلاف های وی با سید مقتدا صدر آغاز شد.

خوئی، در یک اقدام آشتی جویانه، در آوریل ۲۰۰۳ به دیدار آرامگاه امام علی علیه السّلام در نجف شتافت و این حرکت پاسخی وارونه یافت. همراه وی، گروهی از مردم که مدعی بودند از هواداران صدر هستند، مورد تعرض قرارگرفتند و خوئی در این میان ترور شد. این مسئله به سردی رابطه میان صدر و سیستانی انجامید. اگرچه صدر مدعی شد، تروریست ها پیروان او نبودند، اما وی هرگز از فقدان خویی پریشان نگردید و این عمل را محکوم ننمود.

۱- - "جامعه شناسی جنبش شیعیان عراق"، موسسه ابرار معاصر تهران، انتشارات، به نقل از: www.did.ir . و نیز: حمید احمدی، پیشین. صص ۴۵- ۳۵. و گراهام فولر، و رند رحیم فرانکه، پیشین، ص۲۲۱ .

۳- حوزه آیت الله صدر

در پی درگذشت آیت الله خویی، نوعی شکاف نسلی در میان پیروان این مرجع پدید آمد. شیعیان بزرگ سال به آیت الله سیستانی اقتدا کردند، در حالی که نسل نو، آیت الله محمد صادق صدر، معروف به «صدر ثانی»، را مرجع تقلید خود قرار دادند. سیستانی، همچنان که گذشت، با دخالت در سیاست میانه خوبی نداشت، در حالی که صدر به دیدگاه حکومتی شیعه در ایران پایبند بود و توانست دو میلیون پیرو در میان جمعیت شیعه عراق به ویژه بغداد پیدا کند.(۱)

با آیت الله سید محمد صادق صدر به همراه چند تن از پسرانش به دست نیروهای امنیتی رژیم بعث در سال ۱۹۹۹م، ریاست حوزه صدر را مقتدا صدر، جوانترین فرزند او به عهده گرفت. مقتدا صدر همچنین برادر زاده شهید آیت الله سید محمد باقر صدر است که در آغاز دهه ۸۰ همراه خواهر خود (بنت الهدی) توسط رژیم بعث به شهادت رسید.

صدر جوان، گروه «جماعت الصدر الثانی» را تشکیل داد و در حال حاضر مدعی رهبری حوزه های علمیه شیعه در عراق است. اندکی پس از فروپاشی رژیم صدام، نیروهای مسلح تحت رهبری وی به محاصره منزل و دفتر آیت الله العظمی سیستانی دست زدند و خواستار به رسمیت شناختن مرجعیت صدر جوان از سوی مرجع اعلای شیعیان عراق شدند. هم اکنون، رقابت بر سر رهبری حوزه های علمیه شیعه در عراق میان صدری ها و طرفداران سیستانی و خویی دور می زند. در این میان حوزه خویی، مرجعیت اعلای آیت الله سیستانی را پذیرفته و ادعای خاصی برای ریاست بر حوزه های علمی شیعه ندارد و دیگر پسر آیت الله

۱- - هوان کول، پیشین. ص ۱۰ .

خویی پشتیبان آیت الله سیستانی است و در واقع رقابت اصلی آن با حوزه صدر است، نه حوزه سیستانی.

قدرت عمده صدر به توانایی های مالی و سازمانی وی بر می گردد که از دوران مرجعیت پدر وی به جای مانده است. آیت الله شهید سید محمد صادق صدررحمه الله از مراجعی بود که در دهه ۹۰ میلادی اجازه یافت فعالیت های مذهبی خود را گسترش دهد و به همین دلیل، پس از شهادت وی، تشکیلات و سازمان دهی مناسبی برای مقتدا صدر به جای ماند.

صدر جوان از نخستین کسانی بود که خواستار خروج علمای دینی غیر عراقی، از عراق شد و کوشید یک رویکرد بومی شیعی در عراق ایجاد کند و در شایستگی رهبران مذهبی غیر عراقی تردید داشت. او زمانی آیت الله سیستانی را به خروج از عراق، به دلیل ایرانی بودن تهدید کرده بود. تاکید بر تشیع بومی و عراقی از سوی صدر می تواند در بلند مدت نفوذ ایران را در عراق کاهش داده

و رقیبی جدی برای نفوذ ایران در میان شیعیان لبنان، سوریه، خلیج فارس و حتی شبه قاره هند ایجاد کند.(۱) صدر همچنین، مخالف حکیم بوده و با راهبرد آیت الله سیستانی نیز، سخت مخالفت می کند. اما چون فاقد شرایط لازم مذهبی و تجربه کافی است و تنها نام صدر را با خود دارد، توانایی او در به دست گرفتن رهبری بیشترینه شیعیان بسیار ناچیز است. طرفداران صدر را بیشتر، افراد دارای سطح آموخته های پایین و نیز حاشیه نشینان شهری تشکیل می دهند که فاقد تجربه و آگاهی لازم در برخورد با مسایل سیاسی هستند. مرکز قدرت وی شهرک صدر، در حومه بغداد و برخی مناطق فقیرنشین شیعه است. موضع گیری های پر افت و

۱- - Graham Fuller, op. cit.

خیز صدر در چندین ماه گذشته نیز، جایگاه او را در افکار همگانی عراقی ها و به ویژه شیعیان، بسیار تضعیف کرده است.

مقتدا صدر، پس از اشغال عراق به دست ایالات متحده، و هم پیمانانش در برهه هایی رهبری جریان های شیعی طرفدار مبارزه مسلحانه با آمریکا را در عراق بر عهده گرفت. وی در جهت پیشبرد منافع گروهی خود اقدام به تشکیل یک نیروی شبه نظامی موسوم به «جیش المهدی» نموده که در شهرهای نجف و کربلا با آمریکایی ها درگیر بود. این درگیری ها، سطح محبوبیت وی را نزد توده های فقیر عراقی افزایش داده توجه و منتقدان آمریکا در عراق را نیز تا حدودی به خود جلب کرده است. با این وجود، انتقاداز مقتدا صدر نیز اندک نیست و وی افزون بر اتهام رسمی مشارکت در ترور سید مجید خویی فرزند مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم خویی، متهم به ایجاد شکاف در درون شیعیان از طریق تندروی های سال های گذشته است.

۴. آیت الله سید کاظم حایری

آیت الله سید کاظم حایری یکی از مراجع شناخته شده عراقی و از هم درسی ها و نیز از شاگردان برجسته آیت الله شهید سید محمد باقر صدررحمه الله است. او از سال ۱۹۷۳م در شهر قم سکونت دارد و از روحانیان مورد احترام و از مخالفان آیت الله سیستانی به شمار می رود. بر خلاف عدم حضور او برای سالیان طولانی در عراق، وی همچنان از سوی مقتدا صدر یک راهنما شناخته می شود و حایری نیز به صدر باور و اعتقاد دارد. صدر جوان اعلام کرده بود، تنها در صورتی با حکیم همکاری خواهد کرد، که حکیم اقتدار و مرجعیت دینی حایری را بپذیرد. آیت الله سید کاظم حائری، خواهان حکومتی همانند ایران در عراق

ص: ۱۳۴

است. او گر چه از منتقدان عملکرد ج. ا. ایران در قبال جنبش اسلامی عراق، به ویژه از منظر آسیب شناسی عملکرد مجلس اعلاـ و مشکلات اجتماعی که مهاجرین عراقی مستقر در ایران داشتند، به شمار میرود اما در میان مراجع، علما و کارگزاران ایرانی و نیز عراقی، از جایگاه و وجاهت مثبت و چشم گیری برخوردار است.

مهمترین ویژگی وی، روی کرد مردمی و دوری او از مناقشه های قدرت طلبانه در ساحه اسلامی است. از همین روی، طی دهه های اخیر،همواره پیگیر مسایل و مشکلات توده های محروم عراقی و مسائل دینی آنها بوده است. همچنین، بیت، بنیادهای نیکو کاری و حوزه علمیه زیر نظر او در قم، از رونق خوبی برخوردار است. با توجه به ویژگی های شخصیتی و پیشینه آیت الله سید کاظم حائری احتمالاً در سال های آینده، همچنان از درون ایران، پیگیر مشکلات و مسایل و خواسته های توده های مردم عراق خواهد بود. به طور کلی، سیاست ها و مواضع او در قبال تحولات جاری عراق با ج. ا. ایران هم گرایی بسیاری دارد و در آخرین فتوای خود در مورد جنگ عراق، روحانیان عراقی را به آگاه سازی مردم از نقشه «شیطان بزرگ» فرا خواند.(۱)

ج : لیبرال ها و سکولارها

بسیاری از شیعیان، برپایی یک حکومت سکولار را هدف مهمی برای جوامع شیعی می دانند؛ به ویژه در کشورهایی که آنها در آن جا کمترینه اند. در واقع، از

۱- - "نقش و جایگاه شیعیان در فرایند «دولت سازی» و چشم انداز روند تطور جنبش شیعیان عراق"، پیشین.

آن جا که سکولاریسم در پی جدا سازی قانونی حکومت و دین از یکدیگر است، در بسیاری از کشورهای مسلمان (مانند ترکیه، سوریه و پاکستان)، شیعیان (یا علویان) از بیم تحمیل قانون و ارزشهای مذهبی سنی از سوی بنیاد گرایان سنی، بسیار به سکولاریسم گرایش داشته و غیر مذهبی و چپ گرایند. حتی در کشورهایی که شیعیان بیشترینه اند، بسیاری از آنها از برپایی یک نظام سکولار پشتیبانی می کنند؛ چرا که این نظام تنها ابزاری است که ترس سنیها از پیامدهای دگرگونی و برپایی دموکراسی را کاهش می دهد. در این کشورها، سکولاریسم دست کم می تواند احتمال برپایی یک حکومت اسلامی شیعی را برطرف سازد.

اما مسئله ای بسیار مهم در ارتباط میان شیعیان و سکولاریسم آن است که آیا یک شیعه سکولار را اصولا میتوان شیعه نامید؟ به نظر میرسد پاسخ مثبت باشد، اما چنین فردی یک شیعه با هویت بسیار ضعیف به شمار خواهد رفت. در واقع، سیاست شیعیان یک سیاست مذهبی است و عموما روحانیان، نقش اصلی را در این سیاست ایفا میکنند. معضل شیعیان سکولار نیز درست همین جاست؛ یعنی مذهب است که شیعیان را از دیگر گروه ها جدا می کند و با حذف مذهب، شیعه سکولار نیز هویت مشخصی نخواهد داشت. از این رو، از آنجا که در منطقه خاورمیانه، این دین است که تجلی گاه هم بستگی جامعه شده و همچون نژاد، محور هویت جامعه گشته است؛ به دشواری بتوان آن را از حکومت و سیاست هایش جدا ساخت. برای شیعیان نیز که تنها مذهب آنان را از دیگران جدا می سازد، بسیار دشوار است که در جنبشی مذهبی عمل نکنند.

محوریت مذهب در زندگی سیاسی شیعی، با حضور فراوان روحانیان در پیشاپیش جنبش های سیاسی شیعی و نقش کارسازی که در افزایش خودآگاهی

شیعیان در دهه ۱۹۶۰ داشته اند، اثبات می شود. از این روی، رهبران سکولار شیعه ممکن است بی ریشه به شمار آیند؛ که نه اینانـد و نه آن. این رهبران شیعی سکولار و نوظهور چندان ایدیولوژیک نیستند؛ آنان بیشتر در اندیشه جامعه شیعیاناند تا تشکیل یک حکومت اسلامی. هدف تشیع نیست، بلکه شیعیاناند؛ یعنی بهبود سرنوشت شیعیان به عنوان یک جامعه و افزایش مشارکت آنان در جامعه سیاسی.(۱) افزون بر این، بسیاری از شیعیان غیر اسلام گرا تاکید بر هویت خاص شیعی را هم برای منافع شیعیان و هم برای یکپارچگی اجتماعی عراق زیان بار میدانند. آنان رنجهای شیعیان را جزیی از مشکل ملی می دانند که همه بخش های جامعه را تحت تاثیر قرار داده است و از انحصاری بودن، تمرکز و مطلق گرایی حکومت بر می خیزد. آنان مدافع یک برنامه ملیاند که فرهنگ سیاسی را به سوی مشارکت و تکثر گرایی سوق دهد، و یک نظام مبتنی بر شایسته سالاری و نه مذهب یا قومیت را در کشور مستقر سازد.

از سوی دیگر، شیعیان، گرایش های ایدیولوژیک خود را در مباحث سیاسی نیز وارد میکنند و درباره مفاهیم بنیادینی همچون دموکراسی، حکومت انتخابی، حقوق شهروندی و حکومت بیشترینه تفسیرهای گوناگونی ارایه می دهند.

در این مباحث هیچ اصطلاحی مشکل آفرین تر از دموکراسی نیست و به ویژه اسلام گرایان شیعه بیش از هر اصطلاح دیگری آن را در نوشتار و گفتار خود کانون بحث قرار دادهاند. تعریف دموکراسی از دیدگاه سکولارها و به ویژه چپ گراها و لیبرالها به الگوی اروپایی نزدیک است و مجموعه ای از هنجارهای سیاسی و فرهنگی را در بر میگیرد که بر بیشتر ابعاد زندگی عمومی جامعه حاکم اند.

ص: ۱۳۷

۱- - گراهام فولر، و رند رحیم فرانکه، پیشین، صص ۱۳۴ - ۱۳۳ .

اما اسلام گرایان به اصطلاح دموکراسی روی کردی محتاطانه دارند؛ آنها می کوشند با ارجاع به مفاهیم اسلامی شورا و بیعت (سوگند وفاداری) که در قرآن و دیگر متون اسلامی از آن سخن به میان آمده است، به این مفهوم مشروعیت بخشند. اسلام گرایان با پیوست های غربی دموکراسی، همانند لیبرالیسم که به نظرشان مستلزم اباحه گری سیاسی و اجتماعی است، مخالف اند. آنان معتقدند که دموکراسی نمی تواند در برابر نظام های ایدیولوژیک دیگر، ایدیولوژی سیاسی بدیعی فراهم آورد و در نتیجه، به طور سنتی ترجیح می دهند که به جای سخن گفتن از دموکراسی، از «ساز و کار دموکراتیک» همچون انتخابات، حاکمیت قانون و پاسخگویی صحبت کنند. با این حال، تردید در مورد دموکراسی، میان اسلام گرایان شیعه در حال زوال است و این واژه به صورتی روزافزون، بی قید و شرط به کار می رود.(۱)

در عراق امروز، افرادی چون «ایاد علاوی»، نخست وزیر پیشین عراق و رهبر گروه وفاق وطنی، نمایندگی جریان شیعیان سکولار را به عهده دارند و به نظر می رسید که آمریکا در انتخابات پارلمانی ژانویه ۲۰۰۵، پیروزی گروه علاوی را بر فهرست مورد پشتیبانی مرجعیت ترجیح می داد.

همچنین، سنت نیرومندی از ایدیولوژی های ملی گرا و چپ گرای عربی در عراق وجود دارد که از دهه ۱۹۴۰م تا دهه ۱۹۷۰م شیعیان را مجذوب خود ساخته بودند، و امروزه نیز برخی از شیعیان دارای همان گرایش ها به ویژه گرایش های بعثی هستند و از همین زاویه در معادلات عراق ایفای نقش می کنند. از این گروه می توان به «حازم شعلان» وزیر دفاع پیشین عراق اشاره کرد که در

۱- - همان، ص ۲۱۷ - ۲۱۶ .

زمان مسئولیت خود طرفدار اقدامهای شدید و تند روانه در قبال درگیری های نجف بود و به داشتن دیدگاه های ضد ایرانی نیز مشهور است. در واقع، بعثی هایی چون شعلان، تنها گرایش های طرفداری از صدام را از دست داده اند، ولی گرایش های ضد ایرانی و نیز گرایش های گذشته خود علیه گروه هایی همچون مجلس اعلاـ را حفظ کرده اند. در میان گروه های غیر مذهبی شیعه، چپ گرایان نیز نقش فعالی در تاریخ جنبش های سیاسی شیعه داشته اند. در واقع، بیشتر اعضای حزب کمونیست عراق ازشیعیان بودند. چپ گرایان شیعه، تکیه بر مذهب به عنوان عامل یکپارچگی را نمی پذیرند، و در عوض سرکوب شدن را عاملی برای یکپارچگی شیعیان می دانند. چپ گراها، بیشتر درباره بنیاد مذهبی تبعیض ها تردید دارند و این تبعیض ها را به نیاز برای حفظ منافع طبقاتی و برتری سیاسی (گروه حاکم) نسبت می دهند.

از سوی دیگر، تحصیل بسیاری از شیعیان در غرب و اقامت طولانی آنان در اروپا و ایالات متحده، پیدایش جماعتی از شیعیان لیبرال را پدید آورده است که از اندیشه سیاسی غرب الهام می گیرند. آنان خواستار یک عراق یکپارچه، مردمسالار، طرفدار غرب و جذب در نظام جهانی سرمایه داری هستند. کنگره ملی عراق (المو تمر الوطنی العراقی) عمده ترین نماینده سیاسی این جریان به شمار میآید که «احمد چلبی» ریاست و رهبری آن را به عهده دارد. کنگره ملی عراق در اصل توسط جناحهای کرد سنی و شیعه عراق درسال ۱۹۹۲م به وجود آمد. گر چه در آغاز کردها پیشرو تشکیل این کنگره بودند، اما عناصر گوناگون لیبرال عراقی در آن حضور دارند. بعدها نیروهای کرد و شیعیان از این گروه عقب نشینی کردند و احمد چلبی، چهره لیبرال شیعه عراق، کنگره را بیش از پیش به دنیای غرب و به

ویژه ایالات متحده نزدیک کرد. این گروه پس از فتح شهر ناصریه، پایگاه های خود را به جنوب عراق منتقل ساخت و از پشتیبانی نیروهای ائتلاف برخوردار بود.(۱)

فرجام

هنگـامی که زمان ایفای نقش سیاسـی صـدام و حزب بعث در عراق پایان یافت، گروه های شـیعی از تحرک سیاسـی و انگیزه مشارکتی چشم گیری برای ایفای نقش سیاسـی در آینـده عراق برخوردار شدنـد. آنان تلاش می کننـد نهادهای سیاسـی عراق شکـل گیرد و رونـد رقابتهـای درون ساختـاری،و مـاهیت دموکراتیک پیـدا کنـد. به همین دلیل است که شـیعیان عراقی، نقش سازنـده و همکـاری جویانهـای را برای ایجـاد ثبات در عراق فراروی خود قرار دادهانـد. عراق در آینـده ای نزدیک، نهادهای سیاسی خود را با توجه به شرایط بحرانی، سازمان دهی خواهد کرد.

در این بـاره شـیعیان در سـنجش بـا دیگر گروه هـای عراق، مزیت نسبی دارنـد. از یـک سو، بیشترینه جمعیت عراق را شـیعیان تشـکیل میدهند و از سوی دیگر، آنان بر ثباتگرایی سیاسی در عراق تأکید می کنند و آن را به عنوان بستری برای بیشینه سازی مشارکت خود در نهادهای قـدرت میدانند. به هر میزان که ثبات سیاسـی و تعادل سازمان یافته در عراق ایجاد شود، زمینه برای «مطلوبیت سیاسـی» گروه هـای شـیعی بیشـتر فراهم می شود. درحـالی که بحران سیاسـی عراق، بسـتری برای کـاهش مطلوبیت نیروهای شیعه عراقی خواهد بود. مطلوبیت های راهبردی

ص: ۱۴۰

۱- – حمید احمدی، پیشین. صص ۴۵– ۳۵.

گروه های شیعه ایجاب می کند که شرایط همکاری نیروهای سیاسی عراق در قالب ساختار مردم سالار فراهم شود. از اینرو، آنان بر شکل بندیهای مردم سالار تأکید دارند و آن را به منزله گامی قانونی برای مشروعیت سازی در آینده سیاسی عراق می دانند. برای آن که گروه های بیشترینه بتوانند جایگاه و مطلوبیت سیاسی مورد نظر خود را ایجاد کنند، نیاز بسیاری به نهادینه سازی قواعد بازی مردم سالار در عراق دارند. به هر اندازه قاعده بازی دموکراتیک در عراق اعمال شود، شیعیان نقش مؤثر تری در فرایندهای تحول عراق ایفا خواهند کرد. در این شرایط، شاهد شکل گیری وضع طبیعی در روند رقابت گروه های سیاسی در عراق خواهیم بود.

ص: ۱۴۱

گفتار دوم : شیعیان عراق در قدرت

اشاره

«آینده عراق در گرو مسئله شیعه است.»

«ژان پییر شوونمان»

پس از رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و رویکرد نوین ایالات متحده به خاورمیانه و در پی آن حمله به عراق و سرنگونی حکومت صدام در ۹ آوریل ۲۰۰۳، شیعیان عراق با نقطه عطفی در تاریخ خود رو به رو شدند؛ فرصتی که در تاریخ ۱۴ صده ای این مردمان کمتر به چشم می خورد. برای بررسی این موضوع، به چهار عامل کلیدی در این گزار قدرت می پردازیم:

الف – اجرای «طرح خاورمیانه بزرگ» از سوی ایالات متحده

اشاره

حمله به عراق و اشغال این کشور توسط ایالات متحده که در راستای جنگ با تروریسم و پیاده سازی «طرح خاورمیانه بزرگ»(۱) روی داد، در واقع مهمترین عامل بیرونی تحولات ناگهانی عراق و به قدرت رسیدن شیعیان در آن کشور به شمار میآید. در اهمیت طرح خاورمیانه بزرگ باید گفت که این طرح پس از

ص: ۱۴۳

۱- -The Greater Middle East

نزدیک به ۱۵ سال از پایان جنگ سرد و سردرگمی در سیاست خاورمیانه ای ایالات متحده، به این سیاست جهت بخشید و به برنامه سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه تبدیل شد. این برنامه، بر پایه گسترش مردم سالاری، حقوق بشر و آزادی های بنیادی پی ریزی شده است و در صدد پیاده سازی این ارزش ها از راه های مسالمت آمیز یا غیر مسالمت آمیز در منطقه است.

در واقع، ایالات متحده با پی گیری این طرح خواهان خشکاندن ریشه های تروریسم و گروه های بنیاد گرا - در راستای حفظ امنیت ملی خود - در خاورمیانه است که به زعم آنها ریشه در نظام های خودکامه و تمامیت خواه در کشورهای منطقه دارد.

البته نمی توان این واقعیت را نادیده گرفت که این سیاست، بی گمان در راستای حفظ منافع پایدار و همیشگی ایالات متحده در منطقه یعنی امنیت جریان نفت به جهان صنعتی و امنیت اسراییل به عنوان مهمترین متحد این کشور در منطقه است. در واقع، ایالات متحده زمانی (دوران جنگ سرد) حفظ منافع منطقه ای و جهانی خود را در پشتیبانی بی چون و چرا از رژیم های اقتدار گرا و خودکامه خاورمیانه می دید؛ و اکنون، (با رفع خطر سهمگین کمونیسم) حفظ این منافع را در گسترش مردم سالاری و حقوق بشر در جهان و به ویژه منطقه راهبردی خاورمیانه میداند.

با این حال، رخدادها و تحولات سال ۲۰۰۱ در افغانستان و ۲۰۰۳ در عراق نشان داد که سیاستها و اعمال ایالات متحده - در راستای حفظ منافع خود - در منطقه، لزوما در مغایرت با منافع و خواسته های ملت های منطقه نیست. به باور گراهام فولر و خانم فرانکه، «منافع واقعی آمریکا در دراز مدت، در صورتی بهتر

تـامین می شود که در راسـتای منـافع و رفاه مردم منطقه خاورمیانه باشـد؛ و متاسـفانه اکنون، این مردم از جنبه رفاهی در سـطح پایینی قرار دارند.»(۱)

از این رو، اگر نظامهـای خودکـامه منطقه، عربهـای سـنی و تنـدروهای اسـلامی، به ویژه وهابیـان را از بازنـدگان بزرگ «طرح خاورمیانه بزرگ» بـدانیم، شـیعیان، به ویژه شـیعیان عرب، از پیروزان و برندگان بزرگ این رویکرد ایالات متحده در منطقه به شمار می روند.

در حقیقت، ایجاد فضای باز سیاسی و اجتماعی و تحقق دموکراسـی، هـدف مشترک همه شـیعیان در منطقه است. در جوامعی که شـیعیان بیشترینه آنها را تشکیل می دهند، دموکراسی هدف آشکاری برای شیعیان است که به طور مستقیم جایگاه آنان را به گونه ای بهبود می بخشد که در نظام خودکامه سـنی دست نیافتنی است. با این حال، دموکراسی در این کشورها به تغییرات ژرفی در نظام سیاسـی میانجامد که احتمالا به انحصار قدرت سـنیان پایان میدهد. از این روی، دموکراسـی نه به عنوان ارزشـی مطلق، بلکه جزیی از «برنامه شیعیان» و ابزاری برای دستیابی آنها به قدرت به شمار میرود.(۲)

۱- پیشینه و بایستگی طرح خاورمیانه بزرگ

از نگـاه تـاریخی، گـام های نخستین پروژه خاورمیانه بزرگ در سال های واپسـین دهه هفتاد برداشـته شـد. این طرح با کلیه بر حقوق بشر در سراسر اروپا به ویژه بلوک شرق و بر پایه الگوی «فرایند هلسینکی» پس از سال ۱۹۷۵ تدوین شد. که

۱- - گراهام فولر، و رند رحیم فرانکه، پیشین، ص ۲۸ .

۲- - همان. ص ۱۲۰ - ۱۱۸ .

بر حقوق بشر در سراسر اروپا به ویژه بلوک شرق تکیه داشت. از این رو، برخی صاحب نظران با توجه به مفاد ضمنی طرح، آن را هلسینکی خاورمیانه می خوانند.

«پیمان هلسینکی» در سال ۱۹۷۵، پل ارتباط غرب و کشورهای کمونیستی اروپایی شد که طبق آن اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای عضو پیمان ورشو به رعایت حقوق بشر و توسعه سطح زندگی در کشورهایشان متعهد می شدند. پس از پایان جنگ سرد، کشورهای بلوک کمونیست، تحولات درونی گسترده ای را تجربه کردند و به نظام های دموکراتیک روی آوردند. همچنین، با پایان گرفتن رقابت های دوران جنگ سرد، هیچ الزامی وجود نداشت که ایالات متحده آمریکا از رژیم های اقتدار گرای ضد کمونیستی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین پشتیبانی کند. از این رو، روی آوردن به فرایند دموکراتیک شدن یا دموکراتیزاسیون در خاورمیانه به یک روند اجتناب ناپذیرتبدیل شد.(۱)

از سوی دیگر، پس از ظهور گروههای بنیاد گرای اسلامی و افزایش موج خشونت و تروریسم، آمریکایی ها مشکل منطقه خاورمیانه را در ساختارهای متمرکز قدرت و رژیمهای خودکامه ای تشخیص دادند که کمترینه ای برگزیده از نخبگان خاندانی را در نهایت رفاه و اسراف و در جایگاه تاراج همه ثروت های ملی، بدون مانع و بدون بازخواست قرار داده و در مقابل بیشترینه جمعیت ندار و تهیدست که با حسرت تجمل پرستی کمترینه برگزیده را نظاره گر است و قادر به انجام کاری نیست. نتیجه این وضعیت، همگانی شدن نارضایتی در جهان اسلام

۱- - گفت و گو با دکتر محمد حسین حافظیان، "دموکراسی در عراق و خاورمیانه"، ایران دیپلماتیک، به نقل از: www.did.ir . و نیز: نفیسه کوهنورد، "هلسینکی خاورمیانه"، روزنامه همشهری، به نقل از: www.did.ir .

و عرب است که تمدن غرب به رهبری آمریکا را مقصر واقعی این وضعیت می داند.

برای رویارویی با این اندیشه و پیامدهای خطرناک آن، ایالات متحده، برنامه و راهبردی را با نام «طرح خاورمیانه بزرگ» برای هماهنگ سازی سیاستهای خود در منطقه تدوین کرد. واژه خاورمیانه بزرگ را نخستین بار بیل کلینتون، رئیس جمهور سابق ایالات متحده (۲۰۰۰ – ۱۹۹۲)، در یکی از سخنرانی هایش در سال ۱۹۹۵ عنوان کرد. اما جمهوری خواهان به رهبری جرج دبلیو بوش،رئیس جمهور ایالات متحده (۲۰۰۸ – ۲۰۰۰)، به پیاده سازی و اجرای آن به عنوان راهبرد ایالات متحده در منطقه پرداختند.

جرج دبلیو بوش، در نوامبر ۲۰۰۳، با اعلام این مطلب که مردم خاورمیانه باید رهبرانی مردم سالار و دارای احساس مسئولیت داشته باشند، این راهبرد نوین پیشبرد آزادی در خاورمیانه را اعلام کرد.(۱) وی همچنین در سخنرانی دیگری در بنیاد اینتر پرایز آمریکا در فوریه ۲۰۰۳، برای نخستین بار روشن ساخت که تئوری «دومینوی دموکراتیک»(۲)،

سیاست رسمی دولت او است. وی میگوید:

«جهان در گسترش ارزش های مردم سالارانه منافع روشنی دارد، ملت های آزاد و با ثبات، ایدیولوژیهای کشتار و مرگبار نمی پرورانند ..... حکومت نوین عراق الگو و نمونهای بر جسته و الهام بخش از آزادی برای دیگر ملت های منطقه خواهد بود».(۳)

ص: ۱۴۷

۱- – سارا جوادی فتح، "سوداهای ایالات متحده در طرح خاورمیانه بزرگ"، مجله راهبرد، شماره ۳۵، بهار ۱۳۸۴، صص ۳۹-۲۵.

۲- –Democratic Domino

۳- –Liam Anderson and Gareth Stansfield, op. cit, p. ۱۸۶ . See also: www.guardian.com.uk/usa

«دیک چنی»، دستیار رییس جمهور ایالات متحده، نیز در نشست داووس درباره محتوای این می گوید: «استراتژی آیندهنگر ایالات متحده برای ایجاد آزادی، ما را متعهد

میکند تا از کسانی که برای اصلاحات در سراسر خاورمیانه بزرگ تلاش و فداکاری می کنند، پشتیبانی کنیم. ما در اینجا از دوستان و متحدان دمکراتیک خود به ویژه اروپا دعوت می کنیم تا در این راه ما را یاری کنند.» وی در ادامه افزود: «وظایفی که متوجه ماست، وظایفی است که تا مدتها در آینده با آن رو به رو خواهیم بود. و کام یابی ما به برآوردن این سه مسئولیت اساسی بستگی دارد. نخست، باید با ایدیولوژی های خشونت در سرچشمه و از راه ترویج دموکراسی در سراسر خاورمیانه بزرگ و فراتر از آن برخورد کنیم. دوم، باید با هم با این خطرات مقابله کنیم. همکاری میان دولتهای ما و نهادهای بینالمللی مؤثر امروز اهمیت بیشتری از آن چه در گذشته داشتند، دارند. سوم، وقتی دیپلماسی شکست می خورد، باید آماده باشیم با مسئولیت هایمان رو بهرو شویم و در صورت لزوم مایل به استفاده از زور باشیم. تهدیدهای مستقیم نیازمند اقدام قاطع است.»(۱)

«دلسی»، رییس پیشین سازمان جاسوسی آمریکا درباره این طرح می گوید: «ایالات متحده پس از حمله به عراق به سراغ کشورهای مصر و عربستان خواهد رفت. اکنون زمان آن فرا رسیده است که ایالات متحده اشتباه های خود را در قبال

ص: ۱۴۸

۱- - "سخنرانی دیک چنی در مجمع جهانی اقتصاد: دموکراسی در خاورمیانه بزرگ"، ترجمه وحید رضا نعیمی، همشهری دیپلماتیک، فروردین ۱۳۸۳، شماره ۱۰ . و نیز: پل راجرز، "طرح خاورمیانه بزرگ؛ از تصور تا واقعیت"، ترجمه مصطفی خادمیان، همشهری دیپلماتیک، فروردین ۱۳۸۳، شماره ۱۰ .

کشورهـای عربی اصـلاح کنـد و بایـد در چـارچوب نـابودی رژیمهـای عربی گـام بردارد و به سـبب نیاز به نفت، در برابر این رژیمها سـکوت نکنـد. وی افزود: ایالات متحـده تصـمیم دارد از تجربه اروپای خاوری در خاورمیانه بهره ببرد و اگر جنگی بر علیه عراق به راه انداخت، ربطی به موضوع سـلاحهای کشـتار جمعی این کشور ندارد بلکه به خاطر گسترش مردم سالاری در جهان عرب و اسلام خواهد بود».(۱)

ژنرال کـاولین پـاول وزیر خـارجه (پیشـین) ایالاـت متحـده نیز در دسامبر ۲۰۰۲ بـا اعلاـم طرح آمریکـا گفت: «نبود فرصـتهای اقتصـادی که به مرز ناامیـدی و یـأس رسـیده است و نوع نظامهای اقتصادی مجموعه خطرناکی را به وجود آورده است و مردم در خاورمیانه به صدای سیاسی قوی نیاز دارند و آزادی در خاورمیانه و در هر منطقه دیگری از جهان رشد نمیکند تا زمانی که از دموکراسی و مردمسالاری پشتیبانی نشود و رئیس جمهور بوش به همه ملت های جهان در این باره هشدار داده است.»

وی افزود: «هر کشـوری کـه در خاورمیـانه عقب بمانـد آینـده ای نخواهـد داشت و زمـان آن فرا رسـیده است تـا امیـدها برای پیشـرفت به وجود آید و ایالات متحده می خواهد در کنار ملت های خاورمیانه بایسـتد تا آنان به سوی صلح و ساخت زندگی بهتر برای کودکان خود حرکت کننـد. من امروز برای خدمت به این هدف ابتکار و طرحی را اعلام می کنم که ایالات متحده را به طور جـدی در کنار اصـلاحات و آینده جدید برای خاورمیانه قرار می دهد. همکاری با بخش های عمومی، خصوصـی و تشویق آنان به سرمایه گزاری و اصلاحات اقتصادی، پر

۱- - خبرگزاری فرانسه، ۲۸ آبان ۱۳۸۱ .

کردن شکاف های موجود در راه آزادیها و گسترش مشارکت های سیاسی و پشتیبانی از نقش زنان در جامعه از جمله محورهای این طرح است.»(۱)

البته، در روند تدوین و اجرای این طرح، برخی نیز دشواری و پیچیدگی دموکراسی سازی در خاورمیانه را یادآور شدهاند. به باور ریچارد مورفی (کارشناس خاورمیانه و عضو ارشد کاخ سفید) بحث دموکراسی در خاورمیانه بحثی دشوار، پیچیده، حساس و مهم است که وی از آن با عنوان «معمای دموکراسی» یاد میکند. (احتمال پیروزی اسلامگرایان در دموکراسی و انتخابات مورد پشتیبانی آمریکا و مغایرت با منافع این کشور).(۲)

۲- هدف ها و راه کارهای طرح خاورمیانه بزرگ

«طرح خاورمیانه بزرگ» که توسط کارشناسان سازمانهای پژوهشی ایالات متحده تدوین و مورد تایید دولت آن کشور قرار گرفته، در برگیرنده بعدها و هدف های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در قبال کشورهای خاورمیانه به ویژه کشورهای عربی این منطقه است. پشتیبانی از نهادینه شدن اصول دموکراسی، روی کار آمدن حکومت های برگزیده مردمی، بسترسازی برای گسترش دانش و فن آوری در جوامع خاورمیانه و ایجاد فرصت های مناسب اقتصادی که منافع دراز مدت این کشورها را تامین کند، بخشی از اقدام های هشت کشور صنعتی جهان

ص: ۱۵۰

۱- - "سخنرانی کالین پاول وزیر امور خارجه (پیشین) ایالات متحده در بنیاد هریتج در دسامبر ۲۰۰۲ و اعلام طرح خاورمیانه بزرگ"، همشهری دیپلماتیک، فروردین ۱۳۸۳، شماره ۱۰ .

۲- - احمد فراهانی، "عراق؛ گام نخست در کریدور خاورمیانه بزرگ"، مجله راهبرد، شماره سی و پنجم، بهار ۱۳۸۴، صص ۱۰۴ - ۸۲ .

در این حوزه مهم و حیاتی از جهان را تشکیل می دهد.(۱) به باور ایالات متحده، هسته اصلی خاورمیانه بزرگ این فرضیه کانت است که دولت های دموکراتیک با یکدیگر نمی جنگند. بنابراین آمریکا به دنبال ایجاد دموکراسی در منطقه خاورمیانه است تا با ایجاد آن به اهداف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز دست یابد.

کاولین پاول، وزیر امور خارجه (پیشین) ایالات متحده در سال ۲۰۰۴ طی سخنانی به تشریح طرح خاورمیانه بزرگ و اهداف این طرح پرداخت. وی می گوید:

«در این پروژه، کشورهای عربی به دموکراسی، ایجاد حکومتهای مردمی، اصلاحات آموزشی، توسعه و فرصتهای شغلی، توصیه می شوند. بنابراین کاخ سفید برای تقویت دموکراسی و حکومت قانونی، راهکارهایی را برای رسیدن به این سه هدف؛ ایجاد دموکراسی، تاسیس جامع های فرهیخته و توسعه فرصت های اقتصادی برگزیده است.»(۲) به طور کلی، اهداف طرح خاورمیانه بزرگ و راهکارهای دست یابی به این اهداف که از سوی ایالات متحده و گروه ۸ در نظر گرفته شده است، بدین شرح است:

۱- ترغیب به دموکراسی و حکومت های شایسته؛

راهکارها: طرح انتخابات آزاد، کمک حقوقی به مردمان عادی، طرح رسانه های مستقل، جامعه مدنی؛

۲- ساخت جامع های فرهیخته؛

ص: ۱۵۱

۱- - "متن کامل طرح خاورمیانه بزرگ"، خبرگزاری ایران (ایرنا)، ۱۵ اسفند ۱۳۸۲ .

۲- - سارا جوادی فتح، پیشین، صص ۳۹- ۲۵ .

راهکارها: طرح آموزش های اساسی (با تاکید بر آموزش زنان و دختران)، طرح آموزشی از طریق اینترنت، طرح آموزش رشته مدیریت؛

توسعه فرصت های اقتصادی؛

راهکارها: طرح سرمایه گزاری برای رشد، طرح بازرگانی آزاد، پیوستن به سازمان بازرگانی جهانی و اجرای برنامه هایی برای آسان سازی بازرگانی، مناطق آزاد بازرگانی، مناطق مدیریتی، ایجاد تریبون فرصت های

اقتصادی در خاورمیانه بزرگ.(۱)

۳- عراق، مدخل طرح خاورمیانه بزرگ

ایالات متحده، عراق را کریدور تحقق طرح خاورمیانه بزرگ میداند. این کشور خواهان نظم جدید سیاسی در خاورمیانه است و برای تحقق این هدف، جنگ بر ضد عراق یک ضرورت بوده است؛ زیرا جایگاه راهبردی عراق برای آمریکا بی همتا است. همه نومحافظه کاران بر عراق به عنوان نخستین و مهمترین گام تاکید داشتند. به زعم آنها هر کس بغداد را کنترل نماید، خاورمیانه را در اختیار خواهد داشت. عراق متشکل از جمعیت جوان و دانش آموخته است و ظرفیت مالی مناسبی برای تبدیل شدن به الگوی مورد نظر آمریکا در خاورمیانه را دارد. این کشور ۲۵ میلیون نفری، توانایی تولید هفت میلیون بشکه نفت در روز و سومین ذخایر نفتی تایید شده جهانی را در اختیار دارد. از این رو، از این جایگاه راهبردی برخوردار است که آمریکا را در خاورمیانه به جایگاهی برساند که این

۱- - "متن کامل طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا"، روزنامه الحیات، به نقل از: روزنامه شرق، ویژه نامه نوروز ۱۳۸۳ . و نیز: سارا جوادی فتح، پیشین، صص ۳۹- ۲۵ .

کشور امروزه در اروپا از آن برخوردار است. جرج بوش، رییس جمهور ایالات متحده در مارس ۲۰۰۳، اعلام کرد: وقتی دیکتاتور عراق سرنگون شود، عراقی ها می توانند سرمشق سراسر منطقه خاورمیانه شوند.(۱)

از سویی، کامیابی در عراق سرآغازی برای بخشیدن نظم نوینی به کل منطقه خاورمیانه خواهد بود. البته این کامیابی به معنای حاکمیت ثبات و حکومتی دموکراتیک در این کشور است و نه حکومتی اشغالگر در رویارویی با خواست مردم آمریکا به دنبال آن است که در آینده، عراق را به یک نمونه پیروز سرمایه داری تبدیل کند. با توجه به اینکه تغییرات در عراق به آنجا محدود نمی شود، بنابراین ایجاد مردم سالاری در آن مانند یک بازی دومینو به دیگر نقاط خاورمیانه سرایت میکند. به زعم نومحافظه کاران آمریکا، سیاست جدید ایالات متحده، پیشبرد راهبرد آزادی در خاورمیانه است و ایجاد یک عراق آزاد در قلب خاورمیانه، تحولی گسترده در انقلاب جهانی برای مردم سالاری خواهد بود. الگویی که برای عراق طراحی شده است، الگوی آلمان پس از جنگ جهانی دوم است.

جرج دبلیو بوش در سخنرانی سالیانه خود در کنگره آمریکا، از پیروزی در جنگ عراق در قالب موفقیتی برای پیشبرد دموکراسی در خاورمیانه یاد کرد و برقراری دموکراسی در خاورمیانه را یکی از اهداف و سیاستهای اصلی خود دانست. وی در این سخنرانی از قصد خود برای حمایت از روند لیبراسیون آمریکایی و ایجاد فضای باز سیاسی در این منطقه خبر داد.(۲)

۱- - مجله ابزرواتور، چاپ فرانسه، ۲۳ فوریه ۲۰۰۳ . به نقل از: احمد فراهانی، پیشین،

۲- - احمد فراهانی، "عراق؛ گام نخست در کریدور خاورمیانه بزرگ"، پیشین، صص ۱۰۴ - ۸۲ .

«کاندولیزا رایس»، وزیر خارجه ایالات متحده، نیز در این زمینه معتقد است: «زمانی که دولت جنایتکار صدام حسین با رژیمی در عراق جایگزین شود که دادگر، انسانی و بر پایه بنیادهای دموکراتیک است، فرصتهای بیشتری در دسترس خواهد بود؛ همان گونه که آلمان مردم سالار به صورت محوری برای اروپای نوین در آمد که امروز کامل، آزاد و در صلح است. بنابراین یک عراق تحول یافته می تواند عنصری کلیدی در خاورمیانه باشد که در آن ایدیولوژی های نفرت زا رشد نمیکند.» یک عراق باثبات و مردم سالار می تواند الگویی برای تغییرات دموکراتیک در کل خاورمیانه باشد.(۱)

ب- بافت جمعیتی عراق

اشاره

حاکمان عرب سنی عراق همواره سعی داشتند که نقش رهبری خود در حکومت را بدون توجه به ساختار جمعیتی ایفا نمایند. در این راستا حاکمان عراق حکومت خود را بر پایهها و راهبردهای زیر استوار ساختنده:

۱- بهره وری گسترده از اجبار و زور برای سرکوب گروههای مخالف؛

۲- اعمال مجازات های شدید بر افراد وگروه هایی که خواهان مشارکت سیاسی گسترده بودند؛

۳- گسترش اختلاف ها و شکاف ها میان گروه های مختلف قومی و فرقه ای؛ ۴- توسل به ایدیولوژی ها و اندیشه های پان عربیستی برای کسب پشتیبانی جهان عرب و سرکوب مخالفان به بهانه تحرکات ضد ملی؛ و

۱- - حسین دهشیار، "خاورمیانه جدید"، روزنامه همشهری، ۱۸ خرداد ۱۳۸۲ . و نیز: حسین امیر عبداللهیان، همشهری دیپلماتیک، شهریور ۱۳۸۴، شماره ۶۳ . ص ۶ .

۵- استفاده از درآمدهای عمومی دولت مانند درآمدهای نفتی برای تطمیع و اقناع دیگر گروه های جمعیتی کشور. به طور کلی، به نظر می رسد که ویژگی های یاد شده که مشخصات اصلی حکومت در عراق پیش از سرنگونی صدام را نشان می دهند ناشی از تلاش حاکمان این کشور برای نادیده گرفتن سیستم جمعیتی و فرار از مقتضیات آن بوده است.

از کل جمعیت ۲۶ میلیونی عراق، ٪۷۱ عرب، ٪۱۹ کرد، ٪۲ ترکمن و بقیه دیگر اقوام را تشکیل میدهند. بر پایه بررسیها، از نظر مذهبی، نیمه جنوبی عراق از بغداد به پایین دارای بیشترینه شیعه و نیمه شمالی سنی مذهب که شامل عرب ها در بخش باختری و کردها در بخش خاوری هستند و با این ترکیب بر پایه آمارهای ارائه شده، شیعیان ٪۱/۵۴ و سنیها ٪ ۲/۳۹ از جمعیت عراق و مابقی را دیگر کمترینه های مذهبی مانند: مسیحیان، یهودیان، یزیدی، شبک و صائبین تشکیل می دهند. بنابراین با فرض مذکور که درستی آن نیز در انتخابات تأیید گردید، شیعیان

بیشترینه مطلق را در عراق، در دست دارند.»(۱)

۱- شیعیان

شیعیان، بزرگترین گروه جمعتی عراق را تشکیل می دهند. از جمعیت

ص: ۱۵۵

۱- - کارل کیسین، و دیگران، "جنگ آمریکا و عراق، هزینه ها، پیامدها و گزینه های موجود"، گروه مترجمان مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، چاپ اول، تهران: انتشارات موسسه تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۷۰ . و همچنین: جویس. ان، ویلی، "نهضت اسلامی شیعیان عراق"، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳، صص ۲۲ - ۲۱. و محمد ناصر ربانی، "فدرالیسم در عراق تهدید یا فرصت"، همشهری دیپلماتیک، شهریور ماه ۱۳۸۴، شماره ۶۳ . ص ۸ .

۲۶.۳۴۲.۰۰۰ نفری عراق، ۱۳.۶۸۱.۰۰۰ تن عرب شیعه؛ ۵۴۸.۰۰۰ تن کرد شیعه (فیلی) و ۹۰۰.۰۰۰ تن ترکمان شیعه هستند. از سوی دیگر، ۵.۸۴۰.۰۰۰ عرب سنی؛ ۳.۷۱۰.۰۰۰ کرد سنی و ۸۳۱.۰۰۰ ترکمان سنی در این کشور زندگی می کنند.(۱)

باور فب مار معتقد است «شیعیان امروزه بزرگترین گروه مذهبی عراق هستند و بیشترینه جمعیت عراق را تشکیل میدهند. از اروند رود (شط العرب) در جنوب کشور گرفته تا رودخانه سیروان (دیاله) و زمینهای کانال کشی شده میان حبانیه و بغداد در شمال، یعنی پرجمعیتترین بخش کشور را – جز چند نقطه سنی نشین محصور در شهرها –

شیعیان تشکیل میدهند. در صده بیستم، کوچ شیعیان در جنوب، شمار آنها را در شمال به ویژه در بغداد افزایش داده است.»(۲)

آنان، بیشترینه جمعیتی را در بخش های جنوبی و مرکزی کشور در استان ها و شهرهایی مانند: بصره، عماره، ذیقار، سماوه، قادسیه، کربلا، واسط، نجف، دیاله، بابل و شهرهای مذهبی چون، کاظمین و سامرا را تشکیل می دهند. همچنین، یک سوم از جمعیت دو میلیون نفری ترکمانها و نیز بخشی از کردهای عراق با نام «کردهای فیلی» شیعه هستند.(۳) این گروه جمعیتی که تا پیش از آوریل ۲۰۰۳ در بازی قدرت این کشور جایگاهی نداشت، پس از آن به بازیگر کلیدی و سازنده

۱- - حسین رویوران، "شیعیان و مهندسی جمعیتی عراق"، همشهری دیپلماتیک، دی ماه ۱۳۸۳، شماره ۳۴. ص ۴.

۲- - فب مار، "تاریخ نوین عراق"، برگردان محمد عباس پور، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی،۱۳۸۰، ص ۲۸ – ۲۶.

۳- - "جامعه شناسی جنبش شیعیان عراق"، پیشین،

بـازی قـدرت در عراق تبـدیل شـد و بـا توجه به بیشـترینه ۶۰ درصـدی، پیروزی آنان در فراینـدهای دموکراتیک آینـده بسـیار محتمل است.

۲- سنی ها

به بـاور فواد عجمی، «عرب هـای سـنی، بیشـینه (حـداکثر) ۲۰ درصـد و کمینه (حـداقل) ۱۳ درصـد جمعیت عراق را تشـکیل میدهند.» (۱)

آنها بر خلاف کمترینه بودن، به واسـطه پیوسـتگی شان با جمعیت عربهای سنی غالب در خاورمیانه و نیز نقش برجسته آنها در تاریخ کشور عراق، همواره از موضع برتری برخوردار بوده اند.

حزب بعث، بـا توجه به داشـتن پایگـاه قوی در میـان قبیلههای سـنی، نسـبت به صـلاحیت های ملی گرایانه و عربی خود اغراق ورزیده و در گذشـته، با کوشش فراوان، خط مشی جا به جایی هر چه بیشتر سنیها را به درون عراق دنبال کرده است. بنابراین، تشویق برای اتحـاد بـا دیگر عربهـا، یعنی از کویت تا سوریه، در واقع تلاشـی در جهت حفظ قـدرت جمعیتی عربهای سـنی در عراق بوده است. عربهای سنی، در سه استان (انبار، صلاح الدین، موصل) – مثلث سنی بیشترینه اند. آنها در شهرها و شهرستان های کوچک کنار رودهای دجله و فرات زنـدگی می کنند و دارای پیوندهای قومی و قبیله ای محکمی هسـتند، و از تعصـبات مذهبی و ملی شدیدی برخوردارند به طوری که بر هویت سـنی و ملیت عرب خود تأکید دارند. در چند سال گذشـته، تبلیغات بنیاد گرایانه آیین سنی نیز به این تعصبات افزوده شده است

۱- - "گفت و گو بـا فواد عجمی؛ مـدیر مطالعـات خاورمیـانه دانشـگاه جـان هـاپکینز"، نیویورک تایمز، به نقل از: همشـهری دیپلماتیک، بهمن ماه ۱۳۸۳، شماره ۴۰ . ص ۱۴ .

سنی ها از گروه های گوناگون تشکیل شده اند, بسیاری از آنان، افرادی فرهیخته هستند که بیشتر در بغداد و موصل زندگی می کنند و حتی برخی از آنان در بصره هستند که با شیعه ها ازدواج کرده اند و بیش از آن که خود را سنی معرفی کنند، عراقی می دانند. تغییر حکومت باعث نارضایتی سنیها شده و همین امر گرایش به باز پس گرفتن قدرت را در آنان پدید آورده است.

بازماندگان رژیم صدام و احتمالاـ اعضای ارتش و سازمان اطلاعاتی او، برخی از اعضای حزب بعث و افراد محلی که در دولت او خدمت می کردند و از مزایایی برخوردار بودند، اکنون اعضای گروههای مسلح را تشکیل می دهند.(۱)

اگر عربهای سنی قادر به هضم این واقعیت تلخ نباشند که سرانجام پس از ۸۰ سال تکیه زدن بر مصدر قدرت مجبورند به حاکمیت بیشترینه (که بیش از ۸۰ درصد جمعیت عراق را تشکیل می دهند) گردن نهند، در آن صورت بخت بسیار کمی برای آنها باقی خواهد ماند. آنها با پایداری خود عملاً شانس شرکت در انتخابات و شکل دهی آینده عراق را از دست می دهند.

۳- بافت جمعیتی بغداد

از سه استان (ولایت) عثمانی که به هم پیوستند و کشور عراق را پدید آوردند، استان موصل (بالایی) کردنشین، استان بغداد (میانی) عرب سنی نشین و استان بصره (پایینی) عرب شیعه نشین بودند. از آنجایی که شهر بغداد هم از دید تاریخی و پیشینه، هم از دید جغرافیایی، ژیوپلتیک وژیواستراتژیک و هم از دید جمعیتی از برتری بسیاری در برابر موصل، بصره و یا هر شهر دیگر این کشور

۱- - "گفت و گو با خانم فب مار؛ عضو شورای روابط خارجی آمریکا"، www.did.ir .

نوبنیاد برخوردار بود، از همان آغاز در میان همه گروه ها و نخبگان عراقی - چه شیعه و سنی و چه کرد و عرب - به عنوان گزینه نخست پایتختی مطرح شد.

اما نکته ای که در این میان خواسته یا ناخواسته بر پیچیدگی این کشور نوبنیاد افزود و در راستای خواستههای کمترینه عرب سنی این کشور قرار گرفت، تفاوت بافت جمعیتی پایتخت با بافت جمعیتی سراسر کشور بود. با وجودی که استان بصره (عرب شیعه نشین) بیشترینه جمعیت کشور را در خود داشت و در واقع شیعیان با ۵۵ تا ۶۰ درصد بیشترینه جمعیت کشور بودند، پایتخت و حومه آن به عنوان مرکز استان بغداد (عرب سنی نشین) از گذشته های دور (دوره خلافت چندین صدهای عباسیان سنی مذهب در بغداد) دارای جمعیت عرب سنی بومی بوده است. این مسئله همراه با عوامل دیگر در برتری یافتن عرب های سنی در کشور و حکومت نوپای عراق نقش به سزا و کلیدی داشت.

اما با برپایی حکومت پادشاهی و به ویژه در دوره جمهوری عراق و گسترش و پیشرفت صنعتی، کشاورزی، خدماتی و رفاهی بخش میانی کشور (سنی نشین) به ویژه پایتخت و حومه آن، مهاجرت و جا به جایی جمعیت از چهار سوی کشور- به ویژه جنوب شیعه نشین – به سوی بغداد و شهرکهای اطراف آن آغاز شد و به زودی افزایش چشم گیری یافت. این پدیده (جا به جایی جمعیت)، چهره و بافت دینی وتا اندازهای نژادی بخش میانی کشور به ویژه پایتخت و حومه آن را در پایان صده بیستم در سنجش با آغاز این صده، بسیار دگرگون ساخت؛ به گونه ای که عربهای سنی را در چند بخش و برزن پایتخت و اطراف آن محدود ساخت و این واقعیتی است که پذیرش آن برای عربهای سنی چه در این کشور و چه در جهان عرب - بسیار دشوار است. در واقع، عرب ها، بغداد را

ص: ۱۵۹

نماد عربیت می دانند و چون عربیت را با سنی بودن یکی تعریف می کنند، لذا هیچ تمایلی ندارند که واقعیت موجود در آن را بپذیرند. واقعیت این است که ترکیب جمعیتی بغداد هیچ تفاوتی با نسبت شیعیان در کل کشور ندارد و بیشترینه بالای ساکنان آن شهر را شیعیان تشکیل میدهند.

از آغاز دهه ۱۹۰۰، بازرگانان شیعه حرکتی را به سوی بغداد در شمال و بصره در جنوب آغاز کردند و پس از جنگ جهانی دوم این مهاجرت ها شتاب بیشتری یافت؛ زیرا در این زمان شهرهای بزرگ به دلیل بهره مندی از زیرساختهای اقتصادی و تمرکز روز افزون حکومت، فرصت های بهتری برای کار فراهم میکردند. دهقانان شیعه نیز دسته دسته از روستاها به بغداد رفتند و در حومه فقیر نشین آن گرد آمدند. این حرکت شیعیان به درون بغداد، جمعیت پایتخت را به سود آنها تغییر داده است. به این ترتیب، در پی این مهاجرتها، شیعیان بی تردید بیشترینه جمعیت بغداد را در پایان دهه ۱۹۷۰ تشکیل میدادند. و چنین به نظر می رسد که اکنون در بغداد و در راستای کناره چپ دجله به سوی شمال تا برخوردگاه دجله با رود عظیم(۱)،

شیعیان بیشترینه باشند. اینان همچنین بر بصره، دومین شهر بزرگ عراق، چیره گشته اند. در سال ۱۹۶۵ پنج شهر از هفت شهر میان پایه با جمعیتی میان پنجاه تا سد هزار تن، شیعه بودند.(۲)

از دید آمار نیز، هم اکنون، از جمعیت ۶.۳۸۶.۰۰۰ نفری استان بغداد،

ص: ۱۶۰

۱- -Uzaim

۲- - R. I. Lawless, “Iraq: Changing Population Patterns,” London: University of London Press,۱۹۷۲, p.۱۰۳ . See also: Liam Anderson and Gareth Stansfield, op. cit, p. ۲۴۲ . گراهام فولر، و رند رحیم فرانکه، پیشین، صص ۱۹۲ – ۱۹۱ .

۳.۸۲۲.۰۰۰ عرب شیعه؛ ۲۵۲.۰۰۰ کرد شیعه (فیلی)؛ ۲۴۳.۰۰۰ ترکمان شیعه و تنها ۱.۴۰۰.۰۰۰ عرب سنی هستند.(۱) بسیاری از این شیعیان، از زمان قاسم در شهرک الثوره (بعدها شهرک صدام و اکنون شهرک صدر)، در خاور بغداد در فقر زندگی میکردند. این شهرک، در سال ۱۹۸۰، نزدیک به یک چهارم جمعیت بغداد را در خود جای میداد. این شهرک که بسیار بزرگ است، جمعیتی یک پارچه شیعه دارد. در دهه ۱۹۹۰، جمعیت این شهرک به حدود دو میلیون نفر رسید که ۱۰ درصد جمعیت کشور بود.(۲) این

واقعیت جمعیتی در انتخابات سه گانه سال ۲۰۰۵ عراق نوین، در پایتخت و حومه آن به روشنی خود را نشان داد؛ به گونه ای که، در استان بغداد که شیعیان چهار پنجم جمعیت آن را تشکیل می دهند، میزان شرکت در انتخابات بیش از انتظار بود. در بخش خاوری بغداد با نام «رصافه»، میزان مشارکت ۶۵ درصد و در بخش باختری آن با نام «کرخ»، میزان مشارکت ۹۵ درصد بوده است.

۴- عراق نوین، بافت جمعیتی و فرایندهای انتخاباتی

آغاز دوران نوین در عراق و توجه فزاینده به فرآیندهای انتخاباتی برای نظم و سامان بخشی به گستره عمومی و ساختار سیاسی در این کشور حاکی از پایان دوره نادیده انگاری مؤلفه های عمده سیستم جمعیتی و نتایج آن برای سیستم سیاسی است. برگزاری انتخابات در عراق و پذیرش پیامدهای آن در آینده، بیانگر

۱- - حسین رویوران، پیشین. ص ۴ .

۲- -Hanna Batatu, “Iraq’s Underground Shi’a Movements: Characteristics, Causes, and Prospects”, Middle East Journal, ۱۹۸۱, No ۳۵ ; See also: R. I. Lawless, op. cit, p.۱۲۱ ئو.

هوان کول، پیشین. ص ۱۰ .

پذیرش تأثیرات و تبعات سیستم جمعیتی برای سیستم سیاسی خواهد بود. از اینرو شکل و روند منازعات سیاسی- اجتماعی و تحولات تاریخی این کشور را به طور وسیعی دگرگون خواهد ساخت.

از لحاظ عددی، شمار شیعیان نزدیک به ۱۴ میلیون تن بوده که بیشترینه (۶۰ درصد) جمعیت عراق هستند؛ از این رو، استقرار یک دموکراسی نمایندگی واقعی در عراق به پیدایش یک دولت زیر سلطه شیعه خواهد انجامید. از دید بیشترینه شیعیان که با برنامه های ایالات متحده برای آینده عراق موافق هستند، پیاده سازی و اجرای دموکراسی، حکومت چندین صده ای سنی ها را سرنگون خواهند کرد و دقیقا حکومتی زیر سلطه شیعیان ایجاد خواهد کرد.

البته، با این فرض که شیعیان در یک جبهه رای گیری یکپارچه در هر انتخاب دموکراتیکی ظاهر شوند.(۱)

روزنامه «واشنگتن پست» در این زمینه مینویسد: «شیعیان در عراق دارای بیشترینه جمعیت هستند و لاجرم خود را پیروز هر انتخاباتی که به شیوه دموکراتیک در کشورشان برگزار شود، میدانند. کردها نیز خواهان حفظ یکپارچگی خود در قالب حکومت خودمختار فعلی هستند، بدون آنکه عملاً از تهدیدهای احتمالی عرب های سنی برای بازستاندن قدرت هراسی داشته باشند. جنگ امروزی ما در عراق در واقع به نمایندگی از شیعیان و کردها علیه عربهای سنی صورت می گیرد. همه ما می دانیم که برگزاری انتخابات در عراق به نفع شیعیان خواهد بود و اینکه برگزاری انتخابات جز به یک جا به جایی تاریخی قدرت به شیعیان (و تا حدی کردها) نخواهد انجامید. ما باید بر همگان آشکار

۱- - Liam Anderson and Gareth Stansfield, op. cit, pp. ۱۱۷ , ۲۳۶ .

سازیم که ما آنجا هستیم تا از برپایی حکومت جدید پشتیبانی کنیم.»(۱)

در این میان، افزون بر عربهای شیعه، رفتار انتخاباتی ترکمانهای شیعه وکردهای شیعه (پهله ای= فیلی) نیز فرانژادی و بیشتر مذهبی است و بیشتر در گروه شیعیان قرار دارند تا گروه نژادی خود. کردهای فیلی بیشترینه جمعیت شهرهای مرزی عراق با ایران از قصر شیرین تا دزفول را تشکیل داده و در انتخابات ژانویه ۲۰۰۵ متحد مجلس اعلا- به رهبری عبدالعزیز حکیم بودند.(۲) در واقع، از نتایج انتخابات میتوان نتیجه گرفت که کردهای فیلی شیعه و ترکمانهای شیعه در رفتار سیاسی خود همانند شیعیان عرب رفتار می کنند و معیارهای قومی، بر رفتار آنها تاثیر چندانی ندارد.

ج- قانون اساسی نوین عراق

۱- انتخابات و همه پرسی در عراق نوین

پس از سرنگونی رژیم بعث در ۹ آوریل ۲۰۰۳ (۲ فروردین ۱۳۸۲) روندی از فرایندهای مردم سالارانه همچون انتخابات پارلمانی و همه پرسی قانون اساسی برای واگزاری حکومت به مردم عراق و پایه ریزی یک عراق مردم سالار در عراق اشغالی آغاز شد. این فرایندها در راستای اجرای بندهای ۳ و ۴ قطع نامه ۵۴۶ شورای امنیت سازمان ملل درباره انتقال قدرت و جدول زمانی گزار سیاسی عراق

ص: ۱۶۳

۱- - چارلز کراتامر، "شیعیان پیروز انتخابات عراق"، واشنگتن پست، به نقل از: www.did.ir.

۲- - صبری انوشه، "ائتلاف های سیاسی پس از انتخابات"، همشهری دیپلماتیک، دی ماه ۱۳۸۴، شماره ۷۹. ص ۱۲.

به مرحله دموکراتیک و پشتیبانی از آن انجام شد.

نخستین انتخابات پارلمانی عراق نوین برای گزینش ۲۷۵ نماینده مجمع ملی موقت(۱)

با هدف تدوین قانون اساسی، تعیین بودجه و انتخاب دولت انتقالی دوم در ۳۰ ژانویه ۲۰۰۵ (۱۱ بهمن ۱۳۸۳) برگزار شد. در این انتخابات - با توجه به تحریم آن از سوی عربهای سنی - شیعیان در چارچوب «هم پیمانی عراق یکپارچه»(۲)

به رهبری سید عبد العزیز حکیم، بیشترینه را در پارلمان به دست آوردند و با همکاری «هم پیمانی کردها»، ابراهیم جعفری – رهبر حزب الدعوه از هم پیمانی عراق یکپارچه – را به رهبری دولت انتقالی دوم برگزیدند و به تدوین قانون اساسی همیشگی عراق پرداختند.

همه پرسی قانون اساسی عراق در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۵ (۲۳ مهر ۱۳۸۴) برگزار شد و مردم این کشور با ۷۸ درصد رأی آری و ۲۱ درصد رأی خیر آن را تأیید کردند. همان گونه که پیش بینی می شد، حضور شیعیان و کردها در همه پرسی پررنگ بود و این دو گروه به بسیاری از خواسته ها و آرزوهای تاریخی و پایمال شده خود در متن این قانون رسیدند. برگزاری این همه پرسی در شرایط نسبتاً مسالمت آمیز صورت گرفت و مشارکت مردم در آن حتی در نواحی سنی نشین که برخی گروه ها خواستار تحریم انتخابات بودند، گسترده بود و به تأیید جامعه بین المللی نیز رسیده است و تأیید قانون اساسی راه را برای انتخابات پارلمانی جدید در ۱۵ دسامبر ۲۰۰۵ هموار کرد.

دومین انتخابات پارلمانی عراق نوین برای گزینش ۲۷۵ نماینده پارلمان عراق

ص: ۱۶۴

۱- -The Transitional National Assembly

۲- -The United Iraqi Alliance

(دائم- ۵ ساله) با هـدف انتخاب نخستین دولت دائم (۵ ساله) عراق نوین در ۱۵ دسامبر ۲۰۰۵ (۲۴ آذر ۱۳۸۴) برگزار شد. در این انتخابـات بـا توجه به شـرکت عربهـای سـنی، رای کمـتری در سـنجش بـا نخسـتین انتخابـات پارلمـانی به شـیعیان و کردها اختصـاص یـافت. بـا این وجود، واقعیت هـای جمعیتی بـار دیگر شـیعیان در چـارچوب «هم پیمـانی عراق یکپـارچه» به رهبری عبدالعزیز حکیم، در انتخابات (۱۲۸ نماینده) پیروز شدند. این هم پیمانی با همکاری «هم بسـتگی کردسـتان» به رهبری مسعود بـارزانی و جلال طالبانی (۵۳ نماینـده)، نوری (جواد) مـالکی – از حزب الـدعوه در هم پیمـانی عراق یکپـارچه – را به عنوان نخسـت وزیر دائـم ۵ سـال آینـده عراق برگزیدنـد. بـا اعلام نتایـج دومیـن انتخابـات پارلمـانی در عراق برای تشـکیل مجلس نماینـدگان منتخب این کشور، مرحله انتقالی حکومت این کشور پایان یافت و مرحله جدیدی در حیات سیاسـی عراق امروز با نام رسمی «جمهوری پارلمانی دموکراتیک و فدرال عراق، به پایتختی بغداد» آغاز شد.

در کـابینه نوری مـالکی همچون کـابینه ابراهیم جعفری، بیشتر وزیران و وزارتخانهـا در دست شـیعیان است و تـاثیر این امر بر بهبود جایگاه شـیعیان و پیشـرفت و گسترش بخش ها و اسـتان های شـیعه نشـین را نمیتوان نادیده گرفت. از این رو، با توجه به رونـد مردم سالارانه و رخدادهای سال ۲۰۰۵، این سال را بایـد نقطه عطفی در تاریـخ شـیعیان – و البته کردهای- کشور عراق دانست.

۲– قانون اساسی نوین عراق

نسخه نهایی قانون اساسی عراق که در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۵ به همه پرسـی گذاشته شد و به تایید مردم عراق رسید، تصریح می کند که حکومت عراق، حکومتی جمهوری، فدرال، دموکراتیک و کثرتگرا و دین رسمی آن اسلام است به طوری

ص: ۱۶۵

که آزادی مـذهب و آزادی برگزاری آیین های مذهبی به رسـمیت شـناخته می شود. همچنین در این قانون، زبان های عربی و کردی به عنوان زبان های رسـمی عراق تعیین شدهانـد. به اسـتناد این قانون، قوه مجریه فدرال عراق از رییس جمهور و شورای وزیران تشـکیل شده است. این قانون تأکید می کند قوه مجریه حق ندارد قانونی را در تضاد با اصول دموکراتیک وضع نماید. این قـانون از ۱ مقدمه، ۶ فصل و ۱۳۳ ماده تشکیل شـده است. در مقـدمه این قانون برپایی عدالت برای احقاق حقوق انسانی مردم عراق به دور از ترس و تبعیض و نیز حفـظ آزادی هـای سیاسـی مردم و گسـترش روح برادری بر پـایه اصـول شـهروندی مورد تاکیـد قرار گرفته است. این مقـدمه به خوبی آرمانهای مردم عراق را نمایان می سازد که حـدود چنـد صده است به طور گسترده پایمال شده است.

فصل یکم قانون اساسی به اصول اساسـی میپردازد و در نخستین ماده آن، کشور عراق را «جمهوری عراق» اعلام می کنـد. در زیر همین مـاده نظـام سیاسـی در عراق جمهوری، دمکراتیک و فـدرال اعلام شـده است. در دومین ماده فصل یکم اسـلام دین رسـمی دولت و منبع اصلی قانونگذاری اعلام شده است که هیچ قانون وضعی نباید در تعارض با اسلام تصویب شود. در ماده چهـاردهم آمـده است که نیروهـای مسـلح عراق شامـل ارتش و نیروهـای نظـامی و امنیتی بخشـی از جـامعه عراق است و تـابع حاکمیت مدنی و برگزیده مردم است و در مسایل سیاسی حق دخالت ندارند.

این اصـل می کوشـد شـرایط نوین مردم سالاـر را در عراق نهـادینه سـازد و به دوره حاکمیت کودتاگران نظامی و حزبی برای همیشه پایان دهد.

فصل دوم به حقوق اساسی و آزادی های همگانی می پردازد و در نخستین

ماده آن آمده است که مردم عراق در مقابل قانون برابر هستند و جنسیت، نژاد، قومیت، رنگ و مذهب و اعتقاد هیچ گونه برتری به وجود نمی آورد و هرگونه تبعیض میان مردم خلاف قانون است. پشتیبانی و پاسداری از آزادی ها و کرامت انسانی، آزادی رای، آزادی سخن و حق مردم در اعتراض و تظاهرات مسالمتآمیز و تشکیل انجمنها و نهادهای مدنی و آزادی عبادت مورد تاکید دیگر بندهای این فصل است.

فصل سوم به موسسات حکومتی و فدرال میپردازد. در نخستین ماده این فصل آمده است: حاکمیت در عراق از سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه بر پایه استقلال و تکامل تشکیل شده است. قوه مقننه از مجلس ملی و نیز مجلسهای شهری و استانی تشکیل میشود و نمایندگان مجلس ملی به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر یک نماینده به طور مستقیم از سوی مردم به مدت چهار سال انتخاب خواهند شد. این فصل بیانگر نظام پارلمانی حکومت عراق است و اختیارات بسیاری به این مجلس واگزار شده است.

درباره قوه مجریه در فصل پنجم آمده است: هیات دولت از رییسجمهور و نخستوزیر و وزیران تشکیل می شود و آنها همگی از سوی مجلس ملی با رای بیشترینه انتخاب می شوند. مدت دوره ریاست جمهوری و دو دستیار وی ۵ سال است و اختیارات آن محدود به بخشش برخی از محکومان و امضای معاهده ها پس از تصویب مجلس ملی و انتخاب نخست وزیر از فراکسیون بیشترینه و یا هم پیمانی بیشترینه پارلمانی است. نخست وزیر نیز به مدت ۵ سال انتخاب خواهد شد که مهم ترین وظیفه نخست وزیر و کابینه اعلام برنامه اجرایی خود به مجلس و اجرایی کردن آن پس از کسب موافقت پارلمان، صدور قانون در ابعاد اجرایی و

تقـدیم لایحه ها به مجلس و تعیین مسـئولان بلنـد پایه پس از کسب موافقت پارلمان از اختیارات نخست وزیر است. فرماندهی نیروهای مسلح نیز بر عهده نخست وزیر است و سرویس های امنیتی تحت امر وی فعالیت می کنند.(۱)

۳- ویژگیهای قانون اساسی

قانون اساسـی نوین عراق دارای ویژگی هایی است که آن را از نمونه های پیشین برجسته و جدا می کند. این ویژگی ها که به این قانون اساسـی در سـنجش با قانون های اساسـی کشورهای خاورمیانه و حتی جهان اسلام، چهره ای پیشتاز و مردم سالارانه بخشیده به شرح ذیل است:

- شـناسایی اصـول تفکیـک، اسـتقلال و نظـارت قـوای سـهگانه مجریـه، مقننـه و قضـائیه بر یکـدیگر بـه منظـور جلـوگیری از اقتدارگرایی؛

- شناسایی نظام «جمهوری پارلمانی دمکراتیک و فدرال» به عنوان نظام حکومتی عراق؛

- تأکید بر وحدت ملی، یکپارچگی و تمامیت ارضی عراق؛

- به رسمیت شناختن وجود قومیت ها، ادیان و مذاهب گوناگون در ترکیب ملت عراق؛

- تصریح به این که ملت عرب عراق، بخشی از امت عربی است؛

- تأکید بر ممنوعیت فعالیت تشکل های مبتنی بر نژادپرستی، تکفیری، پاکسازی طایفه ای و به ویژه تشکیلات بعثی؛

- تصریح بر آزادی انجام شعایر دینی و فرهنگی عتبات مقدسه و اماکن

۱- - "قانون اساسی آینه آرزوها و آرمان های مردم عراق"، همشهری دیپلماتیک، شهریورماه ۱۳۸۴، شماره ۶۳ . ص ۴ .

مذهبی عراق وتأکید بر لزوم حفظ حرمت آنان؛

- تصریح بر آزادی انجام شعایر دینی پیروان مذاهب و ادیان گوناگون؛

- عدم مداخله ارتش و سازمان های امنیتی در امور سیاسی و روند انتقال قدرت درکشور؛

- تأکید بر پایبندی عراق به اصولی چون حسن هم جواری، عدم دخالت در امور داخلی دیگران، تعهدات بین المللی و... .

۴. جایگاه شیعیان درقانون اساسی نوین

شیعیان، پس از کسب مشروعیت سیاسی و تبدیل شدن به بازیگر اصلی در صحنه عراق هیچ گاه حاضر به بازگشت به وضعیت گذشته خویش نیستند و از آنجا که بخش اعظم عراق را در اختیار خویش دارند با توجه به پافشاری کردها برای تأسیس کشور مستقل به مرکزیت کرکوک و رسیدن به خودمختاری کامل و کردستان آزاد، سعی دارند با قبول نظام فدرالی در عراق، جایگاه خویش را تثبیت کنند و از این رو، تشکیل حکومت بر پایه انتخابات دموکراتیک را بهترین گزینه برای حضور گسترده شیعیان در دولت های آینده میدانند؛ زیرا انتخابات آزاد و دمکراتیک، به دلیل بیشترینه بودن شیعیان، قدرت را از آن شیعیان خواهد کرد.

از آنجا که قانون اساسی عراق متضمن حقوق و مزایایی برای شیعیان به عنوان بیشترینه جمعیت کشور بوده و در ساختار سیاسی کشور، مقام والا ـ و موثری را برای آنها قایل شده است، گروه های شیعی شامل مجلس اعلا، سازمان بدر، حزب الدعوه، کنگره ملی عراق، حزب

فضیلت و جنبش وفاق ملی (گروه علاوی) بر مشارکت در همه پرسی و دادن رأی مثبت اتفاق نظر داشتند. در این میان تنها گروه مقتدی صدر موضع مشخصی اتخاذ نکرده و هواداران خود را برای

دادن رأی مثبت یا منفی مختار گذاشت.

قانون اساسی نوین عراق، بازتابنده واقعیتهای اجتماعی- سیاسی کشوری مانند عراق است. با توجه به پشتیبانی رای دهندگان از حزبهایی با گرایش های کم و بیش مذهبی در انتخابات سه گانه سال ۲۰۰۵، گرایش های سنتی و مذهبی شیعیان نیز بازتابهای لازم را در متن این قانون یافته و زمینه را برای ایفای برخی نقشهای اجتماعی توسط روحانیان شیعه در کشور فراهم آورده است. قانون اساسی، نظر شیعیان مبنی بر قاعده یک نفر یک رای برای اداره کشور را تثبیت می کند. این تفکر، در صورتی که ادامه یابد و در جریان اصلاح قانون اساسی تغییر نکند، می تواند منشا یک روند دمکراتیک شود که در آن گروه های مختلف اعم از مذهبی و لائیک باید کشور را از راه های دمکراتیک اداره کرده و پاسخگوی یکدیگر و مردم باشند.

طبق قانون اساسی نوین عراق، نظام سیاسی این کشور حکومت پارلمانی است و بیشترین اختیارات در پارلمان جمع شده است؛ هر گروهی که در پارلمان دارای بیشترینه باشد، سمت نخست وزیری را به عنوان رییس دولت و قدرتمندترین مسئول اجرایی کشور بر عهده خواهد گرفت. با تشکیل پارلمان دایم وبرگزاری نخستین نشست، نخست باید یک رییس پارلمان انتخاب شود که به احتمال بسیار یک عرب سنی نزدیک به شیعیان خواهد بود، و نایب رییس های پارلمان و سپس رییس جمهور و دو دستیار وی برگزیده می شوند که به احتمال بسیار رییس جمهور فردی کرد خواهد بود.

پس از تعیین رییس جمهور، نخست وزیر از سوی وی تعیین می شود که این فرد باید پشتیبانی بیشترینه پارلمان را در اختیار داشته باشد و به همین دلیل وی

نیز فردی شیعه خواهد بود. پس از تعیین نخست وزیر، وی باید از پارلمان رأی اعتماد بگیرد. وی اعضای کابینه خود را به پارلمان معرفی میکند که آنها نیز باید رأی بیشترینه مطلق اعضای پارلمان را برای تأیید از آن خود کنند. کردها چون می دانستند که شیعیان به دلیل برتری جمعیتی همیشه از شانس بیشتری برای بر عهده گرفتن سمت نخست وزیری برخوردار هستند، در جریان تدوین قانون اساسی تلاش کردند تا اختیارات رییس جمهور را افزایش دهند ولی در عمل این امر امکان پذیر نشد و رییس جمهور در نظام کنونی عراق نقشی کم رنگ دارد. با توجه به نتایج انتخابات و ساختار اجتماعی خاص این کشور که آن را میان شیعیان، کردها و عرب های سنی تقسیم کرده است و نیز با توجه به اختلاف های سیاسی و مذهبی جوامع سه گانه مذکور، به طور حتم هیچ جناحی در عراق به تنهایی قادر به تشکیل دولت نیرومند غیرائتلافی نخواهد بود.(۱)

۵- عربهای سنی و قانون اساسی نوین

روند تدوین قانون اساسی عراق حقایق ژرفی را درباره وضعیت کنونی سیاست و جامعه عراق آشکار کرد. نخست این که سیاست عراق با مفاهیم قومی مذهبی آمیخته شده است و عراقیها وقایع را بر پایه همین خطوط تفسیر و معنی میکنند. روند تدوین قانون اساسی مانند انتخابات ۳۰ ژانویه ۲۰۰۵ این قطبی شدن را تشدید کرد؛ چرا که گروههای گوناگون به دنبال حداکثر رساندن امتیازات سیاسی خود بودند. از نظر سنی ها سه خط قرمز اساسی در این قانون اساسی نقض شده است؛ ساختار فدرال عراق، حزب بعث و هویت ملی.

ص: ۱۷۱

۱- - احمد فراهانی، "شیعیان و انتخابات پارلمانی عراق؛ گام سوم در فرایند توسعه سیاسی"، www.did.ir.

این گروه های سنی بیشتر حول محور هیأت علمای مسلمین عراق و حزب اسلامی عراق بوده و با توجه به این که با تدوین و تأیید عمومی قانون اساسی پس از ۸۰ سال حاکمیت سنی را از دست رفته میدیدند، مردم را به شرکت در همه پرسی و دادن رأی منفی به آن دعوت میکردند. انگیزه آنها از این موضع این بود که قانون اساسی را به خاطر اعتراف به نظام فدرالی باعث تجزیه کشور میدانند. از دیدگاه آنان، در قانون اساسی، دولت مرکزی قدرتمندی پیشبینی نشده و ایجاد نظام فدرال در شمال (برای کردها) و جنوب کشور(برای شیعیان) کلیه منابع طبیعی یعنی نفت عراق را در حکومت منطقه ای آنها قرار داده و برای سنیها ریگ زارهای بدون منابع طبیعی را باقی میگزارد. از این رو، این گروه ها رأی مثبت خود به قانون اساسی را منوط به تعدیل این قانون کرده بودند.

عربهای سنی عراق به طور کلی ۵ محور اساسی را به عنوان بنیاد مخالفتشان با پیشنویس قانون اساسی اعلام کردند و ضمن رد آنها، خواستار تصحیح این ۵ محور زیر شدند:

۱- فدرالیسم؛ ۲- نحوه پاکسازی حزب بعث؛

۳- ممنوعیت فعالیت حزب بعث؛

۴- اشکال بر مقدمه پیشنویس؛

۵- هویت عراق.»

- در مورد فدرالیسم، آنها ضمن موافقت با فدرالیسم کردها به صراحت با فدرالیسم برای شیعیان مخالفت کردند.

- نحوه پاکسازی حزب بعث را ظالمانه و سبب ایجاد بحران در آینده دانستند و بر تبدیل هیات پاکسازی به هیات قضایی و سپردن امور به دستگاه قضایی اصرار دارند.

- درباره ممنوعیت فعالیت حزب بعث مشکلی ندارند اما نیازی به اشاره به آن در قانون اساسی نمی بینند.

- در پیشنویس قانون اساسی نیز نسبت به عدم تاکید لازم بر هویت عربی و اسلامی عراق اشکال وارد کرده و آن را دارای ابهام می دانند.(۱)

از سوی دیگر، در میان کشورهای عرب سنی همسایه عراق، نوعی نگرانی از تضعیف نقش سنیها در ساختار سیاسی عراق و به حاشیه رانده شدن آنها وجود دارد. موضع این کشورها بیشتر همدلی با سنی ها بوده است و حتی به زعم خود نسبت به تقویت نقش شیعیان و تاثیرات منطقهای آن نیز حساسیت ویژه ای دارند. از این رو، از دیدگاه این کشورها، حقوق و مزایای سنی های عراق باید در قانون اساسی به رسمیت شناخته شود. همچنین، به موازات مخالفت رهبران عرب سنی با متن پیشنهادی قانون اساسی عراق، دبیر کل اتحادیه عرب نیز نسبت به تدوین این قانون ابراز نگرانی کرد.

«عمرموسی» در آگوست ۲۰۰۵ در مصاحبه با شبکه خبری بی بی سی، بخشهایی از این قانون را «دستورالعملی برای ایجاد هرج و مرج در عراق» توصیف کرد و تصریح کرد اتحادیه عرب از این که قانون اساسی پیشنهادی بر هویت عربی عراق تأکید لازم را ندارد نگران است و آن را نشانه امتیاز دهی به کمترینه های های غیر عرب این کشور می داند.(۲)

ص: ۱۷۳

۱- - محمد ناصر ربانی، پیشین، ص ۸ . و نیز: "گزارش گروه بحران بین المللی درباره قانون اساسی عراق"، برگردان نیلوفر قدیری، همشهری دیپلماتیک، مهرماه ۱۳۸۴، شماره ۶۹ . صص ۱۳ — ۱۲ .

۲- - مصطفی خادمیان، "شمارش معکوس"، همشهری دیپلماتیک، شهریورماه ۱۳۸۴، شماره ۶۳ . ص ۱۵ .

د– نقش رهبری مرجعیت شیعه

اشاره

«شیعه»، آیینی است که- اگر نگوییم از آغاز، دست کم از چند صده گذشته به این سو - با نهاد مرجعیت درآمیخته است؛ به گونه ای که اکنون مرجعیت از آن جدا ناشدنی است. این نهاد گاهی با حکومت در میآمیخت و گاهی در برابر آن میایستاد. در هر حال در جوامع شیعه، این نهاد در رهبری تودهها و هدایت اندیشه ها، نیروی معنوی و مشروعیت بسیاری دارد.

مرجعیت، یکی از عناصر بنیادین هویت شیعه است؛ یعنی نهادی است که در مسایل فقهی درباره کارهای دینی، روابط اجتماعی و خدا شناسی، به آن رجوع می کنند. این نهاد ویژه شیعیان دوازده امامی، به ویژه نیاز به توضیح دارد است، و به اصل امامت یا رهبری مسلمانان باز میگردد. هر شیعه انجام دهنده وظیفه، کم و بیش در همه زمینههای زندگی خود، باید از دستورهای یک یا چند مجتهد پیروی کند. افزون بر این، مجتهدان، به سبب عدالت، ساده زیستی و زهد شخصی شان، دارای ارج و سرمشق شیعیان با ایمانانند. بالاترین طبقه مجتهدان، یعنی مراجع، از دید دارایی، منابع چشم گیری (خمس، زکات و وقف) در دست دارند. از سوی دیگر، مراجع، به منزله نماینده یا جانشین امام، اهمیت سیاسی نیز دارند. آنها به دلیل تخصص و عدالتشان، به هنگام غیبت امام، شایستهترین افراد برای حکومت بر امتاند. از این روی، مراجع به عنوان بالاترین قدرت در جوامع شیعی، حتی هنگامی که قدرت را در اختیار نداشته اند، نفوذ سیاسی چشمگیری داشتهاند و شیعیان انجام دهنده وظیفه، در موضوع های سیاسی همچون ناسازگاری با حکومت، جهاد، تشکیل گروه های سیاسی و مسایل سیاسی دیگر، به آنان مراجعه می کرده اند.(۱)

ص: ۱۷۴

۱- – گراهام فولر، و رند رحیم فرانکه، پیشین، صص ۴۸- ۴۶ .

۱- مرجعیت شیعه در عراق کنونی

جامعه شیعیان عراق طیفهای مذهبی گسترده ای را در خود جای داده است؛ برخی از آنان سکولار، برخی محافظه کار و برخی دیگر میانه رو هستند؛ اما همگی آنها به دین و مراجع دینی خود ارج می نهند، و این احترام، از زمان سرنگونی رژیم بعث به این سو به روشنی در میان آنان دیده می شود. با وجود آنکه علمای مختلفی در عراق از سوی پیروان مذهبی خود به عنوان مرجع تقلید محل رجوع هستند و یا در سطح مرجعیت از آنان نام برده می شود، اما سطح تمامی آنان از نظر معروفیت و تأثیرگذاری بر معادلات سنتی عراق یکسان نیست. در رأس مراجع عراق، آیت الله «سید علی سیستانی» قرار دارد که بیش از ۷۰ سال دارد و تقریبا «اعلم» به شمار می روند.

پس از آیت الله سیستانی، سه مرجع ذی نفوذ دیگر نجف عبارتند از: آیت الله «سید محمد سعید حکیم»، آیت الله «بشیر نجفی» و آیت الله «اسحاق فیاض.»

از دیگر مراجع مهم عراق می توان به آیت الله «سید کاظم حائری» اشاره کرد که به طور سنتی در قم اقامت دارد و از وی به عنوان مرجع پیروان مقتدی صدر یاد می شود، ولی وی حاضر به تأیید رسمی یا مخالفت علنی با اقدام های مقتدی صدر نشده است. در کربلا نیز افرادی چون خاندان مدرسی، به ویژه آیت الله «سید محمد تقی مدرسی»، در سطح مرجعیت نام برده می شوند که نفوذی جدی در معادلات کربلا دارند و به واسطه اتصال به خاندان آیت الله العظمی «سید محمد شیرازی» نفوذی مضاعف یافته اند. فهرست هم پیمانی عراق یکپارچه با هدایت مراجع یاد شده به ویژه آیت الله سسیتانی تهیه شده است و گروه آیت الله مدرسی نیز از آن پشتیبانی می کنند.(۱)

۱- - مراد ویسی، پیشین، و نیز: "طلوع آفتاب شیعه"، اقتصاد ایران، به نقل از: www.did.ir .

نقش و اثرگزاری مرجعیت به ویژه آیت الله سیستانی در رخدادها و تحولات عراق نوین از همان آغاز نمایان شد و به عاملی تعیین کننده تبدیل شد. این ایفای نقش در روند انتخابات و تدوین قانون اساسی بسیار برجسته بود. برای نمونه، در نوامبر ۲۰۰۳، «پل برمر»، حاکم آمریکایی عراق، اعلام کرد که در خصوص «انتخابات غیر مستقیم»(۱) در عراق به توافق رسیده است. اما این طرح با مخالفت آیت الله سیستانی رو به رو شد و او اعلام کرد که انتخابات باید با رای مستقیم مردم صورت بگیرد، ضمن آن که طرح جدید برمر نیز همچنان هویت اسلامی دولت عراق را نادیده گرفته است.

آیت الله سیستانی در نوامبر ۲۰۰۳ با صدور فتوایی، صلاحیت تعیین اعضای شورای تدوین قانونی اساسی عراق توسط آمریکا را رد کرد. این فتوا در پاسخ به یک استفتا از سوی برخی مردم عراق درباره طرح آمریکا برای تدوین قانون اساسی عراق صادر شد. وی در این فتوا افزوده است: «هیچ ضمانتی وجود ندارد که شورای منتخب آمریکا قانونی تدوین کند که با منافع عالی ملت عراق همخوانی داشته باشد.»(۲)

آیت الله سیستانی دریافت که می تواند با فشار بر آمریکا مبنی بر برگزاری انتخابات در عراق در جهت سامان سیاسی این کشور که خروج اشغالگران را در پی خواهد داشت، استقلال مردم عراق را تامین کند و بر خلاف مخالفت عرب های سنی (بعثی ها، سلفی ها و سمپات های آنان) راه شرکت در پای

۱- -Partial Election

۲- - خبرگزاری ایران، ۵/۹/۸۲، www.irna.ir . و همچنین: ۲۰۰۳ ,Nov ۱۰ www.cnn.com .

صندوق های رای را برگزید. آمریکا چاره ای جز تمکین نداشت و در نتیجه موج برگزاری انتخابات در عراق برای ساماندهی سیاسی این کشور آغاز شد و مردم عراق در سال ۲۰۰۵ سه بار به پای صندوق های رای رفتند.

روزنامه آمریکایی «واشنگتن پست» در ۲۷ نوامبر ۲۰۰۳ در گزارشی در این زمینه نوشت: «فروپاشی طرح دولت بوش برای انتقال قدرت در عراق با یک فتوا آغاز گردید، فتوای سیستانی که در آغاز توسط دولت بوش دست کم

گرفته شد، طرح مبسوط و دقیق پل برمر، حاکم آمریکایی عراق را در هم پاشید، طرحی که بر پایه آن، عراق تا تکمیل قانون اساسی تحت اشغال آمریکا می ماند. به گفته مقامهای ارشد آمریکا، دولت بوش ممکن است برای جلب رضایت آیت الله سیستانی، رهبر پر نفوذ شیعیان عراق مجبور به انجام انتخابات شود.»(۱) این روزنامه در ۱ دسامبر ۲۰۰۳ نیز نوشت: «رهبران روحانی شیعه در عراق نقش فعال تری در تعیین سیاست کشور به عهده گرفته اند. پس از سرنگونی صدام، آیت الله های نجف و دیگر آیت الله ها در عراق در میان خلع قدرت به وجود آمده ظهور کرده و اکنون به پرنفوذترین چهرهها در صحنه سیاست عراق تبدیل شده اند.» به نوشته این روزنامه: «هیچ کدام از گروه ها و حزبهای شیعه عراق دارای نفوذ و قدرت آیت الله های نجف نیستند، به ویژه چهار آیت اللهی که به عنوان مرجع تقلید شیعیان جهان محسوب می شوند. آیت الله سیستانی بر پایه مسئولیت دینی و مذهبی خود احساس می کند که باید نظر خود را درباره مهمترین مسایل کشور اعلام دارد؛ به علاوه، سیستانی باید نقش رهبری را که روحانیان شیعه در بحث مربوط به قانون اساسی ایران در آغاز صده بیستم و در شورش علیه نیروهای

۱- - www.washpost.com, ۲۷ Nov, ۲۰۰۳.

انگلیسی در کشور عراق (در سال ۱۹۲۰) به عهده داشتند، را احیا کند. کسانی که با سیستانی دیدار کرده اند، اظهار می دارند که وی و دیگر آیت الله های ارشد نجف درصدد برعهده گرفتن یک نقش نظارتی در امور کشور هستند.»

روزنامه «نیویورک تایمز» نیز در ۷ فوریه ۲۰۰۵ در این زمینه نوشت: «روحانیان که قدرت زیادی در عراق گرفتهاند آمریکایی ها را وادار کردهاند تا با جدول زمانی آنها درباره روند سیاسی این کشور موافقت کنند و مواضع آنها با برگزاری انتخابات ۳۰ ژانویه که با حضور گسترده شیعیان همراه بود، تقویت شد. شیخ عباس خلیف یکی از دستیاران آیت الله محمد یعقوبی روحانی برجسته عراق در این باره گفت که دیدگاههای مرجعیت از طریق نمایندگان آن در مجمع عمومی آینده عراق منعکس خواهد شد. نخستین موضوعی که مرجعیت به دنبال آن است این است که قانون اساسی به حفظ هویت اسلامی هر فرد احترام بگذارد.»(۱)

شیعیان به رهبری مرجعیت شیعه به ویژه آیت الله سیستانی رویکرد تعامل با اشغالگران به هدف ساماندهی سیاسی کشور پس از اشغال را اتخاذ کردند. این استراتژی به شکلی بسیار زیرکانه به طور عمده از سوی آیت الله سیستانی اتخاذ شد و طی آن مبارزه برای خروج اشغالگران از طریق همراهی و تعامل با آنان در دستور کار قرار گرفت. هر چند این همراهی و تعامل بهانه ای شد تا عربهای سنی، شیعیان را متهم به همکاری با اشغالگران کنند اما توانست صحنه سیاسی عراق را به نفع شیعیان از یک سو و همه مردم عراق از سوی دیگر تغییر دهد. و سرانجام این که، آیت الله سیستانی کلید حفظ ثبات در جوامع شیعه در عراق و در

۱- - www.Newyork Times.com, ۷Feb ۲۰۰۵ .

دیگر نقاط خاورمیانه بزرگ است. آیت الله سیستانی باید مشروعیت سیاسی خود را حفظ کند تا بتواند تأثیر تعدیل کننده بر شیعیان داشته باشد، بتواند صدر و موضع ضد آمریکای وی را مهار و از پاسخ شیعیان به تحریکات سنی ها جلوگیری کند.(۱)

۲– هم پیمانی شیعه و آیت الله سیستانی

مهمترین گروه ها و جریان های شیعه (مذهبی) عراق در هم پیمانی ای گرد هم آمدند که «هم پیمانی عراق یکپارچه» نام گرفت. این هم پیمانی دربرگیرنده گروه ها و حزبهای بزرگ و فراگیری همچون «مجلس اعلا»، «حزب دعوه» و دیگر گروه های شیعه و گاهی غیر شیعه است که از عامل تعیین کننده و کلیدی پشتیبانی مرجعیت شیعه به ویژه آیت الله سیستانی برخوردار است. پشتیبانی آیت الله سیستانی از هم پیمانی عراق یکپارچه در انتخابات گذشته باعث پیروزی این جناح شد؛ اما پس از آن و در شرایطی که قانون اساسی تدوین شده و در چارچوب نظام پارلمانی پیروزی شیعیان به عنوان دارنده بیشترینه جمعیت عراق محرز گردیده بود، آیت الله سیستانی ترجیح داد که با تبیین موضوع (ضرورت مشارکت فراگیر مردم در انتخابات) تشخیص مصداق را به خود مردم واگزار کند. این موضع گیری باعث فراگیرتر شدن نقش و جایگاه آیت الله سیستانی و مرجعیت در میان همه عراقیها شد.

همچنین یکی از دلایل حضور گسترده شیعیان در پای صندوق های رأی آن

۱- – ولی رضا نصر، "پیامدهای منطقه ای تجدید حیات شیعه در عراق"، برگردان وحید رضا نعیمی، واشنگتن کوارترلی، تابستان ۲۰۰۴، به نقل از: همشهری دیپلماتیک، دی ماه ۱۳۸۳، شماره ۳۴ . ص ۳ .

بود که آیت الله سیستانی رأی دادن را وظیفه دینی اعلام کرده بود. در حالی که پیش از سرنگونی صدام شایع بود که به دلیل تعلق آیت الله سیستانی به مکتب نجف و عقاید استادش مرحوم آیت الله خویی وی یک فرد غیر سیاسی است ولی ایستادگی های وی در برابر اجرای طرح های آمریکا و نیز رفع فتنه جنگ داخلی و مذهبی بین عراقی ها ثابت کرد که به شدت سیاسی است، اما راه و روش خاص خود را داراست.(۱)

نمونه دیگر اهمیت نقش و نظر مرجعیت، به رخدادهای پس از انتخابات و به ویژه تعیین نخست وزیر عراق از فهرست عراق یکپارچه باز میگردد.

«مضر شوکت»، عضو برجسته کنگره ملی عراق (حزب لیبرال احمد چلبی) در این زمینه میگوید: «در صورتی که راهکارها برای تعیین شخص مناسب پست نخست وزیری جواب گو نباشد و در میان حزبها و شخصیتهای هم پیمانی عراق یکپارچه اختلاف افتاد، آخرین مرحله استناد به سخنان و نظر آیت الله سیستانی خواهد بود و هر شخصی را که ایشان تأیید کنند، تمام اعضای هم پیمانی بر سر آن توافق خواهند کرد.»(۲)

سرانجام، نتیجه انتخابات نشان داد همان گروه و جریانی پیروز گردید که مورد تأیید آیت الله سیستانی بوده و نزدیک ترین دیدگاه ها را به او دارد.

۱- - احمد فراهانی، "شیعیان و انتخابات پارلمانی عراق؛ گام سوم در فرایند توسعه سیاسی"، پیشین، و نیز: - آسیا تایمز، به نقل از: همشهری دیپلماتیک، بهمن ماه ۱۳۸۳، شماره ۴۰. ص ۵.

۲- - روزنامه الصباح، چاپ عراق، ۲۰/۱۱/۸۳ .

فرجام

بررسی جریانها و گروه های سیاسی و غیر سیاسی (فقاهتی) شیعه و عوامل چهار گانه بالا- نشان داد که از یک سو، نهادمندترین، سازمان یافته ترین و البته فراگیرترین (دو ویژگی نخست را کردها نیز دارند ولی تنها شیعیان ویژگی سوم را دارا هستند) گروه جمعیتی حاضر در عراق کنونی، شیعیان هستند؛ و از سوی دیگر، آنان به مسیر بی بازگشتی گام نهادهاند که تنها و تنها تغییر ناگهانی و غیرمنتظره سیاست ها و راهبرد ایالات متحده در منطقه میتواند آنان را به جایگاه پیش از آوریل ۲۰۰۳ باز گرداند. در واقع شیعیان پایه ها و بنیادهایی همچون بیشترینه بودن جمعیتی، پشتیبانی قانون اساسی از آنها در پرتو نظام انتخاباتی و پارلمانی، دارا بودن نهاد رهبری و یکپارچه ساز مرجعیت، تسلط بر سرزمین های حاصل خیز و نفت خیز مرکز وجنوب عراق، تسلط بر پایتخت و اطراف آن (برخلاف سالهای آغازین صده بیستم و استقلال عراق) و ... را دارا هستند و تنها به دلیل تسلط رژیمی تمامیت خواه (توتالیتر) و خودکامه بر عراق بود که آنان را وادار میکرد به پشتیبانیها و عوامل بیرونی چشم داشته باشند.

جنگ ۸ ساله ایران و عراق و شرکت نیروهای مخالف شیعه در جبهه ایران، خیزش تاریخی و همگانی مارچ ۱۹۹۱ که در پی شکست ارتش عراق در کویت و پیشروی نیروهای ایالات متحده در جنوب عراق به تشویق جرج بوش پدر،) رییس جمهور ایالات متحده ۱۹۹۲ — ۱۹۸۸رخ داده بود و با ترس از دخالت های ایران ناکام ماند؛ و سرانجام، پشتیبانی، همراهی و همکاری همه طیف ها و گروه های شیعه از حمله ایالات متحده به عراق در آپریل ۲۰۰۳ و همراهی با سیاست های آن در دوره اشغال - و شرکت گسترده در انتخابات و دولت های

ص: ۱۸۱

دوره اشغال (بر خلاف اشتباه بزرگ دوره اشغال انگلستان پس از جنگ جهانی نخست) - نشان دهنده این واقعیت ناخوشایند تاریخ عراق و به ویژه جامعه شیعیان آن است.

اکنون نیز شیعیان عراق، به ویژه در این دوران گزار، نیاز بسیاری به پشتیبانی نیروهای بیرونی دارند؛ در غیر این صورت، نیروهای شورشی و نامنظم (فداییان صدام، اعضای حزب بعث، برخی گروه های سنی، سلفی ها و تروریست های عرب بیگانه و ...)

که از پشتیبانی گسترده برخی کشورهای منطقه نیز برخوردار هستند، کشور را در آشوب های فرقه ای فرو خواهند برد و کامیابی حکومت شیعه را با تردید رو به رو می کنند. از این رو، وابستگی کنونی شیعیان عراق به نیروهای بیگانه به ویژه ایالات متحده در دوره گزار کاملاً طبیعی به نظر میرسد و با ادامه این پشتیبانیها تا پایان دوره گزار، شیعیان عراق می توانند امیدوار باشند که به روند بی بازگشتی گام نهاده اند و دیگر هیچ نیروی درونی و بیرونی نخواهد توانست حکومت مشروع آنان را تهدید کند.

در فصل آینده به شناخت جهان شیعه و تاثیر تحولات عراق بر کشورهای منطقه به ویژه جامعه شیعیان در این کشورها پرداخته می شود و پیامدهای عراق شیعی بر ایران، به عنوان بزرگترین پیروز این تحولات، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

فصل سوم: ظهور شیعیان در عراق و تاثیرات آن بر منطقه و ایران

اشاره

ص: ۱۸۳

گفتار نخست: ژئوپلیتیک شیعه؛ نگاهی به جایگاه جغرافیایی- سیاسی و جمعیتی شیعیان در منطقه

الف- جمعیت و جایگاه منطقه ای شیعیان

از دیدگاه یان ریشارد، از میان یک میلیارد مسلمان، حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد شیعه هستند، یعنی جمعیت شیعه در جهان به حدود ۱۴۰ میلیون نفر می رسد.(۱)

به باور فرانسوا توال، در سال ۱۹۹۵ شیعه نزدیک به ۱۳۵ میلیون پیرو داشت.(۲)

به نوشته گراهام فولر و خانم فرانکه، شیعیان دوازده امامی، ۱۰ تا ۱۵ درصد مسلمانان جهان را تشکیل می دهند.(۳) ولی نصر نیز جمعیت شیعیان را در حدود ۱۳۰ میلیون نفر برآورد کرده است که ۱۰ درصد جمعیت ۳/۱ میلیارد نفری مسلمانان جهان را تشکیل میدهند.(۴)

بیشترینه شیعیان (کمابیش ۱۲۰ میلیون) در منطقه میان لبنان و پاکستان زندگی

ص: ۱۸۵

۱- - به نقل از: فرانسوا توال، "ژئوپلیتیک شیعه"، برگردان علی رضا قاسم آقا، تهران: نشر آمن، موسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان نور، ۱۳۷۹ ، ص ۹ .

۲- - همان، ص ۱۴۶ .

۳- - گراهام فولر، رند رحیم فرانکه، "شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده" ، برگردان خدیجه تبریزی؛ قم: انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۴ ، ص ۴۲ .

۴- - Vali Nasr,"Regional Implications of Shi`a Revival in Iraq," The Washington Quarterly , Summer ۲۰۰۴.

می کنند. بیشترینه جمعیت کشورهای ایران، بحرین، عراق و آذربایجان از آن شیعیان است. در لبنان، بزرگترین گروه را شیعیان تشکیل می دهند و در عربستان، پاکستان، افغانستان، کشورهای حوزه خلیج فارس، (و نیز هند، تاجیکستان و خاور آفریقا) شیعیان بزرگترین کمترینه را دارا هستند. بنابراین، می توان گفت شیعیان، خلیج فارس را در بر گرفته اند و بزرگترین جمعیت شیعیان در سرزمین های حوزه خلیج فارس (ایران، بحرین، عراق و کشورهای عربی کناره خلیج فارس) واقع شدهاند و این یکی از اصلی ترین دلایل نگرانی سنیها و رهبران سنی از قدرت گرفتن شیعیان است.(۱)

بیرون از ایران، شیعیان همواره زیر سلطه سنیها زندگی کردهاند و تنها با وقوع انقلاب اسلامی ایران بود که شیعیان دوباره قدرت گرفتند و به بازیگران مهمی در عرصه سیاسی- اجتماعی تبدیل شدند. روابط راهبردی ایران – سوریه در اصل یکپارچگی راهبردی شیعیان علیه سنیها بود. با این حال، انقلاب ایران به دلیل های گوناگون نتوانست سلطه سنی ها را در منطقه به چالش بکشد و میان شیعیان و سنی ها موازنه برقرار کند. سلطه سنی ها بر منطقه یکی از دلیل های بنیادی کنترل جنبش های شیعی در کشورهای

عربی بوده و هست. به همین دلیل، یکی از ستونهای بنیادی سیاستهای منطقه ای کشورهایی همچون مصر و به ویژه عربستان، جلوگیری از نیرومند تر شدن شیعیان در منطقه است که میتواند زمینه سلطه شیعیان بر خلیج فارس را فراهم کند.(۲)

رخدادهای چند دهه گذشته همچون انقلاب ایران و جنگ داخلی لبنان،

۱- - Ibid.

۲- - Ibid.

مسئله شیعه را به عنوان یک عامل ژئوپلیتیکی مطرح کرده است.

به باور ژان پی یر شوونمان، منطقه خلیج فارس - جایی که سه چهارم ذخایر نفتی جهان با بهترین کیفیت در آن انباشته شده است - نزدیک به ۷۰ درصد آن شیعه مذهب هستند.(۱) اگر دایره ای که گرداگرد کمربند شیعیان خلیج فارس کشیده شده، گسترده تر دیده شود، خواهیم دید که بیشترینه جمعیت های شیعه در کانون و مراکز حساس واقع شده اند. بنابر این، شیعه در متن و قلب بسیاری از مشاجرات منطقه ای و بین المللی قرار دارد. این آیین از نخستین صده پیدایش، به سه فرقه نابرابر و با سرنوشت گوناگون تقسیم شده است: زیدی (پنج امامی) که امروزه در یمن ساکنند، اسماعیلی (هفت امامی) که خود نیز به یک سری جنبش ها تقسیم شده است، و سرانجام شیعه دوازده امامی که هم اکنون در ایران، لبنان و عراق وجود دارد.(۲)

به نوشته فواد خوری، در صده های گذشته، شیعیان برای گریز از حملات سنی ها، به مناطق کوهستانی پناه بردند. چیزی که امروزه، برای نمونه با نام کوه دروز، کوه علوی، کوه زیدی و غیره وجود دارد، از آن زمان شکل گرفته است.(۳)

تنها تغییر مهم از دورنمای شیعه در عصر نوین، پذیرش شیعه دوازده امامی به عنوان مذهب ملی از سوی دودمان صفوی در صده شانزدهم بود. پذیرش شیعه از سوی صفویان پیامدهای بسیاری در پی داشت. از دیدگاه فرانسوا توال، در واقع ایرانی بودن به آرامی بخش جدایی ناپذیر آیین شیعه شد. تا صده بیستم، به جز

ص: ۱۸۷

۱- - به نقل از: فرانسوا توال، پیشین، ص ۱۰.

۲- - همان، ص ۱۱.

۳- - همان، ص ۲۵.

فضای سیاسی ایران، اسلام سنی در همه جا پیروز بوده است. ویژگی عمده تاریخ اسلام، در زمینه ژیوپلیتیک، از هزار سال پیش به این سوی، سرکوبی شیعه به دست سنیان – به جز یک استثنا و آن هم فتح ایران به دست آیین شیعه در عصر نوین – بوده است. ویژگی مهم دیگر از نگاه اولیویه روی، تقسیم بندی دو گروه از شیعه دوازده امامی است؛ شیعیان دوازده امامی که دارای روحانیتی سازمان یافته و شکل گرفته اند، مانند ایران، آذربایجان و عراق، و شیعه دوازده امامی که در آن روحانیت نقش چندانی ندارد.(۱)

ب– فرقه های شیعه

اشاره

برای شناخت کامل تر جایگاه و جمعیت شیعیان، به بررسی آنها در چهار گروه عمده دوازده امامی، علوی، اسماعیلی و زیدی می پردازیم:

۱– شیعیان دوازده امامی

۱–۱ : ایران

اشاره

در عصر نوین، موقعیت شیعه در ایران، نسبت به دیگر بخش های شیعی خاورمیانه یک استثنا است. دلیل آن این است که در صده شانزدهم دودمانی به نام صفوی در ایران پهناور آن زمان به قدرت رسید و اسماعیل، شاه جدید، آیین شیعه امامی را در سراسر امپراتوری اجباری کرد.

از دیدگاه برنارد لوییس، بیشتر جمعیت ایران سنی آیین بودند. پذیرش شیعه در میان مردم با زور و اجبار انجام شد و برای پایان دادن به این پذیرش طولانی و

ص: ۱۸۸

۱– – همان، صص ۲۵و ۲۶.

اجباری، مبلغانی را از سرزمینهای شیعی سنتی (لبنان، عراق و بحرین) فراخواندند.(۱)

پس از وقفه آشوب افغانهای سنی و سپس سیاستهای مذهبی نادر شاه افشار برای آشتی میان شیعه و سنی، تنها با پیدایش دودمان قاجار بود که دومین مرحله از پذیرش آیین شیعه در میان مردم ایران رخ داد و میان ایرانی بودن و شیعه دوازده امامی همانندی انجام شد. نخستین پذیرش (دودمان صفوی)پیامد قدرت سیاسی و دومین پذیرش (دودمان قاجار) پیامد تکاپوهای روحانیت بود. به یمن پذیرش شیعه از سوی صفویان، شیعه از حالت آیین رانده شدگان بیرون شد و به صورت آیین درباری درآمد، اما همچنان زیر نفوذ قدرت سیاسی باقی ماند. پس از انقلاب ۱۹۷۹، کشوری کم و بیش سراسر شیعه به دست مذهبیان شیعی افتاد. پیروزی انقلاب امام خمینی رحمه الله در ایران (یکی از تحولات اساسی نیمه دوم صده بیستم) مهمترین رخداد تاریخ شیعه است.(۲)

سیاست خارجی ایران انقلابی

ایران با بهره وری از تجربه های تاریخی و با دلهره پیوسته از تهدید حکومت ها و ملت های همسایه جایگاه ژیوپلیتیک خود را همیشه به شکل کشوری محاصره شده، احساس و درک کرده است. از دیدگاه منطقه ای، سیاست خارجی ایران پس از ۱۹۷۹م دنباله همان سیاست سنتی کشور یعنی حفظ نفوذ و پیشگیری در برابر هرگونه تهدید برخاسته از سوی رقیبان سنتی (روسیه، ترکیه،

۱- – همان، ص ۳۲.

۲- – همان، ص ۴۱.

عربستان و پاکستان) است. ایران از یک هسته ایرانی تشکیل شده که اطراف آن را کمترینه های ملی غیر شیعی با گرایش های جدایی خواهانه و کم و بیش اظهار شده احاطه کرده اند. این کمترینه ها خطوط شکننده و منطقه های نفوذ احتمالی برای دشمنان بالقوه را تشکیل می دهند.

از دیدگاه جهانی، سیاست خارجی ایران پس از ۱۹۷۹م ادعای رهبری جهانی انقلاب اسلامی به نام یک اتحادیه شیعی(۱)

به شمار میرود. به باور اولیویه روی، تهران نقشه اتحاد شیعی را به نقشه اتحاد ایران (۲)برتری داده است. ایران در اقدام های دیپلماتیک خود ترجیح میدهد بر مردمان شیعه غیر ایرانی (مانند هزاره های افغانستان، شیعیان جنوب لبنان و آذری ها) تاکید کند تا بر مردمی که از دید نژادی ایرانی هستند (مانند کردها و تاجیک ها).(۳)

نهادینه شدن تشیع در دولت مردمی ایران پدیدهای است که از مرزهای ایران گذشته و به سراسر جهان شیعه، به ویژه جهان شیعه دوازده امامی و بهتر بگوییم، به کشورهای همسایه ایران سرایت کرده است. از دیدگاه جغرافیای مذهبی، نفوذ ایران بر جهان تشیع، اساسا در سرزمینهای شیعه دوازده امامی اعمال می شود و ایران نفوذ کم رنگی بر جهان اسماعیلی و زیدی دارد. این نفوذ به ویژه در سرزمین هایی که شیعه دوازده امامی هستند، شدت بیشتری دارد، زیرا در این سرزمینها، روحانیت طبقه بندی شده (حجت الاسلام ها، آیت الله ها و آیت الله العظمی ها) شیعه دوازده امامی را به شکل نهادینه در آوردهاند و این امر با ایرانی

ص: ۱۹۰

۱- -Pan-Shiism

۲- -Pan-Iranism

۳- - همان، صص ۴۷-۴۴.

شدن روحانیت شیعه مستقر در بیرون از ایران روشن می شود.

۱-۲: جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان ٪۹۷ مسلمان دارد. ٪۸۳ شیعه، ٪۱۴ سنی و ٪۳ هم غیر مسلماناند. همه شیعیان جمهوری آذربایجان دوازده امامی هستند. سنی ها نیز بیشتر حنفی و البته اندکی حنبلیاند.(۱)

به باور فرانسوا توال، ۷۵ درصد از مردم جمهوری آذربایجان را شیعیان تشکیل می دهند. آنها در صده شانزدهم به شیعه گرایش یافتند. و این امر موجب گرایش آنها به امپراتوری ایران گردید. دین رسمی و ملی جمهوری آذربایجان اسلام است. اما بنابر قانون، دین از سیاست جداست. روحانی نمی تواند فرماندار، نماینده روستایی و شهری، و نماینده مجلس ملی باشد. وظیفه روحانی تنها، برآوردن نیازهای دینی و معنوی مردم است. در این کشور، دین آزاد است و هر شهروند آذربایجانی می تواند هر دینی را که می خواهد بپذیرد و آیینهای مذهبی همان دین را آزادانه انجام دهد. کسی حق ندارد کسی را به خاطر پذیرش دین و مذهبی آزار دهد. از میان مذاهب اسلامی به جز «وهابیت»، همه می توانند تبلیغ کنند. فعالیت این گروه از لحاظ قانونی ممنوع اعلام شده است.(۲)

آیین شیعه در دو سوی مرز (آذربایجان ایران و جمهوری آذربایجان) در زمینه اجتماعی کم و بیش به یک روش عمل میکند، اما در شمال، در جمهوری

۱- - رضا انصاری مهر، "دین و مذهب در جمهوری آذربایجان"، مجمع جهانی شیعه شناسی، www.shiastudies.com.

۲- - همان.

آذربایجان، شیعیان دارای روحانیتی هستند که نسبت به روحانیت ایران کمتر سازمان یافته است. در رابطه با روابط با ایران باید دانست که دلبستگی این استان پیشین ایرانی به شیعه دوازده امامی نباید ساده انگارانه تفسیر شود. این شیعه دوازده امامی با هفتاد سال تبلیغات شوروی و الحادی همراه بوده است. امروزه، آیین شیعه در آذربایجان با جامعه ای رو به رو است که عمیقا لاییک شده است و بسیار دور از ذهن است که افکار همگانی آذری در آرزوی حکومتی شبیه تهران باشد. (۱)

۱-۳ : افغانستان

شیعیان افغانستان، حدود ۲۷ تا ۳۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می دهند.(۲) آنها، از دو گروه بیشترینه دوازده امامی و کمترینه اسماعیلی هستند. دوازده امامی ها خود در میان تیره های گوناگون این کشورپیرو دارند؛ اما بیشترشان (۹۰ درصد) از تیره هزاره اند، تا آنجا که آیین شیعه، بخش جدایی ناپذیر هویت هزاره ها به شمار میرود

به باور ژان آندره سلیه در کتاب اطلس مردمان خاور، هزارهها ۱۶ درصد از

ص: ۱۹۲

۱- - فرانسوا توال، پیشین، ص ۵۶. برای آگاهی بیشتر از وضعیت دینی جمهوری آذربایجان، نگاه کنید به: الکساندر بنیگسن و مری براکس آپ، "مسلمانان شوروی؛ گذشته، حال و آینده"، برگردان کاوه بیات، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱. و شیرین آکینر، "اقوام مسلمان اتحاد شوروی"، برگردان علی خزاعی فر، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.

۲- - حیات الله یوسفی، "افغانستان، انتخابات و شیعیان"، ماه نامه اخبار شیعیان، سال نخست، شماره دوم، دی ماه ۱۳۸۴، صص ۳۳-۳۵.

مردم افغانستان را تشکیل می دهند.(۱) هزارهها، که آنان را از بازماندگان مغولان می دانند، دومین یا سومین گروه بزرگ نژادی افغانستان به شمار رفته و قوم اصلی شیعه در این کشوراند. هزارهها در طول حیات سیاسی - اجتماعی خود همواره مورد ستم و اجحاف دیگر اقوام به ویژه پشتون ها قرار داشته اند. سرزمین هزاره ها (هزاره جات)، در صده دهم، به دست پادشاهی ایران افتاد و درست در این هنگام آنان به آیین شیعه روی آوردند. آیین هزارهها شیعه دوازده امامی است و بر پایه باور به شماری روحانی دین دار پایه گزاری شده است. گرچه به باور اگزویه دو پلائول، روحانیان هزاره مانند روحانیت ایران متشکل نشده اند.

شیعیان، افزون بر سرزمین هزاره جات در مرکز افغانستان، در برخی شهرهای اصلی این کشور نیز نشیمن ساکن شدهاند جمعیت کابل (پایتخت افغانستان)، از دو گروه نژادی زیر تشکیل شده است: نخست، قزلباشها، که از بازماندگان ارتش نادر شاه افشاراند؛

دوم، هزاره های مهاجر، که گفته می شودنیمی از جمعیت ۳ میلیونی پایتخت را به خود اختصاص داده اند.(۲)

در هرات (دومین شهر بزرگ افغانستان و بزرگترین شهر باختر این کشور)، شیعیان، ۷۰ درصد ساکنان شهر بوده و از نژاد تاجیکاند. آنها از نگاه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نیز دینی، به دلیل نزدیکی به مرکز تشیع (ایران)، از سطح مناسبی برخوردارند.

در قندهار (بزرگترین شهر جنوب افغانستان و مرکز پشتون نژادان) و در

۱- - همان، ص ۶۴.

۲- - "شیعیان افغانستان"، مجمع جهانی شیعه شناسی،www.shiastudies.com .

شمال این شهر، از دیر باز، شمار چشم گیری از شیعیان که بیشتر از نژاد پشتون هستند، زندگی میکنند که به سبب هم نژادی با بیشترینه کشور، به نسبت هزارهها، کمتر دچار سرکوب، شکنجه و کشتار شدهاند. شخصیت معروف سیاسی - مذهبی شیعیان قندهاری، آیت الله شیخ محمد آصف محسنی قندهاری، رئیس شورای اعلمای شیعه افغانستان است.

در مزار شریف (بزرگترین شهر شمال افغانستان و مرکز ناحیه ترکستان) و حومه آن، بیشتر ساکنان، شیعه و از نژاد هزارهاند. در واقع، نزدیک به ۵۰ درصد جمعیت شمال افغانستان (ترکستان)، به ویژه استان های بلخ و گوزگان (جوزجان)، شیعه اند. از شخصیت های سیاسی- مذهبی معروف شیعیان شمال، شهید عبدالعلی مزاری، رهبر پیشین حزب وحدت را می توان نام برد.

گروه دیگر شیعیان دوازده امامی افغانستان، سیدها هستند که در شهرهای گوناگون این کشور پراکندهاند. پیشینه آنان به زمان سرکوب خیزش سربداران در سبزوار باز می گردد که به این سرزمین پناهنده شدند.

از سده هجدهم - که افغانستان پدید آمد - تا کنون، قبیله های پشتون سنی به زیان دیگر نژادها و آیینها به ویژه هزاره های شیعه بر این کشور فرمان راندند. در دهه ۱۹۶۰، جمعیت هزاره ها خروج از یکنواختی سنتی خود را آغاز کردند. یک جمعیت لاییک با گرایش مارکسیسم مائوییسم پدید آمد و در همین هنگام در روحانیت شیعه - که بیشتر در ایران پرورش یافته بود - نسل نویی پدید آمد که در برابر روحانیت سنتی می ایستاد. شیعیان به دلیل حضور فعالانه در دهه هشتاد میلادی به آگاهی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراوانی دست یافتند. علت اصلی این امر گرد آمدن بیشتر شیعیان تحت رهبری رهبر یگانه (شهید عبدالعلی

مزاری) و حزب یگانه (حزب وحدت) بوده است. بی گمان می توان گفت که بیست سال گذشته اهمیتی استثنایی در سراسر تاریخ هزاره ها داشته است؛ به باور اولیویه روی، در دو سه دهه گذشته، دو عامل در رشد آگاهی ملی هزارهها تاثیر به سزایی داشت. نخست پایداری در برابر شوروی اشغالگر و حکومت کمونیستی افغانستان، و دیگر به قدرت رسیدن روحانیت شیعه.

این روحانیت نوین فارسی زبان و ایران دوست که در ایران پیش از انقلاب ۱۹۷۹ شکل گرفته بودند، در برابر روحانیت سنتی ایستاد. آنان معتقدند که شیعه دیگر نباید خود را به بیان باورهای کهن محدود کند، بلکه باید نیرویی تحول گرا باشد.(۱)

بی آن که بتوان این آگاهی سیاسی نوین را سراسر از تاثیر ایران دانست، با این حال، تهران همواره الهام بخش آن بوده است. از سالها پیش، کوشش اصلی تهران در این منطقه جلوگیری از انزوا و حذف هزاره ها از زندگی سیاسی بوده است. تقویت هویت هزاره، تقویت حضور ایرانیان را در پی۸داشته است که با تشکیل حزب هزاره هوادار ایران به نام حزب وحدت همراه بود. البته یکی از محدودیت های ایران در این زمینه، نبود مرز مشترک با هزاره هاست. در چند سال

۱- - به نقل از: فرانسوا توال، پیشین، ص ۶۳ ؛ برای آگاهی بیشتر از شیعیان افغانستان و هزاره ها، نگاه کنید به: "دایرهالمعارف تشیع"، ج ۲، ص۲۹۰، تهران. – "تاریخ غوریان"، دکتر اصغر فروغی، انتشارات سمت، ۱۳۸۱. – مجله سراج، شماره ۱۶-۱۷، مقاله "سرزمین هزاره جات"، حسن فولادی، ترجمه علی عالمی. – مجله سراج، ش ۱۸، مقاله "هزاره ها" (تاریخ، زبان و فرهنگ)، دکتر صدیقی. - تیمور خانف، "تاریخ ملی هزاره". – "هزاره های افغانستان"، سید عسکر موسوی، مترجم اسداللّه شفایی، تهران،۱۳۷۹. - هفته نامه وحدت، شماره های۸۶ – ۸۸. - عبدالحی حبیبی، "افغانستان بعد از اسلام"، تهران،۱۳۷۶.

گذشته، فروپاشی حکومت طالبان و روی کار آمدن حامد کرزای به باز شدن فضای فعالیت های سیاسی –فرهنگی در این کشور انجامید و حضور شیعیان در ساختار سیاسی – اجتماعی افغانستان بسیار پررنگ شده است.

در قانون اساسی مصوب فوریه ۲۰۰۴ نیز به شیعیان اجازه داده شده تا در امور شرعی و قضایی خود بر پایه مذهب خود عمل نمایند که با این اقدام گامی بزرگ در جهت نیل به مدنیت و احترام به حقوق کمترینه ها برداشته شده است.

۱–۴ – شبه قاره هند

شیعیان شبه قاره (هند، پاکستان، کشمیر)، بازمانده روزگار فرمان روایی مسلمانان و درخشش فرهنگ پارسی و آیین شیعه در هندوستان هستند.

در صده هجدهم، امپراتوری مغول – که دودمانی ترک تبار با فرهنگ ایرانی بود، بخش بزرگی از ایالتهای هند کنونی را یکپارچه کرد. تاثیر ایران بر دودمان مغول، خود را با نوعی گسترش شیعه دوازده امامی نشان داد. جهان دوازده امامی هند با حکومت دودمان مغول به اوج خود رسید و امروزه این شیعیان هندی را باز مییابیم که در واقع کمترینهای در میان کمترینه در شمال هند در ایالتهای اوتارپرادش، راجستان، کشمیر و پنجاب هستند.

شیعیان در صده نوزدهم نماینده ۱۰ درصد مسلمانان شبه قاره بودند. آنان اکنون در هند جمعیتی نزدیک به ۲۵ میلیون نفر هستند که خود نیز دو شامل دوازده امامی واسماعیلی میشود.(۱) شیعیان هند هم از سوی هندوهای افراطی و هم از سوی سنیهای تند رو مورد تهدید جدی قرار دارند.

ص: ۱۹۶

۱- – همان، صص ۷۸-۷۶.

در پاکستان، شمار شیعیان از ۲۷ تا ۳۵ میلیون تن برآورد شده است، که خود به یک بیشترینه دوازده امامی و یک کمترینه اسماعیلی تقسیم می شوند. ۲۵ درصد مسلمانان پاکستان شیعه هستند و شهر کویته مرکز ایالت بلوچستان از مراکز مهم شیعیان است. در ناحیه بلتستان و گلگیت در مرز چین و پاکستان و نیز در پنجاب، شیعیان سکونت دارند. شیعیان بزرگترین کمترینه این کشورند که در استقلال و ثبات سیاسی پاکستان نقش حساسی را به عهده داشتهاند.

محمد علی جناح (قائد اعظم) بنیان گزار پاکستان، نیز شیعه بوده است.(۱) شیعیان پاکستان نیز همچون شیعیان هند، در معرض تهدید قرار دارند. آنها در سالهای گذشته از سوی سنی های تند رو و وهابی آسیب های فراوانی را متحمل شدهاند. شیعیان شبه قاره، هر چند در کشورهای پرجمعیت خود، کمترینه اند و درصد کمی از جمعیت اند، اما از آنجا که نزدیک به نیمی از جمعیت جهان را شیعیان تشکیل می دهند، در ژیوپلیتیک شیعه نقش به سزایی دارند.

۱۵ : شیعیان عرب

اشاره

آمار دقیقی از شمار شیعیان کشورهای عربی در دست نیست اما بی گمان در کویت، عربستان و عمان، آنان کمترینه چشم گیری هستند؛ در لبنان بیشترینه نسبیاند؛ و در عراق و بحرین بیشترینه مطلق.

از نگاه راهبردی، جمعیت شیعه جهان عرب که نزدیک به ۱۴ میلیون نفرند، در دل بزرگترین منطقه نفت خیز خاورمیانه و در کنار آبراه های ترابری نفت در

۱- - "شیعیان پاکستان"، ماه نامه اخبار شیعیان، سال نخست، پیش شماره دو، آبان ماه ۱۳۸۴، ص ۳۶.

خلیـج فـارس قرار دارنـد. از این دیـد گاه، شـیعیان عرب به همراه ایران میتواننـد بیشتر منابع نفتی خلیـج فارس را به کنترل خود درآورند.(۱)

در نیمه دوم صده بیستم، رشد فزاینده شهر نشینی و آسانی جا به جایی، شیعیان را به شهرهای اصلی عربی نیز کشانید؛ اما کرانه های خلیج فارس همچنان خانه اصـلی آنهاست. ترس از قدرت یابی شیعیان موجب شده است که «مسئله شیعیان» بر سیاست در عراق، بحرین، لبنـان و عربسـتان سـایه بیافکنـد. هر نوع بحثی که به سیاسـتهای ایران در منطقه می پردازد بایـد به نقش شـیعیان عرب در خلیـج فـارس تـوجه کنـد. بحـث دربـاره امکـان برقراری دموکراســی در عراق {پیش از ۲۰۰۳}، بـه علـت نگرانی از بیشترینه شیعه و نفوذ ایرانیان در آینده این کشور، بارها شکست خورده است.

معضل شـیعیان عرب (به منزله یک کمترینه مـذهبی زیر سـتم در بیشتر کشورهای عرب و به منزله بیشترینه مذهبی زیر سـتم در دو کشـور عرب {بحرین و عراق پیش از ۲۰۰۳} در قلب معمای سـیاست در جهان عرب قرار دارد. شـیعیان عرب در مناسبات قانونی و اجتماعی کشورهای خود و حتی در نقشه کمترینه های خاورمیانه وضـعیت خاصی دارند؛ آنها نه به عنوان بیشترینه در بحریـن و عراق {پیش از ۲۰۰۳} به رسـمیت شـناخته شده اند و نه به عنوان کمترینه (همچون کردها، مسـیحیان و یهودیان) در کشورهـای دیگر. مسـئله آنـان تنها موضوع معمول کمترینه ها در یک جامعه نیست. در واقع، شـیعیان حتی از حیث عـددی در چند کشور منطقه، کمترینه نیسـتند. آنان در عراق {پیش از ۲۰۰۳} و بحرین به روشـنی بیشترینه اند، اما هنوز جایگاه «کمترینه ها» را دارند. در لبنان شیعیان

ص: ۱۹۸

۱- – گراهام فولر، رند رحیم فرانکه، پیشین، ص ۲۳.

بیشترینه نسبی دارند، و تنها در سالهای گذشته، تا اندازهای به قدرت سیاسی شایسته جمعیت خود دست یافته اند.

از سوی دیگر، حکومت و بسیاری از سنیها، درخواست شیعیان را برای گسترش دموکراسی چیزی جز یک «برنامه شیعی» برای افزایش نفوذ شیعیان و سلطه احتمالی بر سنیها نمی پندارند. به باور گراهام فولر و خانم فرانکه، نگرانی حکومت های عرب درباره بیوفایی یا وفاداریهای چندگانه شیعیان از سه عامل بنیادین زیر سرچشمه میگیرد: نخست، حضور شمار فراوانی از شیعیان ایرانی تبار (عجم) در کشورهای عربی خلیج فارس که به

عنوان روحانی و دین آموز در شهرهای مقدس عراق، یا به عنوان بازرگان در بحرین، کویت و امارات متحده عربی ساکنانند. آنها پیوندهای خانوادگی، بازرگانی یا دینی خود را با ایران حفظ کردهاند؛ دوم، افزایش اهمیت شهرهای زیارتی ایران در پی کاهش اهمیت شهرهای مقدس شیعی عراق - که پیامد تجاوز حکومت عراق به ویژه حکومت بعثی در سه دهه گذشته به نهادهای مذهبی شیعی بود — هستند.

افول نجف و کربلاء از پایان دهه پنجاه تا کنون، برای شهرهای قم و مشهد در ایران فرصتی پدید آورد تا اعتبار و نفوذ روز افزونی به دست آورند. کم کم شمار دین آموزان شیعه عرب که برای آموزش در پیشگاه عالمان به ایران می آمدند، از آنانی که به عراق میرفتند بیشتر شد و این امر موجب بسط و تعمیق پیوندهایی شد که جوامع شیعی جهان عرب با ایران داشتند؛ سوم، رهبری معنوی شیعیان - که مراجع نماد آن هستند - عامل دیگری برای نگرانی حکومت های عربی است. در دوران کنونی، بیشتر مراجع، ایرانی یا ایرانیان عرب شدهای بودهاند که در کشورهای عربی و معمولا عراق سکونت داشتند و سپس وادار به گریز از عراق شدند. افول شهرهای

زیارتی و نهادهای مذهبی در عراق، این عدم توازن را تشدید کرد و کم کم شیعیان عرب برای کسب راهنمایی در کارهای دینی به عالمان ساکن در ایران امید بستند.(۱)

تا پیش از رخدادهای سال ۲۰۰۳ عراق، دست کم در دو کشور از کشورهای عرب دارنده جمعیت شیعه، منطق اغتشاش کارایی خود را در بهبود مسئله شیعه نشان داده بود. بهبود جایگاه و قدرت شیعیان لبنان دست کم تا حدی پیامد جنگ داخلی طولانی این کشور بوده است. همچنین پیامد جنگ خلیج فارس بود که شیعیان از حاشیه ملت کویت به در آمده، به روند غالب وارد شدند. از سویی، تحولات انقلاب ایران نیز به مطرح شدن مسئله شیعیان در جهان عرب و عرصه جهانی انجامید. البته این نه به آن معناست که تنها جنگ و انقلاب، وضعیت شیعیان را بهتر میکند، بلکه منظور آن است که تنها راهی که در گذشته به بهبود جایگاه شیعیان انجامیده همین راه بوده است که در آینده نیز می تواند دوباره چنین شود. حمله آمریکا به عراق و سرنگونی رژیم صدام و جایگزینی آن با حکومتی با برتری شیعیان در آوریل ۲۰۰۳، نشانگر تداوم این منطق است. با این پیشینه از وضعیت شیعیان عرب، به بررسی جایگاه سیاسی، اجتماعی و جمعیتی آنان در آن دسته از کشورهای عربی که شیعیان دارای اهمیت ژیوپلیتیک هستند می پردازیم:

۱-۵-۱ - عراق

شیعیان عراق - هم از دید تعداد و هم از نگاه تاثیر فکری و ایدیولوژیک -مهمترین گروه شیعه در جهان عرب به شمار میآیند. ۵۵ تا ۶۰ درصد جمعیت عراق شیعه بوده که بیشترینه مطلق اند تعداد آنها به و بیش از ۱۲ میلیون تن

ص: ۲۰۰

۱- - همان، صص ۹۳ و ۹۴.

می رسد. بیشتر آنها عرب، و شمار اندکی نیز کرد، ترکمن و فارسهای عرب شده هستند.(۱)

به باور فرانسوا توال نیز، هم اکنون، شیعیان دوازده امامی نزدیک به ۶۰ درصد مردم عراق هستند. هر چند عراق گاهواره شیعه به شمار میآید و بیشترینه مردمان آن شیعه هستند، در این سرزمین، شیعه همیشه در کمترینه سیاسی بوده است.(۲)

در گذشته، به جز دوران شکوهمند دودمان آلبویه در صده دهم (میلادی) که شیعه را به طور کامل در سرزمین میان رودان مستقر کرد، گروههای شیعه همیشه زیر سلطه قدرت سیاسی سنی مستقر در بغداد بودند. خواه در زمان عثمانیها و خواه در دوره هاشمی ها، انگلیسی ها، لاییک ها و یا بعثی ها، شیعیان برخلاف بیشترینه جمعیتی، از دید سیاسی به عنوان عنصری کم اهمیت باقی ماندند.

با تحول در آگاهی سیاسی شیعیان عراق در پایان دهه ۵۰ (پایه گزاری حزب الدعوه)، توجه ایران و همچنین عربستان سعودی به آنان جلب شد. برای ایران پهلوی، حضور یک جامعه شیعه به خودی خود، بخت و همچنین ابزار بالقوهای برای تضعیف عربیسم بود که تهدیدی برای تهران به شمار می آمد. در واقع، شاه طرفدار محافل روحانی نبود، اما نمی توانست امکان بهره برداری از کمترینه های شیعه را نادیده بگیرد؛ زیرا این کمترینه در مرز ایران ساکن بودند. عربستان نیز از نزدیک پی گیر وضعیت شیعیان عراق بود و از انضمام آن به سود ایران هراس داشت؛ زیرا این وضعیت ممکن بود به تقویت قدرت ایران در خلیج فارس به زیان ریاض بیانجامد.

۱- – همان، ص ۱۸۳.

۲- – فرانسوا توال، پیشین، ص ۸۹.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹، سران بغداد این انقلاب را بی درنگ، تهدیدی برای خود به شمار آوردند، نه تنها تهدیدی برای سرنگونی به دست ایران و گروه های شیعه جنوب عراق، بلکه تهدید به انفجار در درون عراق و به ویژه فروپاشی عراق به سه کشور سنی، شیعه و کرد. همین نگرانی علت بروز جنگ بین دو کشور شد که از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ به درازا کشید. در این جنگ برخلاف برداشت رهبران تهران که گمان میکردند توده های شیعه عراق به خاطر آیین شیعه در برابر صدام به پا خواهند خواست و به انقلاب اسلامی می پیوندند، شیعیان جنوب عراق نژاد (عربیت) را بر آیین (شیعه) خود برتری دادند و هر چند به آیین دشمنان خود باور داشتند، اما آنان را به دیده ایرانی، یعنی بیگانه می نگریستند.

پیشرفت شیعه، زیر پرچم اسلام گرایی ایران، ترسناکترین کابوس سران ریاض بود و از این رو، با ترس از یک انقلاب شیعه در خلیج فارس، عربستان در جنگ ۸ ساله، کمک

مالی بسیاری به عراق کرد. همچنین دورنمای یک خلا قدرت در عراق شکست خورده و ترس از پیدایش دومین دولت شیعه در منطقه خلیج فارس بود که به توقف حمله های متفقین در دروازه های بغداد - پس از آزاد سازی کویت و شکست صدام در ۱۹۹۱ — انجامید. و با وجود خیزش سراسری شیعیان، متفقین از پشتیبانی آنان سرباز زدند و این خیزش به گونهای هولناک از سوی بعثیها سرکوب شد. از دید فرانسوا توال نویسنده و شیعه شناس فرانسوی، «وجود بیشترینه شیعه که از نظر سیاسی منزوی شده است، بخشی اجتناب ناپذیر از واقعیت ژیوپلیتیک عراق را تشکیل میدهد. تحلیل این دو جنگ (ایران- عراق و عراق- کویت) نشان می دهد که تا چه اندازه مسئله تشیع در متن واقعیت عراق

ص: ۲۰۲

قرار دارد و اینکه در این کشور هیچ چیز بدون در نظر گرفتن مسئله شیعه امکان پذیر نیست.»(۱)

به هر تقـدیر، دیگر این امکان وجود نـدارد که شـیعیان در انزوا و حاشـیه زندگی کنند و هیچ کس بهتر از ژان پی یر شوونمان وضعیت آینده عراق را ترسیم نکرده است: «آینده عراق در گرو مسئله شیعه است.»(۲)

اگر شـیعیان عراق به قدرت سیاسـی شایسته جمعیتی خود دست یابند، امکان دگرگون کردن بنیادین وضعیت سیاسی در عراق و اثرگزاری جـدی بر آینـده شـیعیان کشورهای عربی دیگر را خواهند داشت. تاثیر یک جامعه شـیعی قدرتمند عراقی بر دیگر جوامع شـیعی عرب، به سـبب قومیت مشترک – یعنی پیونـدهای زبـانی، فرهنگی و تـاریخی – احتمالاـ به مراتب بیشتر از تاثیر ایران خواهـد بود. افزون بر این، اهمیت عراق در جهـان عرب به معنای آن است که شـیعیان عراقی می تواننـد به آرامی نگرش متداول سـنیان نسبت به تشیع را تغییر دهند و تشیع را وارد جریان غالب فرهنگ عربی به منزله یک کل کنند. از این روی، می توان گفت شـیعیان عراقی مسـئولیت هایی در برابر جامعه شـیعه دارنـد که از مرزها فراتر می رود. انتخاب های آنان پیامـدهای مهمی برای هم آیینهای شـیعه آنها در منطقه دارد و می تواند به بهبود اوضاع شـیعیان کشورهای عربی یا وخیم تر شدن اوضاع آنـان بیانجامـد. شـمار شـیعیان و نیز جایگـاه عراق در جهـان عرب، میتوانـد نگرش مردم منطقـه را شـکل داده، حـتی به آرامی برداشت رایج از عرب گرایی و نیز کشور عربی را که زیر تاثیر حکومت های موجود پدید آمده است، اصلاح کند. گذشته از

۱- – همان، ص ۹۶ – ۹۴.

۲- – همان، ص ۹۶ .

این، هیچ کشور دیگری، حتی ایران، به اندازه عراق ارتباطی تنگاتنگ با تشیع ندارد. جنوب عراق خاستگاه معنوی اصلی تشیع و جایگاه رخدادهای حماسی و اندوه بار آن در سالهای نخستین اسلام است.

از آغاز صده نوزدهم تا پایان دهه ۱۹۶۰، شهرهای مقدس عراق مراکز مهم پژوهش و آموزش علوم دینی برای شیعیان جهان بودند؛ نقش و نفوذ عراق در رشد فکری و معنوی تشیع در گذر تاریخ انکار ناپذیر است؛ هر چند این نقش با حاکمیت رژیم بعث و همچنین پیروزی انقلاب ایران تضعیف شد.

با سرنگونی رژیم بعثی عراق در آوریل ۲۰۰۳، تغییرات عمده‌ای در عرصه سیاسی این کشور پدیدار شد. شیعیان عراق، خط مقدم انتقال سیاسی درکشور شدند و مسایل مربوط به مشارکت سیاسی شیعیان، نقش دین در دولت و حضور ائتلافی را در دستور کار خود قرار دادند. اطمینان از قدرت آرای شیعیان در انتخابات برای آنان اهمیت داشت، از این رو حزب های شیعه به هم پیمانی عراق یکپارچه پیوستند و در کابینه های دولتهای ابراهیم جعفری (نخست وزیر شیعه در سال ۲۰۰۵) و نوری مالکی (نخست وزیر شیعه کنونی، ۲۰۰۶) بیشترین شمار وزیران را دارا بوده اند.(۱)

۱-۵-۲ : خلیج فارس شیعه

اشاره

اگر از همه جمعیت های خلیج فارس آمار گرفته شود، بیش از ۷۰ درصد آنان

۱- - راجر شاناهان، "سیاسی شدن شیعیان در خاورمیانه"، بنیاد کارنگی، به نقل از: www.shiastudies.com .

شیعه هستند.(۱) حضور این جمعیت های شیعه – که از نظر سیاسی در تنگنا هستند – در کرانه عربی خلیج فارس برای همه کشورهای همسایه، دو گونه مسئله ژیوپلیتیکی می آفریند: نخست، حضور شیعیان در نیمه خاوری عربستان و امیرنشین ها یک مسئله ژیوپلیتیکی عمده درونی پدید می آورد، به ویژه این که آنها کمترینه های اجتماعی و رانده شده ای هستند که بیشتر از طبقه زحمت کش شهری یا روستایی این سرزمین نفت خیز و حیاتی (برای جهان غرب) تشکیل یافته اند.

دوم، وجود این کمترینه ها برای این دولت ها مشکل ژیوپلیتیکی بیرونی نیز پدید می آورد. حضور ایران انقلابی شیعی باعث شده که این کمترینه ها خطر تنش میان ایران و کشورهای خلیج فارس را بیافزایند. حضور مهاجران ایرانی شیعه در کنار بومیان شیعه این کشورها، بر پیچیدگی آن می افزاید.

عربستان سعودی

شیعیان عربستان، پس از شیعیان عراق، بزرگترین جامعه شیعه عرب در خلیج فارس هستند. مشارکت آنان در جامعه سنی از همه شیعیان عرب کمتر است. آنان بسیار دور افتاده و محروماند؛ یعنی تنها شیعیانی هستند که نه تنها گرفتار تبعیض در عمل، بلکه گرفتار تبعیض های قانونی در کشورند. در واقع، از میان همه شیعیان جهان عرب، شیعیان عربستان به راستی «مسلمانان فراموش شدهاند. در اندیشه سعودی، شیعه گری، به روشنی، آیینی غیر قانونی است که اگر ریشه کن نشود، تنها باید در انزوا و به صورت شخصی آن را روا دانست. شیعیان عربستان در کرانه های خلیج فارس در منطقه «حسا»(۲) زندگی می کنند. این منطقه

ص: ۲۰۵

۱- – فرانسوا توال، پیشین، ص ۹۶.

۲- – Hasa

که از مرز کویت در شمال تا مرز قطر در جنوب گسترش یافته، دارای جمعیت شیعه بومی و قدیمی است که در دوران آلبویه در صده دهم (میلادی) به شیعه گرویدند. در چند صده گذشته، قبیله های وهابی سراسر این سرزمین را تصرف کردند که بعدها بخشی از عربستان شد. بیشتر میدان های نفتی عربستان درست در همین بخش قرار دارد و ۷۰ درصد کارکنان آن، عرب های شیعه هستند.(۱)

با وجود کمبود آمارهای مورد اطمینان در این زمینه، تصور میشود که شیعیان عربستان سعودی ۸ تا ۱۰ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل دهند. با نادیده گرفتن آمار حکومت (۳۰۰ هزار تن) و آمار رهبران شیعه (۱ میلیون تن) از شمار شیعیان، شمار درست آنها بیش از نیم میلیون تن برآورد می شود. آنها در سرزمین اصلی خود، استان شرقی یا حسا، ۳۳ درصد جمعیت را دارا هستند (شهرهای کهن قطیف و هفوف).(۲)

البته جامعه کوچک، بیمناک و گوشه گیر شیعیان مدینه به نام «نخاویله» را نیز باید به این شیعیان افزود که از ترس سرکوب، خاموشی گزیدهاند. همچنین شماری از شیعیان زیدی و اسماعیلی نیز در استان جنوب (منطقه عسیر، مرز یمن) اقامت دارند و گروهی از شیعیان کیسانی نیز در ینبع

ساکناند.(۳)

پدیده شیعه، مشکل همیشگی حاکمیت ریاض است، نه تنها از سال ۱۹۷۹ که تبلیغات ایران به شورش ها و تنش هایی در میان شیعیان انجامید، بلکه از آن روی که وهابی ها همیشه خود را نماینده سیاسی سنیان خشک و متعصبی می دانند که به

ص: ۲۰۶

۱- – همان، ص۹۸.
۲- – گراهام فولر، رند رحیم فرانکه، پیشین، ص ۳۵۴ و ۳۵۵.
۳- – هادی صبا، "جریان شناسی قدرت در عربستان سعودی"، www.shiastudies.com.

شیعه به عنوان آیین مرتدان و رافضیان می نگرد. سران ریاض گاهی سیاست مراقبت و گاهی سرکوب همراه با همگرایی در برابر شیعیان در پیش گرفته انـد. آنان از خطر بزرگ شیعیان برای اقتصاد کشور نگرانند، و با فشار بسیار در پی بیرون آوردن شیعیان حسا از انزوا و پراکندن آنان در سراسر کشور همراه با سازمان دهی مهاجرت عربهای سنی به این منطقه هستند.

از دهه ۱۹۶۰، شکاف عربستان سنی و ایران شیعه، عامل مهم بی ثباتی منطقه خلیج فارس بوده است. به باور ژان آندره سلیه، پیدایش انقلاب اسلامی نه تنها مشکلی را حل نکرد، بلکه تضاد فرهنگی، مذهبی، ملی و ژیوپلیتیکی را تشدید کرد.

با این همه، شیعیان عربستان کم شمارند و برای حکومت خطری ندارند و خواهان قدرت سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی نیستند. از دیدگاه پیروی از مرجعیت، در عربستان، شیعیان دو دسته شدهانـد: پیروان «خط امام» یا آموزه های آیت الله خمینی که گرایش های انقلابی دارند، و پیروان آموزه های آیت الله شیرازی که به احتیاط در عرصه سیاسی باور دارند. شیعیان عربستان که از دید جغرافیایی، در نزدیکی بحرین سکونت یافته اند، به دلیل پیوندهای خونی، نزدیکی بسیاری با یکدیگر دارند. هر دو جامعه بسیار پیشینه دارند و از جهت های گوناگون خود را جامعه ای یگانه می پندارند و نگران آسایش و رفاه یکدیگرند. از این روی عربستان نگران جایگاه آینده شیعیان بحرین بوده و سخت خواهان سرکوب هر گونه گرایش به مردم سالاری در بحرین است و اگر نه، شیعیان بحرین خواهند توانست از شیعیان عربستان پشتیبانی دولتی کنند. افزون بر این، منطقه شرقیه (حسا) از نظر فرهنگی امتداد فرهنگ شیعی ایران و عراق به شمار

می آید و مراودات مردمان آن با شیعیان عراق و ایران همواره گسترده بوده است. با این همه، در حالی که تغییر شرایط سیاسی در عراق و لبنـان امکـان ایفـای نقش سیاسـی مثبت تری را از سوی شـیعیان عربسـتان سعودی و بحرین فراهم کرده است، آنها همچنان تحت تبعیض های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار دارند.(۱)

بحرین

جنجالی ترین مسئله شیعه در امیر نشین بحرین مطرح است. شیعیان بحرین، که بیشترینه جمعیت این کشور را تشکیل می دهند، در سنجش با برخی دیگر از جامعه های شیعه در جهان عرب، در وضعیت بسیار ناگوارتری به سر می برند که در دهه گذشته به مراتب وخیم تر شده است. خانواده سنی حاکم (خاندان خلیفه)، نظامی خودکامه بر پا کرده است که از مشارکت شیعیان در عرصه سیاسـی جلوگیری می کنـد و از دید اقتصادی نیز درباره آنان تبعیض روا می دارد. شـیعیان بحرین، ۶۵ درصد مردم این کشور را تشکیل می دهند.(۲) ریشه آنان - که بیشتر روسـتایی اند - نیز همچون دیگر شـیعیان این منطقه به دوره آل بویه می رسد.

۱- - راجر شاناهان، پیشـین. همچنین نگاه کنید به: ماه نامه اخبار شـیعیان، سال نخست، پیش شـماره دو، شـماره یک و شـماره دو. ۱۳۸۴.؛ برای آگـاهی بیشـتر از سـیاست دینی عربسـتان و آییـن وهـابیت، نگـاه کنیـد بـه: سـمانه خـان احمـدلو، "فرهنگ وهابیت"، مجمع جهانی شـیعه شناسـی،www.shiastudies.com . مولـوی روضـه بـاغی، "شـناخت وهـابیت و رد آن". جعفر سـبحانی، "آئین وهـابیت". مولوی عبـدالرحمن چابهـاری، "عقایـد اهل سـنت و جماعت در رد وهابیت و بـدعت". علی اصـغر فقیهی، "وهابیـان"، انتشـارات صـبا، ۱۳۵۲. حمیـد عنـایت، "سـیری در انـدیشه سیاسـی عرب" امیرکـبیر،۱۳۷۶. رمضان البوطی، "سلفیه بدعت یا مذهب"، ترجمه: حسن صابری، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.

۲- - فرانسوا توال، پیشین، ص ۱۰۰ و ۱۰۱.

امروزه، بیشترینه آنان وضعیت اجتماعی و مذهبی بسیار آشفت های دارند و برای مهار این آشفتگی، بحرین بر همسایه سعودی خود تکیه میکند. این کشور، همچون عراق، یکی از دو کشور عربی است که شیعیان بیشترینه جمعیت آن به شمار میروند. به نوشته گراهام فولر، جمعیت بومی و مهاجر بحرین نزدیک به ۶۰۰۰۰۰ تن تخمین زده شده که شیعیان نزدیک به ۷۰ درصد جمعیت بومی آن هستند.

شیعیان بحرین دو دستهاند: بحرینی های بومی (بحارنه)(۱) که پیشینه دیرینهای دارند و ۵۰ درصد جمعیت این کشوراند و شیعیان ایرانی تبار (عجم) که نزدیک به ۲۲ درصد کل جمعیت هستند.(۲)

رسمی شدن آیین شیعه در ایران (صفوی) در سال ۱۵۰۰، به شیعیان بحرینی نیرو و توان تازهای بخشید و از ۱۶۰۲ این سرزمین زیر سلطه ایران (صفوی) درآمد. اما چیرگی شیعیان بر بحرین در ۱۷۸۲ و در پی پیروزی دودمان خلیفه، که از قطر — همسایه کرانه خاوری بحرین- به این کشور آمدند، با کشتار و راندن شیعیان پایان یافت. در سالهای بعد نیز قبیله های دیگری به درخواست خاندان خلیفه از عربستان به این جزیره آمدند تا هم شیعیان را سرکوب کنند و هم بافت جمعیتی را به سود سنیان بهبود بخشند. به گفته برخی از شیعیان، خاندان سنی حاکم همچنان وابستگی به کشور همسایه، عربستان، را دنبال میکند و سنیان بیگانه را وارد کشور می کنند تا توان جمعیتی شیعیان را کاهش دهد. به این ترتیب، به زودی سنیان جمعیت شهر نشین و طبقه بالا را شکل دادند و شیعیان به

۱- - Baharna

۲- - گراهام فولر، رند رحیم فرانکه، پیشین، ص ۲۴۵ .

روستاها رانده شدند. البته، باوجود اجرای این سیاستها، امروزه، جمعیت شیعی بحرین رشد بیشتری داشته است. به گفته گراهام فولر، ورود بریتانیا نقطه عطفی در وضـعیت جامعه شیعه بود. حکومت بریتانیا خواهان پایان آزار و کشتار شیعیان در جزیره بود و در زمان فرمان روایی این کشور در دهه ۱۹۳۰، شیعیان به پیشرفت اجتماعی چشم گیری به ویژه در زمینه آموزش و پرورش دست یافتند.

عامـل خارجی (ایران) را نیز نمی توان در فشار تاریخی بر شـیعیان بحرین نادیـده گرفت. ایران پیش از انقلاب، با این اسـتدلال که شیعیان بحرین ایرانیاند، همواره بر این جزیره ادعای مالکیت میکرد که با استقلال این جزیره و حاکمیت آل خلیفه سنی این ادعاها پایان یافت. از آنجا که شـیعیان بیشترینه مردم این کشورانـد، متنفـذان حاکم، هر گونه درخواست آنان را برای گسترش مردم سالاـری یـا ایجـاد فرصـت هـای برابر، تهدیـدی برای نظـام مسـتقر می پندارنـد. امروزه، رژیم برای تـامین منـابع مـالی از همسایگان خود – بیشتر عربسـتان و کویت – یاری می جویـد (گفته میشود بیش از ۴۵ درصد بودجه بحرین را عربستان تامین میکنـد) و نیز از آنجا که بحرینیهای بومی به اقـدامهای خشن و سـرکوبهای غیرانسانی تن نمی دهنـد، رژیم برای گسترش توان امنیتی خود به وارد سـاختن بیگانگان اقـدام کرده است. در این راسـتا از نیروهای شـبه نظامی سوری و اردنی برای حفظ نظم و جلوگیری ازگسترش آزادی هـا و دگرگونی هـای سیاسـی بهره میبرد و برای سـرکوب نـا آرامی ها و راه پیمایی ها، بلوچ ها و یمنی ها به عنوان نیروهای امنیتی به کار گرفته می شوند.(۱)

البته نقش کشور بزرگ همسایه، عربستان، در رخدادهای بحرین انکار ناپذیر

ص: ۲۱۰

۱- – همان، ص ۲۹۲ و ۲۹۳.

است. ریاض به سه علت از سیاست های نرمش ناپذیر بحرین پشتیبانی میکند: نخست، این کشور با هر گونه گسترش مردم سالاری در منطقه که شاید خود رژیم عربستان را زیر فشار بگزارد، سخت مخالف است؛

دوم، ایدیولوژی وهابی عربستان این کشور را رویاروی شیعیان قرار میدهد و اگر بتواند، هرگز به آسانی با قدرت یابی شیعیان در کشورهای همسایه کنار نخواهد آمد؛

سوم، شیعیان بحرینی پیوند نزدیکی با شیعیان عربستان دارند؛ به گونهای که هر گونه کامیابی شیعیان بحرین به زودی شیعیان عربستان را متاثر می سازد. به باور شیعیان بحرین، سربازان ضد شورش عربستان در ۱۹۷۵ برای سرکوب ناآرامی ها وارد بحرین شدند. به باور یک روحانی برجسته شیعه، اگر پشتیبانی های عربستان از خاندان خلیفه نبود، آنان از مدتها پیش وادار می شدند با شیعیان به گفتگو بپردازند.

با این همه، با توجه به ساختار شکنی آشکار در عراق و به قدرت رسیدن شیعیان عرب در یک کشور عربی، و با توجه به تاثیر مستقیم و فزاینده اوضاع شیعیان عراق بر شیعیان کرانه خلیج فارس و به ویژه بحرین که همچون عراق در بیشترینهاند، و با در نظر گرفتن این واقعیت که دیگر عربستان نمی تواند برای تشویق سرکوب شیعیان در منطقه از دستاویز «خطر عجم» (ایران) بهره برد و این که این خطر به دل جهان عرب (عراق) راه پیدا کرده است و دیگر نه «خطری بیگانه»، که «واقعیتی خودی» به شمار خواهد آمد، می توان گفت که سالهای آینده، سال هایی سرنوشت ساز برای کشور بحرین و شیعیان آن خواهد بود و اینکه آیا در این کشور نیز همچون موارد لبنان، کویت و عراق، برای حل این

ص: ۲۱۱

معضل، منطق جنگ و ستیز به کار رود، به رفتار حاکمان این کشور و کنشها و واکنش های شیعیان بیدار شده بحرین بستگی دارد.

کویت

کویت در شمال سرزمین حسا قرار دارد و یک چهارم مردم آن شیعه اند که بخشی بومی و بخشی مهاجراند. شیعیان کویت گر چه دارای حقوق سیاسی هستند، همانند عربستان همان مسایل و خطرها را برای امیر کویت پدید می آورند. شیعیان کویت، از دید جمعیتی، از شیعیان دیگر کشورهای عرب ناهمگون ترند. این شیعیان سه گروه جدا از هم هستند: دو گروه نخست، حساوی (از حسا در خاور عربستان) و بحارنه هستند، که عرب بوده، در عربستان، بحرین، جنوب عراق یا استان خوزستان ایران ریشه دارند. سومین و بزرگترین گروه، عجم ها هستند. آنان شیعیانی هستند که تبار ایرانی دارند، اما چندین نسل در کویت زندگی کرده اند.(۱)

شیعیان کویت تا اندازه ای به برابری های قانونی بسیار دست یافته اند؛ از این روی، مسئله شیعیان در این کشور شدت کمتری دارد. کویت تنها کشوری است که شیعیان اکنون حقوق کامل خود را از نظام مسلط سنی و نیز از خود جامعه سنی می خواهند. آنان که ۲۵ تا ۳۰ درصد از جمعیت کشوراند از مشارکت اجتماعی و سیاسی بالایی برخورداراند و در عمل به تشیع آزاد بوده و وضعیت اقتصادی بهتری دارند. این جایگاه کم و بیش شایسته شیعیان کویت، پیامد آشکار جنگ خلیج فارس در برابر صدام بود. با اشغال کویت به دست عراق در۱۹۹۰،

۱- – همان، ص ۳۱۲.

بسیاری از سنی های دارا و توانمند از کشور گریختند و شیعیان نادار و ناتوان در کشور ماندند و این، به بر هم خوردن بافت جمعیتی به سود شیعیان انجامید.

گفته می شود شیعیان در آن زمان دست کم نیمی از جمعیت ساکن در کشور بودند و خود را پیشگام پایداری در برابر عراقی ها یافتند و در این راه کشته ها و زندانی های بسیاری دادند. این ابراز میهن دوستی شیعیان دو پیامد سودمند داشت: نخست، دودلی سنیان را درباره وفاداری شیعیان به کویت کاهش داد، و دیگر، میان شیعیان و سنیان همبستگی پدید آورد؛ از این روی، پس از جنگ هر دو گروه خواستار احیای قانون اساسی و مجلس ملی شدند.

سیاست حساب شده رژیم کویت در برابر مسئله شیعیان تا اندازهای از رویکرد واقع بینانه و نرمش پذیر حکومت در امور داخلی سرچشمه میگیرد که بیشتر بر بازی هوشمندانه تکیه دارد تا اجبار ناشیانه (در بحرین، عراق پیش از ۲۰۰۳، عربستان). همچنین جامعه کویت - که جامعهای بازرگان پیشه است و نگرشی برون گرا دارد — از توانایی بازاری و بازرگان صفتانه برای توافق و گفت و گو برخوردار است و شیعیان از این فضای بسیار هموار بهره فراوان برده اند؛ و سرانجام، آنچه سبب این دگرگونی ها شده است فرایند گسترش دموکراسی در کویت است که افزون بر نقش شایسته آن در اداره بهتر امور کشور، تاثیری شفابخش بر پیوندهای فرقه ای نیز خواهد داشت. البته شیعیان کویتی نیز با مانع ها و محدودیت های دست و پا گیری رو در رو هستند؛

نخست، همچون شیعیان دیگر کشورهای عرب، مسئله «وفاداری» است که به نابرابری در فرصتها می انجامد. در این میان مسئله «مرجعیت» و «تقلید» شیعیان از مراجع، دلیل اصلی بی اعتمادی حکومت کویت به شیعیان است. پیروی شیعیان

ص: ۲۱۳

کویتی همچون دیگر شیعیان عرب از مراجع ایرانی یا مراجع ساکن ایران و نگاه آنان به شهرها و آموزشگاه های دینی ایران و مسافرت گسترده

به ایران، به نگرانی سنیها دامن زده و پندار «وفاداری دوگانه» شیعیان را برجسته می سازد. دیگر آنکه، نابرابری در فرصتها و اشکال ضریفی از تبعیض همچنان پابرجا است؛ به ویژه شیعیان گرفتار تبعیض در زمینه کارگزینی های دولتی هستند. آنها نمی توانند در بخش های «حساس» حکومتی به کار بپردازند و پست های بالا تر در دسترس آنان نیست، به ویژه که نظام توصیه و خویشاوند سالاری قبیله ای به این محدودیت استخدام دولتی دامن میزنند.

افزون بر این، سیاست حکومت در دادن حق شهروندی، از نگاه شیعیان و همچنین لیبرالهای سنی، متعصبانه است. در سالهای گذشته، به ویژه از زمان جنگ خلیج فارس، حکومت، گزینشی به قبیله های بیابان گردی که در دو سوی مرزهای کویت — عربستان و کویت — عراق رفت و آمد میکنند، حق شهروندی داده است. شیعیان بر این باوراند، در حالی که حکومت از دادن شهروندی به قبیله های شیعه خودداری میکند، آشکارا برای اثرگذاشتن بر ساختار جمعیتی کشور به سود قبیله های سنی محافظه کار و وفادار، به آنان شهروندی میدهد. و سرانجام، گسترش وهابیت و افزایش چشم گیر شمار سلفیها (پایبندان تند روی وهابیت)، بنیادی ترین مانع برای پذیرش شیعیان در کویت به شمار می رود. آنها در عربستان آموزش دیده اند و از شیخ هایی چون بن باز یا بن جبرین پیروی می کنند. با پشتیبانی عربستان، وهابیت در کویت، عراق و بحرین در حال گسترش است. این آیین که شیعیان را بدعت گزار و تحریف کننده اسلام میداند، در میان قبیله های سنی و محافظه کار کویت بیشترین پیشرفت را داشته است.

قطر

قطر در جنوب سرزمین حسا قرار دارد و ۲۰ درصد از مردم آن شیعه هستند، که افزون بر کمترینه دینی، از دید اجتماعی و اقتصادی نیز در تنگنا هستند. در این کشور نیز به سبب نفوذ گسترده وهابیت، همان مسایل و دشواری های شیعیان عربستان و بحرین، وجود دارد.

امارمتحده عربی

در امارات، ۶ درصد از مردم شیعه هستند که بیشتر در امیر نشین دبی متمرکزاند. حضور شیعیان در مهمترین امیر نشین نفت خیز امارات، همان نگرانی های عربستان را در این کشور نیز پدید می آورد. افزون بر آن، به باور سعید زهلان، در دبی نیز همچون بحرین، نفوذ شدید ایران وجود دارد.(۱)

در مجموع، خلیج فارس- که بیشتر ذخایر نفتی خاورمیانه را در خود دارد - از نگاه جغرافیای دینی زیر سلطه شیعیان است، و به قدرت رسیدن شیعه در ایران، آرزوهای آنها را زنده کرده و اکنون نیز با به قدرت رسیدن شیعیان در عراق و تثبیت جایگاه آنان در ساختار قدرت در این کشور مهم و کلیدی عرب، شیعیان خلیج فارس، به ویژه شیعیان بحرین، از فرصتی تاریخی و استثنایی برای دستیابی به خواسته های خود بهره مند شده اند و از دیگر سوی، این تحولات، نگرانی بسیاری را در میان دولت های عرب منطقه پدید آورده است.

لبنان

شیعیان لبنان با پویایی سیاسی و ایدیولوژیکی شگفت آور خود، امروزه به

۱- - به نقل از: فرانسوا توال، پیشین، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

مهم ترین جامعه شیعه در جهان عرب (البته پس از شیعیان عراق در پرتو سرنگونی صدام) تبدیل شدهاند. شمار شیعیان لبنان ناچیز و بیش از ۳/۱ میلیون تن برآورد می شود که ۳۰ تا ۴۰ درصد مردم این کشوراند و بزرگترین گروه فرقه ای در کشور به شمار می آیند. آنان نخستین جامعه شیعی هستند که به عنوان یک گروه و بی اتکا به دیگران، در جهان عرب نوین به قدرت سیاسی چشم گیری دست یافته اند و در دوره ای سی ساله، به نیرومندترین نیروی سیاسی لبنان کنونی تبدیل شده اند. و با آن که بیشترینه نسبی جمعیتاند، دست آورد آنها در سنجش با شیعیان عراق و بحرین، که بیشترینه مطلق کشور آنها هستند، چشم گیرتر است.

شیعیان از دید تاریخی، از آغاز پیدایش شیعه در لبنان حضور داشته اند. از دید جغرافیایی، آنها در دو بخش جداگانه نشیمن یافته اند: در جنوب (جبل عامل) و خاور

لبنان کنونی (دره بقاع).

به باور ژان پی یر آلم، پس از سال ها انزوا و سرکوب توسط عثمانی ها و دروزی ها، با آغاز سرپرستی فرانسه، شیعیان برای نخستین بار در طول تاریخ شان به نوعی ارج و هویت دست یافتند که پیامد پیدایش ساختار نمایندگی بود. در واقع به رسمیت شناختن هویت شیعیان در لبنان، ریشه در حضور فرانسه داشت.(۱) به باور فرانسوا توال، پس از دهه ۱۹۶۰ تا آغاز جنگ داخلی در۱۹۷۵، جامعه شیعه با تغییرات بزرگی رو به رو شد و به یکی از بازیگران بنیادی و مهم میدان نبرد در لبنان تبدیل شد:

نخست، افزایش جمعیت که به مهاجرت گسترده به بیروت انجامید. به این

۱- – همان، ص ۱۳۰.

ترتیب، بیروت در کنار جبل عامل و دره بقاع، سومین قطب شیعه لبنان شد و شیعیان – با کنار زدن سنیها - درکنار مارونی ها بر شهر حاکم شدند. این دگرگونی ترکیب جمعیتی به سود شیعیان، تغییر در وزن سیاسی آنان را در سطح ملی اجتناب ناپذیر ساخته که رخدادهای چند سال گذشته پیامد و برایند این دگرگونی اند.

دومین عامل مهم، رها کردن جنبش ناصری و روی آوری به آموزه سیاسی برجسته تر یعنی جنبش شیعه بود که این نوزایی هویتی شیعه پیامد ابتکار (امام) موسی صدر، رهبر برجسته و جاوید الاثر شیعه بود.

بازگشت به آیین شیعه و هویت شیعی عبارت بود از تحکیم روابط میان شیعیان لبنانی وایرانی. به باور اولیویه روی، همان گونه که در زمان پاگیری آیین شیعه در ایران، پادشاهان صفوی از خطیبان شیعه لبنانی برای تبلیغ این آیین بهره بردند، چهار صده بعد لبنانی ها نیز همین کار را کردند: بازگشت شیعه به لبنان پیش از انقلاب ۱۹۷۹ ایران، در چارچوب ایرانی کردن روحانیت و تقویت پیوندها میان روحانیت لبنانی و ایرانی انجام شد.(۱)

با این پیش زمینه، پس از انقلاب ۱۹۷۹ ایران، جنوب لبنان یکی از هدفها و پایگاه های ایران انقلابی در خاور نزدیک شد.

افزایش جمعیت و جنبش هویتی شیعه به زودی پیامد سیاسی خود را نشان داد و در جنگ داخلی لبنان، گروه های پیکارجوی شیعه با تاکید بر خروج از جایگاه شهروند درجه دو، به درگیری با گروه های رقیب پرداختند - و اکنون که شیعیان از دید جمعیتی در بیشترینه قرار گرفتند، گرایش دارند که به عنوان جامعه

۱- - همان، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

نخست لبنان شناخته شوند.

به باور گراهام فولر و خانم فرانکه، افزایش قدرت شیعیان پیامد چندین عامل گوناگون است: نخست، نقش ماندگار امام موسی صدر، روحانی ایرانی پیش از انقلاب، در پدید آوری یکپارچگی و هویت شیعیان لبنان. دوم، فروپاشی کامل حکومت مرکزی در پی جنگهای ویرانگر داخلی لبنان. سوم، پیدایش نخستین سازمان های شبه نظامی شیعه (جنبش امل وسپس حزب الله در ۱۹۸۲م) در پی کاهش قدرت حکومت مرکزی و آغاز جنگهای شهری در ۱۹۷۵.

چهارم، ساختار ویژه توزیع قدرت سیاسی در لبنان که بر پایه نسبت جمعیتی از پیش تعیین شده فرقه ها بوده است. این ساختار، موجب به رسمیت شناخته شدن موجودیت فرقه ای و حقوق جمعی مشروع شیعیان از زمان استقلال (۱۹۴۳) شده بود (برخلاف دیگر شیعیان کشورهای عرب که وجود و حقوقشان حتی به رسمیت شناخته نشده است). و سرانجام، پیمان طایف در ۱۹۸۹،- که به جنگ داخلی ۱۵ ساله پایان داد – حضور بیشتر شیعیان در صحنه سیاسی لبنان و امتیازاتی را که در جنگ داخلی به دست آورده بودند. رسمیت بخشید. این پیمان برای نخستین بار پس از قانون ۱۹۴۳، به مسلمانان حقوقی برابر با مسیحیان و به شیعیان سهمی برابر با سنیان داد.(۱)

درباره نقش و عامل کشورهای بیگانه در پیدایش قدرت شیعی در لبنان، این

ص: ۲۱۸

۱- - گراهام فولر، رند رحیم فرانکه، پیشین، ص ۴۰۴ – ۴۰۲ ؛ برای آگاهی بیشتر از پیشینه شیعیان لبنان، نگاه کنید به: "امام موسی صدر و شیعیان لبنان"، مجمع جهانی شیعه شناسی، www.shiastudies.com. و همچنین: ریولا جوردی، "علمای جبل عامل در دولت صفویه"، برگردان مصطفی فضائلی، www.shiastudies.com

دو نویسنده بر این باورند که این نقش در دو دهه نخست ناچیز بود. هر چند امام موسی صدر ایرانی بود ولی بر نیروی خود و کمکهای داخلی تکیه داشت و بودجه ای که از سوی شاه فرستاده می شد ناچیز بوده و شامل سلاح نمی شد. از این روی، اگر زیربنای اجتماعی و سیاسیای که صدر مدتها پیش از انقلاب پدید آورده بود، نمی بود، ایران پس از انقلاب چندان زمینه هموار‌ی برای ورود به لبنان نمی یافت. البته پشتیبانی همه جانبه ایران – پس از انقلاب - از گروههای شیعه، به ویژه حزب الله، و پشتیبانی سوریه از گروه شیعه امل در دست یابی به پیروزی های شیعیان را نمی توان نادیده انگاشت. نمونه این پشتیبانی ها را در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ میان گروه حزب الله و ارتش اسراییل می توان مشاهده کرد. سرانجام، شایان یاد آوری است که شیعیان لبنان در حال احیای نقش ویژه خود در تشیع هستند و با افزایش نقش آیت الله سید محمد فضل الله، رقیب جدیدی برای مرجعیت غیر بومی و ایرانی پدید آمده است.

۲- شیعیان علوی (علویان)

۲-۱:ترکیه

به باور آلتان گوک آلپ در کتاب «علوی ها»(۱)، کم و بیش یک چهارم از مردم ترکیه شیعه علوی هستند.(۲) آیین علوی (همچون دروزی) آیین بسته ای است و انسان علوی باید علوی زاده شود. آنها در جنوب خاوری آناتولی زندگی می کنند

ص: ۲۱۹

۱- Les Alevis-

۲- - به نقل از: فرانسوا تووال، پیشین، ص ۶۹ . همچنین بنگرید به: نوری دونمز، "علویان ترکیه"،www.shiastudies.com.

و در گذشته که ازکوچ نشینان ترکمنی بوده اند، قزلباش نامیده می شدند. همچنین بسیاری از آنان از کمترینه کرد ترکیه به شمار می روند. علویان شیعیان دوازده امامی، اما متفاوت از ایرانیان هستند. آنها دارای روحانیت سازمان یافته نیستند. به باور فرانسوا توال، خداشناسی علوی با گنجاندن موضوعات دور از انتظار دیگر مسلمانان و با تقدس بخشیدن به برخی از شخصیتها، به طور خودکار پیشرفت کرد. رانده شدن و آسیب های علویان از عثمانی سنی، سرچشمه اتحاد تنگاتنگ و همه جانبه علویان با کمالیسم شد. برای آنها جمهوری لاییک آتاتورک بهترین تکیه گاه در برابر شکنجه ها و آزارهای گذشته از سوی سنیها بود. به این ترتیب، آیین علوی با گذشت زمان به موثرترین متحد مسلک لاییک کمال آتاتورک تبدیل شد.

گروه دیگر شیعیان ترکیه بکتاشی ها هستند. آنها برخلاف علوی ها (در گذشته)، در شهرها یافت می شوند. آنها در تاریخ امپراتوری عثمانی نقش به سزایی داشتند. و با گسترش رویکرد نویی از شیعه گری، خود را از علویان جدا کردند، به ویژه که آیین منعطفی را تبلیغ میکردند که هر کسی می توانست به آن بپیوندد. امروزه، آیین بکتاشی در ترکیه و بالکان (به ویژه آلبانی) باقی مانده است. شیعه گری ترکیه به گونه فزاینده‌های حاشیه ای است، هم نسبت به سنی ها و هم نسبت به شیعه دوازده امامی که در ایران است. و به دلیل موضوعات خداشناسی - که با تشیع رسمی بسیار فاصله دارد - ترویج می کند، منزوی شده است.

۲-۲: سوریه

در سوریه، در کنار بیشترینه سنی، کمترینه های شیعه ای با نام علویان (۱۳

درصد)، دروزیها (۳ درصد) و اسماعیلیها (۱ درصد) یافت می شود.(۱) علویان در بلندی های شمال باختری سوریه و کرانه های مدیترانه زندگی می کنند. از صده ها پیش، علویان مردمانی تهیدست و خوار شده از سوی عثمانی و سنی ها بوده و حتی بسیاری آنان را نامسلمان می دانستند. ولی آنها شیعهاند و پیامد جداییای هستند که در زمان پیشوای یازدهم پدید آمد و امام عسگری علیه السّلام را واپسین پیشوای عادل میدانند. واکنش سنی ها، آنها را وادار کرد تا به کوه های شمال باختری سوریه (جبل انصاریه) پناه ببرند.

پس از نخستین جنگ جهانی، حضور فرانسه در شام، به بیرون آمدن علوی ها از انزوای اجتماعی و سیاسی انجامید. فرانسه در زمان سرپرستیش، ارتش سوریه را بنیان نهاد که بسیاری از علویها – برخلاف بیشترینه سنی که همچون بیشترینه شیعیان عراق از همکاری با یک کشور نامسلمان سرباز میزدند – در آن نام نویسی کرده و بعدها هسته آن را در اختیار گرفتند. با استقلال سوریه در ۱۹۴۵ ودرگیری های بعدی آن با اسراییل، حزب بعث پدیدار شد و پایه های خود را استوار ساخت.

برای کمترینه ای چون علویان زجر کشیده، آموزه (دکترین) رسمی بعث که بر اصول لاییک و ناسیونالیسم پایه ریزی شده و از فرقه گرایی مذهبی تند رو دور بود،- همچون علویان ترکیه در جنبش کمالیسم - به آنان امکان بیرون رفتن از انزوا را میداد. دستیابی بر ارتش و حزب بعث توسط علویان در پایان دهه ۶۰ ، به در دستگرفتن کامل قدرت سیاسی در سوریه انجامید که تا کنون ادامه دارد.

ص: ۲۲۱

۱- – همان، ص ۱۱۱.

گر چه علویان مورد تایید روحانیت ایران و شیعه امامی نیستند،(۱) ولی هم پیمانی سوریه با ایران شیعی در جنگ عراق و ایران و تاثیر حکومت علویان در نزدیکی میان ایران، سوریه و شیعیان لبنان را نمی توان نادیده گرفت.

در حال حاضر، با توجه به تاکید ایالات متحده بر پیاده سازی مردم سالاری در منطقه (طرح خاور میانه بزرگ)، آینده رژیم علوی سوریه در پرده‌ای از ابهام است، و بیشترینه سنی این کشور خود را برای رسیدن به قدرت آماده می کنند.

۳- شیعیان اسماعیلی (هفت امامی)

آسیای میانه

دومین شاخه بزرگ شیعیان امامی - پس از آیین دوازده امامی - شیعیان هفت امامی یااسماعیلی اند. کمترینه های شیعه که از کانون مرکزی شیعه دور هستند، به گونه ای پراکنده در آسیای میانه زندگی می کنند. که به سه بخش زیر تقسیم می شوند: اسماعیلی های بدخشان افغانستان،

اسماعیلی های بدخشان تاجیکستان و مسخط های ازبکستان.

دو گروه نخست اسماعیلی نزاری هستند که واپسین سکونت گاه آنان کوه های بلند پامیر بود. رهبر آیین اسماعیلی آقاخان نام دارد که اکنون رهبری شانزده میلیون تن را در آفریقا، آمریکا و آسیا به عهده دارد. پیروان این آیین نزدیک به دو درصد از کل جمعیت مسلمانان افغانستان بوده و بیشتر در بدخشان، واخان، لغمان، و دره های اطراف آن ساکن اند. مرکز اسماعیلیان در بدخشان،

۱- - همان، ص۱۱۷.

شهرستان شیغنان است و آنها بیشتر از نژاد تاجیکاند.(۱) افزون بر افغانستان و تاجیکستان، در بلندی های پامیر در کشور چین نیز برخی جوامع تاجیک دارای آیین اسماعیلی بوده و تا کنون آن را حفظ کرده اند.(۲)

گروه سوم (مسخط های ازبکستان)،گرجی هایی هستند که در صده دهم مسلمان شدند. اینان ترک زبان شده و به شیعه گرویدند. از آنجایی که در جنوب گرجستان در مرز ترکیه زندگی می کردند، استالین آنان را در سال ۱۹۴۱ از ترس نفوذ ترکیه به دره فرغانه در ازبکستان تبعید کرد. آنها مورد تبعیض و ستم فزاینده ازبکهای سنی قرار دارند. به طور کلی، حضور شیعه در آسیای میانه پدیده ای ژیوپلیتیکی نیست. این حضور بسیار کم رنگ و کوچک است، و هم از دید جمعیتی و هم از نگاه جغرافیایی، بسیار حاشیهای و کم اهمیت اند.

۴ – شیعیان زیدی (پنج امامی)

یمن

زیدیه یکی از فرقه های شیعه است که به دنبال خیزش نافرجام زید بن علی بن الحسین در سال ۷۴۰ (میلادی) در کوفه به وجود آمد. آنان به مشروعیت پنج امام بسنده کرده بودند. پس از مدتی، تکاپوی زیدیان با کامیابی به سرزمینهای دوردست و کوهستانی جنوب دریای مازندران و کشور یمن منتقل شد.

ص: ۲۲۳

۱- – فرهاد دفتری، "تاریخ و عقاید اسماعیلیه"، تهران،۱۳۷۷. و همچنین: "شیعیان افغانستان"، پیشین. داود الهامی، "پیدایش شیعه اسماعیلیه"، www.shiastudies.com .

۲- – میشل دیون، "مسلمانان چین"، برگردان سید محمد موسوی، www.shiastudies.com .

مکان هایی که امکان گریز از نظارت حکومت مرکزی در آنها وجود داشت.

کوهستان های شمالی یمن، از هزار سال پیش به این سو پناهگاه شیعیان زیدیه بود و زیدی، نخستین فرقه از شیعه بوده و طولانی ترین دولت شیعه را بنیان نهادند. در سال ۱۹۶۲، انقلاب جمهوری خواهان- باپشتیبانی ناصر- در صنعا روی داد و قدرت هزار ساله زیدیان را فرو ریخت. این شیعیان ۴۵ درصد مردم شمال یمن بودند که با یکپارچگی دو یمن در سال ۱۹۹۰، این درصد در یمن یکپارچه کاهش یافت و به کمتر از ۳۰ درصد رسید. افزون بر شیعیان زیدی، شمار کمی از شیعیان اسماعیلی و دوازده امامی نیز در یمن حضور دارند.(۱)

پس لرزه های قدرت یابی شیعیان در عراق به زودی به این کشور عرب رسید و در سال ۲۰۰۴ نیروهای نظامی دولت یمن در مناطق کوهستانی شمالی کشور با هواداران «حسین بدرالدین الحوثی»، روحانی شیعه و مؤسس یک گروه اصول گرا به نام «جوانان مؤمن» درگیر شدند. در این میان پشتیبانی آشکار مراجع نجف و قم (دوازده امامی) از شیعیان زیدی یمن در این شورش و محکوم نمودن دولت یمن از سوی مراجع، باعث پیوند این شیعیان با مرکز تشیع و بیرون آمدن آنها از انزوای دیرین شده است.

فرجام

صده بیستم برای همه شیعیان به ویژه شیعیان عرب، صده بیداری

ص: ۲۲۴

۱- – ویلفرد مادلونگ، "زیدیه"، برگردان سیدمحمد منافیان، www.shiastudies.com . و راجر شاناهان، پیشین. و عصام العماد، "شیعیان یمن: فرصت ها و چالش ها"، ماه نامه اخبار شیعیان، سال نخست، شماره نخست، آذر ماه ۱۳۸۴، صص ۳۴ و ۳۵. و همچنین علی ربانی گلپایگانی، "تاریخ پیدایش زیدیه و عقاید زید بن علی"، www.shiastudies.com.

رانده شدگان است.بیداری این رانده شدگان در جهان عرب پیامدهای سنگینی برای ثبات رژیم های موجود دارد. بسیاری از این شیعیان در مناطق نفت خیز زندگی می کنند و اینک تشیع عربی در مناطق بسیار حساس ژیوپلیتیکی حضور دارد. از دیدگاه فرانسوا توال، از این پس، در خاورمیانه و خاور نزدیک - چه در سیاست داخلی و چه در روابط خارجی - هیچ چیز بی توجه به واقعیت های شیعی انجام نخواهد پذیرفت. اگرچه ژیوپلیتیک شیعه دارای واحدهای مستقل سیاسی به نام دولتها است، اما پیوندهای تاریخی میان جمعیت ساکن در این منطقه مقدم بر پیشینه های جغرافیایی دولت سازی است. بنابراین سیاست جمعیتی(۱)،

مطالعه شیعه در این منطقه ژیوپلیتیک را تشکیل می دهد. ابتکار طرح خاورمیانه بزرگ دولت بوش و نیز رفرم سیاسی در جهان عرب از یک سو مبتنی بر سیاست خارجی آمریکا و دموگرافی جدید در خاورمیانه است و از سوی دیگر تلاش برای تغییر زیرساخت فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی منطقه است. نقطه عطف سیاسی شدن هویت ژیوپلیتیک شیعه، پس از فروپاشی رژیم صدام حسین است. بلوک شیعه با برجستگی دموگرافی و آموزه های ایدیولوژیک، مترصد گسترش و تعمیق نفوذ استراتژیک در سطوح منطقه ای خواهد بود. عراق شیعه، تاثیرات ژرفی را بر منطقه به ویژه جمعیت شیعه آن خواهد داشت و از این رو، بررسی این مسئله به شناخت

تحولات آینده منطقه کمک شایانی خواهد کرد.

ص: ۲۲۵

۱- Demopolitical-

گفتار دوم:ظهور شیعیان در عراق و پیامدهای منطقه ای آن

الف– رابطه شیعه و سنی در منطقه (در پرتو تحولات پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تغییر موازنه منطقهای میان آنها)

بـا وقوع انقلاب اسـلامی شـیعی در ایران، خودآگاهی به هویت سـنی در میان عرب ها افزایش یافت و این امر در جلوگیری از گسترش انقلاب اسـلامی ایران بسـیار کارساز بود. به دلیل بـدبینی های تاریخی میان ایرانیان و عربها، بسـیاری از عربها انقلاب اسـلامی را دنباله تاریخی خیزش شـیعیان بر خلیفه های اموی و عباسـی می دانند. (به همین دلیل، بسیاری از رهبران کشورهای اسـلامی از جمله صـدام در عراق، ژنرال ضـیاءالحق در پاکسـتان و ملک فهد به خیزش شـیعیان به سـختی واکنش نشان داده و حتی اقـدام به سـرکوب آنها کردند). پس از رخدادهای ۱۱ سـپتامبر و فروپاشـی طالبان، فشار بر شیعیان به ویژه در افغانستان و همچنین پاکستان کاهش یافت و در عراق نیز با فروپاشی صدام زمینه برای قدرت گرفتن شیعیان فراهم شد.

تنش های کنونی میان شـیعیان و سـنی ها، ریشه در این رقابتهای تاریخی و نیز نیرو گرفتن دوباره شیعیان در منطقه دارد. اصلی ترین پشتیبان تهاجم سنی ها به شیعیان، وهابیان و شبکه ترور وهابی ها در پاکستان و افغانستان هستند که از

ص: ۲۲۷

پشتیبانی عربستان برخوردارند. یکی از هدف های بنیادی وهابی ها، پیکار با نیرو گرفتن شیعیان است. (که از ستیز با غرب و آمریکا به عنوان پوششی برای پنهان کردن آن بهره میگیرند) همچنین از مهم ترین هدف های عربستان در پشتیبانی از وهابیان، برقراری موازنه منطقه ای با ایران، به ویژه در خلیج فارس است. این کشور از دهه ۱۹۸۰ این سیاست را دنبال می کند. از همین رو، دور از ذهن است که سنی ها در برابر تغییر موازنه قدرت در عراق به سود شیعیان بی تفاوت باشند.(۱)

کوشش سنی ها در دو دهه گذشته معطوف به این بوده است که مانع از برهم خوردن توازن قوا به سود شیعیان شوند. اما حمله آمریکا به عراق و براندازی صدام و به قدرت رسیدن بیشترینه شیعه در پرتو دموکراسی مورد پشتیبانی آمریکا، این برداشت را در میان عرب ها پدید آورد که عراق دیگر یک کشور شیعی است. حضور موثر شیعیان در حکومت موقت و دائم و نیز قدرت روزافزون آیت الله سیستانی، نگرانی سنی ها را از قدرت گرفتن شیعیان دو چندان کرده است. سنیها به خوبی واقفاند که قدرت گرفتن شیعیان در عراق می تواند موازنه قوا را در سراسر منطقه و به ویژه خلیج فارس به سود شیعیان دگرگون سازد و این یعنی سست شدن رفاه ناشی ازسلطه سنیها بر فروش نفت و نیز برابر بودن فرهنگ اسلامی با فرهنگ سنی.

از سوی دیگر، اهمیت حرکت شیعیان عراق در این است که حرکت آنها محدود به عراق نخواهد بود، بلکه فراتر از مرزهای این کشور از لبنان گرفته تا پاکستان نیز بازتاب خواهد یافت. تغییر موازنه قوا به نفع شیعیان به مراتب بیشتر

۱- Vali Nasr, op. cit-. همچنین: "گفت و گوی نگارنده با اسدالله اطهری"، تهران، مرکز مطالعات استراتژیک خاور میانه، ۲۵/ ۵/ ۱۳۸۵.

از تشکیل یک حکومت میانه رو در بغداد بر معادلات منطقه ای تاثیر خواهد گذاشت و همین مایه نگرانی بسیاری از کشورهای محافظه کار عرب در منطقه شده است.(۱)

بحث هلال شیعه نیز که نخستین بار از سوی عبدالله دوم، پادشاه اردن، مطرح شد، در همین راستا قابل بررسی است. به باور حمید احمدی، «هلال شیعه، به لحاظ فیزیکی و معنوی وجود دارد؛ در ۲۰ – ۳۰ سال گذشته به خاطر انقلاب ایران گروه های شیعه در کشورهایی همچون افغانستان، پاکستان، کشورهای حوزه خلیج فارس و سپس تا لبنان و عراق، واقعیت پیدا کرده و هویت تازهای یافتند. شیعیان گروه هایی هستند که همبستگی خاصی با هم دارند؛ شیعیان به لحاظ مذهبی با هم همبستگی دارند ولی نه به لحاظ سیاسی و نظامی، و به نظر می رسد این یک چیز ذهنی است یا هدف سیاسی دارند یا برداشتی دارند که این ممکن است در آینده به یک خطر سیاسی تبدیل شود و بیشتر این نگرانیها و واکنش ها از نفوذ ایران و قدرت بیشتر ایران در منطقه است.»(۲)

رقابت شیعیان و سنی ها در کشورهای گوناگون منطقه موضوع تازهای نیست، اما رخدادهای اخیر منطقه به آن اهمیت ویژه ای داده است. بی گمان، افزایش

ص: ۲۲۹

۱- -Ibid. همچنین: پیر محمد ملازهی، "بازی پیچیده قدرت در عراق"، ایران دیپلماتیک، به نقل از: www.did.ir.

۲- - "گفت و گوی نگارنده با حمید احمدی"، تهران، مرکز مطالعات استراتژیک خاور میانه، ۱/ ۶/ ۱۳۸۵. همچنین: "گفت و گو با اسدالله اطهری"، پیشین. و همچنین بنگرید به: پپه اسکوبار، "شبح شیعه بر خاورمیانه"، آسیا تایمز، به نقل از: www.shiastudies.com. و پپه اسکوبار، "هلال شیعه در خاورمیانه"، میدل ایست، به نقل از: www.shiastudies.com.

ستیزه جویی در میان گروه های سـنی در افزایش فرقه گرایی بی تاثیر نبوده است. شـیعه ستیزی در میان گروه های ستیزه جوی سنی تنها ابزاری برای بی ثبات کردن عراق و تضـعیف آمریکا نیست، بلکه ریشه در باور این گروه ها نیز دارد که حتی شیعیان را کافر دانسـته و مسلمان نمی دانند. همچنین، حمله آمریکا به افغانستان و به ویژه عراق، این برداشت را در میان عرب ها بسیار تقویت کرد که ایرانیان شـیعه با همکاری پنهانی آمریکا در پی ضـربه زدن به عرب ها و سـنی ها هسـتند. این رخـداد به همراه رخـدادهای دیگر باعث شـد شـیعه ستیزی در میان سـنیها به اندازه آمریکا ستیزی اهمیت پیدا کند. در اصل برداشت رایج میان سنی ها و گروه های افراطی سـنی این است که یک هم پیمانی نانوشته میان آمریکا و شیعیان برای تضعیف سنی ها پدید آمده است و لـذا رویارویی با هر دو سوی این هم پیمانی از اهمیت یکسانی برخوردار است و عراق در این مورد اهمیتی ویژه دارد و به همین دلیل است که تروریست های سـنی از افغانستان به عراق رفته اند. از دید آنان قدرت گرفتن کرزای سنی در افغانستان آن اندازه خطرناک نیست که قدرت گرفتن شیعیان در عراق.

این باور به اندازه ای در میان سنی های تندرو پذیرفته شده است که در روز انفجار بمب در آرامگاه امام حسین علیه السّلام در کربلا، یکی از روحانیان وهابی کویت در سایت اینترنتی خود با بت پرست خواندن شـیعیان، آنان را متهم کرد محور شـرارتی میـان واشـنگتن، تـل آویو و نجف تشـکیل داده انـد تـا نفت خلیـج فارس را تصاحب کرده و سـنی ها را از حقوق خود محروم کنند.(۱)

از دیدگاه مصری ها و سعودی ها، موازنه قوای شیعه- سنی در عراق می تواند

ص: ۲۳۰

۱- - Vali Nasr, op. cit.

موازنه قوای آن دو را در سراسر منطقه به شدت تحت تاثیر قرار دهد. از این رو، عرب ها می دانند آمریکا در توطئه خود برای تجزیه جهان عرب می تواند از شیعیان عراق استفاده کند، لذا نبردگاه عراق برای سنیها از اهمیت حیاتی برخوردار است.

ب- تحولات عراق و کشورهای همسایه

اشاره

سنی ها برای ۱۵۰۰ سال بر سرزمینی که اکنون عراق نام دارد فرمانروایی و مدیریت می کردند. فرمانروایی خلفای عباسی به مرکزیت بغداد بود و کارگزارن، فرمانداران و مدیران حکومتی به گونه ای موثر از منطقه سنی نشین عراق مرکزی گزینش میشدند. اگر چه آنان در عراق کمترینه اند، اما در جهان عرب (اسلام) بیشترینه اند. این امر به گسترش پیوندهای نیرومند ملی گرایی عرب میان بغداد و دیگر پایتخت های عربی منطقه انجامید، و در چشمان همسایگان منطقه ای مشروعیت و اعتبار بی رقیبی به سلطه سنی ها در عراق بخشید.(۱)

در عراق پس از صدام - که شیعه در حال تحکیم جایگاه سیاسی خود هستند - ترس و نگرانی های رژیم های سنی منطقه خلیج فارس به واقعیت می پیوندند، به ویژه اگر عراق به یک دولت شیعه تبدیل شود، از تاثیر این دو مینو در دیگر کشورهای خاورمیانه به سختی می توان جلوگیری کرد.

در این راستا، کوشش های شیخ زائد (رهبر امارات) در میانه سال ۲۰۰۳ برای ارتقا و بهبود برخی اشکال رهبری سیاسی سنی با پشتیبانی از عدنان پاچه چی -

---

۱- Liam Anderson and Gareth Stansfield, “The Future of Iraq : Dictatorship, - Democracy, or Division?”, New York: Palgrave Macmillan, ۲۰۰۴, p. ۱۴۲.

سیاست مدار ۹۰ ساله سنی - یا پشتیبانی اردن از رهبرسلطنت طلبان، شریف علی بن حسین، نمایانگر نبود سازمان سیاسی در میان سنی های عراق و ترس کشورهای عربی از این موضوع است.(۱)

در واقع، در میان کشورهای منطقه، شمار اندکی از آنها به یک عراق نیرومند و مردم سالار خوش آمد خواهند گفت. برای بسیاری از این کشورها، شکل آرمانی برای عراق، رژیمی ضعیف، و مهار شده همچون رژیم صدام بوده و هست. عراق توسط کشورهایی احاطه شده است که در شکست آزمون دموکراسی در عراق ذی نفع هستند (شاید به جز کویت). به طور دقیق ایران، سوریه و عربستان سعودی، هر کدام به دلایل خاص خود، از پیروزی ایالات متحده در عراق شادمان نخواهند شد.(۲)

از سویی دیگر، قدرت گرفتن شیعیان در عراق و افزایش اهمیت آنها پیامدهای ژیوپلیتیکی مهمی در جهان عرب و بیرون از آن بر جای خواهد گذاشت. اکنون شیعیان بسیاری از کشورهای دیگر منتظر قدرت گرفتن شیعیان عراق هستند تا خواستار آزادی های مدنی و نمایندگی دموکراتیک هرچه بیشتر شوند.(۳)

عراق، بیش از یک دهه تقریبا در انزوا به سر برده و مراوده چندانی با همسایگان خود نداشته است. این کشور، پس از تحمل چندین دهه حکومت خودکامه و بیش از ده سال انزوای منطقه ای اکنون در اختیار بازیگران سیاسی

۱- - Ibid, p. ۱۵۲.

۲- - Ibid, pp. ۲۰۷-۲۰۸.

۳- - "گفت و گو با حمید احمدی و اسد الله اطهری"، پیشین.

تـازه ای قرار گرفته است که از همکـاری منطقه ای و ایفـای نقش فعال در این نقطه از جهان سـخن به میان میآورنـد. تحولات داخلی عراق و وضـعیت هر یک از سه گروه عمده قومی - مذهبی عراق یعنی شیعیان، کردها و سنی های عرب می تواند تأثیر فراوانی در کشورهای همسایه و حتی کشورهای دوردست برجای بگذارد.

همسایگـان عراق بـا آمیزه ای از نگرانی، خشم و فرصـتی مغتنم تحولاـت این کشور را بـا جـدیت دنبـال می کننـد. علت توجه کشورهای همسایه به عراق قابل درک است چون بسیاری از حوادثی که در این کشور جریان دارد، در کشورهای همجوار آن که خود بـا مسایـل مهمی همچون هویت، قومیت، مشـروعیت، بنیـادگرایی و دیگر مسایـل مرتبـط با دین، دست و پنجه نرم می کنند، نیز وجود دارد. ملیگرایی کردها در عراق، چشم همه کردهای ساکن در این منطقه را به خود دوخته است.

مرکز تشیع جهان، شـهر مقدس نجف است. اسـلام گرایان سنی در خارج از عراق نیز می توانند با گروه های جهادی سنی در داخـل عراق به آرمـان مشترکی دست یابنـد. ترکهـا، خود را با ترکمن های عراق خویشاونـد می داننـد و خود را در برابر آنها مسئول قلمداد می کنند. احساسات ضد آمریکایی ساکنان شـهر فلوجه، احساسات ضد آمریکایی ملی گرایان در سراسر جهان عرب را برانگیخته است و در این میان، کردها و شیعیان عراق، در مواقعی ابزار دست ایران در ایجاد بیثباتی درعراق بوده اند.

زمانی که شـیعیان جنوب عراق سـرنگونی رژیم صدام را جشن گرفتند، شـیعیان کشورهای همسایه نیز در این جشنها به شیعیان عراق پیوستند. در میان کشورهای همسایه عراق، هستند کشورهایی که از شکل گیری حکومتی مردم سالار

و کثرتگرا در عراق شادمان نخواهند شد.(۱) افزون بر این، کامیابی یا ناکامی آمریکا در عراق، بازتابهای مهمی در کشورهای همسایه این کشور که اغلب سیاستی انتقاد آمیز و دشوار با واشنگتن دارند، پیدا خواهد کرد. گر چه تحولات آینده عراق پیامدهای متفاوتی در کشورهای همسایه آن خواهد داشت؛ بی گمان، هیچ یک از این کشورها به اندازه عناصر و محافل ایران و اسرائیل به آینده عراق چشم ندوختهاند و سرانجام تنها اسرائیل است که از موفقیت آمریکا در عراق شادمان خواهد شد.(۲)

بررسی پیامدهای تحولات عراق بر کشورهای همسایه، حومه ی و منطقهای به طور جداگانه، به روشن تر شدن این موضوع کمک می کند:

۱- بحرین

نخستین دولتی که از تحولات عراق متاثر خواهد شد، بحرین است. شیعیان بحرین دو سوم جمعیت این کشور را تشکیل می دهند، اما همانند عراق پیش از ۲۰۰۳، سنیها آنها را از دسترسی به قدرت محروم کردهاند. اصلاحات سالهای گذشته برخی آزادی ها را افزایش داده ولی هنوز شیعیان فاقد قدرت واقعی هستند. تبدیل شدن شیعیان به یک نیروی سیاسی مهم در عراق، باعث خواهد شد تا شیعیان از روش مسالمت آمیز گذشته خود تا حدی عدول کرده و تنش را در این جزیره افزایش دهند. به باور توبی جونز، کارشناس مسایل خاور میانه در گروه

۱- - بنیاد پادشاهی امور بین الملل، "عراق در حال گذار، گرداب یا تحول آفرین"، برگردان داوود حیدری، همشهری دیپلماتیک ، آذر ۱۳۸۳ ، شماره ۳۱ .

۲- - همان.

بین المللی بحران(۱)،اوضاع کنونی بحرین متزلزل است و اگر با اصلاحات فوری، در این وضع تغییری ایجاد نشود، خشونت به این کشور باز خواهد گشت. در بهترین حالت، این تحول موجب خواهد شد تا رژیم اصلاحات بیشتر را در دستور کار خود قرار دهد.(۲) با این وجود و با در نظر گرفتن سرسختی شیعیان بحرین در دستیابی به خواستههای خود و پشتیبانی نیروی تاثیرگزار شیعیان عراق از یک سو، و رویکرد نوین و جدیت ایالات متحده در پشتیبانی از مردم سالاری در منطقه از سوی دیگر، بعید به نظر میرسد در آینده طبقه حاکم بحرین همچنان قدرت خود را حفظ کنند.

۲- عربستان

عربستان، از نزدیک جریان امور را در عراق دنبال می کند. نظام سیاسی این کشور همسایه جنوبی عراق پادشاهی است و از نظر دینی نیز - همچنان که در گفتار نخست آمد- بیشترینه جمعیت آن سنی مذهب و پیرو وهابیت هستند و کمترینه ای از جمعیت عربستان را نیز شیعیان تشکیل می دهند. یکی از دغدغه های سیاسی همیشگی مسئولان این کشور نوع حاکمیت سیاسی سلطنتی است. در سالهای اخیر با توجه به فشارهایی که وارد می شود، تعدیلاتی در این زمینه در نوع نگاه و جایگاه مردم در نظام سیاسی ایجاد شده است ولی این امر چندان مورد رضایت ناراضیان سیاسی نیست و چالش هایی در داخل و خارج کشور در

۱- -ICG

۲- - "شیعیان بحرین"، ماه نامه اخبار شیعیان، سال نخست، شماره یک، آذر ماه ۱۳۸۴، ص ۲۶.- همچنین: "گفت و گو با حمید احمدی"، پیشین. و بنگرید به: - Graham Fuller , “Islamist Politics in Iraq After Saddam Hussein”,in: www.usip.org.

مورد نظام سیاسی به ویژه پس از مطرح شدن طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا پدیدار شده است.

از سوی دیگر، کمترینه شیعه عربستان، نگرانی بیشتری را برای حاکمان این کشور بر می انگیزد. شیعیان عربستان تنها ۱۰- ۵ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می دهند. اما وهابیان حاکم، شیعیان را کافر دانسته و اعمال تبعیض بر آنها را روا و مشروع می دانند و این روند سالهاست که ادامه دارد. پس از براندازی صدام، روا داری حکومت عربستان بیشتر شده است و نخبگان سعودی کوشیده اند، آزادی های فرهنگی و دینی بیشتری را به این شیعیان اعطا کنند. در این راستا، شاه عبدالله، پادشاه عربستان، دستور ایجاد «مرکز گفت و گوی ملی» را صادر

کرد و شاه زاده بندر بن سلمان آل سعود، مشاور پادشاه عربستان، خواسته های شیعیان این کشور را همانند خواسته های دیگر شهروندان این کشور دانست و بر گفت و گوی آزادانه تاکید کرد.(۱)

با این حال، نخستین تاثیرها و پیامدهای تحولات عراق بر نظام سیاسی و شیعیان عربستان را میتوان در سخنان «بیان جبر سولاق» وزیر کشور دولت ابراهیم جعفری دید. سولاق، خواهان مردم سالاری و آزادی در همه کشورهای عربی شده و ریاض را به برخورد نادرست با کمترینه شیعه متهم کرد و تاکید کرد عربستانی ها باید در درجه نخست نظام مردم سالاری و آزادی بیان را در کشورشان ایجاد کنند و مشکلات شیعیان عربستانی را که همانند شهروندان درجه

۱- - "شیعیان عربستان"، ماه نامه اخبار شیعیان، سال نخست، پیش شماره دو، آبان ماه ۱۳۸۴، ص ۱۵.

دوم بـا آنها برخورد می شود، حل کننـد.(۱) این سـخنان نشـان گر خـواست و اراده رهـبران نوین عراق در پشتیبـانی از حقوق شیعیان به ویژه در کشورهای همسایه و خلیج فارس است.

همچنین، روابط خانوادگی شـیعیان بحرین با شیعیان منطقه حسا (کرانه خلیج فارس) عربستان به نگرانی ریاض دامن می زند و بـاعث میشود تـا تحولـات در یکی از دو کشور، دیگری را تحت تـاثیر قرار دهـد که رژیم سـعودی مجبور است یـا تبعیضـهای اعمال شده بر شیعیان را کاهش دهد و یا به درگیری های شدید امنیتی در بخشهای شیعه نشین تن در دهد.(۲)

در مجموع، عربسـتان، با قدرت گرفتن شـیعیان عراقی، از یک سو نگران حرکت شـیعیان در خاک خود است و از سوی دیگر، احتمال برپایی حکومتی در عراق، که شـیعیان در آن نقشـی مسـلط داشـته باشـند - در کنار حکومت شـیعی در ایران - خطری عمده برای عربسـتان با ایدئولوژی وهابی آن به شمار می آید. تا جایی که این امر (قدرت گرفتن شیعیان در عراق)، مشروعیت عربستان سنی را به عنوان رهبران دینی جهان عرب به شدت با چالش رو به رو کرده است.

شاهزاده سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان، ترس از تشکیل بلوک شیعه را این چنین در دیدار با کاندولیزا رایس، وزیر خارجه ایالات متحده به زبان می آورد: «آمریکا، عراق را در آغوش ایران افکنده و ایران در حال بلعیدن عراق است.»(۳)

۱- - همان، ص ۲۷.

۲- -Graham Fuller, op. cit.

۳- - محمد علی مهتدی، "عراق به کجا می رود"، همشـهری دیپلماتیک، مهر ماه ۱۳۸۴، شماره ۶۹ . و همچنین: "گفت و گو با حمید احمدی"، پیشین.

با این وجود، شکست فزاینده مردم سالاری در عراق می تواند موقعیت عربستان را تقویت کند و افزون بر آن، آمریکا مناسبات خود با عربستان را برای تضمین تداوم صدور نفت این کشور تقویت کند. از سوی دیگر، تجزیه عراق بدترین سناریوی ممکن برای عربستان خواهد بود؛ سناریویی که القاعده و گروه های خشونتطلب جهادی بیش از همه از آن سودخواهند برد. تجزیه عراق به تضعیف هویت ملی کمرنگ سعودی منجر خواهد شد و اختلافات عمیق موجود در این کشور که تاکنون پنهان نگاه داشته شده است، ظاهر شده و موقعیت کمترینه وهابی به مخاطره خواهد افتاد.

۳– سوریه

سوریه، همسایه باختری عراق، فروپاشی حکومت صدام حسین را پایان ستیزهای ایدئولوژیک میان حزب بعث سوریه و عراق می داند؛ اما در همان حال، سرنگونی سریع و آسان صدام حسین، زنگ خطر را برای رژیم سوریه – که به هیچ وجه برای چنین تحولی آمادگی نداشت – به صدا درآورد؛ چون دمشق از آن بیم داشت که پس از عراق، آمریکا توجه خود را به تغییر رژیم در سوریه معطوف کند. ادامه بیثباتی در عراق و ناتوانی آمریکا در برقراری امنیت در این کشور سبب شده است تا خطر اقدام نظامی آمریکا علیه سوریه کاهش پیدا کند. مرزهای طولانی با عراق، وجود کمترینه کرد در این کشور و ساختار قبیله ای حاکم بر سوریه سبب می شود تا تحولات عراق و در بدترین حالت، تجزیه این کشور، بی ثباتی در سوریه را در پی داشته باشد.

در سوریه که کشوری سنی آیین است و در حالی که علوی ها جزو شیعیان دوازده امامی نیستند، کمترینه شیعه علوی بر بیشترینه سنی حکومت می کند. ایران

ص: ۲۳۸

به دلیل روابط استراتژیک با سوریه پس از انقلاب اسلامی، علویها را به عنوان شیعه پذیرفته است. بانگاه به روابط نزدیک دمشق و تهران، بعید نیست قدرت گرفتن شیعیان عراق، روابط گذشته را دوباره بهبود بخشد و نفوذ مشترک ایران و سوریه در عراق را افزایش دهد. در این راستا، سوریه، در صورت پیروزی شیعیان اصول گرا در عراق از چنین تحولی به جهت منافعی که برای دمشق می تواند دربر داشته باشد، چندان ناراضی نخواهد بود. دمشق در شرایط حاکم بر روابط کنونی منطقه، خود را در یک حصار محدود احساس می کند و پیروزی شیعیان در همسایگی این کشور می تواند روزنه ای برای سوریه در راه خارج شدن از این وضعیت باشد. پیروزی شیعیان در عراق با توجه به روابط نزدیک دمشق با تهران از این نظر نیز که موجب خواهد شد تا نگرش نسبی مشترکی بین سه طرف ایران، عراق و سوریه ایجاد شود نیز حائز اهمیت است.

از سوی دیگر، چنین حالتی در صورت وقوع با توجه به حضور حزب الله به عنوان یک گروه قدرتمند شیعه در لبنان ممکن است موجب نگرانی برخی کشورهای منطقه از تحولات آینده منطقه خاورمیانه باشد که امروز عبدالله دوم، شاه اردن از آن به عنوان خطر شکل گیری هلال شیعی در منطقه نام می برد.(۱)

از سوی دیگر، سوریه خواستار استقرار دولتی در بغداد است که در معادلات اعراب - اسرائیل به نفع آمریکا و اسرائیل و در جهت تضعیف جبهه عربی موضع گیری ننماید. از این رو، سوری ها بیش از حفظ صدام و رژیم بعث، به ساختار و جهت گیری دولت آینده عراق حساس بودند. این کشور همچنین، به رغم روابط

۱- Graham Fuller, op. cit-. و همچنین: احمد فراهانی، "انتخابات و تحقق حکومت شیعی در عراق؛ دیدگاه ها، سناریوها و نگرانی های منطقه ای"، www.did.ir .

مطلوب با کردهای عراق، به حضور کنترل شده آنها در ساختار سیاسی جدید عراق معتقد است تا با کردهای خود دچار مسئله و مشکل بیشتری نشود.

به این ترتیب، سوریه نیز به تشکیل حکومت عربی محور در بغداد و جلوگیری از تجزیه آن علاقمند است. افزون بر آن، دمشق، خواهان استقرار دولتی در بغداد است که مزیت های اقتصادی پیشین را برای سوریه حفظ کند، شیعیان در آن نقش مسلطی نداشته باشند و اعضاء حزب بعث از دایره قدرت خارج نشوند.(۱)

۴- اردن

اردن نیز به شدت از پیروزی شیعیان در عراق نگران است، به گونه ای که در سخنان رهبران این کشور این مساله به خوبی آشکار و روشن است. با توجه به وجود اکثریت سنی در اردن و بهره مندی این کشور فقیر منطقه خاورمیانه از ثروت های عراق در زمان حاکمیت صدام، با پیروزی شیعیان در عراق آینده مناسبات میان امان و بغداد افق چندان روشنی ندارد و این واقعیت، زنگ خطری جدی را برای اردن به صدا درآورده است.

روزنامه الرأی چاپ اردن با اشاره به سفرملک عبدالله به واشنگتن نوشت: ملک عبدالله درباره روی کار آمدن حکومتی در عراق که هم پیمان ایران باشد هشدار داد و افزود: «چنین حکومتی با همکاری تهران و دمشق تلاش می کند هلالی از جریان شیعه که از ایران آغاز و به لبنان ختم میشود ایجاد کند... چنین هلالی توازن موجود بین شیعه و سنی را برهم خواهد زد... و فروپاشی توازن

ص: ۲۴۰

۱- - موسسه ابرار معاصر تهران، "تاثیر استراتژی آمریکا و الزامات منافع ملی کشورهای همسایه و تاثیر آن بر جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی عراق نوین (چالش ها، فرصت ها و تهدیدها)"، www.did.ir .

سنتی بین شیعه و سنی به پیدایش مشکلات بعدی منجر خواهد شد و در مرزهای عراق محدود نخواهد ماند.... و حتی عربستان سعودی نیز قدرت مقاومت در برابر ناامنیهای به وجود آمده از رهگذر هلال شیعی را نخواهد داشت.»(۱)

هراس فزاینده حاکمان اردن از دست یابی شیعیان عراق به قدرت و افزایش نفوذ و قدرت بلوک شیعه در منطقه، در این سخنان عبدالله دوم، پادشاه اردن بیشتر آشکار است: «بیش از یک میلیون ایرانی از مرز وارد عراق شده اند که بسیاری از آنها به تشویق دولت ایران به قصد رأی دادن در این انتخابات (پارلمانی ۲۰۰۵) از مرز گذشته اند. ایرانیها به عراقی های بیکار حقوق می دهند و رفاه آنها را فراهم می کنند تا افکار عمومی را به حمایت از خود ترغیب کنند. برخی از ایرانیها را که سپاه پاسداران آموزش داده است و از اعضای شبه نظامیان هستند، می توانند پس از انتخابات به نا آرامی درعراق دامن بزنند. این به نفع ایران است که عراقی با حکومت جمهوری اسلامی در همسایگی خود داشته باشد و بنابراین دخالتی که از طرف ایرانیها می بینید به قصد دستیابی به دولتی است که بسیار موافق با سیاست های ایران باشد. ایجاد یک قدرت جدید شیعه مشخصاً کشورهای حوزه خلیج فارس با جمعیت های شیعه را بی ثبات می کند. قضیه پیچیده تر از این است، زیرا بسیاری از شیعیان عراق به فکر استقلال کشورشان هستند، نفوذ ایران و شیعیان بر اوضاع عراق موجب نگرانی همه ماست، بنابراین به اعتقاد من همه باید متحد شوند و به جلو حرکت کنند.»(۲)

۱- - حسین صفدری، "خاورمیانه میان تهدید های خارجی و چالش های داخلی"، همشهری دیپلماتیک، دی ماه ۱۳۸۳، شماره ۳۴ .

۲- - احمد فراهانی، پیشین.

بـا این همه، با پـذیرش واقعیت قـدرت یابی شـیعیان در عراق، منافع اردن در گرو حفظ یکپارچگی عراق است؛ تجزیه عراق یا تغییر شـکل جغرافیایی سیاسـی در منطقه، ثبات و امنیت در این کشور را به مخاطره خواهـد انـداخت. اردن در موقعیت خطیری قرار دارد چون در حـال حاضـر عراق بی ثبـات و دسـتخوش نـا آرامی و تـداوم کشـمکش میـان فلسـطینی ها و اسـرائیل است. موقعیت جغرافیـایی و فقـدان منابع طبیعی سـبب شـده است تا اقتصاد اردن به اقتصاد کشورهای همسایه وابسـته شود و بیثباتی و تجزیه عراق بیشترین زیان اقتصادی را متوجه اردن خواهد کرد. شـرایط مطلوب اردن، در بازگشت خاندانهاشـمی به قدرت در دولت جدیـد عراق بود. اردن همچنین مایـل است که سـطح گسترده روابـط اقتصـادی امـان - بغـداد تابع ملاحظات و الزامات اقتصادی باقی بمانـد و اگر گسترش نیابد، دست کم در سـطح امتیازات پیشـین، که رژیم صدام برای اردن قائل شده بود، باقی بمانـد. اردن، هماننـد بیشتر عرب هـا، مخـالف تجزیه عراق به عنوان یـک سـرزمین عربی است. بنـابر این، نه از تقویت شـیعیان خرسـند است و نه نگرش مثبتی به تمایلات واگرایانه کردها در یک سـرزمین عربی دارد. به طور خلاصه، اردن، به مثابه متحد استراتژیک آمریکا و متحـدینش، به علت عـدم برخوداری از نیروی نظامی تحت نفوذ در معادلات عراق، در صدد اعمال نفوذ بر فرایند شکل گیری ساختار دولت نوین عراق از طریق تداوم هم سویی با آمریکا و انگلیس است.

۵– کویت

پیروزی شـیعیان در عراق، برای کویت، دیگر همسـایه جنوبی این کشور، خوشاینـد نیست و با توجه به اینکه اسـتان های شـیعه نشین عراق همگی در مرزهای مشترک این کشور با کویت قرار دارند و بخشی از جمعیت این کشور نیز شیعه

هستند، چنین تحولی می تواند تأثیرات مختلف بر آینده کویت داشته باشد. با این حال، در زمان حاضر یک دولت سنی بر کویت حاکم است که در راه سرنگونی رژیم صدام بیشترین کمک را در اختیار نیروهای آمریکایی و انگلیسی برای ورود به عراق و سرنگونی صدام گذارده است. اگر شیعیان در آینده سیاسی عراق از قدرت سیاسی چشم گیری برخوردار شوند، حکومت کویت به جای نگرانی درباره یکپارچگی سرزمینی خود، دلواپس الگوی نوینی خواهد بود که برای شیعیان کویتی پدید می آید، البته رفتار عراقیها می تواند این نگرانی ها را بکاهد یا بیفزاید. پشتیبانی شیعیان عراق از هم کیشان کویتی شان دارای این ویژگی است که در سنجش با پشتیبانی ایرانیان معتبر تر و آسیب ناپذیرتر است. شیعیان عراقی به عنوان عرب، از هم چشمی دیرین عرب – عجم که نام ایرانیان با آن همراه است برکنارند. زبان، فرهنگ و تاریخ یگانه عربی و مرز مشترک گسترده دو کشور، بر پیوند نزدیک تر، دست یابی آسان تر و دلبستگی های استوار تر شیعیان کویتی و عراقی گواهی می دهند.

در مجموع، اگر شیعیان نقش گسترده تری در حاکمیت عراق بیابند، در جایگاهی قرار می گیرند که بر شیعیان کویت و نیز دیگر شیعیان خلیج فارس تاثیر می گذارند. دلخواه یا نا دلخواه بودن این تاثیر به تعریفی بستگی دارد که شیعیان عراقی از تشیع خود، روابط شان با سنیان عراقی و نقش خویش در منطقه، ارایه می دهند. اگر شیعیان عراقی به مشارکت و میانه روی گرایش بیابند، احتمالاـ پیامدهای درخوری را شاهد خواهیم بود، که در گام نخست به کویت خواهند رسید. اما اگر شیعه گری عراقی به ستیزندگی و نابردباری روی آورد، تاثیر آن بر مردمان شیعه منطقه زیان بار خواهد بود و حکومت های منطقه نیز فراخور آن،

واکنشی منفی نشان خواهند داد. یک عراق شیعی تندرو، به ویژه برای کویت، بسیارخطرناک تر از این شیعی تندرو است.(۱)

۶- لبنان

شیعیان در لبنان بزرگترین گروه دینی را تشکیل میدهند و رنسانس شیعی در لبنان، ریشه در روابط روحانیان ایران و لبنان دارد که در دهه ۱۹۶۰ آغاز شد. ایران از حزب الله پشتیبانی میکند و سوریه نیز از آن بسان ابزار فشاری بر اسراییل بهره می گیرد. از آنجا که شیعیان، پیشتر، در ساختار سیاسی نیمه دموکراتیک لبنان و البته با پشتیبانیهای ایران و سوریه، به بسیاری از خواسته های خود رسیده بودند، تحولات عراق و قدرت یابی شیعیان در این کشور، - بر خلاف دیگر کشورهای عرب منطقه – تاثیر عمده ای بر جایگاه سیاسی و اجتماعی شیعیان لبنان نخواهد داشت. اما تحول مهمی که در این زمینه رخ خواهد داد، همکاری گسترده میان شیعیان عراق و لبنان و احیای مرکزیت تشیع و مرجعیت عربی در جهان عرب و برجسته شدن تشیع عربی در برابر اقتدار چند دهه ای تشیع ایرانی خواهد بود؛ لذا رقابت ایران و عراق برای نفوذ در میان شیعیان لبنان در آینده، طبیعی به نظر میرسد.(۲)

از سوی دیگر، ظهور عراق شیعه، به ایده اتحاد میان شیعیان در ایران، عراق، سوریه و لبنان دامن زده است که در منطقه از آن به عنوان هلال شیعه نام برده می شود. این هلال، از ایران آغاز و با گذر از عراق به سوریه علوی رفته و

ص: ۲۴۴

۱- - گراهام فولر و رند رحیم فرانکه، پیشین، صص ۳۴۵ – ۳۴۴ .

۲- - Graham Fuller, op. cit.

سرانجام به جنوب لبنان منتهی می شود. این تحول، به طور بنیادین، موازنه قوا میان خاورمیانه شیعه و سنی را بر هم خواهد زد و وزنه شیعیان را در منطقه، با توجه به اهمیت راهبردی و ژئوپلیتیک سرزمین های شیعه نشین، سنگین تر خواهد کرد. در این میان، شیعیان لبنان نیز از تنگنای جغرافیایی در خواهند آمد و قادر خواهند بود با هم کیشان خود در ایران و عراق به طور مستقیم و نزدیک تر ارتباط برقرار کنند و در صحنه داخلی نیز در میان دیگر گروهها و مذهبهای لبنان، با پشتوانه نیرومندتری سخن بگویند.

جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ میان حزب الله لبنان و ارتش اسراییل دیده شد؛ زمانی که نوری مالکی، نخست وزیر شیعه عراق، در کاخ سفید و در حضور جرج دبلیو بوش، رییس جمهور ایالات متحده، تجاوزهای اسراییل را به باد انتقاد گرفت و از پایداری حزب الله لبنان پشتیبانی کرد، نمونه بارزی از این مسئله است.

۷– ترکیه

پس از ایران، دومین کشوری که می تواند بیسر و صداتر ادعا کند، از این بحران بهره مند شده، ترکیه، همسایه شمالی عراق است. در ترکیه همدردی چندانی در مورد جهان عرب وجود ندارد. ریشه این بیزاری را می توان به آنچه ترکها خیانت عربها درجنگ جهانی اول می دانند، جست. این احساس در دوران معاصر به صورت تحکیم رابطه فعال نظامی با اسرائیل بروز کرده است. اما ترکیه دست کم نیمه دمکراسی است و افکار عمومی آن به شدت مخالف دخالت آمریکا در عراق بوده، که یکی از دلیل های آن، تاثیر این بحران بر جنبش کردهای ترکیه است؛ به گونه ای که در سال ۲۰۰۳، ترکیه اجازه استفاده از پایگاه های خود

را به آمریکا نداد.(۱)

برای ترکیه روی کـار آمـدن دولت شـیعی، سـنی و یـا ترکیبی از این دو در عراق آینـده مهم نیست، بلکه آنکارا منافع خود را دنبال می کنـد؛ اما دولت آینده عراق هرچه بیشتر لائیک باشد، بیشتر در جهت منافع ترکیه است. از نگاه آنکارا دولتی باید در عراق روی کار آید که بتواند از چنان قدرتی برخوردار باشد که ضمن تسلط بر این کشور، تمامیت ارضی عراق را حفظ کرده و از ایجـاد نگرانی مربوط به تمایل کردهای شـمال عراق برای جـدایی از این کشور بکاهـد. در زمان حاضـر یکی از مهمترین نگرانی هـای دولت ترکیه در عراق فشـار کردهـای جنوب ترکیه برای خودمختاری و تشـکیل کردسـتان بزرگ است. در واقع، ترکیـه از عراق شـیعه نگرانی نـدارد بلکـه نگران بر هم خـوردن یکپـارچگی عراق است و این که حـوزه کردی، شـیعه و سـنی تشـکیل شودکه این نگرانی برای ایران نیز وجود دارد. ترکیه از نگاه دیگری هم به عراق و دولت آینـده این کشور می نگرد و آن سـرنوشت ترکمن های شـمال عراق است که با تسلط کردها بر شمال عراق، سرنوشت آنان در پردهای از ابهام قرار خواهد گرفت.(۲) امـا بـه طـور کلی، نگرانی عمـده ترکیه از آینـده عراق، افزایش اقتـدار و احیـاء ناسـیونالیسم کردی در پی استیلای کردهای عراق بر میدان های نفتی مرغوب و گسترده موصل و کرکوک، است.

ص: ۲۴۶

۱- – فرد هالیدی، "خاورمیانه پس از صدام"، برگردان وحید رضا نعیمی، همشهری دیپلماتیک، تیرماه ۱۳۸۳، شماره ۱۶ .

۲- – "گفـت و گـو بـا حمیـد احمـدی"، پیشـین. و همچنیـن: - Dierieh Jung and Wolfango Piccoli, “The Turkish – Israel: A Matter of Geostrategic in the Middle East,” Copenhangen Peace Research Institute, ۲۰۰۰, p۱۰.

محور نگاه ترکیه به دولت کنونی عراق، جلوگیری از احیاء مقوله فـدرالیسم و تشکیل دولت کرد در شـمال عراق است. ترکیه خواهان آن است که در دولت جدید عراق، کردها تسلط مستقیم بر کرکوک و موصل نداشته باشند. در واقع، ترکیه با یک تناقض دیدگاه نسبت به دولت عراق مواجه است، زیرا از یک سو، خواهان استقرار دولتی ضعیف در بغداد است که حاکمیتی نیرومند بر شـمال عراق نداشته باشد که مانع مداخلات و تجاوزهای ترکیه در این منطقه نشود و از سوی دیگر، استقرار دولتی ضعیف در بغداد را عاملی برای تقویت کردهـای شـمال عراق می دانـد. به عبارت دیگر، این کشور در پی استقرار دولتی در بغداد است که در برابر مداخلات ترکیه فاقد قدرت مانور و در برابر تمایلات واگرایانه کردها، دارای قدرت برخورد و تحرک باشـد. به علاوه، ترکیه – که از متحـدان اصلی آمریکا در منطقه است – تجزیه عراق را نمی پـذیرد. ترکیه، همچنین، خواهان افزایش نقش ترکمن ها به عنوان متحدان محلی ترکیه در ساختار سیاسی مرکزی بغداد و محلی (شـمال عراق) است. افزون بر این، ترکیه خواهان جلوگیری از گسترش نفوذ ایران و سوریه بر دولت جدید عراق نیز هست.

مهمترین اهداف ترکیه در عراق، بدین شرح است:

کنترل تحرکات کردهای مخالف ترکیه (پ.ک.ک) در شمال عراق؛

بر هم خوردن موازنه قـدرت منطقه به نفع خود، از طریق مهـار و کنـترل حکومت عراق، بـا جلوگیری از تأثیرگـذاری ایران در عراق و تسلط شیعیان بر ساختار سیاسی عراق نوین؛

جلوگیری از دست یابی کردهای عراق به نفت موصل و کرکوک؛

تأثیرگزاری بر تحولات عراق از راه پشتیبانی از کمترینه ترکمن و مشارکت

دادن آنها در ساختار سیاسی و هم کاری با آمریکا در مورد عراق.(۱)

۸- اسراییل

سومین کشور دارای ادعای قوی برنـده بودن در این بحران اسـراییل است. اسـراییل حامی جـدی شدت عمل علیه آنچه به طور کلی تروریسم و کشورهـایی ماننـد عراق و ایران است که ظـاهراً از آن حمایت می کننـد. اسـراییل، نگرانی چنـدانی از اوضاع کنونی عراق نـدارد، به دلیل این که رژیم بعث که حداقل به صورت شـعار با اسـراییل دشـمنی میکرده از بین رفته و نیز امریکا هم در عراق حضـور و نفـوذ دارد و نیز مردم عراق در مـوقعیت کنـونی به دنبـال مشـکلات خـاص خـود هسـتند و نه مبـارزه با اسراییل.(۲)

هواداران جنگ علیه عراق در اسراییل چنین استدلال می کردند که برکناری صدام زمینه را برای حل مناقشه اسراییل - فلسطین فراهم خواهـد کرد. به طـور کلی، اسـراییل بـا هر حرکـتی در منطقه که به تضـعیف ملی گرایی عرب و پـان عربیسم بیانجامـد، همراه است و پشتیبـانی از کمـترینه هـا در جهـان عرب، یکی از محورهـای سیاست خـارجی این کشـور به شـمار میرود. برای اسـراییل، عراق نـاتوان و حتی تجزیه شـده بسـیار سودمنـد تر از عراق قدرتمنـد و یـک پارچه و پشتیبان آرمان آزادی فلسـطین است.

پشتیبـانی اسـراییل از کردها دارای پیشـینه تاریخی و البته دارای توجیه منطقی است. این کشور در پایان دهه ۱۹۶۰ و آغاز دهه ۱۹۷۰ – هم زمان با اوج گیری

ص: ۲۴۸

۱- - سهیلا محمدیان، "گزیده تحولات جهان ۱۱"، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۶۷.

۲- - "گفت و گو با حمید احمدی"، پیشین. و همچنین: فرد هالیدی، پیشین.

جنگ های عرب ها و اسراییل – به یکی از پشتیبانان اصلی شورش کردها در شمال عراق (در کنار شاه ایران و آمریکا) تبدیل شد. اکنون نیز با وجود تکذیب رهبران کرد، بر پایه خبرها و گزارش های بسیاری، اسراییل در شمال عراق دارای پایگاه بوده و به آموزش نیروهای پیش مرگ کرد می پردازد. با این وجود، گرچه، عده ای در اسراییل، فروپاشی حکومت مرکزی در عراق را برای اسراییل مفید می دانند؛ اما این امر می تواند به ظهور نیروهایی منجر شود که برای اسراییل بسیار مخاطره آمیز باشند.

فرجام

به طور کلی، آثار فروپاشی نظام بعثی در سطح منطقه ای – دست کم در کوتاه مدت، به شرح ذیل است:

بهبود موقعیت کشورهای غیر عربی یعنی، ترکیه، ایران و اسرائیل،

کاهش زمینههای هم کاری میان کشورهای عربی و غیر عربی،

افزایش زمینه های هم کاری میان کشورهای غیر عربی،

افزایش شکاف میان کشورهای محافظه کار و انقلابی عرب،

بی ثباتی در منطقه، به واسطه اصلاحات اجباری در جهان عرب.

افزایش اهمیت شیعیان و کردها، به دلیل افزایش نقش آنان در نظام سیاسی عراق و از سوی دیگر افول پان عربیسم در خاور میانه.(۱)

از نگاهی دیگر، پیامد فروپاشی نظام بعث، تبدیل شدن عراق به یک کشور شیعه محور بوده است که این امر از نظر معادلات منطقه ای بسیار

۱- – موسسه ابرار معاصر تهران، "تاثیر استراتژی آمریکا و الزامات منافع ملی....". پیشین.

دارای اهمیت است؛ زیرا عراق بالقوه توانایی های بایسته برای رهبری جهان عرب را دارد و پیشینه تاریخی آن نیز کمتر از عربستان یا سوریه و حتی مصر نیست؛ چرا که بغداد دل جهان اسلام در زمان خلیفه های عباسی بود و پس از آن نیز نقش مهمی در تحولات جهان اسلام و عرب ایفا کرده است. همچنین، شیعیان عراق هم اکنون به عنوان مرکز تأثیرگذار بر هویت و رفتار سیاسی سایر شیعیان عرب محسوب می شوند. به همین دلیل است که کشورهایی همانند اردن، امارات عربی متحده و مصر نسبت به فضای موجود عراق نگران هستند؛ زیرا موجی که در عراق ایجاد شده است، می تواند سایر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را تحت تأثیر قرار دهد.

تحولات این کشور، قواعد و الگوی روابط منطقهای اعراب را دگرگون نمود. به قدرت رسیدن شیعیان در عراق منجر به ظهور دومین کشور شیعه در منطقه گردید. این امر با توجه به عرب بودن شیعیان عراقی، زمینه مناسبت ری برای هویتیابی شیعیان در تمامی کشورهای حوزه خلیج فارس را بوجود آورد. هم اکنون واحدهای سیاسی حوزه خلیج فارس همچنین شهروندان آنان با پدیده جدیدی روبه رو شده اند؛ آنان ناچار هستند تا شرایطی رامورد توجه قرار دهند که بیانگر وجود دو کشور شیعی در شمال خلیج فارس هستند. در این وضعیت، گروه های شیعی به گونه اجتناب ناپذیری از انگیزه لازم برای هویت یابی برخوردارند. اگرچه آنان فاقد مرجعیت یکسان هستند و از سوی دیگر، به گفتمان متفاوتی وابسته هستند، اما واقعیت های جدید بیانگر آن است که هویت یابی شیعیان بر فرآیندهای سیاسی حوزه خلیج فارس تأثیرگذار خواهد بود و گستره و شدت مقاومت شیعی در برابر رژیم های سیاسی موجود در تمامی کشورهای

حوزه خلیج فارس افزایش خواهد یافت. تاکنون این کشورها، شیعیان را به عنوان نیروهای تأثیر پذیر از ایران مورد خطاب قرار میدادند و به همین دلیل بود که شیعیان بحرین و عربستان سعودی با محدودیت های سیاسی فراگیری روبه رو شدند. این امر هم اکنون با جلوه هایی از تغییر و دگرگونی روبه رو شده است. به هر میزان که تحولات سرعت بیشتری پیدا می کند و دگرگونی های سیاسی مؤثرتری در خاورمیانه شکل می گیرد، شیعیان می توانند از سیطره دولت های کنترل کننده خارج شوند و ظهور دولت های شیعی در حوزه خلیج فارس به گونه ای اجتناب ناپذیر، نیروهای فراموش شده جهان عرب و حوزه خلیج فارس را به عناصر پرتوان و مؤثری تبدیل می کند که قادر به تأثیرگذاری بر فرآیندهای سیاسی خلیج فارس هستند.

ص: ۲۵۱

گفتار سوم:ایران و عراق شیعه بررسی پیامدهای عراق شیعی بر ایران

الف– سیاست خارجی شیعه محور ایران

منافع ملی اصولا به تصریح «ریمون آرون» به دلیل سیالیت فوق العاده موضوع، قابل تعریف نیست و از این رو شاید بهتر است آن را در قالب برخی دغدغه ها یا اهداف ماندگار درنظر گرفت. منافع ملی یک کشور صاحب تاریخ در واقعیت امر، با عبور از دالان تحولات گذشته و ایجابات ژیوپلیتیکی آن قابل فهم می شود. به طور کلی، منافع ملی نباید در لحظه تعریف شود و نیز نباید به موقعیت ها یا مزایای خاص تحویل و تقلیل یابد. منافع ملی گویی که می تواند این جا و آن جا مصادیقی بیابد اما در عین حال باید از مصادیق خود استقلال داشته باشد و هیچگاه به این یا آن ارزش، مفهوم و دستاورد منحصر نشود. بر این اساس، تصورات یا دغدغه های ماندگار برای سیاست خارجی ایران باید از تاریخ این سیاست خارجی اخذ شود. اما نکته بعدی مهمتر است. اگر بخواهیم تصوری مرکزی از دولت ایرانی و آنگاه بر اساس آن، تصوری مرکزی از سیاست خارجی این دولت در ذهن داشته باشیم، نخستین نکته ای که خود را می نمایاند آن است که این دولت اصولا ناچار است دلایل رفتار خود را از خلال روندها در سطوح

ص: ۲۵۳

منطقه ای بجوید؛ این دولت همواره آماج حملات دولتها و فرهنگ های کاملا متمایزی بوده است که اغلب نیاتی غیر دوستانه داشته اند.

دولت ایرانی در همان حال که عمیقا تنها است در همان حال به نحوی طنزآمیز، سیاست خارجی آن نه فحوایی ملی بلکه منطقه ای دارد؛ چیزی کاملا برخلاف ملت - دولتهای لیبرال دموکرات. در این کشورها، معمولاً سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است؛ یعنی تحولات و مکانیزم ها در سیاست داخلی، تا حد زیادی در رفتارهای خارجی موثر یا سرریز می شوند، اما سیاست خارجی ایران به نظر می رسد تاکنون بیشتر عبارت از واکنشها در قبال روندهای منطقهای بوده است. این سیاست خارجی کمتر از تحولات داخلی که بیشتر از سوی محیط پیرامونی آن متاثر بوده است. این بدان خاطر است که تشیع، ایران را از محیط پیرامونی و فرهنگ های حومه خود متمایز نموده و یا دست کم تمایز آن را تغلیظ نموده است و نهایتا بدان جا منجر شده است که یک سیاست مستقل ملی، از سوی هر حکومتی در ایران در همان حال و هم زمان یک سیاست منطقه ای شیعی - متاثر از ایجابات آیین تشیع در ایران - نیز بوده است.

سیاست خارجی ایران از زمان صفویه به این سو، به این دلیل یک سیاست خارجی اصالتا شیعی یا شیعی محور بوده است که رفتارهای آن اغلب در واکنش به رفتارهای خارجی خصمانهای صورت می گرفته که به صورتی کمابیش همگرایانه، از سوی فرهنگهای نامتجانس سنی و نیز مسیحی انجام می گرفته است. درحالی که ایران به دلیل تک افتادگی مذهبی و از قبل آن تک افتادگی در جهان بینی، فرهنگ، ایستارهای ذهنی و غیره در معرض خطر و آسیب بود، در عین حال هیچ گاه نیز نمی توانسته است در برابر وضع شیعیان در عراق (زمان

قاجاریه) یا لبنان (دوران شاه و جمهوری اسلامی) بی تفاوت بماند. به طور تاریخی و عقلی، سیاست خارجی ایران محکوم یا متعهد به یک منطقه گرایی شیعی است.

در واقع، به نظر میرسد، هر رژیمی که در ایران بر سر کار باشد به طور طبیعی توجه ژیوپلیتیکی ویژهای به منافع همه شیعیان جهان خواهد داشت؛ شاه نیز در درجه نخست به سازمان دهی گروههای شیعه در رژیمهایی همچون عراق و لبنان - که دارای دیدگاههای ضد ایرانی بودند – پرداخت.(۱)

پیوستگی آیین تشیع و منافع ملی ایران، حتی برای دیگر کشورها نیز محسوس است. به طوری که در موضوع شیعیان عراق مهم ترین نگرانی آمریکا مداخله ایران در این مسئله است. گویا برای آمریکا نیز این مسئله مفروض است که سیاست خارجی ایران در درون خود ماهیت شیعی دارد و لذا خواه ناخواه با موضوع شیعیان در دیگر کشورها پیوند می خورد. تشیع، هنگامی که تدریجا با زندگی تاریخی ملت ایران ممزوج گردید، تا اندازه قابل تاکیدی مشروط به شرایط ایران شد و جامه دغدغه های تاریخی ایران را به خودپوشید و همین واقعیت صورت متقابل نیز به خود گرفت. هم اینک نیز خطراتی که در سطح منطقه ای ایران را تهدید می کند، همان خطراتی است که کیان مذهب تشیع را تهدید می کند و به عکس، از آن سو، فرصت های تاریخی و کنونی برای ایران، در عین حال و همانا فرصتهایی تاریخی برای تشیع نیز می باشد.

پس از انقلاب ایران، دیگر شیعه بودن خوار شمرده نمی شد. ایران به شیعیان جرات داد تا هویتشان را بیان کنند و ابزاری به آنان داد تا حضور خود را برای

۱- – گراهام فولر و رند رحیم فرانکه، پیشین، ص ۱۷۰.

دیگران محسوس سازند. گسترش و تقویت ایران یا فرهنگ ایرانی همانا گسترش و تقویت تشیع است. می توان اندیشید که حالت عکس نیز مصداق دارد. مثلا در ایران اندیشیده می شود، (اندیشه ای احتمالا درست)، که هر حکومت شیعی در عراق کنونی، با هر میزان غرب گرایی یا با هر میزان ملی گرایی عراقی، باز هم مزیتی برای سیاست خارجی ایران خواهد بود. این بدان معنی است که هر میزان گسترش یا قدرت سیاسی یافتن تشیع در سطح منطقه، گسترشی برای ایران نیز هست. این خوشبینی عمیقا جا افتاده و البته قابل دفاع در این که قدرت سیاسی شیعیان در عراق فضای مساعدی برای ایران می آفریند، علاوه بر عراق، عینا در مورد فرضا نفوذ و قدرت یافتن گروه های شیعی در افغانستان، لبنان یا پاکستان نیز مصداق دارد. ایده آل های سیاست خارجی دولت ایران درمورد این سه کشور، عمیقا به وسیله مذهب تشیع شکل داده می شود. به باور گراهام فولر و خانم فرانکه، ایران تنها کشور مهمی نیست که شیعیان عرب از آن متاثرند؛ بلکه روند تحولات آینده عراق و روابط آینده ایران و عراق نیز تاثیر بسیاری بر وضعیت و جایگاه عربهای شیعه خواهد گذاشت.(۱)

در سطح منطقه ای نیز، ایده آل سیاست خارجی ایران به اینکه کشورهای پیرامون آن، نقطه نظرهایی مثبت تر و ملایم درخصوص ایران بیابند – و به دنبال آن افزایش همکاری های متقابل، افزایش ضریب امنیت منطقه، اعتمادسازی ها و غیره – درعین حال اگر نیک بنگریم همانا اراده معطوف به خلق فضای حیاتی برای شیعیانی است که در محاصره جهان سنی مذهب قرار دارند. گسترش فضای تنفس برای ایران، همانا گسترش فضای حیاتی برای شیعیان در منطقه شبه قاره و

۱– – همان، ص ۱۴۹.

خاورمیانه است. در سطحی خردتر، مماشات گرایی با فضاهای سنی مذهب منطقه، تحمل پیمان شکنی ها و در انزوا قرارگرفتن، تحمیلی بودن سیاست های بی طرفی، کمبود حق انتخابها، حساسیت به اوضاع شیعیان ایرانی و غیرایرانی و توجه به سیاست های بندبازانه بین ابرقدرت ها، فحوای مشترک تقریبا همه حکومت های ایرانی در دوره جدید بوده است و اینها همه نشانگر همگرایی دو موجودیت در قالب یک وضعیت تراژیک است.

(۱) همواره در طول تاریخ مدرن سیاست خارجی ایران، نقش منطقه ای تشیع از نقش منطقه ای ایران جدایی ناپذیر بود به نحوی که به

سهولت، تصور یکی تصدیق دیگری را به ذهن می آورد. تشیع، با ژئوپولیتیک ایران، با فرهنگ، دولت مدرن، با تربیت و خلق و خوهای جمعی آن و تقریبا با همه چیز آن صمیمانه پیوند یافته و حتی الگوهای رضایت ورزی و بروز خشم دسته جمعی ملت ایران را نیز پدید آورده است. بنابراین تشیع جزء ضروری و تفکیک ناپذیر منافع تاریخی ملت ایران و شاید، عین آن شده است.

ب– ایران و شیعیان عراق

به هم پیوستگی سرنوشت دو کشور ایران و عراق، با پیوند پارهای از عوامل جغرافیایی، تاریخی، مذهبی و سیاسی توجیه پذیر می نماید. مرز مشترک ایران و عراق ۱۴۵۸ کیلومتر است که ۴۰ درصد از ۳۶۵۰ کیلومتر مرز بین المللی عراق را تشکیل می دهد. این خط مرزی، طولانی ترین مرز بین المللی عراق، و پس از

۱- - جواد طاهایی، "فضای تنفس شیعه: بررسی وحدت ملیت و مذهب در سیاست خارجی ایران"، روزنامه همشهری، به نقل از: www.did.ir .

فروپاشـی شـوروی، طولانـی ترین مرز زمینی ایران نیز به شـمار میرود. اهمیت این خـط مرزی نه در ابعـاد آن بلکه در این نکته نهفته است که این خط یک مرزبنـدی و تعیین حـدود میان جلگه میان رودان (بین النهرین) و فلات ایران است. به سـخنی میان جهـان عرب بـا جهـان پـارس (ایران)، همچنین امـپراتوری عثمـانی دیروز را از امپراتوری ایران جـدا میکرد. مهمترین مکانهـای مقدس شـیعیان واقع در عراق، زایران بی شماری را از ایران جذب میکرد. بسیاری از ایرانیان در عراق مستقر شده وبه تدریج با مردم آن سرزمین تلفیق و ادغام شدند. روحانیان شیعه ایرانی تبار در آنجا همیشه فعال بودند. در بخشهای بالای مرز دو کشور، کردهـای ایران در پیونـد همیشـگی با کردهای آن سوی مرز بودنـد و ارونـدرود نمیتوانست مانعی جـدی بر سـر راه ارتباط دو کشور باشد.

مراکز شـیعی کربلا و نجف، سالیانی متمادی است که روحانیان و طلاب ایرانی را به سوی خود جـذب میکنـد. بسـیاری از این افراد با سـکونت در این مراکز شـهری، شـهروند عراق شده و با خانواده های شـیعی عراق وصـلت کرده اند. بسـیاری از مراجع ساکن عراق، ایرانی تبار، و دلبستگی شان به امور مربوط به ایران و عراق یکسان بوده است. این طبقه از روحانیان عالی رتبه به سبب برخـورداری از منزلت «مرجعیت تقلیـد» و راهنمـایی معنوی، هم از جهت اعتقـادی و هم سیاسـی، نفوذ بسیار زیـادی در شیعیان عراقی داشته اند.

آیت الله سـید علی سیسـتانی که برجسـته ترین روحـانی عراقی است، در ایران متولـد شـده و تحصـیلات اولیه را در این کشـور گذرانده است. بسـیاری از مشاوران نزدیک و قدیمی او نیز از خانواده های ایرانی هستند و تحصیلات و آموزش خود را نیز در ایران گذرانده اند. در خانواده های طبقه بازرگان شیعه عراق هم اعضای

ایرانی دیده می شود. احمد چلبی یکی از آنهاست که فرزند یک خانواده عراقی ـ ایرانی است.(۱)

شیعیان عراقی، فرهنگ ایران و دانش روحانیان ایرانی را میستایند و در زندگی شیعیان ساکن در شهرهای مقدس، تاثیر فرهنگ عامیانه ایرانی در اموری همچون غذاها، صنایع دستی و اصطلاحات به چشم می خورد. از زمان آغاز اخراج شیعیان در سال ۱۹۷۲، تا کنون ایران تقریبا به ۷۰۰۰۰۰ تن از آنان پناه داده است. از این روی، آنان از این کشور بی اندازه سپاس گذ ارند؛ و در حالی که طی دهه های متمادی، عراق میزبان روحانیان و خانواده های بازرگانان ایرانی بود، پس از ۱۹۸۰، ایران پشتیبان شیعیانی شد که از عراق می گریختند.

حزب الدعوه، مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و دیگر گروههای اسلام گرای عراقی، با پشتیبانی جمهوری اسلامی، پایگاه های تازه ای در ایران بر پا کردند و قم و تهران، به جای کربلا و نجف به مراکزی برای آموزش علوم دینی به دین آموزان جهان عرب و اسلام تبدیل شدند.

در میان شیعیان عراقی گرایش دیگری نیز وجود دارد که ایرانیان را غیر قابل اعتماد و بیش از اندازه مغرور قلمداد می کند. لطیفه هایی که «مرموزی ایرانیان» را با «رک و راستی» عرب ها می سنجد، بخشی ازفرهنگ عامیانه عراق اند. افزون بر این، عراقیان شیعه خود را از نظر اخلاقی برتر و مرکز تشیع راستین می دانند. همچنین آنان پیوسته از سلطه ایران بیم دارند. جنگ ایران و عراق، عراقیان را با گزینش های دشواری رو به رو ساخت. آن گروه از شیعیان عراقی که به ایران

۱- - "آیا ایران در جنگ عراق پیروز می شود؟"، بنیاد آمریکن اینترپرایز، برگردان اردلان متین، به نقل از: همشهری دیپلماتیک، دی ماه ۱۳۸۳ ، شماره ۳۴ .

گریخته یـا به اجبار به این کشور تبعیـد شـده بودنـد، حکومت عراق را به راه انـداختن جنگ محکوم میکردنـد. شـیعیان داخل عراق بیشتر تمایل داشـتند که ماهیت این درگیری را ملی گرایانه، و نه مذهبی بدانند، و از این روی، از حکومت خود پشتیبانی میکردند. امروزه با درک این واقعیت که سیاست ایران بر پایه منافع خود و نه صرفا ایدئولوژی اسلامی یا دفاع صادقانه از تشیع مسـتقر است، ایدئالیسـمی که پس از انقلاب، اسـلام گرایان عراقی را به سـمت ایران سوق میـداد، تعـدیل شـده است. همچنین شیعیان دریافته اند که وضعیت عراق با وضعیتی که هنگام وقوع انقلاب اسلامی در ایران داشت، بسیار متفاوت است. سرانجام، آنـان پـذ یرفته انـد که عراق جـامعه ای چنـد فرهنگی است با مشـکلات ویژه خود، که زمینهای برای پـذیرش انقلاب اسـلامی فراهم نمیـآورد. از همین روی، این گروه هـا می داننـد که برای تقویت جـاذبه خود بایـد تـدابیر سیاسـی محتاطـانه ای در پیش گیرند.(۱)

ج– پیامدهای عراق شیعی بر منافع و امنیت ملی ایران

۱– پیامدهای مثبت

۱–۱ : سرنگونی بزرگترین دشمن منطقه ای ایران

نتایـج مـداخله نظـامی آمریکـا در عراق، برای ایران بی نهـایت متنـاقض می نمایـد. نخست در حـالی که این کشور خود را در محاصره نیروهای آمریکایی یافت، هم

۱– – گراهام فولر و رند رحیم فرانکه، پیشین، صص۲۲۶– ۲۲۱ . و همچنین: محمـد رضا جلیلی، "امیدها و تردیدهای ایرانیان پس از صـدام"، برگردان حسـین سپهر، مجله راهبرد، پـاییز ۱۳۸۴، شـماره ۳۷، صـص ۲۱۰–۱۹۷ . {منبـع :۵۸۲–۵۶۷ .pp Politique Etrangere, N ۳–۴ ۲۰۰۳}

زمان با آن، ایالات متحده، ایران را از شر یکی از شرورترین دشمنانش یعنی صدام حسین رهایی بخشید. تئوریزه کردن سیاست ایران در برابر این مهم، با دو ویژگی اجتناب ناپذیر همراه است: در درجه نخست، نباید این نکته را از نظر دور داشت که دست کم برای دو صده، هیچ رهبر سیاسی خارجی به اندازه صدام حسین مردم ایران را عذاب نداده است. پس با توجه به پیامدهای جنگ ایران- عراق، جای تعجب نیست که بسیاری از ایرانیان از نابودی رژیم صدام شادمان باشند. در واقع، صرف سقوط رژیم صدام، خود دستاورد و فرصت بزرگی برای جمهوری اسلامی محسوب می شود، زیرا گذشته از اینکه صدام جنگی هشت ساله با میلیاردها دلار خسارت اقتصادی و صدها هزار تلفات انسانی بر ایران تحمیل کرد، پس ازپذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، عملاً- به غیر از مسئله تبادل اسرا هیچ پیشرفت محسوسی در دیگر مسائل مورد مذاکره پدید نیامد و وضعیت ترک مخاصمه بر روابط دو کشور حاکم بود. به عبارت روشن تر پایان جنگ هشت ساله و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به مفهوم برقراری صلح میان دو کشور نبود و اگر حکومت صدام سرپا می ماند، بی تردید ناامنی در مرزهای دو کشور همچنان باقی می ماند، به ویژه آنکه رژیم بعثی صدام حتی در آخرین روزهای فروپاشی خود نیز حاضر به پذیرش موافقتنامه الجزایر نشد.

ویژگی دیگر این است که با نابودی رژیم صدام حسین، یکی از خطرناکترین تهدیدهای استراتژیک برای ایران نیز از میان رفت. قدرت نظامی رژیم بعث با سلاح های کشتار جمعی یا بدون آن، پیش از هر چیزی برای همسایگانش از جمله ایران خطرناک بود. در سطح منطقه نیز، یک عراق از نظر نظامی ناتوان شده، در عمل یک برد استراتژیک برای ایران به شمار میآید. به طور کلی آمریکا در فاصله سال های ۲۰۰۳-۲۰۰۱ دو رژیم را که تهدیدهای

واقعی برای ایران به شمار می رفتند (طالبان ضد ایرانی و ضد شیعه در خاور و صدام حسین پان عرب و نژاد پرست در باختر) را نابود ساخت. سیاست آمریکا اگرچه مخالف ایران است اما به گونهای متضاد و متناقض در خدمت به منافع «ملی» ایران عمل کرده است.(۱)در واقع، به باور بسیاری از کارشناسان، در میان ۶ کشور همسایه عراق، ایران، بیش از هر کشوری تحت تاثیر تغییرات صورت گرفته در عراق، از جانب مرزهای غربی خود قرار دارد و آنچه کامیابی ایران را از دیگر کشورها متمایز میسازد، همان گونه که «پی یر – ژان لوییزار» اشاره می کند این است که «هیچ کشوری، حتی عربها، از تاثیر همانند تاثیر ایران در عراق نمی توانند بهره مند شوند.» (۲)

سقوط رژیم بعث در عراق، امکانات عملی نوینی برای ایران به ارمغان آورد. در واقع ایران با آگاهی از ارتباط تنگاتنگی که میان روحانیان شیعه ایران و عراق وجود دارد می تواند به ایفای نقش مهمی در عراق جدید امیدوار باشد.

به باور محمد کاظم سجاد پور، مدیر کل (پیشین) دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه ایران، «از پیامدهای مثبت نابودی صدام برای مردم ایران، پیامد مثبت روانی آن است؛ چرا که مردم ما صدام و دشمنی هایش را تجربه کرده اند. بنابراین هیچ کس از رفتن وی ناراحت نشده است

ص: ۲۶۲

۱- – محمد رضا جلیلی، همان. و همچنین: "پیش بینی آمریکا درباره روابط ایران و عراق پس از صدام"، واشینگتن کوارترلی، پاییز ۲۰۰۳، به نقل از: همشهری دیپلماتیک، خورداد ۱۳۸۴، شماره ۵۰ . و رحمان قهرمان پور، "اسرائیل در خاورمیانه پس از صدام و منافع ملی ایران"، ماه نامه برداشت اول، سال دوم، ویژه نامه شماره دوم، ص ۴۱ .

۲- – محمد رضا جلیلی، پیشین.

پیامـد مثبت دیگر حـذف صـدام این است که رژیم بعث، رژیم ایـدئولوژیک ضـد ایران بود. عراق ادعـا می کرد که نگهبان و پاسدار جهان عرب است. نظریه پردازان حزب بعث، عراق را منتها الیه جهان عرب و پاسدار جهان عرب در برابر متجاوزان غیر عرب می دانسـتند و اعتقاد داشـتند که دروازه های شـهرهای عرب را حفظ کرده انـد و اگر این دروازه ها را باز کننـد، توسـعه طلبی ایرانیهـا، جهان عرب را از میان می برد. پیامـدهای مثبت سوم حـذف صـدام و رژیم او، از نظر استراتژیک و نظامی است. ایران در طی چند دهه گذشته از سمت باختر کشور و از سوی عراق، تهدید نظامی شده بود، اما این تهدید استراتژیک، پس از صدام از بین رفته است.»(۱)

۱-۲ : حضور متحدان ایران در حکومت عراق و خروج ایران و آیین شیعه از تنهایی منطقه ای

وقـایع عراق بـاعث دلگرمی رسانه ها و نظام سیاسـی ایران شـده است. آمریکا درحالی که لطمه زیادی به اعتبار خود در منطقه زده است، دشـمن بزرگ ایران را نـابود کرده است متحـدان سیاسـی ایران در عراق در میـان شـیعیان و کردها به ساختار دولت جدیـد راه یافته انـد و هیچگاه از این قویتر نبودهاند. این کشور آماده ایفای نقشـی عمده، اگر نگوییم تعیین کننده، در تشـکیل هر گونه نظام جدید سیاسی و اجتماعی در عراق است. ایران می بیند که برای نخستین

بار در عرصه سیاسی یک کشور عرب، جامعه شیعیان، جایگاه شناخته شده علنی، مشروع و

۱- - "گفت و گو با محمد کاظم سـجاد پور؛ مدیر کل (پیشین) دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه"، مجله اقتصاد ایران، به نقل از: www.did.ir.

بین المللی پیدا کرده است. تفکر جاری در ایران این است که عراق سرآغاز ورود تعیین کننده جهان تشیع به عرصه گسترده تر بین المللی پس از دو دهه انزوای تنها کشور رسماً شیعه یعنی خود ایران است.

در این میان، قویترین اهرم ایران برای دخالت در امور عراق، آیین تشیع است. تهران با آگاهی از این موضوع که ۶۰ درصد مردم عراق شیعه هستند، مایل به استفاده از این برگ برنده به واسطه روابط سنتی ایجاد شده با شیعیان عراق است. سقوط صدام حسین فرصتی برای ایران به وجود آورد که بی گمان در استفاده از این فرصت، نهایت کوشش خود را خواهد کرد. اما از یک سو، پشتیبانی از شیعیان، تنها دربرگیرنده همبستگی اعتقادی و شبکه ای روحانیت برون مرزی نمی شود؛ این پشتیبانی ملاحظات واقعی ژئوپلیتیک را نیز در بر می گیرد. به سخنی دیگر، حکومت و آینده عراق اگر با بیشترینه شیعیان همراه باشد، می تواند نقطه پایانی بر انزوای حکومت تهران و افزایش امنیت آن شود، که سراسر حاکی از تایید برتری این امر بر مجموعه جهان شیعه است

از سوی دیگر، تشکیل حکومتی شیعه در عراق در راستای تغییر موازنه منطقه ای نیز به سود ایران خواهد بود و امروزه برخی از نویسندگان با توجه به قدرت گیری شیعیان در افغانستان و عراق، از شکل گیری ژئوپلیتیک شیعه در خلیج فارس سخن به میان آورده اند.(۱)

۱- – محمدرضا جلیلی، پیشین. و فرد هالیدی، پیشین. و همچنین: آنتونی، اچ، کوردزمن، "استراتژی کلان: پیامدهای جنگ عراق و خاورمیانه جدید و قدیم"، برگردان محمدجواد موسوی، فصل نامه دفاعی – امنیتی، سال دهم، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۴۴. و "چرا منافع ایران و آمریکا به هم گره خورده است؟"، ۳خرداد ۱۳۸۵، www.baztab.ir.

درباره برتری ها و کامیابی های ایران در عراقَ، «کریم سجاد پور»، تحلیل گر ایرانی گروه بحران بین المللی می گوید:

«آمریکایی ها در عراق دارای «قدرت سخت» هستند در حالی که قدرت ایران در عراق از نوع «نرم» است و این کیفیت، تاثیر ایران دراین کشور را بسیار نافذتر از آمریکا میسازد. حکومت جدید عراق رابطه بسیار نزدیکی با ایران دارد. در این حکومت افرادی در رأس امور به چشم می خورند که سالها در تبعید بوده اند و در این زمان جمهوری اسلامی ایران ضمن حمایت از آنها از مبارزات این گونه نخبگان عراق بر علیه صدام پشتیبانی کرده است.... واقعیت این است که ایران ۸۰۰ مایل مرز مشترك با عراق دارد و حکومت جدید عراق توسط شیعیان رهبری میشود که همگرایی مذهبی بسیار شدیدی با ایران دارند و تازه اکثریتی ۶۰ درصدی را در عراق شامل می شوند دکتر ابراهیم جعفری نخست وزیر عراق چهارسال به عنوان رهبر گروه مخالف صدام در ایران فعالیت می کرده است. در اوایل دهه ۱۹۸۰ سرویسهای اطلاعاتی آیت الله العظمی روحالله خمینی (ره) مجلس اعلای انقلاب اسلامی و شاخه نظامی آن- سپاه بدر- را تاسیس کردند که بسیاری از رهبران کنونی حکومت عراق عضو این مجلس هستند.

در بین کردها نیز، ایران رابطه بسیار نزدیکی با اتحاد میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی داشته است. طالبانی رئیس جمهور فعلی عراق است. جلال طالبانی در جریان دیدار از تهران گفت: «در ایران همچون خانه خود احساس راحتی می کند.»(۱)

ص: ۲۶۵

۱- - "گفت و گو با کریم سجاد پور؛ تحلیل گر ایرانی گروه بحران بین المللی"، همشهری دیپلماتیك، خورداد ۱۳۸۴، شماره ۵۰ . و همچنین: جفری کمپ، "ایران و شیعیان عراق"، www.usip.org .

روزنـامه «نیویورک تـایمز» آمریکا نیز در این باره مینویسـد: امروز منابع رسـمی دولت شـیعه عراق افرادی هسـتند که عموما از لحاظ سیاسـی و مذهبی و شخصـی بیشترین وابسـتگیها را به ایران دارند.... تهران با واشـنگتن بر سر عراق رقابت می کند و در این راستا سعی دارد از ارتباطات جغرافیایی خود به عنوان برگی برنده نسبت به آمریکا منافعی برداشت کند.(۱)

روزنامه «واشینگتن پست» آمریکا نیز می نویسد:

اگر دو سال پیش از تحلیلگران آمریکایی پرسـیده می شد، بدترین نتیجه سیاسی ممکن پس از اشغال عراق چیست، پاسخ آنها شاید این بود که استقرار رژیمی تحت نظر روحانیون محافظه کار شیعه و دارای ارتباط خوب با

ایران. این در حالی است که به نظر می رسـد بعـد از انتخابات ۳۰ ژانویه ۲۰۰۵، اسـتقرار چنین حکومتی از جدیترین احتمالات است. این روزنـامه آمریکـایی بـا اشـاره به تلفـات و هزینه هـای آمریکـا در عراق، می نویسـد: تاریـخ نگاران در آینـده از این موضوع متحیر خواهنـد شد که آمریکا چگونه پس از متحمل شدن این هزینههای سـنگین برای تشـکیل دولتی تلاش کرده که رهبران اصلی آن در ایران تربیت شده بودند.

«ترودی روبین»، از نویسـندگان «نیویورک تایمز»، نیز در این زمینه می نویسـد: «هنگامی که دولت بوش، صـدام را از حکومت ساقط کرد، ناخواسـته شـیعیان ایران را تبدیل به ابرقدرت بالقوه منطقه ساخت. کشورهای عرب سنی همچون عربستان سعودی، مصر و اردن، همگی کشورهای هم پیمان آمریکا هستند و دارای سلطه طولانی مدت در منطقه بوده و در مورد نفرت و بیزاری آنها از آیت الله های شیعی

۱- – روزنامه نیویورک تایمز، تاریخ ۲۸/۲/۱۳۸۴، به نقل از: همشهری دیپلماتیک، خورداد ۱۳۸۴، شماره ۵۰ .

ایرانی، هیچ گونه مخفی کاری نداشته انـد. با کنارگذاشتن یک دیکتاتور سنی، آمریکا تعادل قدرت در منطقه را تغییر داد. مقامات آمریکایی، امیدوار به همکاری با بیشترینه شیعه تازه به قدرت رسیده در عراق بودند - که عرب بودند، نه ایرانی - و کسانی که آمریکا عقیده داشت در برابر شیعیان ایران می ایستند؛ اما شیعیان عراق تمایلی به قطع روابط نزدیک خود با ایران نداشتند.» (۱)

درباره میزان نفوذ ایران در تحولات کنونی عراق، روزنامه «الوطن» چاپ عربستان به نقل از یک مقام بلندپایه غربی در بغداد می نویسد:

«نفوذ ایرانیان در عراق به روشنی قابل مشاهده است. نامزدهای سنی و شیعه شرکت کننده در انتخابات ۳۰ ژانویه ۲۰۰۵ عراق، ایران را به حمایتهای مالی چند میلیون دلاری از احزاب عمده شیعه عضو ائتلاف متحد عراق متهم کرده اند».

«شیخ جمال الدین»، از نامزدهای روحانی رقیب ائتلاف متحد شیعه می گوید: «همه می دانند جمهوری اسلامی، اعضای مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق را رشد داده و تقویت می کند، اما اثبات چنین چیزی مشکل است.»(۲)

روزنامه «لس آنجلس تایمز» نیز در این باره می نویسد:

«در مناطق جنوبی عراق ارتباط ایرانی ها با احزاب شیعه واضح است. مأموران اطلاعاتی ایرانی آشکارا در راهروهای دفاتر احزاب شیعه رفت و آمد می کنند و فارسی صحبت می کنند». به نوشته این روزنامه، «موفق الربیعی»، مشاور امنیت ملی نخست وزیر عراق و از نامزدهای ائتلاف متحد عراق

۱- - نیلوفر قدیری، "انتخابات پرابهام: عراق به کدام سو می رود"، ویژه نامه همشهری، به نقل از: www.did.ir .و همچنین: "چرا منافع ایران و آمریکا به هم گره خورده است؟"، پیشین.

۲- - احمد فراهانی، پیشین.

می گوید: «آمریکا برای همیشه در عراق نخواهد ماند، اما ایران همیشه در همسایگی ما قرار خواهد داشت.»

(۱) «علی اصغر خاجی»، نماینده ویژه وزیر

خارجه ایران در امور عراق، نیز درباره پشتیبانی ایران از روند کنونی تحولات عراق می گوید:

«روابط مردم عراق و ایران دیرینه است دو کشور دارای مشترکات تاریخی، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و حتی خویشاوندی هستند؛ لذا طبیعی است که روابط در پرتو تحولات جدید از وسعت و عمق بیشتری برخوردار گردد. این امر موجب گردید که جمهوری اسلامی ایران با تمام توان از روند تکامل سیاسی جدید عراق حمایت نمود و روابط فی مابین دو کشور در عالی ترین سطح در جریان است و بعضاَ با استقرار یک دولت مردمی در عراق روند روابط بر خلاف گذشته به مسیر اصلی و تاریخی خود باز گردد و یقیناَ این دو کشور بزرگ می توانند در صحنه های منطقه ای و بین المللی در همه زمینه های موثر و تعیین کننده منبع رشد و شکوفائی مردم منطقه و استقرار صلح و ثبات و تحکیم امنیت در منطقه باشند. بنابر این عراق آینده میتواند نه تنها با جمهوری اسلامی ایران بلکه با تمامی همسایگان و دیگر کشورهای منطقه روابطی دوستانه داشته باشد و روحیه تعاون منطقه ای را استحکام بخشد».(۲)

همچنین تاکید رهبران شیعه عراق، همچون عبدالعزیز حکیم و ابراهیم جعفری، بر دوستی دو ملت و دو کشور و رفع هرگونه عامل اختلاف زا میان دو

۱- - همان.

۲- - "گفت و گو با علی اصغر خاجی؛ نماینده ویژه وزیر خارجه ایران در امور عراق"، همشهری دیپلماتیک، دی ماه ۱۳۸۴، شماره ۷۹ .

طرف، نشان دهنده اهمیت روابط دوستانه میان دو کشور از نگاه رهبران جدید عراق است

«عبـدالعزیز حکیم»، رییس «مجلس اعلا» و رهبر «هم پیمـانی عراق یک پارچه»، در این باره می گویـد: «حسن همجواری را با کشورهای همسایه از جمله ایران مورد تاکید قرار داده ایم. التزام حکومت آینده عراق را به سایر معاهدات و موافقت نامه های مرزی میـان عراق و تمامی کشورهای همسایه مشـخص کرده ایم. زیرا بهانه ای که برای جنگ ها وجود داشت عـدم اعتماد به رژیـم و نقض ایـن توافقنــامه هـا و معاهــدات بـود و تمـامی مشــکلات بـا ایران، کـویت و عربســتان از ایـن امر نشـات گرفته است....تاکیـد کرده ایم که سـرزمین عراق نبایـد به هیـچ وجه پایگاهی برای زیان رسانـدن به کشورهای همسایه باشد و گروه های تروریستی مثل منافقین را نباید در این سرزمین جا و پرورش دهد.»(۱)

در واقع، یکی دیگر از پیامـدهای مثبت تحولاـت عراق برای ایران، خلع سـلاح مخالفـان جمهوری اسـلامی ایران بود که برای سال های متمادی در این کشور مستقر بودند و به کمک عراق حملاتی را علیه ایران انجام می دادند و در پرتو این تحولات، یا برخی از آنها عراق را ترک کردهاند و یا اینکه در محاصره دولت های اشغالگر قرار گرفته اند. همچنین،

تأکید ابراهیم جعفری، نخست وزیر (پیشین) عراق، در هنگام سفر به ایران بر قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر برای تنظیم روابط دو کشور در آینـده، به نوعی بیانگر پایان اختلاف های مرزی دیر پای دو کشور بوده، و پیامـد چنین تحولی، مذاکره درباره غرامت های جنگ هشت ساله دو کشور خواهد بود که خواسته ایران را برآورده می سازد.(۲)

ص: ۲۶۹

۱- - "گفت و گو بـا عبـد العزیز حکیم؛ رییس مجلس اعلاـ و رهبر هم پیمـانی عراق یـک پـارچه در پارلمان عراق"، روزنامه همشهری، به نقل از: www.did.ir .

۲- - به نقل از: www.middleeastnews.com . و همچنین: www.irandidban.com.

۱–۳ : فرصتهای اقتصادی

اشاره

در دوران حاکمیت رژیم بعثی صدام روابط و همکاری اقتصادی میان ایران و عراق چندان قابل توجه نبود، بنابراین فروپاشی رژیم سابق حتی اگر فرصت اقتصادی برای ایران ایجاد نکند، دست کم چنین فرصتی را نیز از آن نگرفته است. تشکیل دولت جدید در عراق باعث شده که با رفع تهدید رژیم بعث، ایران نگاهش به روابط فی ما بین صرفاً امنیتی نباشد. نگاه به عراق به عنوان یک بازار بزرگ یا یک طرف تجاری و صنعتی می تواند امنیت ایران را تأمین کند. از این رو امنیت ایران صرفاً در تقابل کلاسیک و سنتی خلاصه نمی شود بلکه تعاملات اقتصادی هم دربرگیرنده منافع امنیت آن محسوب می شوند. با تحولات عراق، اولویت های نظامی و امنیتی ایران درباره عراق، کم کم به سوی تبدیل شدن به اولویت های اقتصادی و فرهنگی پیش می رود. براین اساس ایجاد بازارچه های مرزی و مناطق آزاد تجاری برای پاسخگویی به نیاز مردم عراق و گسترش همکاریهای بازرگانی و مواصلاتی به منظور ایجاد بازار کار جدید در استانهای مرزی ایران و پیشرفت اقتصادی این مناطق، بیش از گذشته مورد توجه قرار می گیرد.

همچنین علایق مشترک میان دو کشور و گسترش گردشگری و زیارت عتبات عالیات به سود اقتصاد هر دو طرف خواهد بود. با افزایش گردشگری مذهبی به عتبات عالیات زمینه مساعدی برای تجارت چمدانی فراهم خواهد شد. از سوی دیگر، مسئله بازسازی عراق یکی از مهمترین موضوعات مرتبط با نقش آفرینی ایران در عراق است . عراق در طول ۲۵ سال اخیر درگیر سه جنگ بزرگ با ایران، کویت و نیروهای ائتلاف بوده است که نتیجه منطقی آنها اقتصاد نابود

شده و بسیار ضعیف عراق است؛ به گونهای که کارشناسان در کنفرانس بازسازی عراق در مادرید اسپانیا هزینه بازسازی این کشور را تا مرز ۶۰۰ میلیارد دلار نیز ارزیابی کردهاند. مشارکت ایران در کنفرانس بازسازی عراق در مادرید و بروکسل برای پرداخت اعتبار صادراتی برای مشارکت شرکت های ایران در بازسازی عراق، حاکی از علاقه مندی ایران برای گرفتن سهمی از بازار رو به گسترش عراق است و ایران با توجه به جغرافیای مناسب خود و نزدیکی شهرهای اصلی عراق به مرزهای ایران، همچنین قرابت مذهبی- فرهنگی و سرمایه گذاری های زیاد مادی و معنوی در زمان صدام، امید دارد که سهم مناسبی از بازسازی عراق رانصیب خود گرداند.(۱)

پیامدهای منفی

۲-۱ : رونق دوباره حوزه نجف و تهدید جایگاه حوزه قم

امروزه، ایران، نه یگانه مرکز مذهبی تشیع، که صرفا مهم ترین مرکز آن است و این اهمیت را از آنجا به دست آورده که از اتفاق، سکونت گاه مراجع شده است. تثبیت جایگاه قم، به عنوان مرکزی مهم برای آموزش، اساسا در این صده

۱- - سید علی طباطبایی، "حضور اقتصادی ایران در عراق پس از انتقال حاکمیت به دولت موقت"، ماه نامه برداشت اول، سال سوم، شماره ۱۸ و ۱۹، ص ۴۴. و همچنین: پیتر فورد، "مردان مقدس عراق"، کریستین ساینس مانیتور، به نقل از: www.did.ir . دانیل بای من، "نقش نیروهای ائتلاف در بازسازی عراق جدید"، ۲۲ september ۲۰۰۳، برگردان عظیم فضلی پور، فصل نامه مطالعات خاورمیانه، شهریور ۱۳۸۲. حسن بهشتی پور، "ایران و عراق بعد از صدام"، همشهری دیپلماتیک، بهمن ۱۳۸۳، شماره ۴۰. روزنامه شرق، ویژه انتخابات عراق، ۱۱/۱۲/۱۳۸۳، و سایت: www.csis.org.

رخ داده است، و هیچ دلیل مذهبی ای برای عنایتی این چنین به قم وجود ندارد. قم، در آستانه به قدرت رسیدن رضاشاه با مهاجرت آیت الله نایینی از نجف و کربلا ـ در مخالفت با حضور انگلیسی ها در عراق تحت حاکمیت عثمانی و همزمان با انتقال ریاست حوزه های قم به آیت الله عبدالکریم حایری یزدی اهمیت تاریخی یافت. از نگاه تاریخی، ایران حتی مرکز اصلی تشیع نیزنبوده است؛ بر خلاف کشور عراق که به یمن مکانهای مقدسش، از جمله آرامگاه دو پیشوای برجسته شیعیان، امام علی و امام حسین ، از همه شرایط لازم برای آنکه مرکز تشیع باشد برخوردار است. کربلا ـ و نجف در عراق، از دیرباز پایگاههایی برای دانش پژوهی شیعیان به شمار میآمدند، اما ایران دست کم تا روزگار صفویان چنین نبوده است. تنها در دهه ۱۹۷۰ بود که آزار و ستم شیعیان به دست رژیم بعث، آزادی پژوهش و نهاد روحانیت را از میان برد و بیشتر روحانیان برجسته شیعه مجبور به ترک عراق و مهاجرت به ایران شدند. سود برنده اصلی این سرکوب ها، شهر قم در ایران بود که بسیاری از این روحانیون به آن جا فرار کردند. این شهر در حال حاضر مهماندار ۳ هزار روحانی عراقی است. نفوذ قم به عنوان پایگاهی برای بیان دیدگاه مذهبی شیعیان، در دوران آیت حضرت امام خمینی ره بسیار افزایش یافت، به ویژه آنکه با رهبری او تفسیرهای تازه و جسورانهای از مکتب تشیع مطرح شد.

سرنگونی صدام و قدرت یابی شیعیان در عراق، به تولد دوباره نجف به عنوان نخستین شهر مقدس شیعیان میانه رو، در برابر قم که از سال ۱۹۶۹ یکی از مراکز اصلی شیعیان بوده، خواهد انجامید که این مسئله، تهدیدی واقعی برای ایران به شمار آمده و بر نگرانی های حاکمان ایران می افزاید. امکان انتقال مرکز بزرگ آیین شیعه به جای اصلی خود در عراق، می تواند در درازمدت از تاثیر و

نفوذ ایران بکاهد و به پیدایش حوزه های علمیه مستقل از حکومت و شیعه نوین و بیشتر غیرسیاسی کمک نماید.(۱) (البته این مباحث و دیدگاهها بیشتر از سوی غربیها مطرح میشود و تحولات سه سال گذشته نشان داد این مسئله ریشه واقعی ندارد(۲)) در واقع، عراق مهمترین بازیگری است که اگر بخواهد، میتواند تشیع را به جهان عرب باز گرداند. اگر عراق بتواند به نظامی دموکراتیک دست یابد، بیشترینه شیعه این کشور خواهان رونق دوباره نجف و کربلا خواهند بود تا دانش پژوهان شیعه عرب را از سراسر جهان عرب به این کشور فراخوانند. ودر این صورت حوزه های علمیه نجف و کربلا بار دیگر محل بحث و فحص دین آموزان و مراجع تقلید شیعه خواهند شد.

فضای آزاد پس از فروپاشی حزب بعث و رژیم صدام حسین به طور قطع در جذب دین آموزان از قم به نجف و کربلا موثر خواهد بود. این امر، موجب جذب و مهاجرت دین آموزان و شاید جا به جایی دفترهای برخی از مراجع خواهد شد. و نه تنها بسیاری از روحانیان عراقی که در قم به سر می برند، به آن جا بازخواهند گشت، بلکه بسیاری از روحانیان ایرانی نیز جذب این اماکن مقدس شده و به امید دست یابی به محیطی که در آن بتوانند آزاد تر به

بحث در مورد مسائل دینی و الهی بپردازند، کوچ خواهند کرد.(۳) در آن صورت، قم، از

ص: ۲۷۳

۱- - گراهام فولر و رند رحیم فرانکه، پیشین، صص ۱۵۱- ۱۵۰. و همچنین: محمد رضا جلیلی، پیشین. و "از قم تا نجف"، مجله اقتصاد ایران، به نقل از www.did.ir .

۲- - Vali Nasr, “When the Shiites Rise,” Foreign Affairs, July/August ۲۰۰۶ .

۳- - "بحرانگاه های منطقه ای"، مجله گزارش، به نقل از: www.did.ir . همچنین: گراهام فولر و رند رحیم فرانکه، پیشین، صص ۱۷۵- ۱۷۴. و "از قم تا نجف"، پیشین،

اهمیت پنجاه ساله خود فاصله خواهد گرفت. در این زمینه، حجت الاسلام «حایری»، از استادان و مسئولان حوزه علمیه نجف، درباره وضعیت کنونی این حوزه می گوید: «بی گمان، حوزه قم، مهمترین مرکز دینی و فرهنگی شیعه است؛ امّا حوزه نجف ممحض در علم و درس و بحث بود و از این جهت بر حوزه قم برتری دارد. در حوزه نجف، جز علم، کالای دیگری داد و ستد نمی شد؛ ولی قم گاهی خودش را بیش از اندازه با سیاست مخلوط میکند. پس از سرنگونی صدام، آموزشگاه های نجف دوباره به کار افتاده اند. حتی از قرار معلوم شمار دین آموزان هم رو به فزونی دارد و از ایران و کشورهای دیگر هم به آن جا میروند. خوشبختانه برخی از استادانی که به اجبار نجف و عراق را ترک کرده بودند، به حوزه نجف بازگشتهاند و در حال بازسازی این حوزه کهن و مقدس هستند. استادان تازهای هم از قم به نجف رفته اند و حلقه های درسی تشکیل داده اند.»(۱)

پیامد این جا به جایی و تحول به زودی درجهان شیعه نیز نمایان خواهد شد. در واقع، با فراهم آمدن سفر زائران شیعه از سراسر جهان به شهرهای مقدس کربلا و نجف، این خطر وجود دارد که موقعیت ایران به عنوان خاستگاه واقعی شیعه جهان، متزلزل شود. این احتمال که عراق به نخستین کشور عرب تبدیل شود و در آن شیعیان نیروی غالب را تشکیل دهند، به رشد احساسات و خودآگاهی شیعیان در کشورهای عرب از جمله لبنان، کویت، بحرین و از همه مهمتر عربستان سعودی خواهد انجامید. به ویژه در این زمینه، رقابت ایران و عراق برای نفوذ در میان شیعیان لبنان در آینده، طبیعی به نظر می رسد.

۱- - "گف و گو با حجت الاسلام حایری؛ از استادان و مسئولان حوزه علمیه نجف و برادر آیت الله سید کاظم حایری"، مجمع جهانی شیعه شناسی، www.shiastudies.com.

آیت الله سید محمد حسین فضل الله، یکی از رهبران عمده شیعیان لبنان، در فروردین ۱۳۸۲، اشاره کرد که سقوط صدام احتمالا باعث خواهد شد اهمیت نجف در لبنان در سنجش با اهمیت ایران افزایش یابد. بیرون از عراق در افغانستان، پاکستان و هند نیز اهمیت نجف به عنوان یک مرکز دینی دوباره افزایش خواهد یافت و آن را به یک رقیب عمده ایران تبدیل خواهد کرد.(۱)

۲-۲ : تقویت دیدگاه میانه رو حکومت شیعه (سنت نجف) و تهدید جایگاه و مشروعیت دیدگاه ایرانی حکومت شیعه (سنت قم)

در میان بخشهای مختلف گروه های عراقی و از جمله میان حزب الدعوه و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، دو تلقی از نحوه فعالیت سیاسی و حکومت با هم در رقابت اند ؛. یک نگرش بر محوریت روحانیت در فعالیت سیاسی تاکید دارد و فقدان این ویژگی را موجب انحراف میداند. این ویژگی که در مجلس اعلاـ متبلور است در نهایت به سوی ایده ولایت فقیه کشیده شد و تحقق الگویی شبیه ساختار جمهوری اسلامی را به عنوان آرمان مبارزاتی خود در نظر گرفت (البته بعدها با توجه به واقعیت های جامعه عراق بسیار تعدیل شد). اما تلقی دوم بهای بیشتری به سازماندهی نیروها می داد و معتقد به کار تشکیلاتی و حزبی در عین توجه به تعالیم اسلامی و جایگاه روحانیت است. پیروان این ایده که بیشتر در قالب حزب الدعوه فعالیت می کنند، بر این باورند که علاوه بر تعالیم و ایده های مذهبی باید به شرایط خاص اجتماعی، مذهبی و قومی عراق نیز توجه

۱- -Graham Fuller, op. cit. و همچنین: "عراق در حال گزار، گرداب یا تحول آفرین"، پیشین،

کرد. بنابراین به نظر آنها ایده ولایت فقیه در عراق قابل پیاده شدن نیست.(۱)

از سوی دیگر گرایش مسلط حوزه علمیه نجف

اشرف به سمت عدم دخالت مستقیم روحانیت در سیاست متمایل است. حضرت آیت الله العظمی سیستانی، به عنوان شاخص ترین شاگرد آیت الله خویی، که موقعیتی ممتاز در میان شیعیان خلیج فارس، هندوستان، پاکستان، افغانستان، لبنان و کشورهای اروپایی و آمریکا دارد، همچون مرحوم خویی بر این باور است که ورود مستقیم روحانیت در مسائل سیاسی و مناصب حکومتی به روحانیت و دین ضربه می زند و روحانیت باید به ارشاد، وعظ، هدایت و انذار مردم، حاکمان و مسئولان بپردازد. آنها تاکنون درباره ایجاد حکومت دینی سخن نگفته است. وی برای غیر روحانیون در تشکیل نهادهای دینی اهمیت بیشتری قائل است و تنها به دلیل ضرورت، هدایت شیعیان عراق را در این دوران پرآشوب برعهده گرفته است. در میان۰ گرایش لیبرال نیز برخی چهره های شاخص شیعه مانند احمد چلبی و دکتر مکیه دیده میشوند که اساسا مخالف نقش هر نوع مذهب در روابط سیاسی - اجتماعی هستند.(۲)

از این رو، روحانیان شیعه عراق نسبت به سیستم مذهبی ایران، بی تفاوتاند و به هیچ وجه علاقه ای به تحمیل سیستمی مشابه آن را به مردم کشور خود ندارند. حتی مجلس اعلاـ نیز، حداقل در تئوری، به دیگر گروه های فعال سیاسی عراق در تایید ایجاد یک حکومت دموکراتیک به روش غرب پیوسته است و از

۱- – سیدحسین سیف زاده، "عراق، ساختارها و فرآیند گرایش های سیاسی"، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۷۹، ص ۲۳۳ و ۲۳۲. و همچنیـــن: Patrick Clawson,"How to Build a New Iraq after Saddam," Washington: Institute for Near East Policy, ۲۰۰۲, p. ۴۵

۲- – همان. ص ۲۳۳ و ۲۳۲. و همچنین: "گفت و گوی با حمید احمدی"، پیشین،

اسلام ولایتی - فقاهتی فاصله گرفته است.

رفتار سیاسی سید عبدالعزیز حکیم وآیت الله شهید سید محمدباقر حکیم در کنفرانس مخالفان عراق در پاریس و لندن هم گواه این مدعاست و در حال حاضر سیدعبد العزیز حکیم، روابط دوستانه ای با آمریکا برقرار کرده است. حتی گفته می شود اسلام گراهای شیعه - عراقی هایی که نزدیک به یک سوم جمعیت عراق را تشکیل می دهند - با ایجاد یک حکومت مذهبی مخالف اند.

دکترابراهیم جعفری، رهبر حزب الدعوه و نخست وزیر (پیشین) عراق، در همین زمینه میگوید: «فکر می کنم آن کسی که رهبری عراق را برعهده می گیرد از بطن همین ملت باشد و ویژگی های این کشور را دارا باشد. عراق کشوری با تنوع قومی مذهبی است و به هیچ کشور دیگری نیز شباهت ندارد. نه همه عراقی ها شیعه هستند و نه همه شیعیان اسلام گرا و نه همه اسلام گرایان معتقد به ولایت فقیه. نسخه برداری از هر تجربه دیگری با حفظ حقوق ملت عراق در تعارض است و تمام مردم عراق باید در تعیین سرنوشت کشور خود و ساختن عراق جدید سهیم باشند. عراق کشوری متنوع است و همگان باید به این تنوع و نیز آزادی عقاید، گرایش های سیاسی، دینی و قومی افراد احترام بگذارند.»(۱)

در واقع، تشیع عراق تمایلی به الهام گرفتن از مدل حکومت ایران ندارد. از سوی دیگر عمل گرایی رهبران سیاسی- مذهبی شیعه عراق و تمایل مراکز بزرگ دینی در این کشور به اتخاذ گرایش بسیار سنتی در رابطه با مذهب می تواند برای جمهوری اسلامی، که شاهد مناقشات و بحث های گوناگون در درون خود است

۱- - "گفت و گو با ابراهیم جعفری؛ نخست وزیر (پیشین) عراق"، روزنامه شرق الاوسط، به نقل از: www.did.ir .

مشکلات تازه ای به وجود آورد. روحانیان ایران بسیار نگران رقابت جدید قم و نجف بوده و از این که چند شاخه شدن شیعیان با مفهوم ولایت فقیه در تضاد باشد، در هراسند؛ چرا که نوزایی نجف یا ظهور دوباره شیعیان عراق در عرصه قدرت، می تواند برای ایران بسیار مشکل ساز باشد. در حالی که آیت الله سیستانی مهمترین مقام مذهبی شیعه در نجف است، اگر مرکز جذب شیعه دوباره به مکان قبلی یعنی عراق بازگردد، نفوذ ایران به طور چشم گیری کاهش خواهد یافت و مذهب شیعه که به طور سنتی غیرسیاسی است به جایگاه پیش از انقلاب اسلامی باز خواهد گشت.(۱)

در واقع، در صورت تحقق سناریوی آمریکا در عراق، جمهوری اسلامی ایران با مهم ترین چالش منطقه ای در خصوص ایدئولوژی حکومتی خود مواجه خواهد شد. در آن صورت این اولین حکومت غیرفقاهتی و عرفی شیعه است که به احتمال بسیار از سوی مهم ترین مراجع عظام در نجف مورد تایید قرار خواهد گرفت. این امر در کنار احتمال احیای دوباره حوزه علمیه نجف و تبدیل آن به پایتخت علمی و فقهی شیعه، نگاه شیعیان منطقه را به سوی مدل سیاسی مستقر در عراق معطوف خواهد کرد. و چنان چه رهبری شیعیان در عراق مفهوم ولایت فقیه را رد کند، این مفهوم در درون ایران نیز با فشارهایی رو به رو خواهد شد. به ویژه که ایران هنوز نتوانسته است ترکیب مورد اجماع و با ثباتی از جمهوریت و اسلامیت ارائه دهد و در این مورد هنوز فاقد آرامش اطمینان بخش و در مرحله آزمون و خطاست. به عبارت دیگر جمهوری اسلامی ایران به لحاظ الگوبرداری و منبع یادگیری هنوز مورد توجه واقع نشده است.

(۲)

۱- - پپه اسکوبار، "شبح شیعه بر خاورمیانه"، پیشین، و همچنین: محمد رضا جلیلی، پیشین.

۲- - محمود سریع القلم، "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف"، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۹، ص ۱۳۸. و همچنین: Nasser Hadian – Jazy, “The Imerging Iraqi Polity: A Case For US - Iran Cooperation”, International Interest, Vol. ۲, Issue ۳۲, August ۱۳, ۲۰۰۳ p. ۲۴

.

به سخنی دیگر، همان گونه که برخی از نظریه پردازان آمریکایی (همچون برنارد لوییس) مطرح کردهاند که بهترین شیوه برای تغییر حکومت ایران، تشکیل یک حکومت لیبرال شیعه در عراق است، ایالات متحده نیز منطقه بازی را به محیط ایدیولوژیک برده است و از مهمترین متغیر معادله قدرت در منطقه سود می برد. جمهوری اسلامی ایران نیز یک نظام ایدیولوژیک است به این معنا که امنیت هستی شناختی اش مقدم بر امنیت وجودی او است. به بیان بهتر بی اعتباری ایدیولوژی حکومتی این نظام تفاوتی با براندازی آن ندارد.(۱)

در زمینه پیاده سازی لیبرالیسم (آزادی خواهی) و دموکراسی (مردم سالاری) از سوی آمریکا در عراق نیز همین تهدیدها برای نظام حکومتی ایران صادق است. برخی از ایرانیان بر این باورند که هر حکومتی در عراق بر سر کار آید، بدتر از حکومت صدام حسین نخواهد بود. اما به فرض اینکه حکومت نوین، آن گونه که آمریکایی ها وعده میدهند، دموکراتیک باشد، باز هم تاثیر مثبت بر {اصلاح طلبان} ایران خواهد گذاشت. یک عراق دموکراتیکی که در آن حقوق افراد محترم شمرده شود و آزادی مذهب تضمین شود، عراقی که در آن روا داری (تساهل) و رفاه با هم همراه شوند، کامیابی حکومت روحانیت در ایران را با خطری ویران گر

ص: ۲۷۹

۱- - فرزاد پورسعید، "عراق جدید و تهدید منزلت منطقه ای جمهوری اسلامی"، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۳۱ شهریور ۱۳۸۲.

رو به رو می سازد. به باور «داوود هرمیداس باوند»، استاد دانشگاه، تغییر حکومت عراق از نظر منافع ملی، به نفع ایران بوده است، همانند برکناری طالبان در افغانستان. همچنین استقرار یک نظام دموکراتیک در عراق بر همه کشورها اثرگذار خواهد بود، مثلا عربستان و دیگر کشورهای عربی دستخوش بحران هایی خواهند شد و حتی در ایران نیز در درون مردم خواسته های اصلاح طلبانه تقویت خواهد شد. به هر حال جوی در منطقه حاکم خواهد شد که در جهت یک نوع برتری نظام سکولاریسم خواهد بود و منطقه دیگر پذیرای نگرش های بنیادگرا و نیز حکومت های دیکتاتوری نخواهد بود.

۲-۳ : مسایل اقتصادی و رقابت ایران و عراق در بازار انرژی

در زمینه اقتصادی، بدترین سناریو برای نظام ایران، عراق مرفه و طرفدار آمریکا است؛ هر چند که برخی از ایرانیان از آن استقبال خواهند کرد، چرا که آن را محرک بالقوه برنامه اصلاحات زمین گیر شده خود می دانند. تهدیدهای اصلی که این سناریو متوجه ایران می کند کمتر به حضور آمریکا مربوط می شود. این تهدید – افزون بر نوزایی آموزش دینی در نجف و کربلا- - بیشتر از چالش های ناشی از ظهور دوباره اقتصادی عراق است.(۱) (این سخن بیشتر بازتابنده دیدگاه های غربی در این زمینه است و بعید به نظر میرسدکه منافع ایران در عراقی ویران و فقیر برآورده شود.)

در واقع، اگر شکاف رفاهی میان عراق و ایران برجسته شود، ایدیولوژی

۱- - علی انصاری، "چگونگی رفتار ایران در قبال جنگ عراق"، همشهری دیپلماتیک، آذر ۱۳۸۲ ، شماره ۲ .

حکومتی جمهوری اسلامی در داخل کشور با چالش مواجه خواهد شد. به باور دکتر «اسدالله اطهری»، کارشناس مسایل خاورمیانه، «در صورت تحقق وعدههای آمریکا در زمینه برپایی دموکراسی و حکومت شیعی سکولار متحد غرب در عراق و همچنین تبدیل عراق به یک کشور مرفه و پیشرفته و فدرال، آنگاه مردم ایران خواهند پرسید؛ چرا ایران شیعه پیشرفت نمیکند و به رفاه نمیرسد. بنابراین به سیستم سیاسی خودمی نگرند و به الگو برداری از مدل عراق می پردازند.»(۱) (این سخن نیز بسیار خوش بینانه به نظر میرسد؛ چرا که تبدیل عراق به کشوری مرفه، پیشرفته، فدرال، دمکرات و سکولار به آسانی میسر نیست.)

از آنجایی که آمریکا در پی مطرح کردن عراق به عنوان الگویی برای تجارت آزاد در خاورمیانه و رهایی اقتصاد از نظارت دولتی است، این سیاست نیازمند بستری مناسب برای سرمایه گذاری خارجی است و صنعت نفت عراق مناسب ترین زمینه در این خصوص به شمار می رود. از همین رو، یکی از پیامدهای نگران کننده اشغال عراق بر ایران و دیگر کشورهای عضو اوپک به خطر افتادن ثبات نسبی حاکم بر بهای نفت است. به ویژه اگر صدور نفت عراق به بازارهای جهانی به حداکثر برسد یا عراق از اوپک خارج گردد. در عراق تاکنون ۷۴ میدان نفتی شناسائی شده که تنها ۱۵ میدان آن به تولید رسیده و ۵۹ میدان هنوز مورد بهره برداری قرار نگرفته است. ذخایر تثبیت شده نفت عراق معادل ۱۱۲ میلیارد بشکه و ذخایر احتمالی آن حدود ۲۲۰ میلیارد بشکه برآورده شده که در صورت اکتشاف با ذخایر عربستان سعودی رقابت خواهد کرد.(۲) هم اکنون

۱- - "گفت و گوی با اسدالله اطهری"، پیشین،

۲- - Michael Renner, “Post Saddam Iraq: Linchpin of a New oil order”, www.fpif.org. p. ۲
.

عراق قدرت تولید ۵/۲ میلیون بشکه در روز را دارد، که در یک فرصت ۵ تا۱۰ساله می تواند این میزان را به ده میلیون بشکه در روز برساند. این رشد می تواند درآمد سرانه بالای پنج هزار دلار را در سال ۲۰۱۰ برای عراق به ارمغان آورد.(۱)

در واقع، برداشتن تحریمهایی که بر تولید نفت عراق سنگینی می کرد و اقدام شرکتهای نفتی غرب در بازسازی و نوکردن تاسیسات نفتی عراق توانسته ظرفیت تولید نفت عراق را که ذخیره ثابت آن امروز، حتی بیشتر از ایران است، افزایش دهد. این وضعیت میتواند تاثیر به سزایی بر بازار نفت و بهای آن و پایین آوردن بهای دلار بگذارد. این در حالی است که جمعیت و مصرف داخلی ایران حدود سه برابر کشور عراق است. در این صورت، وضعیت ضعیف اقتصادی ایران، وخیمتر خواهد شد که این خود میتواند نتایج منفی بر اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در پی داشته باشد. افزایش تدریجی ظرفیت تولید نفت عراق در بلند مدت تاثیر خود را با در حاشیه قرار دادن ایران در بازار بین المللی نشان خواهد داد. به طور هم زمان، نبود سرمایه گذاری برای نوسازی تاسیسات نفتی (به دلیل تحریم های آمریکا) و رشد مصرف داخلی در ایران، این روند را افزایش خواهد داد. بدین ترتیب ایران در سالهای آینده، برخلاف پتانسیل بالای خود، با خطر

۱- - James Bartis, “Iraqi Oil and the Global Economy,” in: www.rand.org . و همچنین: محمد صفائی، "عراق، خصوصی سازی منابع نفت و بازسازی"، روز نامه همشهری، ۱۸ مرداد ۱۳۸۲، ص ۱۳ . Andrew Parasilifi, “The military in Iraqi politics,” in Joseph A.Kechichian, ed ., Iran, Iraq and the Gulf States, New York: Palgrave, ۲۰۰۱, p۸۹. - Patrick Clawson, op. cit.

قرار گرفتن در لیست کشورهای درجه دوم صادرکننده نفت مواجه خواهد شد.

۴-۲ : بازگشت ناسیونالیسم عراقی و پیروزی شیعیان سکولار

در میان بسیاری از عراقی ها این حس مسلم است که ایران همواره مراقب و پشتیبان شیعیان عراق است، اما جنگ دو کشور در سال ۱۹۸۰ این احساس را تا حدودی کمرنگ کرده است (در طی جنگ دو کشور حتی نمونه ای از اعتراض شیعیان عراق به جنگ بر ضد ایران دیده نشد، در حالی که شمار چشمگیری از ارتش عراق را شیعیان تشکیل می دادند)، و به نظر میرسد ناسیونالیسم و عربیسم جدید، مهمترین بخش هویت شیعیان عراق باشد. در واقع، شیعیان عراق آغازکنندگان اصلی ناسیونالیسم جدید عراقی هستند. آنها خیلی بیشتر از مبارزان عرب سنی که نیروی پیشروی پان عربیسم در میان رودان بودند، هویت عربی عراق را شکل دادهاند که از سنی های عرب متمایل به غرب و شیعیان ایرانی متمایل به شرق کاملا مجزاست.

در کنار این تمایلات ملی، می توان به واقعیت های ژیوپلتیکی دو کشور نیز توجه نمود که تحت حکومت هر مذهبی، عراق یکی از رقیبان منطقه ای ایران به حساب میآید. ایران چه در دوران صدام تمایل داشت جامعه شیعه عراق و به ویژه روحانیون این کشور مهار شوند و از رقابت با ایران باز داشته شوند و چه در دوران جدید که به نظر میرسد در انتخابات این کشور نیز هدف اولیه ایران تضمین این اصل است که عراق توانایی رقابت به عنوان یک همسایه قدرتمند شیعه را نداشته باشد.(۱) به باور «کیهان برزگر»، استاد دانشگاه و کارشناس مسایل

۱- - Craig S. Smith, "Groups Outline Plans for Governing a Post-Saddam Iraq," New York Times, December ۱۸, ۲۰۰۲. - Judith Miller and Lowell Bergman, “Iraqi Opposition Is Pursuing Ties with Iranians,” New York Times, December ۱۳, ۲۰۰۲. - Barbara Slavin, “Iraq a Harsh Climate to Try to Grow Democracy,” USA Today, November ۱۲, ۲۰۰۲.
"تحلیل شرایط پیش روی امریکا در عراق و استراتژی ما"، معاونت سیاست خارجی، ماه نامه برداشت اول، سال سوم، شماره ۲۳، ص. ۸۰. "آیا ایران در جنگ عراق پیروز می شود؟"، پیشین.

خاورمیانه، «در کنار فرصت های بیشمار برای منافع ملی ایران، عراق، به لحاظ ساخت قوی قدرت، جمعیت، منابع و قشر متوسط تحصیل کرده فی نفسه می تواند رقیب ایران باشد که درگذشته، این رقابت به یک جنگ مبدل شد. این کشور به عنوان مهم ترین بخش منظومه نفوذ ایران در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی می تواند برای ایران چالش های جدیدی به وجود بیاورد. عراق به لحاظ رقابت با ایران، از جنبه به خطرافتادن مرزهای آن با ایران، به لحاظ ورود ناامنی های موجود درعراق و احتمال سرایت آن به ایران و از زاویه فرقه گرایی و خطر تجزیه آن می تواند همچنان در سطح ملی برای ایران تهدید باشد. در سطح منطقه ای هم، عراق جدید یک چالش جدید در زمینه های گوناگونی است که با گذشته فرق می کند.» (۱)

داوود هرمیداس باوند نیز در این زمینه معتقد است: «حتی اگر یک حکومت صد در صد شیعی در عراق استقرار یابد، بعد از یک ماه عسل کوتاه، نخستین برخوردش با ایران خواهد بود و این تجربه را در روابط چین با شوروی سابق،

ص: ۲۸۴

۱- - کیهان برزگر، "ایران و عراق جدید: چالش ها و فرصت های پیش رو"، فصل نامه حقوق و سیاست، سال اول، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۳. ص ۵۶- ۳۷ .

ویتنـام بـا چین، کـامبوج با ویتنام و... شاهـد بودیم که سـرانجام این کشورها که همه سوسـیالیست بودنـد به مبانی و ریشه های تـاریخی خود بازگشـتند و حتی به درگیری نظامی علیه یکـدیگر پرداختنـد. مثال دیگر در این زمینه حزب بعث عراق و سوریه است که ایدیولوژی یگانه ای دارند ولی بیشترین درگیری را نیز با هم دارند.»(۱)

افزون بر این، بخش بزرگی از ۱۴ میلیون شیعه عراقی ،سکولار هستند و از این رو شاید خوش بینیهای ایران به سادگی برآورده نشود. از نگاه بسیاری از شیعیان سکولار، چپ گرا و لیبرال، هر چند انقلاب ایران به دلیل پیروزی بر ظلم و سلطه غرب شایسته ارزش و احترام است، اما رژیم ایران برای آنان هیچ گونه کشش معنوی یا عقیدتی ندارد. در واقع، این گرایش وجود دارد که ایران را دوباره به صورت رقیب تاریخی اعراب و به خصوص عراق مطرح سازد، از این روی برای بسـیاری از شـیعیان عراقی و همچنین سنیها مسئله فقط آن است که چطور میتوان با ایران به هم زیستی رسید.

البته به باور بسیاری از ایرانیان حتی اگر گرایشهای سکولار شیعه عراق جانشین دیکتاتوری عراق و دولت اشغالی آمریکا شود، بـاز هم امنیت ملی ایران تـامین خواهـد شـد. امـا این واقعیت نیز نبایـد فراموش شود و آن اینکه هر دولت شـیعه ضـرورتاً متحد استراتژیک تهران نخواهد بود.

دشـمنی آشتی ناپـذیر حازم شـعلان وزیر دفاع (پیشـین) شـیعه عراق با ایران بیانگر آن است که روابط تهران - بغـداد را مسائل دیگری فارغ از مذهب شیعه

ص: ۲۸۵

۱- - "گفت و گو با داود هرمیداس باوند"، پیشین.

رقم می زند.(۱) با این وجود، ضرورت همسایگی اقتضا می کند تا ایران بتواند سیاست نرمش پذیری در برابر هرگونه تغییر و تحولی در عراق داشته باشد. برقراری حکومت مردمی در عراق حتی اگر سکولار و طرفدار غرب باشد، کم خطرتر از حکومت غیرمردمی سرکوبگری مانند صدام حسین خواهد بود.

۲–۵ : تثبیت ساختار فدرالیسم در عراق و پیامدهای آن بر ثبات و یک پارچگی سرزمینی ایران

ساختار فدرالیسم در حکومت نوین عراق که بر پایه آن استقلال و خودمختاری بسیاری به قوم های ساکن عراق به ویژه کردها داده خواهد شد، نگرانی فزایندهای در میان

کشورهای منطقه پدید آورده است. با تقویت نیروهای گریز از مرکز در عراق و با توجه به ساختار سیاسی آینده (نظام فدرالی) این کشور، احتمال تأسیس دولت مستقل کرد در آینده وجود دارد. این اوضاع می تواند بر کمترینه کرد ساکن ایران و خواسته های استقلال طلبانه آنان تاثیر بگذارد هر چند که تاریخچه و پیشینه تاریخی و ملی این کشور بسیار متفاوت از عراق است.

در این زمینه، دولت ایران ترجیح میدهد مرزها به حالت کنونی باقی بماند، تا این که در مرز غربی بی ثباتی ایجاد شود و از هرگونه احتمال ایجاد کردستان مستقل جلوگیری شود؛ هر چند که پیامدهای چنین امری برای ترکیه به مراتب خطرناک تر است و ایران می تواند آسوده خاطر باشد که مسئله کردها را ترکیه

ص: ۲۸۶

۱– – روزنامه شرق، "خاورمیانه و یک انتخابات"، پیشین. و همچنین: هوان کول؛ استاد تاریخ دانشگاه شیکاگو، "نگاهی به تاریخچه شیعیان عراق"، همشهری دیپلماتیک، دی ماه ۱۳۸۳، شماره ۳۴ .– پیر محمد ملازهی، پیشین.

مدیریت خواهد کرد (و انتقادها متوجه آن خواهد بود). با وجودی که نگرانی هایی وجود دارد که تقسیم عراق می تواند نشان دهنده میل کلی به تغییر دیگر مرزها در خاورمیانه از جمله مرزهای ایران باشد، چنین اقدامی پیامدهای منطقه ای گسترده ای خواهد داشت و ایران ضرورتاً آسیب پذیرترین کشور از این لحاظ نیست.

از سوی دیگر، در صورت حضور کمترینه کُرد عراق در نظام حکومتی این کشور به ویژه در مناصب مهم سیاسی - امنیتی، عراق نخستین رژیم منطقه خواهد بود که در آن کمترینه قومی و مذهبی در قدرت رسمی سهیم خواهد بود.

طبیعی است که این امر خواسته های جدی کمترینه کُرد و سنی کشورمان را در پی خواهد داشت.(۱) البته از جهاتی، بسیاری در ایران، ساختار فدرالیسم و حتی تجزیه عراق را در جهت منافع ملی ایران می دانند. از دیدگاه آنها، اگر عراق تجزیه شود، ایران از این تحول سود خواهد برد چون در مرز غربی خود دیگر رقیب قدرتمندی نخواهد داشت و به راحتی می تواند نفوذ اقتصادی و فرهنگی خود را در منطقه گسترش دهد؛ البته به شرطی که جامعه بین المللی اجزای تجزیه شده عراق را به رسمیت بشناسند و ثبات و آرامش نیز بر هر یک از اجزاء پدید آمده حاکم باشد. چنانچه عراق به سه کشور مجزا تجزیه شود و این کشورها دست خوش بی ثباتی و مناقشه با یکدیگر باشند، احتمال سرایت بیثباتی از آنها به داخل ایران وجود

ص: ۲۸۷

۱- - محمود سریع القلم، "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف"، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۹، ص ۱۳۸. و همچنین: Nasser Hadian – Jazy, op. cit. - محمد رضا جلیلی، پیشین. علی انصاری، پیشین.

خواهد داشت و چنین تحولی برای ایران بسیار نگران کننده خواهد بود.

۲–۶ : تهدید نظامی موجودیت «جمهوری اسلامی» ایران از سوی اشغال گران عراق (آمریکا)

دخالت و در پی آن حضور آمریکا در عراق، حلقه های محاصره ایران را – که پیشتر در آبهای جنوب ، در شرق و شمال این کشور شکل گرفته بود – تکمیل کرد و ایران از چهار سو کاملاً در محاصره نظامی آمریکا قرار گرفته است. این وضعیت نه تنها منجر به انزوای بیشتر جمهوری اسلامی، بلکه کاهش قابل توجه ابتکار و قدرت عمل ایران را نیز به همراه داشت و سرانجام آسیب پذیری و شکنندگی امنیت ایران را نیز موجب شد. در واقع، ایران از آغاز، از سیاست آمریکا برای تغییر رژیم در عراق حمایت نمی کرد و دلیل آن هم روشن بود؛ چرا که تهران خود را هم هدف این سیاست میدید. پیش از حمله آمریکا به عراق، ایران ارتباط مستقیمی با مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و گروه احمد چلبی برقرار کرده بود.

اکنون نگرانی فوری و کوتاه مدت ایران، عراق نیست، بلکه اهداف و نیات آمریکا در قبال جمهوری اسلامی است. نه تنها در تهران بلکه در دمشق، ریاض و حتی قاهره این تصور وجود دارد که بعد از عراق نوبت آنها هستند. آمریکایی ها در صورت فائق آمدن بر مشکلات موجود در عراق قطعاً تهدیدهای امنیتی و نظامی خود را بر ایران افزایش خواهند داد. بنابراین ایران خود را برای شروع دشمنی با آمریکا یا رژیم دست نشانده آن در عراق آماده می کند. با چنین تصوری، ایران عراق را خط اول این نبرد می داند و تلاش می کند، از موفقیت آمریکا در این مورد جلوگیری کند. به همین دلیل تهران از همان آغاز در

شکل دهی دولت آینده، از طریق گروه های شیعه اعمال نفوذ کرده است.(۱) درواقع، یکی از مهمترین دلیل های متهم ساختن ایران بـه دامن زدن به جنـگ داخلی در عراق و پشتیبـانی از شورشـیان، همین ترس ایران از کامیـابی آمریکـا در نخسـتین گـام نـابودی «محـور شـرارت» در همسـایگی این کشـور و بالاـ بردن هزینههـای اشـغال نظـامی در منطقه است. به سـخنی دیگر، در صورت حل مشکلات و تیرگیها میان ایالات متحده و ایران در زمینه های اختلاف زا (همچون انرژی اتمی، حقوق بشر و روند صلح خاورمیانه)، منطقه آمادگی بیشتری را برای پذیرش عراق نوین خواهد داشت. (۲)

۲-۷ : واکنش سنیها و تیرگی روابط میان ایران و کشورهای عرب سنی

بـا توضـیحات گفتار نخست و دوم (ژئوپلیتیک شـیعه و واکنش کشورهای عرب)، به نظر میرسـد خاورمیانه (عربی) آمادگی و توانایی پذیرش دومین کشور شیعه و آن هم عرب را نداشته باشد. در واقع، این مسئله بار دیگر رقابت ها و ستیزهای کهنه میان شیعه و سـنی را زنـده خواهـد ساخت و در بعـد خارجی، در صورت پشتیبانی کامل ایران از این روند (قدرت یابی شـیعیان در عراق و در مواردی حتی

سرکوب و محرومیت سنیها در عراق)، ستیزها و رقابت های میان

۱- - "پیش بینی آمریکا درباره روابط ایران و عراق پس از صدام"، پیشین. و همچنین: محمد رضا جلیلی، پیشین.
۲- - برای آگاهی بیشتر از تهدیـدهای حضور ایالات متحـده در عراق برای ایران بنگرید به: کیهان برزگر، "تهدیدهای امنیتی ایران در عراق جدید"، مجموعه مقالات پانزدهمین سمینار خلیج فارس، تابستان ۱۳۸۴ . ص ۲۱۱- ۱۹۷ .

ایران و کشورهای عرب سنی افزایش خواهد یافت. به باور «حمید احمدی»، استاد دانشگاه و کارشناس مسایل خاورمیانه، «در واقع، نفس وجود اکثریت شیعه ممکن است برای ایران هم چالش باشد؛ به این ترتیب که اگر تعاملی میان شیعیان و اهل سنت صورت نگیرد و این تضاد فزاینده درکل مناطق خاورمیانه گسترش پیدا کند، به زیان ایران و شیعه است؛ چرا که شیعیان در خاورمیانه در اقلیت هستند و این مسئله، اختلاف شیعه و سنی را بیشتر دامن می زند، همچنان که انفجارهای روزانه عراق گواه این مسئله است. بنابراین اگر نگوییم سلطه، قدرت یافتن شیعیان در عراق یک چالش هم پدید آورده است و بد گمانی سنی ها را دامن زده و در نتیجه جهان عرب سنی علیه شیعیان و از جمله ایران موضع گیری کردند که این مسئله ممکن است به منافع ملی ایران آسیب بزنند و لازم است ایران در این زمینه دقیق عمل کند.»(۱) «کیهان برزگر»، استاد دانشگاه و کارشناس مسایل خاور میانه نیز معتقد است: «اگر عراق به کشوری شیعه محور تبدیل شود، دور جدیدی از رقابت درحوزه سیاست خارجی ایران با جهان عرب رخ خواهد داد و این امر، در درازمدت به نفع ایران نخواهد بود.»(۲)

در بعد داخلی عراق نیز اتهام ها، ستیزها و کینه ها نسبت به ایران و دخالت های آن در میان عرب های سنی و حتی شیعیان سکولار افزایش یافته است. در این زمینه، برخی از سنیهای عراق که به شدت از اقدام حکیم مبنی بر درخواست خودمختاری (فدرالیسم) برای جنوب این کشور ناخشنود و نگران شده اند، ایران را به نقش داشتن در این زمینه متهم می کنند.

۱- - "گفت و گوی با حمید احمدی"، پیشین،

۲- - کیهان برزگر، "ایران و عراق جدید: چالش ها و فرصت های پیش رو"، پیشین،

«ایاد سامرائی» یکی از اعضای حزب عمـده سـنی عضو کمیته تدوین قانون اساسـی میگوید: «تقاضای شـیعیان برای یک منطقه فدرال را «ناشـی از فشار ایران» میدانیم. تصور سنیها این است که بحث فدرالیسم حیلهای برای کنترل جنوب عراق توسط ایران است.»[(۱)] همچنین، «عدنان پاچه چی»، رئیس مجمع دموکرات های مسـتقل عراق (عرب سنی)، نیز در واکنش به تدوین قانون اساسـی عراق اظهار داشت: «مشـکل اساسـی این است که بیشتر عراقی ها احساس می کننـد با نظام فدرالی نفوذ ایران در عراق بیشتر خواهد شد؛ به ویژه اینکه برخی مقام ها که در قدرت هستند، با ایران روابط نزدیکی دارند.»

روزنـامه «لس آنجلس تایمز» آمریکا نیز در نوشـتاری در این زمینه نوشت: «سـنی ها، ایران را در درخواست فـدرالیسم از سوی شیعیـان عراق دخیل می داننـد». این روزنامه با اشاره به اظهارات «ایاد سامرایی»، یکی از اعضای احزاب سـنی در عراق مـدعی شد: «همه چیز به یک باره اتفاق افتاد و ما این مسئله را به عنوان فشاری از سوی ایران تلقی می کنیم.»[(۲)]

از سوی دیگر، پیدایش گروه های پایداری عرب سنی با نامهای مشکوکی همچون: «عمر بن خطاب» (خلیفه عرب فاتح ایران)، «سـعد بن ابی وقاص» (یکی از سـرداران عرب فاتح ایران در آغاز اسـلام)، «القادسیه» (نام جنگ سرنوشت ساز میان امپراتوری شکوهمند ساسانیان و تازیان) و .... و همچنین شـیعه کشـی و عجمکشـی آشـکار این گروه ها در شـهرهای عراق، نشان دهنده زنـده بودن نژاد پرستی بعثی در میان این گروه ها و اوج دشـمنی این گروهها با ایران و بیزاری از هرگونه دخالت ایران در این سرزمین عربی است.

ص: ۲۹۱

۱- - کورش احمدی، "توافق نهایی"، همشهری دیپلماتیک، مهر ماه ۱۳۸۴، شماره ۶۹ .

۲- - www.did.ir .

فرجام

روابط عراق با هیچ یک از همسایگانش به اندازه ایران حساس و تاثیرگذار نیست. بیشتر تحلیل گران بر این باورند که رابطه ایران و عراق در فضای نوین پس از صدام یا آن قدر به اتحاد و گرمی می گراید که به رابطه میان فرانسه و آلمان پس از جنگ جهانی شبیه می شود و یا آن قدر پرتنش خواهد شد که به دو دشمن نیرومند در منطقه تبدیل می شوند. تحولات در عراق پس از صدام، نه تنها روابط خارجی این کشور بلکه چارچوب سیاست خارجی و حتی نظام سیاسی مهم ترین همسایه ژیوپلتیک آن یعنی ایران را نیز تحت تاثیر قرار می دهد.

افسانه هایی که درباره رابطه ایران و عراق گفته می شود باید به فراموشی سپرده شود؛ یکی از این افسانه ها سرنوشت محتوم دو کشور برای رقابت با یکدیگر است. اینکه گفته می شود دشمنی ژیوپلتیک تاریخی، پایه و بنیاد روابط دو کشور ایران و عراق را تشکیل می دهد، درست نیست. درک پیچیدگی های رابطه معاصر میان ایران و عراق نیازمند پذیرش این حقیقت است که تنش ها میان دو کشور ریشه در تحولات چند دهه گذشته دارد نه وقایع تاریخی. اما قرائن و شواهد نشان می دهد که این بدگمانی و تنش در روابط، پیشینه طولانی ندارد و بیشتر به مسائل روزمره و اتفاقات آنی و منافع استراتژیک بر میگردد تا مخالفت ایدیولوژیک و عمیق. از سوی دیگر اگرچه واقعیت های ژیوپلتیک همچنان ایران و عراق را از هم جدا می کند اما این دو همسایه نشان داده اند که بر خلاف ادامه تنش ها، آمادگی و توانایی همکاری دوجانبه برای پیگیری منافع خود در خلیج فارس را دارند. دو کشور روابط دیپلماتیک خود را احیا کردند و بخشی از روابط اقتصادی گذشته خود را از سر گرفتند. اگر ایران بتواند با رهبری سیاسی میانه

روی عراق بعد از صدام تعامل کند، می توان گفت که روابط دو کشور بیشتر از این توسعه می یابد.

با این وجود، عراق همچنان برای ایران - با توجه به موارد یاد شده در گفتار سوم - هم فرصت و هم تهدید به شمار می آید و رفتاربازیگران دو کشور در چگونگی این وضعیت نقش به سزایی دارد. چنانچه هر کدام از دو طرف به زیاده خواهی های گذشته روی آورد، تحولات اخیر نه تنها فرصت به شمار نمی رود، بلکه تهدیدی به تهدیدهای گذشته نیز افزوده می شود. از این رو، نوع رفتار بازیگران به ویژه ایران در این دوران ناامنی در عراق و نیاز این کشور به امنیت و ثبات در این زمینه و در آینده روابط دو کشور، مهم ارزیابی می شود. عراق نوین نیز در صورت تاکید دوباره بر ملی گرایی و پان عربیسم و یا تحریک قوم عرب خوزستان ایران و یا تشکیل ارتشی تهاجمی، دوباره به تهدیدی آشکار برای ایران تبدیل خواهد شد.

ص: ۲۹۳

نتیجه گیری:

در این پژوهش، کوشش گردید تا به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که شیعیان عراق چه نقشی در ساختار سیاسی آینده این کشور خواهند داشت و تاثیر این تحولات بر امنیت و منافع ملی ایران چه خواهد بود؟

از این رو، با بررسی عوامل موثر در این زمینه از جمله پیاده سازی «طرح خاورمیانه بزرگ» از سوی ایالات متحده در این منطقه و تاکید این طرح بر مردم سالاری و حاکمیت بیشترینه جمعیت، بیشترینه بودن شیعیان در بافت جمعیتی عراق، قانون اساسی عراق و تاکید آن بر حاکمیت مردم، انتخابات و نظام پارلمانی، و سرانجام، نقش بی همتای مرجعیت شیعه در رهبری و یک پارچگی شیعیان عراق، کوشش گردید به این پرسش بنیادین پاسخ داده شود و فرضیه این پژوهش مبنی بر داشتن نقش اساسی از سوی شیعیان در آینده ساختار سیاسی عراق اثبات گردد.

در واقع، همان گونه که در متن به آن اشاره شد، شیعیان عراق به مسیر بی بازگشتی گام نهاده اند. راهبرد ایالات متحده در منطقه و فروپاشی رژیم بعث و نهادهای قدرت آن، خلا قدرتی را در عراق به وجود آورده است که تنها با حکومت بیشترینه جمعیت (طبق برنامه و راهبرد ایالات متحده) این خلا قدرت

پر می گردد. بـه بیـانی دیگر، ایالاـت متحـده، هـم بـه جهت سـرنگونی رژیم بعث و هم به لحـاظ پشتیبـانی از مردم سالاـری و حکومت بیشترینه، در راستا با خواسته ها و منافع بیشترینه جمعیت عراق یعنی شیعیان حرکت کرده است.

در این فرایند، از یک سو، ساختارها و نهادهای قدرت رژیم پیشین بعثی و عربهای سنی فرو پاشیده است و باقی مانده های آن در حـال سـرکوب و نابودیانـد، و از دیگر سوی، گروه هـا و جریـان هـای شـیعه که از سازمان دهی و نهادمنـدی بسـیار بالایی برخوردار هسـتند، در حال اسـتوار سازی و تحکیم پایههای قـدرت خود در حاکمیت عراق هسـتند. این رونـد در کنار بیشترینه شـدن شـیعیان در پارلمـان و کابینهـای آن در حال سـرکوب و نابودیانـد، و از دیگر سوی، گروه ها و جریان های شـیعه که از سازمان دهی و نهادمندی بسـیار بالایی برخوردار بوده در حال اسـتوار سازی و تحکیم پایه های قدرت خود در حاکمیت عراق هستند. این روند در کنار بیشترینه شدن شیعیان در پارلمان و کابینه پذیر است.

با گسترش نهادهای اطلاعاتی و امنیتی برای کنترل مرزها و سـرکوب تروریسم - که از سیاست های اصلی دولت نوری مالکی است - و ایجـاد نیروهـای پلیس و ارتش ملی با بیشترینه اعضای شـیعه و زیر نفوذ گروه ها و جریان های اصـلی شـیعه، واپسـین امیدهای گروه های بازمانده بعثی، وفاداران صدام، عرب های سنی، وهابی ها و سلفی های خارجی

و سرانجام کشورهای عرب همسایه برای بازگشت نظام بعثی و حاکمیت دوباره عرب های سنی تبدیل به یاس شده است.

راهبرد ایالاـت متحـده مبنی بر گسترش مردم سالاری و حاکمیت بیشترینه جمعیت که در «طرح خاورمیانه بزرگ» بازتاب یافته است، در این مسیر نقش به سزایی دارد. در واقع، - همان گونه که در فصل دوم به آن اشاره شد - به دلیل

حاکمیت حکومت تمامیت خواه (توتالیتر) بر بغداد، امکان هر گونه تحولی از درون در عراق ناممکن بود؛ و از این رو، راهبرد ایالات متحده، هم در سرنگونی رژیم بغداد، هم در جایگزینی آن با حکومتی مردم سالار با بیشترینه شیعه و هم در استواری پایه های این حکومت نوپا در آینده نقش به سزا و کلیدی داشته و خواهد داشت.

خشکاندن ریشه های تروریسم که در راستای پی گیری این راهبر از سوی اایالات محتد با جدیت در منطقه و اطراف آن (افغانستان، پاکستان، کشمیر، آسیای میانه، قفقاز، عربستان، یمن، سومالی، سودان و.....) دنبال میشود، در کاهش خشونتها و افزایش ثبات و آرامش در عراق بسیار موثر است. در واقع، سرکوب گروه های تروریستی فرا مرزی به ویژه «القاعده» به رهبری «اسامه بن لادن»، وهابی سعودی، و نمایندگان آنان در عراق، در کاهش درگیریها و جلوگیری از وقوع جنگ داخلی در عراق – که ثبات و موجودیت حکومت شیعه را با تهدید جدی رو به رو میکند – نقش بسیار مهم و به سزایی دارد.

در همین راستا، حضور نیروهای نظامی ایالات متحده در عراق برای ثبات و دوام مردم سالاری نوین عراق مهم ارزیابی میشود. حضور نیروهای اشغال گر، به ویژه نظامیان ایالات متحده، اگر چه نگرانی جدی برخی کشورهای همسایه عراق به ویژه ایران و سوریه را برانگیخته است، اما به گونهای وارونه، برای استواری و تقویت مردم سالاری نوپا و حکومت شیعه عراق عمل می کند. این حضور به حدی مهم و سرنوشت ساز است که در طول سه سال گذشته از اشغال عراق (۲۰۰۶-۲۰۰۳)، هیچ کدام از کشورهای هم پیمان ایالات متحده در عراق، حاضر به استقرار نیروهای خود در مثلث مرگبار سنی (موصل، بغداد، رمادی) و هم

کاری با نیروهای ایالات متحده در سرکوب و رویارویی با نیروهای شورشی سنی داخلی و خارجی در این محدوده نگردیدند.

افزون بر این عوامل بیرونی، عوامل درونی بسیاری نیز در استوار سازی حاکمیت شیعیان در عراق ایفای نقش میکنند. شیعیان، اکنون، هم در سراسر کشور و هم در پایتخت و بسیاری از شهرهای مهم، به ویژه بندر راهبردی بصره و نجف، بیشترینه اند. بیشترینه بودن شیعیان به ویژه در پایتخت و حومه آن، وضعیت و جایگاه آنان را در عراق نسبت به آغاز صده بیستم و سال های استقلال از انگلستان، به اندازه چشم گیری تغییر داده است. دیگر، همچون آن سالها، سنی ها، تنها شهر نشینان و فرهیختگان کشور به شمارنمی روند که خود را حاکمان طبیعی و بی چون و چرای کشور قلمداد کنند.

شیعیان، در ۹ استان میانی و جنوبی (از ۱۸ استان کشور)، بیشترینه مطلق اند؛ و در استان پایتخت، بغداد، آنان بیشترینه اند؛ در حالی که سنی ها در سه استان بیابانی و کم اهمیت در مرکز، باختر و شمال باختری عراق (انبار، صلاح الدین، موصل) گروه بیشترینه را تشکیل میدهند. این تحولات و جا به جایی های جمعیتی سبب شده است تا شیعیان - به ویژه در پایتخت - بیش از پیش خود را عراقی و صاحب کشور به شمار آورند، تا جایی که برای نمونه، بر خلاف تا شیعیان استانهای میانی و جنوبی به ویژه بصره و نجف و کربلا- که خواهان خود مختاری و نظام فدرالی هستند - تا ازاین راه جلوی تمامیت خواهی و اقتدار دولتهای آینده در بغداد را بگیرند - (طیف حکیم)، شیعیان بغداد و حومه آن، با هرگونه خود مختاری بخشهای شیعه نشین مخالف بوده و آن را برای یکپارچگی کشور خطرناک میدانند (طیف مقتدا صدر و ملی گراهای شیعه

پـایتخت). آنـان در این زمینه حتی با کردها در شـمال و در اسـتانهای کرکوک و دیالی (اسـتانهای مورد مناقشه حکومت خود مختار کردستان و عربها) در چند مورد برخورد و درگیری پیدا کردند.

از سوی دیگر، اسـتان ها و بخش های شیعه نشین عراق از مهم ترین بخش های کشور به شمار می آیند. شیعیان بر میان رودان و زمین های حاصل خیز آن و بر نیمی از منابع

نفتی عراق که در جنوب این کشور واقع است، تسـلط دارند. آنها همچنین، بر بندر راهبردی بصـره – که تنها راه ارتباطی عراق با آبهای آزاد به شـمار می آید – حاکماند. نیمی از مرزهای راهبردی عراق با همسایه مهم آن، ایران، زیر سلطه شیعیان است و ..... .

این اهمیت بخش ها و اسـتان های شـیعه نشـین عراق، بر اهمیت شـیعیان در آینده عراق و در صحنه سیاسی کشور باز هم بیشتر می افزاید؛ و از این رو، نادیده انگاشتن آنان در آینده عراق بسیار مشکل است.

مرجعیت شـیعه مسـتقر در عراق نیز بر جایگاه شـیعیان و افزایش وزنه آنان در این کشور نقش بسـیاری دارد. حوزه نجف، مهد مرجعیت شـیعه بوده و این نهاد در یک پارچه سازی شـیعیان و هماهنگ سازی اقدام های آنان نقش به سزایی دارد. آن چه بر اهمیت این نهـاد در صـحنه سیاسـی و اجتمـاعی عراق می افزایـد، نبود همتا و نمونه این نهاد در میان عرب های سـنی و کردها است به این ترتیب بـا وجود شـکاف هـا و اختلاـف هـای میـان گروه های گوناگون عرب سـنی و کرد، شـیعیان با راهنمایی و هدایت نهاد مرجعیت در اقدامها و رفتارهای خود به ویژه رفتارهای انتخاباتی، هماهنگ تر و یک پارچه تر ظاهر می شوند. این عوامل، به اثبات این ادعا کمک میکند که شیعیان نقش و نفوذ بالا و حتی مسلطی را در ساختار

ص: ۳۰۱

سیاسی آینده عراق خواهند داشت و دست کم درموارد و موقعیت های بسیاری، نسبت به کردها و عرب های سنی دارای برتری و ارجحیت هستند.

عراق شیعه، تاثیرها و پیامدهای منطقه ای بسیاری نیز با خود به همراه خواهد داشت. عراق، دروازه خاوری جهان عرب بود و در چند صده و چند دهه گذشته، با قدرت از این دروازه در برابر چشم داشتها و دست درازی های دشمن تاریخی و سنتی تازیان، یعنی ایران، پاسداری و محافظت میکرد. افزون بر پاسداری نژادی، زبانی و سرزمینی، عراق، پاسدار آیین سنی – در برابر ایران شیعه – نیز بود که بخش جدا ناپذیر عربیت به شمار می آمد. عراق، تنها، دروازه خاوری جهان عرب نبود، بلکه این کشور دل جهان عرب و دارای داعیه رهبری جهان عرب نیز بود و به همراه مصر و تا حدودی سوریه، در پی ریزی و بنیاد ایدیولوژی های پان عربی و نژاد پرستی عربی نقش بسیار مهم وکلیدی داشت.

فروپاشی این دروازه و این دل تپنده، لرزه بر اندام جهان عرب انداخت و پایهها و بنیادهای پوسیده آن را در هم شکست. جهان عرب و اتحادیه عرب – که بر پایه ایدیولوژی پان عربیسم بنیاد نهاده شده است – اکنون شاهد این واقعیت هستند که در دل این جهان و پایتخت افسانهای هزار و یک شب آن، کردهای ایرانی تبار و شیعیان ایرانی آیین بر اورنگ پادشاهی تکیه زده اند و هم پیمانان سنتی و همیشگی آنان (عرب های سنی)در مثلث سنی نشین در حال سرکوب و نابودیاند. از این رو، عبدالله دوم، پادشاه اردن، از خطر هلال شیعه می گوید، ملک عبدالله، پادشاه عربستان، به خاطر انداختن عراق به دامان ایران از ایالات متحده گله میکند، ال خلیفه در بحرین بر خود می لرزد و شیعیان لبنان ظهور دومین پشتیبان خود را جشن می گیرند.

کشورمان، ایران، نیز به باور بسیاری از کارشناسان و پژوهش گران امور خاورمیانه، از برندگان بزرگ و حتی بزرگترین برنده این تحولات به شمار میآید. ایران بدون صرف کوچکترین هزینه ای، از شر بزرگترین خطر راهبردی منطقه ای خود رهایی یافت؛ به ناگاه بن بست تاریخی باختر کشور گشوده شد؛ سایه سنگین و شوم نژاد پرستی عربی از همسایگی آن رخت بر بست؛ مرزهای خاورمیانه شیعه و سنی از باختر ایران به باختر عراق جا به جا شد؛ رفت و آمدها، داد و ستدها و بده و بستانهای فرهنگی، اجتماعی، جمعیتی و اقتصادی مرزهای پهناور باختری ایران به حالت طبیعی درآمد؛ دوستان این کشور در عراق به قدرت رسیدند؛ ایران از تنهایی تاریخی، دینی و ژیوپلیتیک خود بیرون آمد؛ و در یک کلام جهان ایرانی از بن بست باختری خود رهایی یافت و این جهان پس از چندین صده، بار دیگر به میان رودان بازگشت.

از این روست که زلمای خلیل زاد، سفیر افغانی تبار ایالات متحده در بغداد، از فرستادن صورت حسابی مفصل در فرصتی مناسب برای ایران سخن می گوید و موفق الربیعی، مشاور امنیت ملی عراق، از شاهکار ایالات متحده در روی کار آوردن دوستان نزدیک ایران در بغداد می گوید که به باور او، حتی اگر ایران خود، بغداد را تصرف می کرد، توانایی چنین کاری را نداشت.

ص: ۳۰۳

Abstract

After Saddam's regim's toppling in April ۲۰۰۳, Iraq stepped to a new period which its main characteric is coming to power of shias in this country. In addition to expended internal changes, this transition came along several regional effects and will come along in future. Internally, Shias majority has reached to their proper and actual position in power for the first time and has taken up political leadership of this country along with kurd's minority. Externally, the classical regional balance with continous superiority of sunnis collapsed and Shia world, Shia Arabs and Shia Iran come out of .their historical isolation

The main question of this research is what is the shia role in iraq's political future and its effect on Iran's national security and interests? The hypothesis of this research propound that shias will have basic role in Iraq's political future and this transition will .have some positive and negative effects on Iran's national security and interests

This research is composed of a general concept, three chapter and a conclusion. general concept deals with research generalities including question design and .abstract and assessment of some of references in this research field

ص: ۳۰۴

first chapter deals with shia history and its relation to Iraq and procedure of Arab's tribes conversion to shiism Iraq's shia situation in Ottoman times, Britain occupation, Kingdom government and finally republic period and the policy of these governments towards Shias. In Second chapter, shia groups and movements in current Iraq and Shia's reaching to power in new Iraq are evaluated. Third chapter deals with shia geopolitics and demographics in region, first and then reviews regional effects of Iraq transformations and shia's reaching to power with putting emphasis on neighbours, especially Iran and finally, conclusion deals with this research's summing up and review of procedure of its hypothesis confirmation, and regarding to current procedures of Iraq transition and some factors like enforcement of "Greater Middle East" Initiative in region by United States, Iraq demographics with shia majority, Iraq new constitution and its emphasis on democracy and parliamentary system and finally the role of shia leadership in Iraq leading and integrating Iraq shia society (witch other religious and ethnic groups of Iraq are deprived of this institution conclude that Iraq shias are stepped in a non-reversible way and if thay don't have dominant role in future political structure of this country, they will include one of main basis of it, at least. On the other hand, these transitions will have important results on .changing balance of power in the region and Iraq's neighbours

نقشه

ص: ۳۰۶

نقشه

ص: ۳۰۷

نقشه

ص: ۳۰۸

«منابع و مآخذ»

منابع فارسی

کتابها

۱- آلایـدر، رایسـدل، و جرالـد. اچ وبلیـک، جغرافیای سیاسـی خاورمیانه و شـمال آفریقا، برگردان دره میرحیـدر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴.

۲- ادیب، عادل، و سید حسین موسوی، حزب الدعوه اسلامی عراق (پیشینه تاریخی و اندیشه سیاسی)، تهران: مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۳.

۳- الهی، همایون، خلیج فارس و مسایل آن، تهران: نشر قومس، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.

۴- ان. ویلی، جویس، نهضت اسلامی شیعیان عراق، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.

۵- بیگدلی، علی، تاریخ سیاسی - اقتصادی عراق، تهران: نشر میراث ملل، ۱۳۶۸.

۶- توال، فرانسوا، ژیوپلیتیک شـیعه، برگردان علی رضا قاسم آقا، تهران: نشـر آمن، موسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان نور، ۱۳۷۹.

۷- حاجی یوسفی، امیر محمد، ایران و خاورمیانه، گفتارهایی از سیاست خارجی ایران، تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۳.

۸- حق پناه، جعفر، شیعیان و آینده عراق، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.

۹- حق پناه، جعفر، مجلس اعلا و شیعیان عراق پس از ترور آیت الله حکیم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.

۱۰- دفتری، فرهاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، تهران: ۱۳۷۷.

۱۱- دکمجیان، هرایر، جنبش های معاصر در جهان عرب، بررسی پدیده بنیاد گرایی اسلامی، برگردان حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ سوم، ۱۳۷۷.

۱۲- دهشیار، حسین، و دیگران، مسایل ایران و عراق، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲.

۱۳- سریع القلم، محمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۹.

۱۴- سیف زاده، سید حسین، عراق، ساختارها و فرایند گرایشهای سیاسی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.

۱۵- عزتی، عزت الله، تحلیلی بر ژیوپلیتیک ایران و عراق، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۱.

۱۶- فولر، گراهام، قبله عالم، ژیوپلیتیک ایران، برگردان عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

فولر، گراهام، و رند رحیم فرانکه، شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده،

۱۷- برگردان خدیجه تبریزی، قم: انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۴.

۱۸- فهد النفیسی، عبدالله، نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، برگردان کاظم چایچیان، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۴.

۱۹- کیسین، کارل، و دیگران، جنگ آمریکا و عراق، هزینهها، پیامدها و گزینههای موجود، گروه مترجمان مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، تهران: انتشارات موسسه تهران، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

۲۰- لانگریگ، استیون همزلی، عراق ۱۹۰۰ - ۱۵۰۰؛ تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، برگردان اسدالله توکلی و محمد رضا مصباحی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۸.

۲۱- مار، فب، تاریخ نوین عراق، برگردان محمد عباس پور، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی،۱۳۸۰.

۲۲- محمدیان، سهیلا، گزیده تحولات جهان ۱۱، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران، زمستان ۱۳۸۱.

۲۳- مقصودی، مجتبی، مسایل ایران و عراق، کردستان عراق، چشم انداز آینده، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲.

۲۴.نادری قطب الدینی، عباس، و قاسم ذاکری، کتاب خاورمیانه (۱) (ویژه مسایل و چالش های خاورمیانه)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳.

مقاله ها

۱- اچ. کوردزمن، آنتونی، "استراتژی کلان؛ پیامدهای جنگ عراق و خاورمیانه جدید و قدیم،" برگردان محمد جواد موسوی، فصل نامه دفاعی - امنیتی، سال دهم، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۸۲.

۲- احمدی، حمید، "آسیب شناسی جریانهای سیاسی عراق،" فصل نامه راهبرد، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۸۲.

۳- احمدی، کورش، "توافق نهایی،" همشهری دیپلماتیک، شماره ۶۹، مهر ۱۳۸۴.

۴- اردلان، اسعد، "عراق در مسیر دموکراسی،" فصل نامه مطالعات بین المللی، شماره ۱، ۱۳۸۴.

۵- امیر عبداللهیان، حسین، همشهری دیپلماتیک، شماره ۶۳، شهریور ۱۳۸۴.

۶- انصاری، علی، "چگونگی رفتار ایران در قبال جنگ عراق،" همشهری دیپلماتیک، شماره ۲، آذر ۱۳۸۲.

۷- انوشه، صبری، "ائتلافهای سیاسی پس از انتخابات،" همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۹، دی ۱۳۸۴.

۸- برزگر، کیهان، "ایران و عراق جدید: چالشها و فرصت های پیش رو،" فصل نامه حقوق و سیاست، سال نخست، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۳.

۹.برزگر، کیهان، "تضاد نقشها: بررسی ریشه های منازعه ایران و آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر،" فصل نامه راهبرد، شماره ۳۹، بهار ۱۳۸۵.

۱۰- برزگر، کیهان، "تهدیدهای امنیتی ایران در عراق جدید،" مجموعه مقاله های پانزدهمین سمینار خلیج فارس، تابستان ۱۳۸۴.

۱۱- برزگر، کیهان، "چالشهای روند دولت سازی و ملت سازی در عراق و چشم اندازهای صلح و ثبات منطقه ای،" فصل نامه مطالعات خاورمیانه، بهار ۱۳۸۵.

۱۲- بشارتی، علی محمد، "آینده عراق،" فصل نامه راهبرد، شماره ۲۸، ۱۳۸۲.

۱۳- بنیاد آمریکن اینترپرایز، "آیا ایران در جنگ عراق پیروز می شود؟،" برگردان اردلان متین، همشهری دیپلماتیک، شماره ۳۴، دی ۱۳۸۳.

۱۴- بنیاد پادشاهی امور بین الملل، "عراق در حال گزار، گرداب یا تحول آفرین،" برگردان داوود حیدری، همشهری دیپلماتیک، شماره ۳۱، آذر ۱۳۸۳.

۱۵- بوزان، باری، "خاورمیانه: ساختاری همواره کشمکش زا،" برگردان احمد صادقی، فصل نامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۳، پائیز ۱۳۸۱.

۱۶- بهشتی پور، حسن، "ایران و عراق بعد از صدام،" همشهری دیپلماتیک، شماره ۴۰، بهمن ۱۳۸۳.

۱۷.بیمان، دانیل، "چالشهای فراسوی طرح تاسیس یک عراق دموکراتیک،" برگردان اصغر افتخاری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.

۱۸- بیمان، دانیل، "نقش نیروهای ائتلاف در بازسازی عراق جدید،" سپتامبر ۲۰۰۳، برگردان عظیم فضلی پور، فصل نامه مطالعات خاورمیانه، شهریور ۱۳۸۲.

۱۹- پور سعید، فرزاد، "عراق جدید و تهدید منزلت منطقه ای جمهوری اسلامی،" فصل نامه مطالعات راهبردی، ۳۱ شهریور ۱۳۸۲.

۲۰- پولاک، کنت، "آیا عراق هدف بعدی است،" گزیده تحولات جهان، شماره ۵، ۱۳۸۱.

ص: ۳۱۳

۲۱- جلیلی، محمد رضا، "امیدها و تردیدهای ایرانیان پس از صدام،" برگردان حسین سپهر، فصل نامه راهبرد، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۸۴. (منبع: Politique Etrangere, N ۳-۴ ۲۰۰۳)

۲۲- جوادی فتح، سارا، "سوداهای ایالات متحده در طرح خاورمیانه بزرگ،" فصل نامه راهبرد، شماره ۳۵، بهار ۱۳۸۴.

۲۳- حاجی یوسفی، امیر محمد، "جایگاه عراق در طرح خاورمیانه بزرگ،" فصل نامه سیاست خارجی، شماره ۴، ۱۳۸۳.

۲۴- حیدریان، فرزانه، "جایگاه ایران در عراق از نگاه آمریکا،" فصل نامه راهبرد، شماره ۳۸، ۱۳۸۴.

۲۵- خادمیان، مصطفی، "شمارش معکوس،" همشهری دیپلماتیک، شماره ۶۳، شهریورماه ۱۳۸۴.

۲۶- دانیالی، سیاوش، "شیعیان، روحانیت و آینده حکومت عراق،" ماه نامه خلیج فارس و امنیت، شماره ۳۸، دی ۱۳۸۲.

۲۷- داویش، کارن، "حکومت دموکراتیک در آینده عراق،" برگردان عظیم فضلی پور، گزیده تحولات جهان، شماره ۱۵، خرداد ۱۳۸۲.

۲۸- دهشیار، حسین، "خاورمیانه جدید،" روزنامه همشهری، ۱۸ خرداد ۱۳۸۲.

۲۹- راجرز، پل، "طرح خاورمیانه بزرگ؛ از تصور تا واقعیت،" ترجمه مصطفی خادمیان، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۰، فروردین ۱۳۸۳.

۳۰- ربانی، محمد ناصر، "فدرالیسم در عراق تهدید یا فرصت،" همشهری دیپلماتیک، شماره ۶۳، شهریور ۱۳۸۴.

۳۱- رویوران، حسین، "شیعیان و مهندسی جمعیتی عراق،" همشهری دیپلماتیک، شماره ۳۴، دی ۱۳۸۳.

۳۲- زین، هوراد، "ما در عراق چه می کنیم،" اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲ و ۱۱، مرداد و شهریور ۱۳۸۴.

۳۳- سجاد پور، محمد کاظم، "ایران و بحران بین المللی عراق؛ چالشها و واکنشها،" فصل نامه سیاست خارجی، شماره ۲، ۱۳۸۳.

۳۴- سریع القلم، محمود، "تبیین مبانی سیاست خارجی عراق،" فصل نامه خاورمیانه، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۴.

۳۵- سریع القلم، محمود، "عراق جدید، خاورمیانه جدید؛ پیامدهای نظری برای ایران،" فصل نامه مطالعات خاورمیانه، سال نهم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۸۱.

۳۶- سلیمانی، علی رضا، "جایگاه سیاسی شیعیان عراق در تحولات سیاسی،" ماه نامه نهضت، شماره ۲۰، اسفند ۱۳۸۰.

۳۷- شریعتی، فریده، "سیاست ایران، آینده عراق،" کیهان هوایی، شماره ۱۴۸۵ :۲۰، تیر ۱۳۸۱.

۳۸- شهابی، سهراب، "عراق با ثبات به سود همه است،" روند اقتصادی، شماره ۱ :۱۲، تیر ۱۳۸۲.

۳۹- صفائی، محمد، "عراق، خصوصی سازی منابع نفت و بازسازی،" روزنامه همشهری، ۱۸ مرداد ۱۳۸۲.

۴۰- صفدری، حسین، "خاورمیانه میان تهدیدهای خارجی و چالشهای داخلی،" همشهری دیپلماتیک، شماره ۳۴، دی ۱۳۸۳.

۴۱- صفوی پور، محمد رضا، "شناخت کشورهای حوزه خلیج فارس: جمهوری دموکراتیک و فدرال عراق،" ماه نامه خلیج فارس و امنیت، شماره ۶۳ و ۶۲، دی و بهمن ۱۳۸۴.

۴۲- طباطبایی، سید علی، "حضور اقتصادی ایران در عراق پس از انتقال حاکمیت به دولت موقت،" ماه نامه برداشت اول، سال سوم، شماره ۱۸ و ۱۹.

۴۳- العماد، عصام، "شیعیان یمن: فرصتها و چالشها،" ماه نامه اخبار شیعیان، سال نخست، شماره ۱، آذر ۱۳۸۴.

۴۴- فراهانی، احمد، "انتقال قدرت در عراق و شیعیان،" گزیده تحولات جهان، شماره ۲۲، دی ۱۳۸۲.

۴۵- فراهانی، احمد، "عراق، گام نخست در کریدور خاورمیانه بزرگ،" فصل نامه راهبرد، شماره ۳۵، بهار ۱۳۸۴.

۴۶- فراهانی، حسن، "انگلیس و جنبش استقلال طلبی شیعیان عراق (۱۹۲۴- ۱۹۱۴)،" فصل نامه مطالعات تاریخی، شماره ۹، ۱۳۸۴.

۴۷- قاسمی، علی، "پیروزی شیعیان و راهبرد ائتلاف عراق یکپارچه،" گزیده تحولات جهان، شماره ۳۲، بهمن و اسفند ۱۳۸۳.

۴۸- قهرمان پور، رحمان، "اسرائیل در خاورمیانه پس از صدام و منافع ملی ایران،" ماه نامه برداشت اول، سال دوم، ویژه نامه شماره ۲.

۴۹- قهرمان پور، رحمان، "انتقال حاکمیت در عراق و تبعات آن بر سیاستهای آینده ایران،" برداشت اول، شماره ۱۹ و ۱۸، تیر و مرداد ۱۳۸۳.

۵۰- قهرمان پور، رحمان، "بحران داخلی عراق؛ آمریکا و منافع ملی ایران،" برداشت اول، شماره ۱۶، اردیبهشت ۱۳۸۲.

۵۱- کاظمی، زهرا، "استراتژی آمریکا در تعامل با شیعیان،" ماه نامه نهضت، شماره ۲۰، ۱۳۸۳.

ص: ۳۱۶

۵۲- کول، هوان، "نگاهی به تاریخچه شیعیان عراق،" همشهری دیپلماتیک، شماره ۳۴، دی ۱۳۸۳.

۵۳- گروه بحران بین المللی، "ایران در عراق چه قدر نفوذ دارد؟،" برگردان عسگر قهرمان پور، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴.

۵۴- گروه بحران بین المللی، "گزارش گروه بحران بین المللی درباره قانون اساسی عراق،" برگردان نیلوفر قدیری، همشهری دیپلماتیک، شماره ۶۹، مهر ۱۳۸۴.

۵۵- گلچین، علی، "عراق پس از تحولات ۲۰۰۳؛ فرصتها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران،" پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.

۵۶- متقی، ابراهیم، "نقش عراق در ژیوپلتیک خاورمیانه،" فصل نامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۴۰، ۱۳۸۳.

۵۷- محمدی، غلام حسن، "عراق فدرال،" نسیم البرز، شماره ۲۵، ۲۳/۳/۱۳۸۳.

۵۸- مشیرزاده، حمیرا، "واقع گرایی، لیبرالیسم و جنگ آمریکا علیه عراق،" فصل نامه سیاست خارجی، شماره ۲، ۱۳۸۳.

۵۹- مظفری، فرشته، "جایگاه قدرت نرم در استراتژی ایران در عراق جدید،" فصل نامه راهبرد دفاعی، شماره ۸، ۱۳۸۴.

۶۰- معاونت سیاست خارجی، "تحلیل شرایط پیش روی امریکا در عراق و استراتژی ما،" ماه نامه برداشت اول، سال سوم، شماره ۲۳.

۶۱- مهتدی، محمد علی، "عراق به کجا می رود،" همشهری دیپلماتیک، شماره ۶۹، مهر ۱۳۸۴.

ص: ۳۱۷

۶۲- نصر، ولی رضا، "پیامدهای منطقه ای تجدید حیات شیعه در عراق،" واشنگتن کوارترلی، تابستان ۲۰۰۴، برگردان وحید رضا نعیمی، همشهری دیپلماتیک، شماره ۳۴، دی ماه ۱۳۸۳.

۶۳- واینشتاین، مایکل، "سیاست تغییر رژیم در عراق،" ماه نامه نگاه، شماره ۴۵، مرداد و شهریور ۱۳۸۳.

۶۴- ورجاوند، پرویز، "سیستانی و طالبانی؛ تولدی دیگر در عراق،" نامه، شماره ۳۷، اردیبهشت ۱۳۸۴.

۶۵- وست کاست، کاترین، "موزاییک قومیتها و مذاهب در عراق،" برگردان احسان تقدسی، روزنامه یاس نو، شماره ۱۷، ۲۱ اسفند ۱۳۸۱.

۶۶- هالیدی، فرد، "خاورمیانه پس از صدام،" برگردان وحید رضا نعیمی، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۶، تیر ۱۳۸۳.

۶۷- یزدان فام، محمود، "عراق؛ شکل گیری تدریجی سیستمی نوین،" ماه نامه نگاه، شماره ۴۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳.

۶۸- یوسفی، حیات الله، "افغانستان؛ انتخابات و شیعیان،" ماه نامه اخبار شیعیان، سال نخست، شماره ۲، دی ۱۳۸۴.

۶۹- "اختلافات درونی و تاثیر آن بر موقعیت سیاسی شیعیان عراق،" برداشت اول، شماره ۱۹و ۱۸، تیر و مرداد ۱۳۸۳.

۷۰- "اسلام و سیاست اسلام گرایان در عراق پس از صدام،" برداشت اول، شماره ۱۹و ۱۸، تیر و مرداد ۱۳۸۳.

۷۱- "ایران در عراق تا چه حد تاثیر گذار خواهد بود،" ماه نامه نهضت، شماره ۲۰، ۱۳۸۳.

"۷۲.پیش بینی آمریکا درباره روابط ایران و عراق پس از صدام،" واشینگتن کوارترلی،پاییز ۲۰۰۳، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۰، خرداد ۱۳۸۴.

۷۳- "تحلیل موقعیت امنیتی عراق پس از اشغال و تاثیر آن بر ایران،" فصل نامه مطالعات خاورمیانه (ضمیمه)، شماره ۳، ۱۳۸۲.

۷۴- "چالشهای دولت جدید عراق،" دیدگاهها و تحلیلها، شماره ۱۹۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴.

۷۵- "رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق: حکومت آینده عراق باید توسط مردم تعیین شود،" بعث، شماره ۱۱۱۴ :۵، مرداد ۱۳۸۱.

۷۶- "شیعیان بحرین،" ماه نامه اخبار شیعیان، سال نخست، شماره ۱، آذر ۱۳۸۴.

۷۷- "شیعیان پاکستان،" ماه نامه اخبار شیعیان، سال نخست، پیش شماره ۲، آبان ۱۳۸۴.

۷۸- "شیعیان عربستان،" ماه نامه اخبار شیعیان، سال نخست، پیش شماره ۲، آبان ۱۳۸۴.

۷۹- "قانون اساسی آینه آرزوها و آرمانهای مردم عراق،" همشهری دیپلماتیک، شماره ۶۳، شهریور ۱۳۸۴.

ص: ۳۱۹

مقاله های اینترنتی

۱- اسکوبار، پپه، "شبح شیعه بر خاورمیانه،" آسیا تایمز، به نقل از: www.shiastudies.com .

۲- اسکوبار، پپه، "هلال شیعه در خاورمیانه،" میدل ایست، به نقل از: www.shiastudies.com .

۳- الهامی، داود، "پیدایش شیعه اسماعیلیه،" www.shiastudies.com .

۴- انصاری مهر، رضا، " دین و مذهب در جمهوری آذربایجان،" www.shiastudies.com .

۵- جوردی، ریولا، "علمای جبل عامل در دولت صفویه،" برگردان مصطفی فضائلی، www.shiastudies.com .

۶- دیون، میشل، "مسلمانان چین،" برگردان سید محمد موسوی، www.shiastudies.com .

۷- ربانی گلپایگانی، علی، "تاریخ پیدایش زیدیه و عقاید زید بن علی،" www.shiastudies.com .

۸- شاناهان، راجر، "سیاسی شدن شیعیان در خاورمیانه،" بنیاد کارنگی، به نقل از: www.shiastudies.com.

۹- صبا،هادی، "جریان شناسی قدرت در عربستان سعودی،" www.shiastudies.com .

۱۰- طاهایی، جواد، "فضای تنفس شیعه؛ بررسی وحدت ملیت و مذهب در سیاست خارجی ایران،" روزنامه همشهری، به نقل از: www.did.ir .

ص: ۳۲۰

۱۱- فراهانی، احمد، "انتخابات و تحقق حکومت شیعی در عراق؛ دیدگاهها، سناریوها و نگرانیهای منطقه ای،" www.did.ir .

۱۲- فراهانی، احمد، "شیعیان و انتخابات پارلمانی عراق؛ گام سوم در فرایند توسعه سیاسی،" www.did.ir .

۱۳- فورد، پیتر، "مردان مقدس عراق،" کریستین ساینس مانیتور، به نقل از: www.did.ir .

۱۴- قدیری، نیلوفر، "انتخابات پر ابهام: عراق به کدام سو می رود،" ویژه نامه همشهری، به نقل از: www.did.ir .

۱۵- کراتامر، چارلز، "شیعیان پیروز انتخابات عراق،" واشنگتن پست، به نقل از: www.did.ir.

۱۶- کمپ، جفری، "ایران و شیعیان عراق،" www.usip.org .

۱۷- کوهنورد، نفیسه، "هلسینکی خاورمیانه،" روزنامه همشهری، به نقل از: www.did.ir .

۱۸- مادلونگ، ویلفرد، "زیدیه،" بر گردان سید محمد منافیان، www.shiastudies.com .

۱۹- ملازهی، پیر محمد، "بازی پیچیده قدرت در عراق،" ایران دیپلماتیک، به نقل از: www.did.ir.

۲۰- ویسی، مراد، "استراتژی شیعیان عراق،" ایران دیپلماتیک، به نقل از:www.did.ir .

۲۱- "از قم تا نجف،" مجله اقتصاد ایران، به نقل از: www.did.ir .

۲۲- "امام موسی صدر و شیعیان لبنان،" مجمع جهانی شیعه شناسی، www.shiastudies.com.

۲۳- "بحرانگاه های منطقه ای،" مجله گزارش، به نقل از: www.did.ir .

۲۴- "تاثیر استراتژی آمریکا و الزامات منافع ملی کشورهای همسایه و تاثیر آن بر جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی عراق نوین (چالشها، فرصتها و تهدیدها)،" موسسه ابرار معاصر تهران، www.did.ir .

۲۵- "تشیع و تاریخچه آن،" مجمع جهانی شیعه شناسی، www.shiastudies.com .

۲۶- "جامعه شناسی جنبش شیعیان عراق،" موسسه ابرار معاصر تهران، www.did.ir .

۲۷- "چرا منافع ایران و آمریکا به هم گره خورده است؟،" ۳خرداد ۱۳۸۵، www.baztab.ir.

۲۸- "شیعیان افغانستان،" مجمع جهانی شیعهشناسی، www.shiastudies.com .

۲۹- "طلوع آفتاب شیعه،" اقتصاد ایران، به نقل از: www.did.ir .

۳۰- "نقش و جایگاه شیعیان در فرایند «دولت سازی» و چشم انداز روند تطور جنبش شیعیان عراق،" موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، www.did.ir.

ص: ۳۲۲

روزنامه ها و مجله ها

۱- هفته نامه همشهری دیپلماتیک (ویژه عراق)، شماره ۱۱، نیمه نخست اردیبهشت ۱۳۸۳.

۲- هفته نامه همشهری دیپلماتیک (ویژه عراق)، شماره ۱۶، نیمه دوم تیر ۱۳۸۳.

۳- هفته نامه همشهری دیپلماتیک (ویژه عراق)، شماره ۳۱، ۷ آذر ۱۳۸۳.

۴- هفته نامه همشهری دیپلماتیک (ویژه عراق)، شماره ۳۴، ۵ دی ۱۳۸۳.

۵- هفته نامه همشهری دیپلماتیک (ویژه عراق)، شماره ۴۰، ۲۴ بهمن ۱۳۸۳.

۶- هفته نامه همشهری دیپلماتیک (ویژه عراق)، شماره ۵۰، ۷ خرداد ۱۳۸۴.

۷- هفته نامه همشهری دیپلماتیک (ویژه عراق)، شماره ۶۳، ۱۲ شهریور ۱۳۸۴.

۸- هفته نامه همشهری دیپلماتیک (ویژه عراق)، شماره ۶۹، ۲۳ مهر ۱۳۸۴.

۹- هفته نامه همشهری دیپلماتیک (ویژه عراق)، شماره ۷۹، ۳ دی ۱۳۸۴.

۱۰- ماه نامه همشهری دیپلماتیک، سال نخست، شماره ۱، فروردین ۱۳۸۵.

۱۱- ماه نامه همشهری دیپلماتیک، سال نخست، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۸۵.

۱۲- ماه نامه همشهری دیپلماتیک، سال نخست، شماره ۳، خرداد ۱۳۸۵.

۱۳- ماه نامه همشهری دیپلماتیک، سال نخست، شماره ۴، تیر ۱۳۸۵.

۱۴- ماه نامه همشهری دیپلماتیک، سال نخست، شماره ۵، مرداد ۱۳۸۵.

۱۵- ماه نامه همشهری دیپلماتیک، سال نخست، شماره ۶، شهریور ۱۳۸۵.

۱۶- ماه نامه اخبار شیعیان، سال نخست، پیش شماره ۲، آبان ۱۳۸۴.

۱۷- ماه نامه اخبار شیعیان، سال نخست، شماره ۱، آذر ۱۳۸۴.

۱۸- ماه نامه اخبار شیعیان، سال نخست، شماره ۲، دی ۱۳۸۴.

۱۹- ماه نامه اخبار شیعیان، سال نخست، شماره ۳، بهمن ۱۳۸۴.

۲۰- ماه نامه نگاه (ویژه جنگ آمریکا و عراق)، سال سوم، شماره ۳۰، دی ۱۳۸۱.

۲۱- دو ماه نامه نگاه، سال چهارم، شماره ۴۵، مرداد و شهریور ۱۳۸۳.

۲۲- دو ماه نامه نگاه، سال پنجم، شماره ۴۹، خرداد و تیر ۱۳۸۴.

۲۳- فصل نامه تخصصی شیعه شناسی، سال نخست، شماره ۲ و ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۲.

۲۴- فصل نامه تخصصی شیعه شناسی، سال دوم، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۳.

۲۵- فصل نامه تخصصی شیعه شناسی، سال دوم، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۳.

۲۶- خرد نامه (ضمیمه هفتگی همشهری)، شماره ۳۶، ۱۷ آذر۱۳۸۳.

۲۷- خرد نامه (ضمیمه هفتگی همشهری)، شماره ۷۱، ۲۷ مهر ۱۳۸۴.

۲۸- خرد نامه (ضمیمه هفتگی همشهری)، شماره ۷۳، ۴ آبان ۱۳۸۴.

۲۹- روزنامه شرق، ویژه انتخابات عراق، ۱۱/۱۲/۱۳۸۳.

۳۰- سال نامه شرق، شماره ۱، ۱۳۸۳.

۳۱- سال نامه شرق، شماره۲، ۱۳۸۴.

۳۲- فصل نامه حقوق و سیاست، سال نخست، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۳.

۳۳- ماه نامه برداشت اول (ویژه نامه عراق)، سال نخست، ویژه نامه شماره ۱، آذر ۱۳۸۱.

۳۴- ماه نامه برداشت اول، سال دوم، شماره ۱۳، بهمن ۱۳۸۲.

گفت و گوها و سخنرانی ها

۱- "سخنرانی دیک چنی در مجمع جهانی اقتصاد،" دموکراسی در خاورمیانه بزرگ، ترجمه وحید رضا نعیمی، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۰، فروردین ۱۳۸۳.

۲- "سخنرانی محسن حکیم،" قانون اساسی جدید و چشم‌انداز آینده تحولات سیاسی عراق، پژوهشکده مطالعات راهبردی، مهر ۱۳۸۴.

۳- "سخنرانی کالین پاول وزیر امور خارجه (پیشین) ایالات متحده در بنیاد هریتج در دسامبر ۲۰۰۲،" همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۰، فروردین ۱۳۸۳.

۴- "گفت و گو با ابراهیم جعفری؛ نخست وزیر (پیشین) عراق،" روزنامه شرق الاوسط، به نقل از: www.did.ir .

۵- "گفت و گو با آیت الله سید محمد باقر حکیم،" زمانه، به نقل از:www.did.ir .

۶- "گفت و گو با حجت الاسلام حایری؛ از استادان و مسئولان حوزه علمیه نجف و برادر آیت الله سید کاظم حایری،" مجمع جهانی شیعه شناسی، www.shiastudies.com.

۷- "گفت و گو با خانم فب مار؛ عضو شورای روابط خارجی آمریکا،" www.did.ir .

۸- "گفت و گو با داود هرمیداس باوند،" فصل نامه مطالعات راهبردی، به نقل از: www.did.ir .

ص: ۳۲۵

۹- "گفت و گو با عبد العزیز حکیم؛ رییس مجلس اعلا- و رهبر هم پیمانی عراق یکپارچه در پارلمان عراق،" روزنامه همشهری، به نقل از: www.did.ir .

۱۰- "گفت و گو با علی اصغر خاجی؛ نماینده ویژه وزیر خارجه ایران در امور عراق،" همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۹، دی ۱۳۸۴.

۱۱- "گفت و گو با فواد عجمی؛ مدیر مطالعات خاورمیانه دانشگاه جان هاپکینز،" نیویورک تایمز، به نقل از: همشهری دیپلماتیک، شماره ۴۰، بهمن ماه ۱۳۸۳.

۱۲- "گفت و گو با محمد حسین حافظیان،" دموکراسی در عراق و خاورمیانه، ایران دیپلماتیک، به نقل از: www.did.ir .

۱۳- "گفت و گو با محمد کاظم سجاد پور؛ مدیر کل (پیشین) دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه،" مجله اقتصاد ایران، به نقل از: www.did.ir .

۱۴- "گفت و گو با کریم سجاد پور؛ تحلیل گر ایرانی گروه بحران بین المللی،" همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۰، خرداد ۱۳۸۴.

۱۵- "گفت و گوی نگارنده با اسدالله اطهری،" تهران، مرکز مطالعات استراتژیک خاور میانه، ۲۵/ ۵/ ۱۳۸۵.

۱۶- "گفت و گوی نگارنده با حمید احمدی،" تهران، مرکز مطالعات استراتژیک خاور میانه، ۱/ ۶/ ۱۳۸۵.

ص: ۳۲۶

منابع انگلیسی (ENGLISH SOURCES)

BOOKS

۱- A. Jabar, Faleh, The Shi’ite Movement in Iraq, London: Saqi Books, ۲۰۰۳.

۲- Al - Azzawi, Abbas, Ta’rikh al-‘iraq bayna ihtilalayn, ۸ vols. Baghdad ۱۹۳۵ -۱۹۵۶.

۳- Al - Khalil, Samir (Kanan Makia), Republic of Fear: The Politics of Modern Iraq, Berkeley: University of California Press, ۱۹۸۹.

۴- Algar, Hamid, Religion and State in Iran, ۱۷۵۸-۱۹۰۶: The Role of the Ulama in the Qajar Period, Berkeley, ۱۹۶۹.

۵ - Anderson, Liam, and Gareth Stansfield, The Future of Iraq: Dictatorship, Democracy, or Division?, New York: Palgrave Macmillan, ۲۰۰۴.

۶- Baram, Amatzia, Culture, History and Ideology in the Formation of Ba’athist Iraq, ۱۹۶۸ - ۸۹, New York: st. Martins Press, ۱۹۹۱.

۷- Batatu, Hanna, Iraq’s Underground Shi’a Movements: Characteristics, Causes and Prospects, MEJ ۳۵, ۱۹۸۱.

۸- Batatu, Hanna, The Old Social Classes and the Revolutionary Movement of Iraq, New Jersey, Princeton: Princeton

University Press, ۱۹۷۸.

ص: ۳۲۷

۹- Bulliet, Richard, Conversion to Islam in the Medieval Period, Cambridge, Mass, ۱۹۷۹.

۱۰- Clawson, Patrick, How to Build aNew Iraq after Saddam, Washington Institute for Near East policy, ۲۰۰۲.

۱۱- Clawson, Patrick, How to Build a New Iraq after Saddam, Washington: Institute for Near East Policy, ۲۰۰۲.

۱۲- Cole, Juan, Indian Money and the Shrine

Cities of Iraq, ۱۷۸۶-۱۸۵۰, MES ۲۲, ۱۹۸۶.

۱۳- Cole, Juan, and Moojan Momen, Mafia, Mob and Shiism in Iraq: The Rebellion of Ottoman Karbala, ۱۸۲۴-۱۸۴۳, PP ۱۱۲, ۱۹۸۶.

۱۴- Deringil, Selim, Legitimacy Structures in the Ottoman State: The Reign of Abdulhamid II (۱۸۷۶-۱۹۰۹), IJMES ۲۳, ۱۹۹۱.

۱۵- Deringil, Selim, The Struggle against Shi'ism in Hamidian Iraq: A Study in Ottoman Counter-Propaganda, WI ۳۰, ۱۹۹۰.

۱۶- Doris Adams, Iraq's People and Resources, Berkeley, ۱۹۵۸.

۱۷- Fernea, Robert, Shaykh and Effendi: Changing Patterns Amonh the El Shabana of Southern Iraq, Cambridge, Mass, ۱۹۷۰.

۱۸- Fuller, Graham, and Rend Rahim Francke, The Arab Shia': The Forgotten Muslims, New York: st. Martins Press, ۱۹۹۹.

ص: ۳۲۸

۱۹- Haj, Samira, The Problems of Tribalism: The Case of Nineteenth-Century Iraqi History, SH ۱۶, ۱۹۹۱.

۲۰- Harris, George, Iraq: Its People, Its Society, Its Culture, New Haven, ۱۹۵۸.

۲۱- Hiro, Dilip, Iraq in the Eye of the Storm, New York: Thunder's Mouth Press, ۲۰۰۲.

۲۲- Issawi, Charles, The Economic History of the Middle East, ۱۸۰۰-۱۹۱۴, Chicago, ۱۹۶۶.

۲۳- Jung, Dierieh, and Wolfango Piccoli, The Turkish – Israel: A Matter of Geostrategic in the Middle East, Copenhangen Peace Research Institute, ۲۰۰۰.

۲۴- Lambton, Ann, State and Government in Medieval Islam, Oxford, ۱۹۸۱.

۲۵- Lawless, R. I, Iraq: Changing Population Patterns, London: University

of London Press, ۱۹۷۲.

۲۶- Litvak, Meir, The Shi'i Ulama of Najaf and Karbala, ۱۷۹۱-۱۹۰۴: A Socio-Political Analysis, Harvard

University, ۱۹۹۱.

۲۷- Longrigg, Stephen, Four Centuries of Modern Iraq, Oxford, ۱۹۲۵, Beirut reprint, ۱۹۶۸.

۲۸- Longrigg, Stephen, Iraq, ۱۹۰۰ to ۱۹۵۰, Oxford, ۱۹۵۳.

۲۹- Marr, Phebe, The Modern History of Iraq,

Boulder: Westview Press, ۱۹۸۵.

۳۰- Momen, Moojan, An Introduction to Shi'i Islam: The History and Doctrines of Twelver Shi'ism, London: Yale

University Press, ۱۹۸۵.

۳۱- Nakash, Yitzhak, The shi'is of Iraq,

New Jersey, Princeton: Princeton University Press, ۱۹۹۴.

۳۲- Nieuwenhuis, Tom, Politics and Society in Early Modern Iraq, The Hague, ۱۹۸۲.

۳۳- Parasilifi, Andrew, "The military in Iraqi politics," in Joseph A.Kechichian, ed ., Iran,

Iraq and the Gulf

States, New York: Palgrave, ۲۰۰۱.

۳۴- Perry, John, Karim Khan Zand: A History of Iran, ۱۷۴۷-۱۷۷۹, Chicago, ۱۹۷۹.

۳۵- Pinault, David, The Shiites: Ritual and Popular Piety in a Muslim Community, New York: st. Martin's Press, ۱۹۹۲.

۳۶- Simmons, Geoff, Iraq: From sumer to Saddam, New York: st. Martins, ۱۹۹۴.

۳۷- Sluglett, Marion Farouk, and Peter Sluglett, The Transformation of Land Tenure and Rural Social Structure in Central and Southern Iraq, c. ۱۸۷۰-۱۹۵۸, IJMES ۱۵, ۱۹۸۳.

۳۸- Soeterik, Robert, The Islamic Movement of Iraq (۱۹۵۸-۱۹۸۰), Amsterdam: Stichting MERA, ۱۹۹۱.

۳۹- Thesiger, Wilfred, The Marsh Arabs,

London, ۱۹۶۴.

۴۰- Tripp, Charles, A History of Iraq,

Cambridge: Cambridge University Press, ۲۰۰۰.

۴۱- Wallach, Janet, Desert Queen, US: Anchor Books, ۱۹۹۹.

۴۲- Wiley, Joice, The Islamic Movement of Iraqi Shi'as, Boulder, C. O. : Westview Press, ۱۹۹۲.

ARTICLES

١- A. Sami, William, “Shia Political Alternatives in Post War Iraq,” Middle East Policy, V. x, No. ٢, ٢٠٠٣.

٢- Bartis, James, “Iraqi Oil and the Global Economy,” in: www.rand.org .

٣- Barzegar, Kayhan, "Iranian Foreign Policy in the New Iraq," Middle East policy, Vol. XII, No. ٢, Summer ٢٠٠٥.

٤- Barzegar, Kayhan, "The New Iraqi Challenge to Iran," Heartland, No. ١٠, ٢٠٠٤.

٥- Batatu, Hanna, “Iraq’s Underground Shi’a Movements: Characteristics, Causes, and Prospects,” Middle East Journal, No. ٣٥, ١٩٨١.

٦- Benjio, Ofra, “Baghdad Between Shi'a and Kurds,” Washington Institute for Near East Policy, Policy Focus, No. ١٨, February ١٩٩٢.

٧- Carothers, Thomas, '"Is Gradualism Possible? Choosing a Strategy for Promoting Democracy in Middl East." Carnegie Endowment for International Peace, Number ٣٩. June ٢٠٠٣ . in: www.ceip.org .

٨- Carothers. Thomas, "Democracy: Terrorism's Uncertain Antidote," Current Histoiy, December ٢٠٠٣ . in: www.ceip.org

٩ - Carthers, Thomas, "Promoting Democracy and Fighting Terror." Foreign Affairs, Jannuery/ February ٢٠٠٣ . in: www.foreignaffairs.org .

١٠ - Cole, Juan, “Shi'ite Religious Parties Fill Vacuum in Southern Iraq,” Middle East Report Online, April ٢٢, ٢٠٠٣.

١١- Cole, Juan, “The United States and Shi’ite Religious Factions in Post-Ba’thist Iraq”, The Middle East Journal, V. ٥٧, No. ٤, ٢٠٠٣.

١٢ - Cordesman, Anthony, “Security and WMD Issues in a Post - Saddam Iraq”, in: www.csis.org .

١٣- Fuller, Graham, “Islamist Politics in Iraq After Saddam Hussein,” in: www.usip.org .

١٤ - G.Lugar, Richard, “A New Partnership for the Greater Middle East: Combating Terrorism, Building Peace, ” ٢٠٠٤. www.brooking.org .

١٥- H.Gordon, Philip, "Bush's Middle

East Vision." Survival. Vol. ٤٥. No. I. Spring ٢٠٠٣: Reprinted at: www.bruk.edu .

١٦ - Hadian – Jazy, Nasser, “The Imerging Iraqi Polity: A Case For US - Iran Cooperation,” International Interest, Vol. ٢, Issue ٣٢, August ١٣, ٢٠٠٣.

١٧- Hawthorne, Amy, "Can the United

States Promote Democracy in the Middle East," Current History, January ٢٠٠٣. in: www.ceip.org .

١٨ - Hawthorne, Amy, "Middle Eastern Democracy: Is Civil Society the Answer?" Carnegie Endowment for

International Peace. Working Paper No. ٣٥, ٢٠٠٣. in: www.ceip.org.

١٩ - I. Ahram, Ariel, "Returning Exiles to Iraqi Politics", MERIA Journal Staff, in: www.meria.idc.ac.il.

٢٠ - Kessler, Glenn, and Dana Priest, “U.S. Planners Surprised by Strength of Iraqi Shi'ites,”

Washington Post, April

٢٣, ٢٠٠٣.

٢١ - L. Powell, Colin, "A Strategy of Partnerships." Foreign Affairs, January February ٢٠٠٤, p.I; at: www.foreignaffairs.org

٢٢ - L. Windsor, Jenifer, "Promoting Democratization Can Combat Terrorism?" The Washington Quarterly. Summer ٢٠٠٣: at: www. Washington quarterly.com

٢٣ - Laipson, Ellen, and Patric L. Clawson, “After Saddam, What Then For Iraq?” Meeting January ٢٨, ١٩٩٩ by Middle East policy Council, P. ١٢.

٢٤- M. Aziz, T, “The Rise of Mohammad Baqir al-Sadr in Shia Political Activisim in Iraq from ١٩٥٨- ١٩٨٠,” International Journal of Middle East Studies, May ١٩٩٣.

٢٥ - Miller, Judith, and Lowell Bergman, “Iraqi Opposition is Pursuing Ties with Iranians,” New York Times, December ١٣, ٢٠٠٢.

٢٦- Nakash, Yitzhak, “The shi’ites and the future of iraq”, Foreign Affairs, V. ٨٢, No. ٤: pp. ١٧-٢٦, Jul/Aug ٢٠٠٣.

٢٧- Nasr, Vali, “When the Shi'ites Rise,” Foreign Affairs, July/August ٢٠٠٦.

Nasr, Valy, “Regional implication of shi’a revival in Iraq”, The Washington - ۲۸
.Quarterly, V. ۲۷, No. ۳, ۲۰۰۴

Ottaway, Marina, and Thomas Carothers. "The Greater Middle -۲۹

East Initiative: off to a False Start," Carnegie Endowment for International Peace,
. March ۲۹. ۲۰۰۴. p. ۱; at: www.cbip.org

Peimani, Hooman, “The ever-threatening Shi’ite Factor,” Asia Times, April -۳۰

.۲۰۰۳ ,۱۸

. Renner, Michael, “Post Saddam Iraq: Linchpin of a New oil order,” in: www.fpif.org -۳۱

Rice, Condoleezza, "Promoting the National Interest," Foreign Affairs, January/ - ۳۲
. February ۲۰۰۰, p. ۴۶: at: www.foreignaffairs.org

Rodger, shanahan. “Shi’a Political Development in Iraq: The Case of the Islamic - ۳۳
.Da’wa Party," Third world Quarterly, V. ۲۵, No. ۵: pp ۹۵۷- ۹۶۳, ۲۰۰۴

Rubm, Michael. "Iraq has Voted ," Wall Streat Journal, www.meforum.org/ article/ -۳۴
.۶۷۷/January ۳۱ , ۲۰۰۵

Russell, James, “Searching for a Post - Saddam Regional Security Architeciure”, - ۳۵
.Meria Journal, Vo. ۱۷, No. ۱, March ۲۰۰۳

S. Smith, Craig "Groups Outline Plans for Governing a Post-Saddam Iraq,” New - ۳۶
.York Times, December ۱۸, ۲۰۰۲

Satloff, Robert, "The Greater Middle -۳۷

East Partnership: A Work Still Very Much in Progress," The Washington

Institute for Near East Policy. No ۸۳۶, February ۲۵. ۲۰۰۴; at: www.washington/ institule.org.

۳۸- Sean, Foley, “The Gulf Arabs and the New Iraq: The Most to Gain and The Most to Lose?”, Meria Joural.

۳۹- Slavin, Barbara, “Iraq a Harsh Climate to Try to Grow Democracy,” USA Today, November

۱۲, ۲۰۰۲.

۴۰- T. Johnson, David, "American Foreign Policy and the Global Expansion of Democracy," The Royal Institute for International, January ۲۲, ۲۰۰۴. p. ۱: at: www.riia.org.

۴۱- Tamara Cofman, Wittes, "Arab Democracy. American Ambivalence." The Weekly Standard Vol. ۹, Issue ۲۳. February ۲۳. ۲۰۰۴; at: www.weekly/ standard.com.

۴۲- Telhami, Shibley, "U. S. and Middle East: Nurturing Democracy or Breeding Resentment ۲," Speach at the Middle East Institute, January ۲۱, ۲۰۰۴.

۴۳- Trofimov, “Shi'ite Power Struggle Threatens Stability,” The Wall Street Journal, April

۱۷, ۲۰۰۳.

۴۴- Von Hippel, Karin, "Democracy by Force: A Renewed Commitment to Nation Building." The Washington Quarterly, Winter ۲۰۰۰; at: www.washington quarterly.com

۴۵- White House Briefing. "Remarks by President George W. Bush to the United Nations General Assembly." Federal News Service, September ۱۲, ۲۰۰۲.

۴۶- Wolfe, Adam."The Implications of the Delayed Formation of Iraq's Government", ۱
April ۲۰۰۵. www.pinr.com.

۴۷- "Iraq," www.cia.hov/cia/publications/factbook/goes/۱۲.htlm"

۴۸- "Unemployment: One of the Region's Greatest Challenges," Middle East Affairs."
November ۲۰۰۳.

ص: ۳۳۶

OTHER ARTICLES

١- "A Guide to Iraq's Shiite Clerics," in: www.slate.msn.com/id/٢٠٨٢٩٨٠/

٢- "A Third Way in Iraq?," in: www.brookings.edu/views/ ٢٠٠٥٠٩٢٠.

٣- "A Who's Who of Iraqi Shiite leaders," in: www.usatoday.com /news /world /iraq /٢٠٠٣-٠٤-٢٢-shiite-who _x.htm.

٤- "After Saddam: Assessing the Reconstruction of Iraq," in: www.foreignaffairs.org /kenneth-m-pollack.html.

٥- "America encounters the Shiite," in: www.shiaenews.com/ hi/articles/politics/٠٠٠٠٠٣٦٨.php.

٦- "Analysis: Iran's influence in Iraq," in: www.news.bbc.co.uk/middel-east.

٧- "Analysis: Shiite history repeats itself," in: www.washingtontimes.com/upi-breaking/٢٠٠٤٠٤١٢-٠٢٥٦٤٢-٦٦٦١r.htm

.

٨- "Beyond the bullets'a new constitution is The crucial issue for this democracy," in: www.gurdian.co.uk/international/story/٠,,١٤٠٢١٤١,٠٠.html.

٩- "Bush Lauds Iraq Constitution, Warns of More Violence," in: www.bloomberg.com, ٣٠/٠٨/٢٠٠٥

١٠- "Constitution Should Safeguard Iraq's Arab Identity: Saudi Arabia," in: www.thepeninsulaqatar.com, ٣٠/٠٨/٢٠٠٥

١١- "Five Bad Options for Iraq," in: www.brokings.edu/views/articles/byman/٢٠٠٥٠٣٢٢.htm .

١٢- "How best to give Sunni Arabs a stake in the new iraq," in: www.chron.com /cs/CDA/ssistory.mpl/editorial /outlook/٣٠٢١٩٩٧ .

١٣- "How the postwar situation in Iraq went away," in: www.iht.com/articles/٢٠٠٤/١٠/١٨/news/war.php .

١٤- "Iran can play decisive role in Iraq reconstruction: Hakim," in: www.globalescurity.org/wmd/library /news/iraq .

١٥- "Iran flexes is soft power in Iraq," in: www.csmanitor.com/٢٠٠٥/٠٥/٢٠ .

١٦- "Iran in Iraq: How Much Influence?," in: www.crisisgroup.org .

١٧- "Iran Ready to Play Role in Restoring Iraq," in: www.news.scotsman.com .

١٨- "Iran sees positive role in Iraq," in: www.news.bbc.co.uk/middle-east .

١٩- "Iran's influence on Iraq election could cause problems for U.S," in: www.highbeam.com .

٢٠- "Iraq Draft Constitution Appreciated by Iran," in: www.iranmania.com, ٣٠/٠٨/٢٠٠٥

٢١- "IRAQ: Shiite Leaders Not a Threat ,For Now," in: www.ipsenews.net /Africa/interna.asp?idnews=١٩١٠٩ .

٢٢- "Iraq's Constitutional Process Explaind," in: www.washingtonpost.com, ٢٣/٠٨/٢٠٠٥

٢٣- "Iraq's Sunni Challenge," in: www.thestar.com, ٣٠/٠٨/٢٠٠٥.

٢٤- " Iraq's Shiite Clergy push To Get Out The Vote," in: www.washingtonpost.com /wp-dyn/article /A٤١٤٨٣.٢٠٠٤ Dec٦ .htm١ .

٢٥- "Is Iran's touted influence in Iraq extensive or waning?," in: www.collectionagencies.productfinder.com .

٢٦- "Islamist Politics in Iraq after Saddam Hussein," in: www.usip.org/pubs/specialreports/sr١٠٨.pdf .

٢٧- "Next task for Iraqi democracy :Unifying the country," in: www.haaretz.com/hasen/spages/٥٣٣٨٤٤.html .

٢٨- "Post-Saddam Iraq: The Shiite Factor," in: www.brook.edu/views/op-ed/fellows/baram٢٠٠٣٠٤٣٠.htm .

٢٩- "President Bush argues the case for staying in iraq," in: www.news.independent.co.uk/world/americas/article٣٣٤٠٤٣.ece

.

٣٠- "/ President Bush Discusses Importance of Democracy in Middle East," in: Feb ٢٠٠٢ www.whitehouse.gov .

٣١- "Shia Islam, Shiite Muslims and Twelver Muslims," in: www.atheism.about.com/library/FAQs/islam/blfaq _islam _twelver .htm. .

٣٢- "Shiite in Revolt: Why Paul Wolfowitz Is in a State of Shock," in: www.hnn.us/articles/١٤١٣.html .

٣٣- "Shiite Schism," in: www.benadorassociates.com /article/٣١٧ .

٣٤- "Strengthening Iraqi Military and Security Forces," in: www.csis.org /features/iraqstrengtheningforces.pdf .

٣٥- "The balance shifts for Shiite power," in: www.iht.com/articles/٥١٥٩٦٨.htm١

٣٦- "The Declaration of the Shi'a of Iraq," in:

www.al-bab.com/arab/docs/iraq/shi'a, June ٢٠٠٢.

٣٧- "The dilemmas of Iran's policy toward Iraq," in: www.atimes.com/articles/Middle-East.

٣٨- "The Future of Iraq and U.S Occupation," in: www.irc-online.org/content/Chomsky/٢٠٠٥ chomsky - iraq.php.

٣٩- "The Future of Iraq: Democracy,Civil War or Chaos? ," in: www.meforum.org/article/٧٥٩.

٤٠- "The Prospect of a Shiite-Led Iraq Needn't Scare Us," in: www.puk.org/web/htm/news/nws/news ٠٣٠٤١٣a .html.

٤١- "The Shiites of Iraq and America Policy," in: www.aspeninstitute.org/AspenInstitute/files/ccLibrary Files/.

٤٢- "U.S experts try to sort out what role Iran is playing in Iraq," in: www.sfgate.com/national/٢٠٠٤/٠٥/١١/archive/new/article.

٤٣- "U.S Targets Iran's Influence in Iraq," in: www.washingtonpost.com/wn-dvn/articles/A

٨٦٣٥٢٠٠٤-٢٤ Sep.html.

٤٤- "Will A Shiite Split Bring Chaos In Iraq? ," in: www.yahoo .businessweek .com/magazine/content/٠٤٠٠٧/b٣٨٧٠٠٩١ mz٠١٥.htm.

WEBSITES

١- www.abcnews.go.com, September ٩, ٢٠٠٣.

٢- www.acijlp.org/EACIJLP/EHOME.ASP.

٣- www.afp.com, May ١٤, ٢٠٠٣.

٤- ٣-٢/٣/٢٠٠٤ ,www.alarabia.com.

٥- www.albasrah.net/indexlAEhtml.

٦- www.aliraqi.com.

٧- www.aliraqi.org.

٨- www.aljazeera.net, May ١٢, ٢٠٠٣.

٩- www.almendhar.com.

١٠- ١٢/٥/٢٠٠٣ ,www.alqanat.com.

١١- ١١/٥/٢٠٠٣ ,www.alriyadh-np.com.

١٢- www.alternet.org/waroniraq.

١٣- ١١/٥/٢٠٠٣ ,www.al-watan.com.

١٤- www.annahar.com, April ٢٩, ٢٠٠٣.

١٥- ٢/٣/٢٠٠٤ , www.ansa.com.

١٦- ٣-٢٠٠٤/٣/٢, www.ap.org .

١٧- www.back-to-iraq.com .

١٨- www.bits.de/main/archive/irak-١.htm .

١٩- www.brookings.edu .

٢٠- www.cfr.org/reg-index.php?id=٦ .

٢١- www.chathamhouse.org.uk/pdf/researh/mep/iraq

٢٢- ١٠ ,www.cnn.com

٢٠٠٣ ,Nov .

۲۳- www.costofwar.com .

۲۴- www.crisisgroup.org/home/index.cfm?id=۳۳۲۸l=l .

۲۵- www.csis.org .

۲۶- www.csis.org/mideast/index.htm .

۲۷-www.dailywarnews.blogspot.com .

۲۸-www.electroniciraq.net/news .

www.europa.eu.int/comn/externalrelations/iraq/doc

۲۹-.

.

۳۰-۲۰۰۳/۴/۲۰, www.foxnews.com .

۳۱-www.fritirak.dk .

۳۲-www.globalsecurity.org .

۳۳-www.guardian.com.uk/usa .

۳۴-www.heritage.org/Research/MiddleEast/Iraq.cfm .

۳۵-www.ieciraq.org/English/Frameset_english.htm .

۳۶- www.imie.ca .

۳۷- ۳-۲۰۰۴/۳/۲, www.interfax.com .

۳۸- www.ipis.ir .

۳۹- www.irandidban.com .

۴۰- www.iraq.net .

۴۱- www.iraqaction.org .

۴۲- www.iraqdaily.com .

۴۳- www.iraqfoundation.org .

۴۴- www.iraqiein.org/english .

۴۵- www.iraqiein.org/english .

۴۶- www.iraqigovernment.org/index_en.htm .

۴۷- www.iraqjournal.org .

۴۸- www.iraqwatch.org/government .

۴۹- www.iri.org .

۵۰- www.irna.com, May

۱۶, ۲۰۰۳ .

۵۱- www.iwpr.net/index.pl?iraq_ipm_index.html

۵۲- www.merc.ir .

۵۳- www.merln.ndu.edu/MERLN/PFIraq/policyfileiraq.html .

۵۴-www.middleeast-iran.com .

۵۵-www.middleeastnews.com .

۵۶-www.nahrain.com .

۵۷-www.news.bbc.co.uk, September

۹, ۲۰۰۳ .

۵۸- www.Newyork Times.com, ۷ Feb ۲۰۰۵ .

۵۹-۲۰۰۳/۵/۱۲ ,www.newyorktimes.com .

۶۰-www.occupationwatch.org .

۶۱-www.omie.ca .

۶۲-www.reuters.com March

۱۶,۲۰۰۳ .

۶۳- www.riss.ir .

۶۴- www.shistu.org .

٦٥- www.sistani.org .

٦٦- www.spiegel.de, May

١٥, ٢٠٠٣ .

٦٧- www.theiraqmonitor.org/text/view/٢٦٠٣AEhtml .

٦٨- www.un.org/depts/dpa/ead/eadhome.htm .

٦٩- www.uruknet.info .

٧٠- www.usip.org/ library/regions/iraq.html .

٧١- www.voanews.co, August

٩, ٢٠٠٣ .

٧٢- www.voanews.com, Sep

٩, ٢٠٠٣ .

٧٣- www.washingtonpost.com, July

١٣, ٢٠٠٣ .

۷۴- Nov ۲۷ ,www.washpost.com,

۲۰۰۳ .

۷۵- www.washtimes.com, July

۱۵, ۲۰۰۳ .

۷۶- ۲۰۰۳/۵/۱۲ ,www.welt.de .

۷۷- www.whitehouse.gov .

۷۸. www.worldsecuritynetwork.com

ص: ۳۴۴

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹